

الكتاب: مناسك حج (فارسي)
المؤلف: السيد الخميني
الجزء:
الوفاة: ١٤٠٩
المجموعة: فقه الشيعة (فتاوى المراجع)
تحقيق:
الطبعة: الخامسة
سنة الطبع: ١٣٧٠ ش
المطبعة: بنياد شهيد انقلاب إسلامي
الناشر: مؤسسة تنظيم ونشر آثار الإمام الخميني
ردمك:
ملاحظات:

مناسك حج
مطابق با فتاواى
حضرت آية الله العظمى
امام خمينى سلام الله عليه
به ضميمه
ترجمه بعضى از مسائل حج
تحرير الوسيله و حدود ۵۵۰ مسأله جديد

بر لب کوثرم ای دوست ولی تشنه‌ایم. در کنار منی از هجر تو در تاب و تبم

(۲)

پیشگفتار:

بسم الله الرحمن الرحيم

مناسك حاضر كه مطابق است با فتاوی رهبر كبير انقلاب اسلامی و مرجع تقلید شیعیان جهان حضرت آیه الله العظمی امام خمینی مد ظله العالی دارای ویژگیهائی است كه

ذیلا مورد اشاره قرار مگیرد:

۱ - مسائلی از بخش حج تحریر الوسيله ترجمه و در متن آن افزوده شده است.

۲ - حدود ۵۵۰ مسأله جدید كه در اثنای حج و در طی سالهای گذشته مورد نیاز حجاج محترم قرار گرفته و از حوزه استفتاء مستقر در بعثه حضرت امام مد ظله

العالی

سؤال شده، همراه با پاسخ آنها به این مناسك اضافه شده است. و برای آن كه پیدا كردن و

دسترسی به هر يك از مسائل مذکور و هم چنین مسائل متفرقه‌ای كه قبلا در مناسك بوده

آسان تر شود بر حسب تناسب، تفكيك و تحت عنوان مسائل متفرقه در ذیل هر يك از ابواب

و فصول مربوطه گنجانده شده است.

لازم به تذكر است كه حدود يكصد مورد از این سؤال و جوابها در چاپ قبلی يك جا

در پایان كتاب چاپ شده بود كه اکنون در ضمن همین مسائل قرار گرفته است.

۳ - پاره ای از فصول و بخشهای این مناسك با ترتیبی جدید تنظیم شده و برخی از مسائل غیر ضروری حذف و بعضی از تعبیرات و الفاظ با حفظ محتوی و مفهوم،

تغییر

یافته است.

این مناسك بعد از آن كه با ویژگیهای فوق الذکر زیر نظر و بوسیله آیه الله قدیری و همكاری آیه الله خاتم یزدی از اعضاء حوزه استفتاء حضرت امام آماده گردید، به

عرض و

نظر مبارك حضرت امام مد ظله العالی رسید و معظم له پس از ملاحظه و تأیید، اجازه فرمودند به چاپ آن اقدام و در اختیار امت پاسدار اسلام قرار گیرد.

از خداوند متعال توفیق حجاج محترم را در انجام هر چه بهتر مناسك عبادی و

سیاسی حج و تحقق بخشیدن به اهداف والای ای فریضه بزرگ الهی خواستار و
سلامت
و طول عمر با عزت حضرت امام مد ظله را از درگاهش مسئلت م‌داریم.
عید فطر ۱۴۰۷ ه. ق.
رحیمیان

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

بدان که بر هر مکلف که جامع شرائط باشد وجوب حج به دلیل قرآن و احادیث وارده از نبی اکرم و ائمه معصومین (ع) ثابت است. حج یکی از ارکان دین است و از

ضروریات آن بشمار مرود. ترك حج با اقرار به وجوب، یکی از گناهان کبیره و با انکار، موجب کفر است. خداوند متعال در قرآن مجید فرمود:

" و لله على الناس حج البيت من استطاع اليه سبيلا و من كفر فان الله غني عن العالمين "

شیخ کلینی (قده) به طریق معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت نموده که هر کس از دنیا رود و حجة الاسلام را بجا نیاورد بدون این که او را حاجتی ضروری باشد یا آن که به جهت بیمار شدن از آن باز ماند یا آن که پادشاهی از رفتن آن جلوگیری

نماید چنین کس در حال مردن به یهودیت یا نصرانیت از دنیا خواهد رفت. این آیه و این روایت در اهمیت حج و وجوب آن کافی است و روایات بسیاری در این دو قسمت

وارد شده که این مختصر، گنجایش ذکر آنها را ندارد و چون که مستحبات حج، بیش از

آن است که در این رساله بیان شود، لذا به بیان مقداری از آنها اکتفا کرده و بقیه را به

کتب مفصله و امگزاریم که بجا آوردن آنها به امید ثواب اشکالی ندارد و نظر به این که

این مناسک برای فارسی زبانان میباشد و تکلیف آنها عمره و حج تمتع است اکتفا به بیان احکام آنها شد و قبل از شروع در مناسک که مشتمل است بر دو باب و چند فصل

و مسائلی چند، بعض مسائل و شرائط وجوب حجة الاسلام و بعض مسائل نیابت و وصیت به حج و چند مساله دیگر بیان میشود.

مسأله ۱ - حجة الاسلام که حج واجب بر شخص مستطیع است بیش از يك مرتبه در

تمام عمر واجب نیست.

مسأله ۲ - وجوب حج، بر شخص مستطیع فوری است یعنی واجب است در سال اول

استطاعت بجا آورد و تأخیر آن جایز نیست و در صورت تأخیر واجب است در سال بعد انجام دهد و هم چنین...

مسأله ۳ - اگر درك حج، بعد از حصول استطاعت، متوقف بر مقدماتی مثل سفر و تهیه اسباب آن باشد، تحصیل آن واجب است به طوری که در همان سال به حج برسد

و در صورتی که شخص کوتاهی کند و به حج در آن سال نرسد حج بر او مستقر میشود که باید در هر صورت بعداً به حج برود هر چند استطاعت از بین برود.

شرائط وجوب حجة الاسلام

با چند شرط، حج واجب مشهود و بدون وجود تمامی آنها حج واجب نیست.

۱ و ۲ - بلوغ و عقل. پس بر كودك و ديوانه حج واجب نیست.

مسأله ۱ - اگر غير بالغ حج بجا آورد صحيح است، هر چند از حجة الاسلام

كفايت

نمكند.

مسأله ۲ - اگر كودك مميز برای حج محرم شود و در وقت درك مشعر الحرام بالغ

باشد كفايت از حجة الاسلام مكند و هم چنین اگر مجنون قبل از درك مشعر عاقل

شود.

مسأله ۳ - کسی که گمان مکرد بالغ نشده و قصد حج استحبابی کرد و بعد معلوم

شد

بالغ بوده حج او كفايت از حجة الاسلام نمكند مگر در صورتی که قصد وظيفه

فعليه

را نموده و آن را بر حج ندبی اشتباهات تطبيق کرده باشد.

مسأله ۴ - از برای بچه مميز مستحب است حج رفتن، و صحيح است حج او اگر

چه

ولی او اذن ندهد، لکن بعد از بالغ شدن اگر استطاعت داشت باید حج برود و حج

زمان كودكی كافي نیست.

مسأله ۵ - مستحب است ولی طفل غير مميز محرم كند او را و لباس احرام به او

پوشاند، و نیت كند که این طفل را محرم مكنم برای حج یا این طفل را معتمر

مکنم به عمره تمتع، و اگر مشهود، تلبیه را تلقین كند به او، و الا خودش به عوض او

بگوید.

مسأله ۶ - بعید نیست که ولی در این امر کسی باشد که كفیل بچه و نگهدار او

است

اگر چه ولی شرعی نباشد.

مسأله ۷ - بعد از آن که طفل محرم شد یا او را محرم کردند باید ولی، او را از محرمات

احرام باز دارد، و اگر ممیز نیست خود ولی حفظ کند او را از محرمات.

مسأله ۸ - بعد از این که طفل محرم شد اگر محرمات احرام را بجا آورد یا ولی، او را از

آنها باز نداشت کفاره بر ولی طفل است نه بر مال طفل بنا بر اقوی در صید و بنا بر احتیاط واجب در غیر آن نیز.

مسأله ۹ - گوسفند قربانی برای حج بر عهده ولی طفل است.

مسأله ۱۰ - تمام اعمال حج و عمره را باید ولی، طفل را وادار کند که بجا آورد و اگر

نمیتواند ولی او به نیابت طفل بجا آورد.

مسأله ۱۱ - اگر طفل نا بالغ قبل از این که در میقات محرم شود بالغ شد حج او حجة

الاسلام است اگر از همانجا که محرم مشود مستطیع باشد.

۳ - حریت

۴ - استطاعت از جهت مال و صحت بدن و توانائی و باز بودن راه و آزادی آن و وسعت وقت و کفایت آن.

مسأله ۱ - استطاعت از جهت مال یعنی داشتن زاد و راحله که توشه راه و مرکب سواری است و چنانچه عین آنها را ندارد کافی است چیزی مثل پول یا متاع دیگر داشته باشد که ممکن است آن را صرف در تهیه آنها نماید و شرط است که مخارج برگشتن را نیز داشته باشد. و امور دیگری در استطاعت معتبر است که در مسائل آینده بیان میشود.

مسأله ۲ - شرط است در وجوب حج، علاوه بر مصارف رفتن و برگشتن این که ضروریات زندگی و آنچه را در معیشت به آن نیاز دارد داشته باشد، مثل خانه مسکونی و اثاث خانه و وسیله سواری و غیر آن در حدی که مناسب با شأن او باشد و

چنانچه عین آنها را ندارد، پول یا چیزی که بتواند آنها را تهیه کند داشته باشد.

مسأله ۳ - اگر ضروریات زندگی یا پول آنها را در حج صرف کند از حجة الاسلام کفایت نمکند.

مسأله ۴ - کسی که نیاز به ازدواج دارد و برای آن پول لازم دارد، در صورتی مستطیع

مشود که علاوه بر مخارج حج مصارف ازدواج را هم داشته باشد.
مسئله ۵ - کسی که از دیگری طلب دارد، و بقیه شرائط استطاعت را نیز دارا است، اگر وقت طلب او رسیده یا حال است و می تواند بدون واقع شدن در حرج و مشقت،

آن را بگیرد واجب است مطالبه کند و بگیرد و به حج برود، مگر مدیون نتواند پردازد

که در این صورت مطالبه جایز نیست و استطاعت حاصل نمیشود و هم چنین اگر وقت طلب او نرسیده و مدیون بخواهد پردازد لازم است طلبکار آن را بگیرد و مستطیع میشود، ولی اگر مدیون نمخواهد پردازد مطالبه واجب نیست، هر چند با مطالبه حاضر به پرداخت شود.

مسئله ۶ - اگر غیر مستطیع مصارف حج را قرض کند مستطیع نمیشود، هر چند بتواند بعدا به سهولت قرض را اداء کند و اگر با آن حج بجا آورد از حجة الاسلام کفایت نمکند.

مسئله ۷ - کسی که مخارج حج را دارد و بدهی نیز دارد چنانچه بدهی او مدت دار باشد و مطمئن است که در وقت اداء بدهی، تمکن از اداء آن را دارد، واجب است به

حج برود و همچنین در صورتی که وقت اداء بدهی رسیده لکن طلبکار راضی به تأخیر

اداء باشد و بدهکار مطمئن است که در وقت مطالبه میتواند بدهی را اداء نماید و در غیر این دو صورت حج واجب نیست.

مسئله ۸ - کسی که خمس یا زکات بدهکار است در صورتی مستطیع میشود که علاوه

بر آنها مخارج حج را داشته باشد.

مسئله ۹ - کسی که از جهت مالی مستطیع است و از جهت صحت بدن یا باز بودن

راه مستطیع نیست میتواند در مال تصرف کند و خود را از استطاعت مالی هم خارج کند ولی اگر از آن جهات هم استطاعت دارد و فقط وسائل رفتن را تهیه نکرده یا وقت حج نرسیده نمیتواند خود را از استطاعت خارج کند و اگر کرد حج بر او مستقر میشود و باید به هر نحو است به حج برود.

مسئله ۱۰ - اگر در سالی که استطاعت مالی دارد از جهت صحت بدن یا باز بودن راه

استطاعت ندارد و در سالهای دیگر از آن جهات استطاعت پیدا میکند میتواند در

مال تصرف کند و خود را از استطاعت خارج نماید.

مسئله ۱۱ - کسی که استطاعت حج دارد باید خرجهای مقدماتی را از قبیل خرج تذکره و ویزا و ودیعه و آنچه مربوط به حج است بدهد، و این خرجها موجب سقوط

حج نمیشود، ولی اگر استطاعت این نحو مخارج را نداشته باشد مستطیع نیست. مسئله ۱۲ - اگر اجرت ماشین یا هواپیما زیاد باشد یا زیادتر از حد معمولی باشد و همینطور قیمت اجناس در سال استطاعت زیاد باشد یا زیادتر از حد متعارف باشد باید حج برود، و جایز نیست تأخیر از سال استطاعت مگر آن که بقدری زیاد باشد که

موجب حج و مشقت در زندگانی شود.

مسئله ۱۳ - شخص مستطیع اگر پول ندارد لکن ملك دارد باید بفروشد و به حج برود

اگر چه بواسطه مشتری نداشتن به کمتر از قیمت معمولی بفروشد مگر آن که فروش به این نحو موجب حج و مشقت برای او شود.

مسئله ۱۴ - کسانی که کتب زیاد دارند و محل احتیاج آنها نیست و اگر زائد را بفروشند به قدر مؤونه حج میشود و سایر شرایط را نیز دارا باشند واجب است به

حج

بروند، بلکه اگر از کتب موقوفه رفع احتیاج میشود و کتاب ملکی به قدر حج هست واجب است حج بروند به شرط آن که کتابهای موقوفه در معرض زوال نباشد.

مسئله ۱۵ - اگر شك کند که مالی که دارد به اندازه استطاعت هست یا نه احتیاط واجب

آن است که تحقیق کند، و فرقی نیست در وجوب تحقیق میان آن که مقدار مال خود یا

مقدار مخارج حج را نداند.

مسئله ۱۶ - اگر نذر کند که در روز عرفه کربلای معلی یا یکی از مشاهد دیگر را زیارت کند نذرش صحیح است، لکن اگر مستطیع بوده یا در این سال مستطیع شد باید حج برود، و نذر مانع از حج نمیشود، و اگر نرفت حج بر او مستقر میشود، و باید

به نذر عمل کند، و اگر حج رفت تخلف نذر موجب کفاره نمیشود، ولی اگر حج نرفت و به نذر هم عمل نکرد کفاره نذر را باید بدهد.

مسئله ۱۷ - اگر رفتن حج موجب ترك واجب یا فعل حرامی میشود باید ملاحظه اهمیت حج یا حرام و واجب را کرد، اگر حج اهمیتش بیشتر است باید برود، و الا

نباید برود، لکن اگر رفت و حرامی بجا آورد یا واجبی را ترك کرد معصیت کار است ولی حج او صحیح است.

مسأله ۱۸ - اگر با اعتقاد به این که مستطیع نیست، قصد حج استحبابی کند و بعد معلوم شود که مستطیع بوده کفایت از حجة الاسلام نمکند مگر در صورتی که قصد وظیفه فعلیه نموده باشد و اشتباها آن را بر حج استحبابی تطبیق کرده باشد.

مسأله ۱۹ - اگر شخص، زاد و راحله ندارد ولی به او گفته شد که حج بجا آور و نفقه تو و عائله ات بر عهده من، با اطمینان بوفاء و عدم رجوع باذل، حج واجب میشود و این حج را بذلی مگویند و در آن رجوع به کفایت که از شرائط وجوب است شرط نیست بلی اگر قبول بذل و رفتن به حج موجب اخلال در امور زندگی او شود واجب نیست.

مسأله ۲۰ - اگر مالی که برای حج کفایت میکند را به او ببخشند برای این که حج بجا آورد باید قبول کند و حج بجا آورد و همچنین اگر واهب بگوید مخیری بین این که حج بجا آوری یا نه. ولی اگر اسم حج را نیاورد و فقط مال را به او ببخشد قبول واجب نیست.

مسأله ۲۱ - باذل میتواند از بذلش بر گردد ولی اگر در بین راه باشد باید نفقه برگشتن او را بدهد و اگر بعد از احرام رجوع کند باید نفقه اتمام حج را نیز پردازد.

مسأله ۲۲ - پول قربانی در حج بذلی بر عهده باذل است ولی کفارات بر عهده او نیست و اگر پول قربانی را بذل نکند حج واجب نمیشود مگر در صورت وجود شرائط دیگر استطاعت.

مسأله ۲۳ - کسی که در راه حج برای خدمت اجیر شود به اجرتی که با آن مستطیع میشود حج بر او واجب میشود هر چند اجاره بر او واجب نبوده است ولی بعد از آن مستطیع میشود و باید حج بجا آورد.

مسأله ۲۴ - کسی که برای نیابت از دیگری اجیر شد و با اجرت آن مستطیع گشت در صورتی که استیجار برای سال اول باشد باید حج نیابی را مقدم بدارد و چنانچه

استطاعت او تا سال بعد باقی بماند برای خودش در سال بعد حج بجا آورد.

مسأله ۲۵ - شرط است در استطاعت که مخارج عائله‌اش را تا برگشت از حج داشته

باشد هر چند عائله واجب النفقه او نباشند.

مسأله ۲۶ - شرط است در استطاعت رجوع به کفایت یعنی بعد از برگشت از حج تجارت یا زراعت یا صنعت یا منفعت ملك مثل باغ و دکان داشته باشد بطوری که برای زندگانی بشدت و حرج نیفتد و اگر قدرت بر کسب لائق به حالش هم داشته باشد

کافی است و اگر بعد از مراجعت نیاز به مثل زکات و خمس و سایر وجوه شرعیه داشته باشد کفایت نمکند بنابر این بر طلاب و اهل علمی که در بازگشت از حج نیاز

به شهریه حوزه‌های علمیه دارند حج واجب نیست.

مسأله ۲۷ - شرط است در وجوب حج استطاعت بدنی و استطاعت از جهت باز بودن راه و استطاعت زمانی پس بر مریضی که قدرت رفتن به حج ندارد یا بر او حرج و مشقت زیاد دارد واجب نیست و بر کسی که راه برای او باز نیست یا وقت تنگ است بطوری که نمیتواند به حج برسد نیز واجب نیست.

مسأله ۲۸ - اگر با وجود شرائط استطاعت حج را ترك کرد حج بر او مستقر میشود و باید بعدا به هر نحو میتواند به حج برود.

مسأله ۲۹ - مستطیع باید خودش به حج برود و حج دیگری از طرف او کفایت نمکند

مگر در مورد مریض یا پیر به شرحی که بعدا بیان میشود.

مسأله ۳۰ - کسی که خودش مستطیع است نمیتواند از طرف دیگری برای حج نائب

شود یا حج استحبابی بجا آورد و اگر حج نیابی یا استحبابی بجا آورد باطل است. مسأله ۳۱ - کسی که حج بر او مستقر شد و بجا نیاورد تا فوت شد باید از ترکه او برای او حج بدهند و حج میقاتی کفایت میکند و تا حج او را ندهند ورثه نمیتوانند در ترکه تصرف نمایند و لازم است در همان سال فوت، حج را اداء نمایند و تأخیر از

آن جایز نیست و چنانچه در آن سال استیجار ممکن نباشد مگر از بلد، لازم است از بلد اجیر بگیرند و از اصل ترکه خارج میشود و هم چنین اگر در آن سال از میقات نتوانند اجیر بگیرند مگر به زیادت از اجرت متعارف لازم است اجیر بگیرند و تأخیر نیندازند و اگر وصی یا وارث اهمال کنند و تأخیر بیندازند و ترکه از بین برود

ضامنند بلی اگر میت تر که نداشته باشد، بر وارث، حج او واجب نمیشود.

مسائل متفرقه استطاعت

مسأله ۱ - اگر زنی شوهرش از دنیا برود و در حیات شوهرش استطاعت مالی نداشته باشد و بعد از مردن او از ارث شوهر، استطاعت مالی پیدا کند ولی از جهت مرض نتواند به حج برود در صورتی که مرض او به نحوی است که قدرت بر رفتن به حج ندارد مستطیع نشده و حج بر او واجب نیست و همچنین اگر بعد از مردن شوهر، شغل یا زراعت یا صنعتی که بتواند بعد از برگشتن از حج، زندگی خود را اداره کند نداشته باشد مستطیع نمیشود هر چند ارثی که برده برای رفتن به حج و برگشتن کافی باشد.

مسأله ۲ - زنی که مهریه اش وافی برای مخارج حج هست و آن را از شوهر خود طلبکار است اگر شوهرش تمکن از اداء آن را ندارد، زن حق مطالبه ندارد و مستطیع نیست و اگر تمکن دارد و مطالبه آن برای زن مفسده ای ندارد با فرض این که شوهر نفقه و مخارج زندگی زن را مدهد لازم است زن، مهریه را مطالبه کند و به حج برود

و چنانچه برای او مفسده دارد مثل این که ممکن است مطالبه به نزاع و طلاق منجر شود که برای زن مفسده دارد، مستطیع نشده است.

مسأله ۳ - با وجوه شرعی مثل سهم امام و سهم سادات، شخص مستطیع نمیشود و اگر به مکه برود کفایت از حجة الاسلام نمیکند.

مسأله ۴ - اگر کسی منزل گران قیمتی دارد و در صورتی که آن را بفروشد و منزل ارزانتر بخرد و با تفاوت قیمت آن بتواند به حج برود، چنانچه منزلی که دارد زائد بر شئون او نباشد لازم نیست آن را بفروشد و با این فرض مستطیع نیست و اگر زائد بر شئون او باشد با وجود سایر شرائط مستطیع است.

مسأله ۵ - کسی از راه کسب یا غیر کسب مخارج رفتن و برگشتن حج را دارد و بعد از برگشتن از حج مقداری از مؤنه زندگی خود را از در آمد کسب مثل منبر و بقیه

را از شهریه ای که از وجوه شرعیه است تأمین میکند اگر در راه اداره زندگی بعد از

مراجعت از حج نیاز به شهریه داشته باشد مستطیع نیست.
مسئله ۶ - اگر کسی زمین یا چیز دیگری را بفروشد که منزل مسکونی تهیه کند در صورت نیاز به منزل مسکونی مستطیع نمیشود هر چند پولی که بدست آورده برای مخارج حج کافی باشد.

مسئله ۷ - اگر شخصی از سالهای قبل مستطیع بوده و فعلاً مسافرت با هواپیما به جهت

کسالت برای او مقدور نباشد و غیر از هواپیما وسیله دیگری برای او فراهم نباشد نمیتواند نائب بگیرد و باید در وقت تمکن به حج برود و اگر متمکن نشد تا فوت شد

باید از ترکه او برای او حج بدهند و اگر از سالهای قبل استطاعت نداشته در فرض مزبور مستطیع نشده است.

مسئله ۸ - هر گاه زنی با کسب میتواند مخارج خویش را متکفل شود و مخارج حش را نیز دارد و در صورت رفتن او به حج، شوهرش برای مخارج به زحمت مافند اگر به زحمت افتادن شوهر، موجب حرج برای زن نباشد مستطیع است و باید به حج برود و به زحمت افتادن شوهر، مانع استطاعت زن نمیشود.

مسئله ۹ - کسی که در محل خودش مستطیع نیست واجب نیست به حج برود هر چند

استطاعت حج میقاتی را داشته باشد، ولی اگر رفت و وقتی به میقات رسید استطاعت حج از آنجا را با همه شرایط دیگر داشت مستطیع میشود و کفایت از حجة الاسلام میکند.

مسئله ۱۰ - کسی که بعد از استطاعت مالی بدون تأخیر، سعی در رفتن به حج داشته و

در قرعه کشی شرکت نموده و از جهت این که قرعه به نامش اصابت نکرده نتوانسته به حج برود مستطیع نشده و حج بر او واجب نیست ولی اگر مسامحه کرد و تأخیر نمود و در سال های بعد در قرعه کشی شرکت کرد حج بر او مستقر شده است هر چند

قرعه بنام او اصابت نکند.

مسئله ۱۱ - کسی که برای حج نیابتی، اجیر شده و بعد در همان سال استطاعت مالی

پیدا کرده چنانچه برای حج در آن سال اجیر شده باشد باید حج نیابتی را بجا آورد و

اگر استطاعت او باقی ماند، حج خودش را در سال بعد انجام دهد.

مسأله ۱۲ - در حصول استطاعت فرقی نیست بین این که در شهر حج یعنی شوال و ذیقعه و ذیحجه مال پیدا کند یا قبل از آن، بنابر این اگر استطاعت مالی پیدا شود و استطاعت بدنی و سایر شرائط موجود باشد نمیتواند خود را از استطاعت خارج کند، حتی در اوائل سال و قبل از ماه های حج.

مسأله ۱۳ - خدمه کاروانها که وارد جده میشوند اگر سایر شرایط استطاعت را دارند از

قبیل داشتن وسایل زندگی بالفعل یا بالقوه و رجوع با کفایت، مثلا کار و صنعت و غیر آن

که با آنها میتوانند پس از مراجعت ادامه زندگی مناسب خود را بدهند مستطیع هستند و

باید حجة الاسلام بجا آورند و کفایت از حج واجب آنان میکند، و چنانچه سایر شرایط را

ندارند به مجرد امکان حج، برای آنان استطاعت حاصل نشده است و حج آنان استحبابی

است و چنانچه بعدا استطاعت پیدا کردند باید حج واجب را بجا آورند، و حکم روحانی

کاروان نیز همین است لکن اگر بعد از مراجعت از مکه نیاز به شهریه حوزه دارند مستطیع

نمیشوند.

مسأله ۱۴ - پزشکان یا کسان دیگری که با مأموریت به میقات آمده اند و در میقات جامع

شرایط استطاعت هستند، واجب است حجة الاسلام بجا آورند هر چند که لازم است

مأموریت خود را نیز انجام دهند.

۱۵ - س - کسی در مدینه مریض شده (سکته کرده) و فعلا در بیمارستان است و دکترها گفته اند که باید تا دو هفته استراحت کند، آیا بعد از مدت استراحت در

صورتی که

حمل او برای انجام دادن اعمال مشکل باشد اگر او را به مکه ببرند وظیفه این شخص

چیست؟

ج - اگر سال اول استطاعت او است و قدرت اعمال حتی به نحو اضطراری را ندارد از استطاعت افتاده و حج بر او واجب نیست ولی برای دخول مکه باید محرم

شود و

با انجام اعمال عمره مفرده ولو اضطراری آن از احرام خارج میشود، و چنانچه سال اول استطاعت او نباشد و حج بر او مستقر شده اگر مأیوس از خوب شدن باشد باید نایب بگیرد که برایش عمره و حج تمتع انجام دهد و خودش برای دخول مکه محرم شود و عمره مفرده به طوری که ذکر شد به جا آورد، و چنانچه برای این شخص انجام اعمال حج تمتع ممکن باشد ولو به نحو اضطرار و انجام اضطراری اعمال، لازم است محرم شود و هر مقدار از

اعمال را که متواند ولو با کمک گرفتن از دیگری انجام دهد، و هر مقدار را که نمتواند،

نایب بگیرد ولی در وقوفین گرفتن نایب کافی نیست.

۱۶ - س - کسی که احتمال مدهد حجی که در سالهای قبل انجام داده، صحیح نبوده یا مستطیع نبوده است و فعلا شرایط استطاعت را دارد و بخواهد احتیاط کند، حج را

به چه نیتی بجا آورد؟

ج - متواند قصد ما فی الذمه یعنی قصد امتثال مطلق امر متوجه به او را کند و متواند قصد حجة الاسلام احتیاطا نماید.

۱۷ - س - شخصی که حج واجب خود را انجام داده است آیا متواند آن را به قصد ما فی الذمه اعاده کند؟

ج - مانع ندارد ولی اعاده حج کفایت از اجزاء - در صورت صحت حج سابق و بطلان

اجزاء - نمکند و باید خود آن جزء تدارک شود.

۱۸ - س - کسی که با وجود تقلید صحیح قبلا به حج مشرف شد و چون رجوع به

کفایت را مجتهد و شرط استطاعت نمدانسته حجة الاسلام قصد نموده و بجا آورده است

با این که رجوع به کفایت نداشته است، فعلا همه شرایط استطاعت برای او موجود است و

از حضرت امام تقلید مکند آیا باید حج سابق را اعاده کند یا خیر؟

ج - اعاده لازم است.

۱۹ - س - شخصی بعد از انجام عمره تمتع مریض شد و از انجام حج منصرف شد و به ایران رفت و در مکه کسی را وکیل کرده که برای فراغ ذمه او اقدام نماید، وظیفه در

این مورد چیست و آیا محرمات احرام بر چنین شخصی چه وضعی دارد؟

ج - در فرض مسأله، وکیل گرفتن بفایده است و چنانچه سال اول استطاعت او بوده است و در اثر مرض از قدرت انجام حج افتاده باشد در این صورت و جواب حج بر او

موقوف است به بقاء استطاعت تا سالهای بعد، ولی در صورتی که سال اول استطاعت

نبوده و حج بر او از قبل واجب بوده است چنانچه میوس از خوب شدن باشد باید در همان

سال یا سال بعد برای حج و عمره تمتع نایب بگیرد، و در صورتی که مأیوس از خوب شدن نباشد نایب نمیتواند بگیرد و باید خودش حج و عمره تمتع را مجدداً انجام دهد، و در هر صورت فعلاً از احرام خارج و محرمات احرام بر او حلال شده است.

۲۰ - س - در حال حاضر که هر کسی بخواهد حج مشرف شود باید قبلا برای ثبت

نام و مقدمات حج اقدام نماید، اگر کسی ثبت نام کرد ولی نوبت او را برای چند سال دیگر اعلام نمودند، اگر قبل از رسیدن آن نوبت، از راه دیگر وسیله رفتن برای او فراهم شد و

پول قرض کرد و به مکه رفت، آیا حج او حجة الاسلام است یا خیر؟
ج - اگر قبلا بر او مستقر نشده و فعلا هم نمیتواند به حج برود مگر با قرض، حج بر او واجب نشده است، و حج او حجة الاسلام نیست.
۲۱ - س - اگر کسی به خیال این که استطاعت دارد به قصد عمره تمتع محرم شد و

به ترتیب کلیه اعمال حج تمتع حجة الاسلام را انجام داد و بعد از تمام شدن اعمال معلوم شد که مستطیع نبوده است، بفرمائید احرام و اعمال گذشته‌اش چگونه است، و نسبت به آینده

اگر مستطیع شد، آیا حجة الاسلام بر او واجب است یا نه؟
ج - محرم نیست، ولی اگر مستطیع شد باید حجة الاسلام بجا آورد.
۲۲ - س - کسی خیال مکرد مستطیع نیست، به نیت استحباب محرم شد و اعمال عمره تمتع را انجام داد، بعد در مکه پرسید، معلوم شد مستطیع بوده است، آیا مجددا باید به

نیت وجوب، محرم شود یا کافی است؟
ج - کفایت نمکند، و در صحت حج ندبی او تأمل است.
۲۳ - س - شخصی برای زیارت سوره ثبت نام کرده است و فعلا سه هزار روپیه بدست آورده است و خرج حج بیت الله هم همین مقدار میشود، آیا رفتن حج واجب است یا میتواند به زیارت سوره برود.

ج - اگر سایر شرایط استطاعت را داشته باشد باید به حج برود.
۲۴ - س - در قباله های کنونی برای ازدواج، مبلغ زیادی نوشته میشود، آیا زنی که میخواهد ازدواج کند طبق برنامه مذکور واجب الحج میشود یا خیر، ضمنا مشخص فرمائید مبلغ چقدر باشد بهتر است؟

ج - اگر بدون مفسده بتواند مهر را بگیرد و به حج برود مستطیع است، و مهر السنة بهتر است و استحباب دارد.

۲۵ - س - اگر پدری بعد از ثبت نام برای حج فوت کرده است و چند پسر دارد،

و
اجازه حج به یکی از پسران داده میشود آیا در چنین موردی استطاعت طریق برای
کدام

حاصل میشود؟

ج - با فرض وجود سایر شرایط استطاعت، به هر کدام اجازه داده شود مستطیع میشود.

۲۶ - س - پدری برای حج ثبت نام کرده است و در وصیتش گفته است که برایش حج مستحبی بجا آورند، و پسر بزرگتر چون دیده خودش استطاعت بدنی و مالی دارد، و

فقط استطاعت طریقی نداشته که آن هم با فوت پدر برایش حاصل شده به نیت خود حج را

انجام داده، نه به نیابت از پدر، آیا حج او صحیح است یا نه؟ چون استطاعت طریقی نداشته

مگر از طریق نیابت؟

ج - فرض مزبور نیابت نیست، و حج خودش صحیح و مجزی است.

۲۷ - س - مسلمین بعضی از کشورهایی که حکومتشان کمونیستی است، مانند حکومت فعلی افغانستان، اگر بخواهند حج بروند باید مبلغ زیادی به آن حکومت کمک

کنند و قهرا این پول برای تقویت چنین حکومتی مصرف میشود، در صورتی که راه منحصر به این کار باشد آیا اولاً حج بر چنین اشخاصی واجب است یا نه و ثانیاً اگر این

مقدار پول را بدهند و به حج بروند از حجة الاسلام کفایت میکند یا نه؟

ج - آنچه ذکر شد موجب سقوط حج نمیشود.

۲۸ - س - زنی برای حج ثبت نام کرده است، ولی شوهرش که او هم استطاعت داشته به عللی ثبت نام ننموده است، آیا زن میتواند شرعاً نوبت خود را به شوهرش بدهد

به این امید که در آینده هر دو با هم ثبت نام نمایند یا نه؟

ج - اگر زن مستطیعه است نمیتواند نوبت خود را به شوهرش بدهد، ولی اگر نوبت را به او داد حج شوهر صحیح است.

۲۹ - س - من با داشتن بیست هزار تومان قرض و گرفتن يك ماه حقوق قبل از پرداخت آن، موفق به سفر حج شدم، با توجه به این که شخص طلبکار از این سفر حج کاملاً

راضی و به پولش احتیاج ندارد، آیا این حج واجب محسوب میشود یا نه؟

ج - اگر استطاعت مالی از برای شما محقق بوده، در فرض مزبور حج شما صحیح و حج واجب محسوب است، به شرط آن که امکان ادای بدهی بعداً به سهولت برای شما

فراهم باشد. ولی اگر با قرض برای حج استطاعت مالی پیدا کرده اید مستطیع نشده‌اید و از

حجة الاسلام محسوب نمیشود.

۳۰ - س - اگر کسی مستطیع شد، آیا میتواند مال خودش را به پدر یا مادر ببخشد

و

خرج سفر حج ایشان نماید، و اگر چنین کرده است، تکلیفش چیست؟
ج - اگر شخصا مستطیع است باید حج بجا آورد، و با بخشش پول به والدین، تکلیف

از او ساقط نمیشود، و در صورتی که بخشش پول به والدین نتواند حج واجب بر خود

را بجا آورد بخشش جایز نیست، اگر چه صحیح است.

۳۱ - س - اشخاصی که در وقت اسم نویسی برای حج، استطاعت مالی دارند و از طرف دولت برای پنج سال یا بیشتر اسم منویسند، آیا برای این گونه اشخاص اسم نویسی

واجب است یا نه؟ و بر فرض وجوب اگر مسامحه کردند و ننوشتند و بعد از مدت پنج سال

مردند یا از استطاعت مالی افتادند، فقط ترك واجب کرده اند یا این که حج هم بر آنان

مستقر است؟

ج - اگر احتمال دهند که قرعه در همان سال اول به نامشان بیرون می آید لازم است

شرکت کنند، و اگر شرکت نکردند باید به حج بروند، و حکم کسی را دارند که حج بر او

مستقر است.

۳۲ - س - اینجانب با شرایط زیر طبق قرعه کشی سازمان حج و زیارت ان شاء الله در سال ۱۳۶۶ عازم بیت الله الحرام هستم:

۱ - هزینه کامل زیارت خود و همسرم از پول مخمس تهیه شده است.

۲ - معلم آموزش و پرورش بوده و حقوق مستمر در حد معمول زندگی با قناعت را دریافت مدارم.

۳ - فاقد مسکن و اتومبیل شخصی بوده و در هر شهری که شاغل باشم، مستأجر هستم.

۴ - وسائل زندگی را در حد معمول دارا میباشم.

با توجه به شرائط فوق و شبهاتی که نسبت به وجوب حج و عدم آن از اطراف القاء میشود

آیا حج اینجانب و همسرم از حج واجب کفایت میکند یا خیر؟

ج - در فرض مرقوم چنانچه همسر شما به مقدار رفتن و برگشتن برای حج پول دارند و میتوانند بروند، مستطیع هستند، و شما در صورتی استطاعت دارید که لوازم

زندگی خود و عائله را به مقدار شأنتان دارا باشید، و بعد از برگشتن بتوانید با در آمد کسب

خودتان زندگی خود و عائله را اداره کنید.

۳۳ - س - اگر شخصی مستطیع بود و در رفتن به حج مسامحه کرد تا نوبت او از دست رفت، حال که اسم نم نویسد آیا با واسطه و سفارش در ایران یا خارج از ایران و با

صرف مبالغی زیاد، جائز است به حج مشرف شود یا خیر؟ زیرا در غیر این صورت سالها

فریضه او تأخیر مافتد و خوف این را دارد که خدای ناکرده از تارکین حج به حساب آید؟

ج - باید به هر نحو هست و بر خلاف مقررات جمهوری اسلامی نیست به حج مشرف شود.

۳۴ - س - شخصی قبلا حج بر او مستقر نشده، اما در موقع ثبت نام جهت حج تمتع

مستطیع بوده و ثبت نام نموده، ولی بعدا از نظر مالی محتاج شده، و احتیاج به پول سپرده

شده در بانک را دارد، بفرمائید میتواند پول را پس بگیرد یا خیر؟ و چنانچه در سال اول یا

سالهای بعد قرعه به نام او اصابت کند، فرق دارد یا نه؟

ج - با فرضی که ذکر شده مستطیع نیست و می تواند پول را بگیرد، و فرق ندارد.

۳۵ - س - پدرم در سال ۱۳۶۰ برای زیارت خانه خدا مستطیع شد و در سال ۱۳۶۲

جهت زیارت خانه خدا به مکه مشرف شد، ولی بعد از احرام بستن، بین راه سگته و فوت

کرد و هیچ گونه عملی را انجام نداد، آیا حج به گردنش میباشد یا خیر؟

ج - اگر بعد از دخول حرم مرده، حج از او ساقط شده است، و اگر قبل از دخول حرم فوت کرده، در صورتی حج واجب نیست که سال اول استطاعت او باشد.

۳۶ - س - شخصی دارائی او قریب هفتصد و پنجاه هزار تومان از اصل ملك و خانه که ارث از پدرش به او رسیده میباشد به اضافه این که يك باب منزل مسكونی

هم

دارد، اکنون که نامبرده در اثر سانحه ای از دنیا رفته است دارای يك همسر و دو بچه صغیر

مباشد که معاش آنان از در آمد همین املاك مذکور تأمین میشود، آیا شخص متوفی

مستطیع بوده یا خیر؟ و در صورت وجوب حج آیا حج بلدی گرفته شود یا میقاتی کفایت

مکند؟ و آیا میشود مخارج حج از کل ترکه پرداخت گردد؟

ج - چنانچه شخص متوفی در حال حیات خرج رفت و برگشت خود و عیالاتش را داشته و در برگشتن هم در آمد لایق به حال خود و خانواده را داشته و متوانسته به مکه برود و

تأخیر انداخته، مستطیع بوده، و چنانچه وصیت نکرده حج میقاتی از اصل تر که خارج مگردد.

۳۷ - س - شخصی که حج بجا آورده، لکن چون امرار معاش او از وجوه و امثال آن بوده و آن زمان نیز متذکر مسأله مربوط به عدم استطاعت چنین شخصی نشده و گمان

کرده که حج واجب خود را انجام داده است، پس از آن و در حال استطاعت قطعی نیابتا

حج بجا آورده است، آیا حج نیابتی وی صحیح است یا باید پس از انجام حج واجب مستقر

خودش، نیابت را تکرار کند؟

ج - چنانچه در وقت انجام حج اولی مستطیع نبوده، با فرض حصول استطاعت در زمان حج ثانی، حج نیابتی باطل است و حج خود را باید انجام دهد، و حج نیابتی را اگر

وقت آن موسع بوده بعد از حج خودش انجام دهد، و در غیر این صورت به صاحب پول

مراجعه کند.

۳۸ - س - کسی که واجب الحج بوده از پاکستان عازم حج شد و در مدینه منوره بیمار گردید و در حال بیماری به طرف مکه رهسپار شد و در بیمارستان مکه قبل از حج

وفات نموده، تمام دارائیش در وقت فوت، مقداری پول و قطعه زمینی در پاکستان بوده است،

با توجه به این که پول موجودش برای نیابت حج او کفایت نمکند، آیا ورثه‌اش باید زمین را

بفروشدند و برایش نایب بگیرند، و یا این که با فوت او حج ساقط میشود؟ اجرکم علی الله

ج - اگر با احرام عمره تمتع داخل مکه شده و پیش از انجام یا اکمال اعمال عمره یا بعد از انجام آن فوت نمود، همان مقدار عمل او مجزی و حج از او ساقط است،

ولی اگر

بدون احرام عمره وارد مکه شد و در آنجا فوت نمود در صورتی که حج بر او قبلا مستقر

بوده، باید از اصل تر که او برایش نایب بگیرند. و حج میقاتی کفایت میکند.

۳۹ - س - اینجانب در موقع ازدواج يك سفر حج به زوجه ام وعده داده‌ام، آیا ادائش چگونه میباشد؟

ج - اگر مجرد وعده بوده است، لازم نیست ادای آن. و اگر مهر قرار داده شده باید به آن عمل کند.

۴۰ - س - اینجانب که به علت کهولت سن و بالا بودن قند خون و امراض دیگر قادر به انجام فریضه حج نمباشم، آیا میتوانم نیابتاً از طرف خود کسی را حج بفرستم یا

خیر؟

ج - اگر قبلا از جمیع جهات مستطیع بوده اید، و لیکن اقدام بر انجام حج نکرده اید و

در نتیجه حج بر شما مستقر شده و فعلا در اثر پیری یا بیماری که امید خوب شدن نباشد

تمکن از سفر حج ندارید واجب است کسی را نایب بگیریید تا برای شما حج بجا آورد.

۴۱ - س - شخصی پدرش وصیت کرده است که فرزندش از جانب او حج بجا آورد، بعد از مرگ پدر، فرزند مستطیع مشود. آیا لازم است حج خود را بر حج پدر مقدم

بدارد، و اگر حج خود را مقدم بدارد آیا صحیح است یا نه؟

ج - اگر قبل از آن که پسر مستطیع شود، پدر او را اجیر کرده که بعد از فوت او در

سال اول حج برای پدر انجام دهد یا نسبت به مدت، مطلق بوده که منصرف به سال اول

است و پسر قبل از استطاعت خود اجاره را قبول کرده، لازم است سال اول بعد از فوت

پدر حج نیابی برای پدر انجام دهد. و در غیر این صورت باید برای خودش حج کند. و در

صورت اول اگر برای خودش حج بجا آورد صحیح است، گرچه در مخالفت اجاره معصیت کرده است. ولی در صورت دوم اگر حج نیابی بجا آورد صحیح نیست، و نه برای

خودش واقع مشود و نه برای پدرش، و حج بر خودش مستقر مشود که باید به هر نحو

شده در سال بعد اتیان کند و اگر بجا نیورد در سالهای بعد با مراعات فوراً ففوراً انجام

دهد. و باید معلوم باشد که مجرد وصیت به حج بدون استیجار فرزند، نیابت را بر او واجب

نمکند هر چند وصیت را قبول کرده باشد. بنابراین در فرض استطاعت فرزند بعد از فوت

پدر باید برای خودش حج بجا آورد و نیابت صحیح نیست.

۴۲ - س - خانم خانه داری که حج بر او واجب شده است و شوهرش اجازه

مسافرت به تنهایی را نمدهد و می گوید چون برای حج اسم مرا ننوشته ای من هم

اجازه

نمدهم، وظیفه اش چیست و آیا بدون اجازه شوهر میتواند به حج برود یا نه؟
ج - در سفر حج واجب، برای زن اجازه شوهر شرط نیست و زن باید حج واجب
خود را بجا آورد ولو این که شوهر او راضی به مسافرت او برای حج نباشد.
۴۳ - س - شخصی طبق وصیت پدر که پول به حساب سازمان حج واریز کرده
است به نیابت او به مکه آمده در حالی که خود فرزند نیز استطاعت مالی داشته است
آیا به

نیابت پدر حج بجا آورد، یا حج خود را انجام دهد؟

ج - اگر راه برای پسر باز نبوده و از جهت نوبت پدر و نیابت از او راه برای او باز شده است باید برای پدرش حج کند، مگر آن که تبرعا و بدون اجاره به نیابت پدر آمده باشد،

که در این صورت مستطیع شده و باید برای خودش حج بجا آورد، و گذشت که به مجرد

وصیت و قبول فرزندی، نیابت واجب نمیشود مگر آن که قبل از استطاعت اجیر شود.

۴۴ - س - شخص بجز برای هدی، استطاعت حج را دارا است، آیا حج برای او واجب است؟

ج - بلی مستطیع است و پول هدی، جزء استطاعت نیست.

۴۵ - س - اینجانب سال گذشته به حج مشرف شده ام و با توجه به فتوای حضرت عالی که فرموده‌اید طلابی که به شهریه حوزه نیاز دارند مستطیع نیستند و در صورتی مستطیع میشوند که از وجوه شرعیه مستغنی باشند، لذا اینجانب مقدار پولی با افراد ذیحق

(پدر و همسایه) مبادله و دستگردان کردم و به عنوان این که نسبت به بنده ذیحق هستند به

آنان بخشیدم و ایشان آن را جهت مخارج حج به من برگرداندند، من هم در تمام اعمال و

مناسك حج نیت حجة الاسلام کردم، آیا این حج برای اینجانب کفایت از حجة الاسلام

مکند یا نه؟ ضمنا لازم به تذکر است که در ثبت نام عمومی سال ۱۳۶۰ پول به حساب

ریختم و آن موقع فتوای فوق را ندیده بودم و پولی که دستگردان شده بود جایگزین آن پولی

که در حساب واریز کرده بودم قرار گرفت، بفرمائید آیا عین پول مبذول باید هزینه باشد یا

بذل آن کافی است؟

ج - در فرض سؤال احوط آن است که بعدا اگر استطاعت پیدا کردید حج را اعاده نمائید.

۴۶ - س - شخصی قدرت مسافرت حج را ندارد و از قادر شدن بعد هم مأیوس است و استطاعت مالی هم ندارد، اگر به او بذل نفقه حج نمایند آیا باید قبول کند و نایب

بگیرد یا این که قبول واجب نیست، و نیز اگر او را مهمان کنند حج واجب میشود تا استنابه

کند یا خیر؟

ج - در فرض مرقوم حج واجب نیست.

۴۷ - س - اگر در میقات مستطیع شد و حجة الاسلام بجا آورد، مجزی است یا نه

و

آیا در فرض مسأله رجوع به کفایت، شرط است یا نه؟

ج - اگر مستطیع شده، مجزی است، ولی رجوع به کفایت شرط است.
۴۸ - س - شخصی که استطاعت رفتن به حج را پیدا کرده، آیا میتواند پول حج را به مصرف لازمی در غیر مؤونه خود و افراد واجب النفقه اش خرج کند و خود را از استطاعت بیندازد مثلا آیا میتواند در شرایط کنونی کشور خرج جبهه کند؟

ج - مستطیع باید به حج برود، و دادن پول در مصارف مذکور کافی از حج واجب نیست، و اگر خرج کند و از استطاعت بیفتد، باید به هر نحو هست به حج برود.

۴۹ - س - در مواردی که نهاد یا ارگانی فردی را به حج مفرستد، بدون این که ملزم

باشد کاری انجام دهد، آیا از موارد حج بذلی است یا خیر؟ و قبول آن واجب است؟

ج - با فرض مشروعیت آن بدون تعهد به هیچ کاری، حکم حج بذلی دارد.

۵۰ - س - مقداری پول دارم که برای رفت و آمد به سفر مکه کافی است، ولی هنوز

از طرف دولت جمهوری اسلامی وقتی برای ثبت نام اعلام نشده است، آیا نگهداری آن

پول لازم است، و من مستطیع هستم؟

ج - اگر سایر شرایط را دارید و در همین سال هم ثبت نام میشود، باید ثبت نام کنید. و در غیر این صورت مستطیع نیستید و نگهداری پول لازم نیست.

۵۱ - س - همسر شهیدی که دارای دو بچه چهار ساله میباشد و عملا سرپرستی این دو بچه را دارد و به عنوان خانواده شهید قرعه حج هم ه بنام او در آمده است آیا مشار

الیها میتواند که مخارج را از مال این دو صغیر بردارد و مناسك حج را انجام دهد یا خیر؟

ج - نمیتواند مصارف حج را از اموال صغیر بردارد.

۵۲ - س - کسی که چهار پسر دارد و زن برای همه شان گرفته است، و خرج سالانه

خود را هم دارد و قرض هم ندارد، و با پسرانش در آمدشان يك جا است الان خرج دو نفر را

دارند که به حج بروند، آیا حج واجب است یا نه، و اگر واجب شده است آیا تنها بر پدر

واجب شده یا بر پسر هم واجب شده است، و اگر بر پسر هم واجب شده است کدامشان

حق اولویت را دارند؟

ج - کسی که از مال خودش به مقدار حج دارد و میتواند به مکه برود و بعد از

برگشت زندگانی لایق شأنش را داشته باشد مستطیع است و باید حج برود.
۵۳ - س - کسی که واجد شرایط حج باشد و نوه ای دارد که شرعا و عرفا به زن

احتیاج دارد که اگر زن نگیرد به حرام مافند، آیا کدام مقدم است و وظیفه پدر بزرگ

چیست، ازدواج برای نوه‌اش یا حج؟

ج - حج خودش مقدم است مگر این که ازدواج نوه از مخارج عرفی او محسوب شود

و نتواند هم برای او ازدواج کند و هم به مکه برود.

۵۴ - س - اینجانب با داشتن استطاعت مالی و هفتاد و دو سال سن، چون معتاد به خوردن تریاک هستم طبق مقررات کشوری، اداره بهداشت از رفتن حج جلوگیری میکند،

از نظر شرع تکلیف حج چیست؟

ج - اگر قبلاً مستطیع بوده اید و با امکان، حج نرفته‌اید حج بر شما مستقر شده است،

و اگر قبلاً استطاعت نداشته‌اید در فرض مذکور مستطیع نیستید، مگر آن که بتوانید، ولو با

ترك تریاک، تحصیل اجازه کنید و به مکه بروید.

۵۵ - س - آیا از منافع خمس و زکات، کسی مستطیع میشود یا نه، و آیا خمس و زکات جزء ترکه میت است یا نه؟

ج - چنانچه به عنوان مصرف از طرف ولی امر به او داده شده، مالک شده و جزو ترکه او محسوب است، و از منافع آن هم با وجود سایر شرایط مستطیع میشود.

۵۶ - س - هر گاه کسی سرمایه یا ابزار کار دارد که اگر مقداری از آن بفروشد میتواند با آن زندگی کند بدون زحمت، و با تفاوت آن قادر بر حج است آیا این شخص

مستطیع است؟

ج - با وجود سایر شرایط مستطیع است.

۵۷ - س - شخصی باغی دارد که چند سال است در آمدی نداشته، اما از نظر قیمت

برای سفر حج کافی بوده، صاحب باغ عرفاً اطمینان دارد وقتی باغ ثمر بدهد او هم از کار

افتاده خواهد شد و باید از درآمد باغ امرار معاش نماید، آیا این شخص مستطیع است؟

ج - اگر تمکن از امرار معاش به غیر از درآمد آن باغ نداشته باشد مستطیع نیست.

۵۸ - س - شخصی که بعد از عمره تمتع دیوانه شده، آیا لازم است که او را برای حج محرم کنند و وظیفه چیست؟

ج - لازم نیست، و بر دیوانه تکلیفی نیست.
۵۹ - س - اگر دختر بچه سه ساله را مادرش در سفر مکه معظمه همراه ببرد، و در

میقات نیت احرام وتلبیه را از جانب دخترش انجام بدهد، و در طواف عمره و سعی بین صفا و مروه و طواف زیارت و طواف نساء و وقوف عرفات و مشعر و منی، مادر از طرف دختر نیت نموده و خود دختر را طواف و سعی و توقف بدهد و آنچه از اعمال حج که دختر قادر نیست مادرش از جانب او انجام دهد، آیا آن دختر بعد از بلوغ و رشد میتواند شوهر نماید یا خیر؟

ج - با فرض این که تمام اعمال را مطابق وظیفه انجام داده‌اند از احرام خارج شده و میتواند شوهر کند.

۶۰ - س - اگر اطفال غیر ممیز - پسر یا دختر - را پدر و یا مادر در سفر مکه معظمه همراه ببرند آیا واجب است که پدر یا مادر در صورت تمکن اطفال، خود اطفال را

و ادار به انجام اعمال حج و عمره و طواف نساء نمایند و یا خود پدر و مادر و یا نیابت ایشان

اعمال عمره و حج و طواف نساء را از جانب اطفال بجا آورند، و اگر هیچ کدام کارهای

مذکور فوق را پدر و مادر و اطفال عملی نکنند آیا این اطفال بعد از بلوغ و رشد میتوانند

ازدواج کنند و یا باید به مکه بروند و عمره و حج و طواف نساء را انجام دهند و بعد ازدواج

نمایند، و یا تنها طواف نساء بر گردن آنان است؟

ج - بر ولی طفل واجب نیست او را محرم کند یا از طرف او حج انجام دهد، ولی اگر او را محرم کرد باید وظائف و اعمال را مطابق وظیفه ای که در مناسک و در ساله ذکر

شده است انجام دهند، و اگر نه در بعض صور طفل در احرام باقی ممانند و تا تدارك نکند

نمیتواند ازدواج نماید.

۶۱ - س - اولاً با وجود دین چه مقدار پول برای استطاعت کافی است و ثانیاً در صورتی که پول باشد لیکن به علت بیماری قلب، مقامات پزشکی سازمان حج و

زیارت

تشریف را خالی از خطر ندانسته و تجویز نمایند، آیا بایستی يك نفر برای انجام حج

اعزام
گردد؟

ج - شما اگر قبل از آن که استطاعت پیدا کنید مریض شده اید که قدرت رفتن به مکه

را از جهت مرض نداشته اید، مستطیع نشده اید و نایب گرفتن لازم نیست، و نیز استطاعت

مالی در صورتی موجود است که پول به مقدار رفتن و برگشتن داشته باشید و پس از برگشت، امکان پرداخت دین به سهولت برای شما باشد.

نیابت در حج

مسأله ۱ - در نایب اموری شرط است:

۱ - بلوغ بنا بر احتیاط واجب.

۲ - عقل.

۳ - ایمان.

۴ - وثوق و اطمینان به انجام دادن او، و اما بعد از اجراء عمل نایب، لازم نیست اطمینان به صحت آن و در صورت شك در صحت، حکم به صحت مشود و استنباه صحیح است هر چند قبل از عمل شك داشته باشد.

۵ - معرفت نایب به افعال و احکام حج ولو با ارشاد کسی در حال عمل.

۶ - ذمه نایب مشغول به حج واجبی در آن سال نباشد.

۷ - معذور در ترك بعض افعال حج نباشد.

مسأله ۲ - در منوب عنه اموری شرط است:

۱ - اسلام

۲ - در حج واجب شرط است که منوب عنه فوت شده باشد یا اگر زنده است حج بر او مستقر شده و خودش از جهت مرضی که امید خوب شدن آن نیست یا از جهت پیری نتواند به حج برود و در حج استجبایی این شرط نیست و در منوب عنه بلوغ و عقل شرط نیست و مماثله بین نایب و منوب عنه نیز شرط نیست و جایز است

کسی که تاکنون به حج نرفته و مستطیع نیست برای دیگری نایب شود.

مسأله ۳ - نایب باید در عمل قصد نیابت نماید و منوب عنه را در نیت تعیین کند ولو

اجمالاً و شرط نیست اسم او را ذکر کند گرچه مستحب است.
مسئله ۴ - ذمه منوب عنه فارغ نمیشود مگر به این که نائب، عمل را صحیحاً انجام دهد. بلی اگر نائب بعد از احرام و دخول حرم بمیرد از منوب عنه مجزی است و در اجراء این حکم در حج تبرعی اشکال است بلکه در غیر حجة الاسلام خالی از اشکال نیست.

مسئله ۵ - لباس احرام و پول قربانی در حج نیابی بر اجیر است مگر در صورتی که شرط شده باشد که مستأجر بدهد و همچنین اگر اجیر موجبات کفاره را انجام دهد کفاره بر عهده خود او است نه مستأجر.

مسئله ۶ - نائب در طواف نساء نیز باید قصد منوب عنه نماید و احتیاط استجبایی آن

است که به قصد ما فی الذمه بجا آورد.

مسئله ۷ - اگر نائب طواف نساء را صحیحاً انجام ندهد زن بر او حلال نمیشود و بر

منوب عنه چیزی نیست.

مسئله ۸ - استیجار کسی که وقتش از اتمام حج تمتع ضیق شده و وظیفه او عدول به

افراد است برای کسی که وظیفه او حج تمتع است صحیح نیست بلی اگر در سعه وقت او را اجیر کرد و بعد وقت ضیق شد باید عدول کند و بنا بر احتیاط از منوب عنه

مجزی نیست.

مسئله ۹ - در حج واجب نیابت يك نفر از چند نفر در يك سال جایز نیست و در غیر واجب مانع ندارد.

مسئله ۱۰ - کسی که حج بر او مستقر شده یعنی سال اول استطاعت حج نرفته اگر بواسطه مرض، یا پیری قدرت رفتن ندارد یا رفتن برای او حرج و مشقت دارد واجب است نائب بگیرد، در صورتی که امید خوب شدن و قدرت پیدا کردن نداشته باشد، و به احتیاط واجب باید فوراً نائب بگیرد و اگر مستقر نشده باشد بر او اقوی عدم

وجوب است.

مسئله ۱۱ - بعد از آن که نائب عمل را بجا آورد، حج از معذور ساقط میشود و لازم

نیست خودش حج کند اگر چه عذرش بر طرف شود و اما اگر قبل از اتمام حج عذر

بر طرف شد، چه قبل از احرام یا بعد باید خودش حج برود.
مسئله ۱۲ - کسی که حج بر او واجب باشد چه سال استطاعتش باشد و چه حج بر او

مستقر شده باشد جائز نیست نیابت کند از غیر، و اگر نیابت کند باطل است، چه عالم به حکم باشد یا نباشد.

مسئله ۱۳ - اگر اجیر برای حجة الاسلام بعد از احرام بستن و داخل شدن در حرم بمیرد کفایت میکند از حج کسی که برای او بجا آورده است، و لازم نیست حج کردن

برای او و اگر قبل از احرام یا بعد از آن و قبل از داخل شدن در حرم بمیرد باید دو مرتبه اجیر بگیرند، و همین حکم را دارد کسی که برای خودش به حج برود.

مسئله ۱۴ - اگر کسی را برای حج اجیر کند و قرار نگذاشتند که اجرت برای خصوص عمل باشد یا در مقابل عمل و رفت و آمدها باشد پس اگر قبل از داخل شدن در حرم مرد، ظاهراً مستحق اجرت رفتن تا محل موت میباشد، و همین طور اگر

بعد از احرام و دخول حرم بمیرد بیشتر از آن چه ذکر شد و اجرت احرام مستحق نیست، اگر چه حج از میت ساقط میشود، و اگر بعضی اعمال را بجا آورد و مرد مستحق اجرت آن اعمال نیز میباشد، و اگر اعمال را به نحوی بجا آورده است که در

عرف گفته شود که عمره و حج را بجا آورد، مستحق تمام اجرت است اگر چه بعضی

اعمال را که مضر به صحت حج نیست و محتاج به اعاده نیست نسیاناً ترك کرده باشد.

مسئله ۱۵ - کسی که بعنوان نیابت رفت به مکه، و خودش حج واجب بجا نیاورده احتیاط آن است که بعد از عمل نیابت، برای خودش عمره مفرده بجا آورد و این احتیاط واجب نیست لکن خیلی مطلوب است.

مسئله ۱۶ - کسی که اجیر شده برای حج تمتع میتواند اجیر دیگری شود برای طواف یا ذبح یا سعی یا عمره مفرده بعد از عمل حج چنانچه میتواند برای خودش طواف و عمره مفرده بجا آورد.

مسئله ۱۷ - کسی که عذر داشته باشد از بعضی اعمال حج نمیشود او را اجیر کرد برای حج، و اگر شخص معذور از بعضی اعمال، تبرعاً از غیر، حج بکند اکتفا کردن به آن اشکال دارد.

مسائل متفرقه نیابت

۱ - س - کسی مستطیع بوده و در میقات به نیابت دیگری محرم شده و به مکه آمده

و عمره تمتع را از طرف منوب عنه انجام داده است، وظیفه او چیست؟
ج - با این که خودش مستطیع است نیابت او صحیح نیست و احرام او باطل است و باید برگردد به میقات و از آنجا برای خودش محرم شود.

۲ - س - اگر کسی که نیابت از دیگری گرفته و به حج آمده، از بعض اعمال معذور

است آیا میتواند در این اعمال نایب بگیرد، و آیا میتواند پول نیابت را به دیگری بدهد که

اصل حج را بجا آورد؟

ج - نایب شدن معذور، صحیح نیست و باید پول را به صاحبش برگرداند مگر این که

از طرف صاحب پول مجاز در نایب گرفتن باشد که در این صورت میتواند دیگری را در

اصل عمل حج نایب کند، و در صورتی که بدون اجازه، نیابت را به دیگری واگذار کرد و

او عمل را انجام داد، حج از طرف منوب عنه واقع میشود ولی پول را باید به صاحبش

برگرداند و صاحب پول ضامن چیزی نیست و اجرت نایب را باید امر کننده بپردازد.

۳ - س - از هر کاروان نوعاً چند نفر از خدمه به نیابت آمده‌اند و بناچار باید نیمه شب از مشعر برای انجام کارهای لازم در منی یا همراه ضعفا، به منی بروند، سؤال این

است که آیا اجیر شدن و نیابت آنان صحیح است یا خیر؟

ج - با توجه به این که از معذورین هستند و نمی‌توانند وقوف اختیاری در مشعر را درك کنند نیابت آنان صحیح نیست، و اگر قبل از استخدام اجیر شده اند باید حج را بجا

آورند و وقوف اختیاری را درك نمایند.

۴ - س - آیا شخص زنده در موردی که میتواند نایب بگیرد باید از بلد نایب بگیرد یا از میقات، و اگر دیگری برای او نایب بگیرد کفایت میکند یا خیر؟

ج - نایب گرفتن از میقات کفایت میکند، و خودش باید نایب بگیرد و نایب گرفتن دیگری برای او کافی نیست مگر از طرف او و کالت داشته باشد.

۵ - س - آیا عمره مفرده یا طواف استحبایی را میتوانیم به نیابت چند نفر انجام

دهیم، و در اعمال آن از جمله طواف نساء نیت همه باید بشود یا نیت بعضی کافی است؟
ج - متوانید به نیابت چند نفر انجام دهید، و باید نیت همه بشود.

۶ - س - کسی را روز عید قبل از حلق دستگیر کرده‌اند و او را به ایران فرستاده‌اند آیا رفقای او متوانند از او نیابت کنند و بقیه اعمال را انجام دهند یا خیر و

چگونه از احرام خارج میشود؟
ج - بدون این که خودش نایب بگیرد نیابت صحیح نیست، و برای خارج شدن از احرام باید به منی بیاید و حلق یا تقصیر کند و اعمال مترتبه را انجام دهد و اگر نمیتواند

برود در حمل خودش حلق یا تقصیر نماید و بنابر احتیاط موهای خود را به منی بفرستد، و

باید برای اعمال مترتبه نایب بگیرد.

۷ - س - افرادی که هر سال به حج میروند - از قبیل خدمه کاروانها - در محل خود از کسی نیابت قبول میکنند، ولی در میقات بر اثر اشتغال زیاد از نیابت غافل و محرم

میشوند، بعد که متوجه شدند دو باره نیت نیابت میکنند، آیا حج نیابتی آنان درست است یا

حج برای خودشان حساب میشود؟

ج - باید عمره و حج را به همان نیت اول اتمام کنند، و احرام دوم صحیح نیست مگر

آن که احرام اول باطل باشد، مثل این که حج بر او واجب نبوده و نیت حجة الاسلام کرده باشد.

۸ - س - شخصی در میقات برای خودش محرم میشود و تلبیه میگوید، بعد به فکر مافند که چون خودش حج واجب را در سالهای گذشته بجا آورده، برای پدر یا مادر یا

یکی از خویشاوندان دیگرش حج تبرعی بجا آورد، آیا میشود با نیت عدول کند، و یا دوباره به نیت شخص مورد نظر محرم شود یا خیر؟

ج - اگر به احرام صحیحی محرم شده، نمیتواند نیت را عوض کند و باید عملش را به همان نیتی که در احرام داشته، اتمام کند.

۹ - س - نایبی در احرام عمره تمتع بعد از این که وارد مکه شد شك میکند که نیت نیابت کرده یا نه، آیا باید به میقات برگردد و مجدداً به نیابت محرم شود، یا اصلاً حج

برای خودش حساب میشود و دیگر نمیتواند نایب باشد؟

ج - در نیت خطور لازم نیست، اگر انگیزه او در حال احرام نیابت بوده عمل را به

نیابت انجام دهد، و اگر در داعی و انگیزه هم شك دارد باید اعمال را به نیت
اجمالی
(همان نیت در احرام) اتمام کند، و در نیابت به آن اکتفا نمیشود.

۱۰ - س - زنی در عرفات در روز نهم دیوانه شد، او را به بیمارستان بردند و تا آخرین وقتی که نتوانستند همراهان او در مکه بمانند باقی ماندند، خوب نشد، آیا شوهرش که با او است میتواند برای او نایب بگیرد، و یا خودش باقی اعمال را انجام دهد یا نه؟

ج - مجنون تکلیف ندارد، و نمیتواند برای او نایب بگیرند، و اگر عاقل شد حکم اشخاص محرم دیگر را دارد.

۱۱ - س - هر گاه کسی مریض شود، به طوری که بعد از احرام عمره قادر به انجام اعمال نباشد، آیا کسی که برای عمره تمتع مستحبی محرم شده و عمره را انجام داده است

میتواند در حج نایب او شود یا خیر؟

ج - کسی که برای عمره تمتع محرم شده ولو مستحبی نمیتواند در اصل عمره یا حج برای دیگری نایب شود و باید عملش را اتمام کند، ولی اگر مریض فقط قادر به انجام طواف و سعی نباشد و بتواند وقوفین را درك کند و بقیه اعمال را نایب بگیرد، جایز است

دیگران را در طواف و سعی و اعمال دیگر نایب قرار دهد، هر چند خودشان هم حج یا عمره بجا مآورند.

۱۲ - س - بنده چون مسئول گروه حج بودم به استناد وظیفه ام که مراقبت از بیماران و عاجزهای گروه بود وقوف اضطراری انجام دادم، لطفا وظیفه شرعی اینجانب را بیان فرمائید.

ج - اگر همراه عجزه بوده اید که لازم بوده با آنان باشید و آنان از وقوف اختیاری معذور بوده اند برای شما هم اشکالی نداشته، بلی اگر نایب کسی شده اید نیابت شما درست نبوده است.

۱۳ - س - اگر کسی دفعه اول به صورت خدمه، حج بجا آورده و در دفعه دوم دوباره به مأموریت خدمه عازم مکه معظمه است، آیا میتواند به عنوان پدر یا مادر که فوت

شده اند نیابت نماید، و در چنین صورتی آیا حج از عهده پدر و مادرش برداشته میشود؟

ج - مانع ندارد و حج از منوب عنه کافی است، مگر آن که سال اول، مستطیع
نبوده و
امسال مستطیع باشد.
۱۴ - س - اینجانب حدود شانزده سال قبل نیابتاً به مکه معظمه مشرف شده و در

منی چون سفر اول بوده است، و مدانسته‌ام که طبق تقلید حضرت عالی باید در سفر اول

حلق کند، و لکن نمدانستم که ماشین ته زن با تیغ فرق دارد و به جای تیغ با ماشین ته زن

سر خود را تراشیدم و بعد از آن سفر هم دو سفر دیگر مشرف شدم و در سفرهای بعدی

سر خود را ماشین نموده و ناخن هم گرفته‌ام، لطفا بفرمائید در سفر اول که به جای تیغ با

ماشین سر را تراشیدم، در مقابل این کار وظیفه‌ام چیست؟ و آیا این عمل سفر اول در سفرهای بعدی خللی وارد مآورد یا ذمه‌ام بری شده است؟

ج - شما در صورت امکان باید به مکه بروید و در منی حلق کنید و بعد از آن طواف و

نماز و سعی و طواف نساء و نماز آن را بجا آورید، و در این اعمال نیت اتمام حج سفر اول

را بکنید و بعد از آن چیزی بر شما نیست، و اگر خودتان نمیتوانید بروید یا رفتن برای

شما حرجی است در محل خود حلق کنید و بنابر احتیاط موی آن را به منی بفرستید و در

بقیه اعمال فوق نایب بگیرید، و نسبت به دو سفر دیگر که آیا صحیح و کافی بوده یا نه

احتیاط را مراعات نمائید.

۱۵ - س - کسانی که مجاز هستند در شب عید قربان بعد از درك اضطراری مشعر به منی بروند، آیا همه آنان از ذوی الاعذار مباشند که نیابت ولو تبرعا مورد اشکال است

یا نسبت به بعضی استثناء شده است؟

ج - در فرض سؤال زنها میتوانند نایب شوند، و نیابت در سایر ذوی الاعذار صحیح نیست.

۱۶ - س - شخصی در حج از میتی نیابت کرده و در وقت عقد اجاره برای انجام مناسك هیچ عذری نداشت، ولی چند سال بعد از انجام حج متوجه شد که در وقوف مشعر

الحرام با زنها و مریضها به عنوان راهنما، وقوف اضطراری کرده و به منی رفته است، و

غافل بوده که نایب باید وقوف اختیاری بکند، آیا وظیفه‌اش چیست؟

ج - عمل مزبور مجزی از حج نیابتی استیجاری نیست، و از جهت اجرت باید به اجیر کننده مراجعه نماید، و یا در صورتی که اجاره، موقت به زمان مخصوصی که منقضی

شده نباشد، دوباره حج نیابتی صحیح بجا آورد.

۱۷ - س - آیا میتوانم برای مادرم و برای خودم فریضه حج را انجام دهم؟

ج - در يك سال بیش از يك حج واقع نمیشود.

۱۸ - س - شخصی به عنوان نیابت در مسجد شجره محرم شده و به مکه آمده، در مکه فهمید که خودش مستطیع بوده است، آیا باید اعمال عمره را به قصد خود بجا آورد یا

به قصد نیابت، و اگر باید حج را به قصد خود بجا آورد نسبت به حج نیابی چه وظیفه دارد،

و آیا میتواند برای آن نایب بگیرد یا نه؟

ج - احرام او صحیح نبوده است و باید برگردد و برای عمره تمتع برای خودش محرم شود و وظیفه خودش را انجام دهد، و راجع به حج نیابی نمیتواند نایب بگیرد، مگر

اجازه داشته باشد یا استیجار او برای مطلق تحصیل حج باشد.

۱۹ - س - کسی که نایب بوده و عمره تمتع را انجام داده و بعد ناچار شده است که

به ایران بازگردد، آیا میتواند بقیه اعمال را به دیگری واگذار نماید که حج تمتع را انجام دهد؟

ج - نمیتواند.

۲۰ - س - آیا شرط ایمان نایب که در اصل نیابت حج و همچنین در ذبح شرط است در سایر اعمالی که نیابت در آن جایز است، مثل رمی، و طواف، هم شرط است یا خیر؟

ج - در سایر اعمال نیز شرط است.

۲۱ - س - شخصی تمام اختیارات اموال پدرش را دارد و پدر نمیتواند بالمباشره حج را بجا آورد، پسر بدون تذکر دادن به پدر شخصی را اجیر برای حج پدر نموده و

خودش هم برای حج خود مشرف شده، در این فرض آیا حج اجیر برای حج پدر، مجزی

است یا خیر؟ و هر گاه در مدینه تصمیم بگیرد که آنچه را از مال پدر به اجیر داده است با پدر

حساب نکند و از مال خودش باشد، رفع اشکال میشود یا نه؟

ج - در فرض مزبور استنابه در مورد پدر صدق نمیکند، و حجة الاسلام از طرف پدر

واقع نمیشود، و فرقی بین دو صورت فوق نیست.

۲۲ - س - شخصی پس از آن که به مدینه مشرف شد جنون پیدا کرد با توجه

به این که سابقاً حج بر او مستقر شده است، آیا مشهود برای او نایب گرفت یا خیر،
و اگر

نشود، تبرع حج از او چه صورت دارد؟
ج - نیابت و تبرع در فرض سؤال صحیح نیست.

۲۳ - س - فردی پس از استطاعت مالی برای حج اسم نویسی کرد و برای دو سال بعد اسمش در آمد، ولی چند ماه قبل از حرکت، فوت کرد در حالی که پسرش را نایب قرار

داده بود که برای او حج بجا آورد، در حالی که پسر خود استطاعت مالی داشته ولی در اسم

نویسی مسامحه کرده و ننوشته است، در صورتی که اگر اسم منوشت شاید در همان سال

اول، قرعه به نامش در مآمد و شاید هم سالهای بعد، اکنون پسر به مدینه آمده به عنوان

نیابت حج بلدی از جانب پدر، و هنوز محرم نشده، چه وظیفه‌ای دارد؟

ج - در فرض مرقوم نیابت صحیح نیست، و باید برای خودش حج نماید.

۲۴ - س - شخصی اجیر حج بلدی از قم شده و خودش ساکن اراک است، بعد از اجیر شدن در نظر داشته که به قم برود و از آنجا حرکت کند، پس از چند روز در حالی که از

موضوع غافل شده، برای انجام کار دیگری به قم و بعد از آنجا به تهران رفته است، آیا

همان نیت قبلی برای حرکت از قم کافی است یا باید برگردد به قم، و بر فرض خروج از

ایران چه حکمی دارد؟

ج - اگر میتواند برگردد، و چنانچه برنگشت ولو در صورت تمکن و حج را انجام داد، حج صحیح است و بالنسبة استحقاق اجرت دارد.

۲۵ - س - آیا بر نایب واجب است که بر طبق فتوای مرجع تقلید منوب عنه اعمال حج را انجام دهد یا مطابق وظیفه خودش عمل نماید؟

ج - میزان، وظیفه خود او است، ولی اگر اجیر شده به کیفیت خاصی، باید طوری عمل کند که مراعات وظیفه خودش و کیفیت ذکر شده بشود.

۲۶ - س - آیا در اجاره برای اعمال حج لازم است اجیر و مستأجر از یکدیگر سؤال کنند که مقلد چه کسی هستند یا نه؟

ج - لازم نیست، و اجیر مطابق تقلید خودش عمل میکند.

۲۷ - س - نایب چند ماه قبل از حج به بلد منوب عنه مرود و به عنوان نیابت حج حرکت میکند و به وطن خودش یا محل دیگری مرود، و در ماه ذیحجه که عازم

حج

میشود، دیگر به بلد منوب عنه نمرود، کافی است یا نه و چه وقت باید برود؟

ج - کافی است.



(۳۹)

۲۸ - س - در موردی که مرحوم پدرم فرموده بود پسر بزرگ نیابتاً به مکه برود و من که پسر بزرگ هستم وسیله ارث مستطیع شده‌ام اما تا کنون نتوانسته‌ام سهم خود را به

پول مبدل کنم، آیا میتوانم با این حال به جای پدر حج بجا آورم یا نه؟
ج - با فرض حصول استطاعت مالی برای خودتان ولو از بابت ارثیه اگر امکان فروش و صرف قیمت در حج را دارید باید اول برای خودتان حج بجا آورید، و برای پدر

بعدا انجام دهید یا دیگری را نایب بگیرید.

۲۹ - س - آیا جایز است برای نایب در طواف عمره تمتع یا طواف حج که طواف را در غیر موسم حج بجا آورد یا نه؟
ج - مانع ندارد.

۳۰ - س - شخصی قبلاً مستطیع بوده و به حج نرفته و الآن هیچ گونه قدرت مالی جهت انجام حج را ندارد، آیا فرزندش میتواند تبرعاً از طرف او حج نیابی انجام دهد؟

ج - نیابت در حج از حی صحیح نیست مگر در صورتی که شخص از جهت پیری نتواند به حج برود یا مریض باشد و از جهت مرض نتواند برود و مأیوس از خوب شدن تا آخر عمر باشد.

۳۱ - س - حج به نیابت حضرت ولی عصر - ارواحنا له الفدا - چون در موسم حج تشریف دارند جایز است یا نه؟
ج - اشکال ندارد.

۳۲ - س - زنی که واجب الحج است وصیت کرده که از اصل ترکه‌اش برای او حج بلدی توسط وصیش انجام شود، حال استطاعت جانی و مالی و غیره برای وصی او

فراهم است، فقط از حیث عدم شرکت در نام نویسی برای حج، آن هم با عذری، استطاعت

راهی ندارد، آیا میتواند حج نیابی را انجام دهد؟

ج - وصی اگر قبلاً استطاعت نداشته و فعلاً هم راه برای او باز نیست الآن هم مستطیع نیست و میتواند برای حج نیابی اجیر شود، ولی اگر بدون این که اجیر شود خود را

به میقات برساند نمیتواند حج نیابی بجا آورد و باید برای خودش حج بجا آورد.

۳۳ - س - کسی که حج نیابی انجام مدهد اگر در قربانی شخص ثالثی را وکیل کرد ذابح چگونه نیت کند، آیا باید نیت کند که به وکالت از میت قربانی میکنم یا

باید

وکالت از نایب میت کند؟ در هر صورت آیا باید نام میت را هم ببرد؟

(۴۰)

ج - نام میت بردن لازم نیست، بلکه چنانچه نیت کند آنچه بر عهده نایب است انجام دهد صحیح است.

۳۴ - س - کسی که برای حج اجیر میشود، اگر شرط کند که مثلاً برای طواف نساء یا يك عمل دیگری که نیابت بردار است نایب مگیرم، آیا این شرط نافذ است و میتواند عمل نماید یا نه؟

ج - اگر عذر دارد نمیتواند قبول کند، بلی در قربانی مانع ندارد و شرط لازم نیست. ۳۵ - س - کسی که احتمال قوی عقلائی میدهد که نتواند اعمال را به نحو عادی انجام دهد، و ممکن است حج تمتع را بدل به افراد کند، آیا میتواند از حج واجب نیابت کند؟

ج - میتواند نیابت کند، ولی اگر وظیفه او عدول به افراد شد بنا بر احتیاط منوب عنه نباید اکتفاء به آن کند.

۳۶ - س - نایی که در وقت قبول نیابت برای حج معذور نبوده است، و بعد از عقد

اجاره در موقع عمل یا قبل از محرم شدن جزء معذورین شده و در هر عذری که پیش آمده

طبق وظیفه معذورین رفتار نمود، آیا حج او از منوب عنه کافی است و آیا نسبت به نحوه

عذر فرقی هست یا نه؟

ج - محل اشکال است.

۳۷ - س - کسانی که در حال اجیر شدن، از معذورین نبوده اند و بعداً در اثناء عمل

عذر عارض شده است، آیا نیابتشان صحیح است و مستحق تمام اجرت میباشند یا نه؟

ج - اشکال دارد.

۳۸ - س - خدمه‌ای که از روی جهل به مسأله اجیر شده اند و وقوف اختیاری مشعر را درك نکرده‌اند فعلاً تکلیفشان چیست، و همچنین سایر معذورینی که حج ناقص از

این قبیل انجام داده‌اند تبرعا یا با اجرت؟

ج - نیابت ایشان صحیح نیست و کفایت از منوب عنه نمیکند، و باید پول را برگردانند و خودشان با عدم عذر نسبت به درك اختیاری مشعر باید با انجام عمره

مفرد، از
احرام خارج شوند.
۳۹ - س - در مناسك آمده است كه معذور نمیتواند نایب شود معذور به چه کسی

گفته میشود؟ لطفا حد آن را معین کنید، مثلا کسی که نمیتواند نماز طواف را

صحیح

بخواند، یا نمیتواند خودش رمی جمرات کند، و یا نمیتواند قربانی نماید، و یا

نمیتواند

یکی دیگر از واجبات حج را اعم از ارکان و غیر ارکان انجام دهد، معذور است یا

خیر؟

ج - هر کس نتواند اعمال اختیاری حج را انجام دهد معذور است و نمیتواند نایب

شود، ولی مباشرت در ذبح در حال اختیار هم لزوم ندارد، و لذا کسی که نمیتواند

ذبح کند

میتواند برای حج نایب شود و برای ذبح نایب بگیرد.

۴۰ - س - کسی که نماز او صحیح نیست و برای حج به نیابت آمده است، آیا

نیابت

او صحیح است؟ و مفروض این است که به عنوان نیابت محرم شده است؟

ج - اگر از قرائت صحیح معذور است، نیابت و احرام او باطل است، و اگر معذور

نیست صحیح است و باید قرائت خود را درست کند.

۴۱ - س - اگر مستناب یا منوب عنه در وقت نیابت بدانند که نایب جزء معذورین

است و او را نایب کنند، اولاً آیا اجرت نیابت برای نایب حلال است یا نه؟ و ثانیاً

آیا حج

نیابتی او صحیح و از حج الاسلام یا غیر حجة الاسلام منوب عنه کفایت میکند یا نه؟

ج - با فرض این که معذور بوده و استیجار شده استحقاق اجرت ندارد، و کفایت

نمیکند.

حج استحبایی

- مسئله ۱ - مستحب است کسی که شرائط و جوب حج را ندارد از بلوغ و استطاعت و غیر آنها، در صورت امکان حج بجا آورد و هم چنین بر کسی که حج واجبش را انجام داده است مستحب است دو مرتبه به حج برود و مستحب است تکرار حج در هر سال.
- بلکه مکروه است پنج سال متوالی آن را ترك کند و مستحب است در وقت خارج شدن از مکه نیت برگشتن نماید و مکروه است قصد برگشتن داشته باشد.
- مسئله ۲ - مستحب است از طرف خویشاوندان یا غیر آنها حج بجا آورد تبرعا، چه زنده باشند یا مرده و همچنین از طرف معصومین و نیز طواف آنها و غیر آنها مستحب است به شرط آن که در مکه نباشند یا معذور باشند.
- مسئله ۳ - کسی که زاد و راحله ندارد مستحب است قرض کند و به حج برود در صورتی که بتواند قرض را اداء کند.
- مسئله ۴ - با مال حرام جایز نیست به حج برود و اگر مال او مشتبّه است و علم به حرمت آن ندارد میتواند آن را صرف کند.
- مسئله ۵ - بعد از فارغ شدن از حج استحبایی میتواند ثواب آن را به دیگری هدیه کند همچنان که در وقت شروع میتواند آن را نیت کند.
- مسئله ۶ - کسی که مال ندارد تا با آن حج بجا آورد مستحب است ولو با اجاره دادن خودش و نیابت از دیگری نیز به حج برود.

اقسام عمره

مسأله ۱ - عمره هم مانند حج دو قسم است: واجب و مستحب. و بر کسی که شرائط

استطاعت را داشته باشد يك مرتبه در عمر واجب مشود و وجوب آن مانند حج فوری است و در وجوب آن استطاعت حج معتبر نیست بلکه اگر برای عمره مستطیع باشد واجب مشود، هر چند برای حج مستطیع نباشد هم چنان که عکس این هم همینطور است که اگر شخص برای حج استطاعت داشته باشد و برای عمره مستطیع نباشد باید حج بجا آورد لکن باید معلوم باشد که برای کسانی که از مکه دور هستند

مثل ایرانیان که وظیفه آنها حج تمتع است هیچ گاه استطاعت حج از استطاعت عمره و استطاعت عمره از استطاعت حج جدا نیست چون حج تمتع مرکب از هر دو عمل است به خلاف کسانی که در مکه یا قریب به آن هستند که وظیفه آنها حج و عمره مفرده

است که نسبت به آنها استطاعت برای یکی از دو عمل تصور مشود.

مسأله ۲ - واجب است بر کسی که میخواهد داخل مکه شود با احرام وارد شود و برای احرام باید نیت عمره یا حج داشته باشد و اگر وقت حج نیست و میخواهد وارد مکه شود واجب است عمره مفرده انجام دهد و از این حکم کسانی که مقتضای

شغلشان این است که زیاد وارد مکه میشوند و از آن خارج میشوند استثناء شده است.

مسأله ۳ - تکرار عمره مانند تکرار حج مستحب است و در مقدار فاصله بین دو عمره

اختلاف فرموده اند و احوط آنست که در کمتر از يك ماه به قصد رجاء بجا آورده شود.

اقسام حج

حج سه قسم است: تمتع و قران و افراد.

تمتع وظیفه کسانی است که چهل و هشت میل که شانزده فرسخ است از مکه دور باشند.

قران و افراد بر غیر آنها واجب میشود و این تفصیل در حجة الاسلام است.

صورت حج افراد و عمره مفرده

و بعض مسائل مربوطه آنها

مسأله ۱ - صورت حج افراد که گاهی مورد ابتلای متمتع میشود از این قرار است که

زن حائض یا کسی که بواسطه ضیق وقت نمیتواند عمره تمتع را بجا آورد باید قصد کند حج افراد را، و به همان احرام عمره تمتع که عدول به افراد کرده برود به عرفات و

مثل سایر حجج و قوف کند، بعد از آن برود به مشعر و وقوف کند، بعد برود به منی و

اعمال منی را بجا آورد مگر هدی را که واجب نیست بر او، بعد برود به مکه و طواف

زیارت و نماز و سعی و طواف نساء و نماز آن را بجا آورد، پس در این وقت از احرام

خارج میشود، بعد از آن برگردد به منی برای بیتوته و اعمال ایام تشریق به همان نحو که

سایر حجج بجا مآورند، پس صورت حج افراد عین صورت حج تمتع است با يك فرق که در حج تمتع هدی باید ذبح کند و در حج افراد واجب نیست ولی استحباب دارد.

مسأله ۲ - صورت عمره مفرده - که باید کسی که حج تمتع او بدل به حج افراد شد بعد

از حج بجا آورد - آن است که خارج شود به ادنی الحل، و افضل آن است که از

" جعرانه " یا " حدیبیه " یا " تنعیم " که از همه نزدیکتر به مکه است محرم شود، و بیاید

به مکه و طواف کند و نماز آن را بخواند و سعی بین صفا و مروه بکند و تقصیر کند یا

سر بتراشد و طواف نساء بجا آورد و نماز طواف بخواند.

مسئله ۳ - عمره مفرده با عمره تمتع که تفصیلاً خواهد آمد در صورت فرق ندارند مگر

در سه چیز:

اول - آن که در عمره تمتع باید تقصیر کند، یعنی از مو یا ناخن خود باید بگیرد، و سر تراشیدن جایز نیست و در عمره مفرده مخیر است بین سر تراشیدن و تقصیر.

دوم - آن که در عمره تمتع طواف نساء ندارد و در عمره مفرده دارد.

سوم - آن که میقات عمره تمتع یکی از مواقیت پنجگانه است که ذکر آن مآید. و میقات عمره مفرده ادنی الحل است و جائز است از یکی از مواقیت پنجگانه محرم شود.

مسئله ۴ - کیفیت افعال حج افراد از احرام و وقوفین و اعمال منی و اعمال مکه عین کیفیت حج تمتع است، و در احکام مشترك هستند، و کیفیت افعال عمره تمتع از احرام و طواف و سایر اعمال عین کیفیت عمره مفرده است.

مسئله ۵ - عمره را اگر کسی بجا بیاورد کافی است از عمره مفرده.

مسئله ۶ - کسی که وظیفه اش حج تمتع است مثل اشخاصی که از مکه شانزده فرسنگ شرعی دور باشند اگر استطاعت برای عمره داشته باشند و برای حج نداشته باشند عمره مفرده بر آنها واجب نیست مثل اشخاصی که به نیابت، حج میکنند، گرچه احتیاط آن است که بجا آورد.

مسئله ۷ - کسی که محرم شد به احرام عمره مفرده حرام میشود بر او جمیع

چیزهایی

که در احرام تمتع گفته شد و بعد از آن که تقصیر کرد یا سر تراشید همه چیز بر او حلال میشود مگر زنها و بعد از آن که طواف نساء را با نمازش بجا آورد زن هم بر او

حلال میشود.

مسئله ۸ - طواف نساء را در عمره مفرده باید بعد از تقصیر یا سر تراشی بجا آورد.

مسئله ۹ - کسی که به احرام عمره مفرده وارد مکه شد اگر احرامش در ماههای حج

بوده جایز است که آن را عمره تمتع قرار دهد و دنبال آن حج تمتع بجا آورد و در این صورت هدی بر او واجب مشود.

صورت حج تمتع اجمالا بدان که حج تمتع مرکب است از دو عمل یکی عمره تمتع و دیگری حج تمتع. و عمره تمتع مقدم است بر حج.

و عمره تمتع مرکب است از پنج جزء:

- اول - احرام.
- دوم - طواف کعبه
- سوم - نماز طواف
- چهارم - سعی بین کوه صفا و مروه
- پنجم - تقصیر، یعنی گرفتن قدری از موی یا ناخن.

و چون محرم از این اعمال فارغ شد آنچه بر او بواسطه احرام بستن حرام شده بود حلال مشود.

و حج تمتع مرکب است از سیزده عمل:

- اول - احرام بستن در مکه.
- دوم - وقوف به عرفات.
- سیم - وقوف به مشعر الحرام.
- چهارم - انداختن سنگریزه به جمره عقبه در منی.
- پنجم - قربانی در منی.
- ششم - تراشیدن سر یا تقصیر کردن در منی.
- هفتم - طواف زیارت در مکه.
- هشتم - دو رکعت نماز طواف
- نهم - سعی بین صفا و مروه.
- دهم - طواف نساء.

یازدهم - دو رکعت نماز طواف نساء.

دوازدهم - ماندن به منی شب یازدهم و شب دوازدهم و شب سیزدهم برای بعضی از اشخاص.

سیزدهم - در روز یازدهم و دوازدهم رمی جمرات، و اشخاصی که شب سیزدهم در منی ماندند روز سیزدهم باید رمی جمرات کنند.

آنچه ذکر شد صورت اجمالی این دو عمل است و تفصیل آنها بعد ذکر میشود.

مسأله - لازم نیست مکلف این اعمال را قبل از ورود به عمره و حج بداند ولو اجمالا، و کافی است که نیت کند عمره تمتع را، یعنی عبادتی را که خداوند بر او واجب کرده، و همین طور حج تمتع را به نحوی که واجب است بر او، و کیفیت و تفصیل هر يك را از رساله در وقت عمل یاد بگیرد و عمل کند، ولی یاد گرفتن اجمالی آن بهتر و موافق احتیاط است.

مسائل متفرقه اقسام عمره و حج

۱ - س - شخصی در اثناء عمره مفرده، در شوط پنجم سعی، مریض شده و نتوانسته است عمره را تمام کند، او را به ایران برده‌اند و بعد از بهبودی هم نتوانسته به مکه

بیاید فعلا وظیفه او چیست؟ توضیح آن که کسی نایب شده که وظیفه او را انجام دهد و عملی

را که وظیفه او است و او را از احرام خارج میکند بجا آورد.

ج - با فرض این که خود شخص نمیتواند مراجعت کند، نایب برای خروج منوب عنه از احرام، سعی را تمام کند و آن را اعاده نماید و به منوب عنه خبر دهد که تقصیر نماید

و بعد از تقصیر برای طواف نساء نایب بگیرد، و توضیح آن که مسأله از موارد حصر نیست،

چون شخص مریض فعلا خوب شده و این که نمیتواند به مکه بیاید از جهت مرض نیست.

۲ - س - کسی عمره مفرده بجا آورده و بدون انجام طواف نساء به مدینه آمده است، فعلا میخواهد برای عمره تمتع محرم شود، آیا جایز است بدون انجام طواف نساء

محرم شود و بعد از انجام عمره تمتع، طواف نساء را بجا آورد؟
ج - مانع ندارد.

۳ - س - اگر فاصله بین دو عمره کمتر از يك ماه باشد فرموده‌اید باید عمره دوم را به قصد رجاء بجا آورد، آیا فرقی هست بین دو عمره مفرده از خود شخص و بین دو عمره مفرده‌ای که هر دو یا یکی از آنها به نیابت از دیگران باشد یا نه؟
ج - فرق نم‌کند.

۴ - س - این که حضرت عالی فرموده‌اید: اگر فاصله میان ۲ عمره کمتر از يك ماه باشد، عمره دوم رجاء قصد شود، مقصود يك ماه است یا سی روز کامل؟
ج - میزان يك ماه است، و اگر در بین ماه عمره بجا آورده، احتیاط مذکور را تا سی روز مراعات کنند.

۵ - س - اگر بین دو عمره کمتر از يك ماه فاصله باشد باید عمره دوم را به قصد رجاء انجام دهد چنانچه عمره دوم نیابت باشد نایب متواند برای آن اجرت بگیرد یا خیر،

و چنانچه بر منوب عنه انجام عمره مفرده واجب باشد کفایت می‌کند یا خیر؟
ج - لازم است احتیاط مراعات شود، و چنانچه با تذکر به اجیر کننده اجرت بگیرد اشکال ندارد.

۶ - س - اگر زنی به نیت عمره مفرده محرم و بعد از آن عادت شود و در همه روزهایی که متواند در مکه باشد حیض است، برای عمره مفرده باید چه کند؟ و اگر آن جا

اعمالی انجام نداده و فعلا به ایران آمده، چه وظیفه‌ای دارد؟
ج - در فرض سؤال باید برای طواف و نماز نایب بگیرد و بقیه اعمال عمره را خودش بجا آورد، و چنانچه به ایران آمده اقدام کند و برگردد، و اگر نم‌تواند برای اعمال

عمره نایب بگیرد ولی باید خودش تقصیر کند و ترتیب بین آن و سایر اعمال مراعات شود

و تا اعمال را بجا نیاورد آنچه به وسیله احرام بر او حرام شده بر او حلال نم‌شود.
۷ - س - آیا طواف در عمره مفرده استحبابی حکم طواف واجب را دارد که باید نماز آن خلف مقام باشد یا حکم طواف استحبابی را دارد و در هر جای مسجد الحرام

متوان نماز آن را خواند؟

ج - حکم طواف واجب را دارد و باید نماز آن خلف مقام باشد.

۸ - س - انجام عمره مفرده در ماه‌های حج پیش از عمره تمتع جایز است یا خیر و در این مسأله فرقی بین ضروره و غیر ضروره هست یا نه؟

ج - مانع ندارد، و فرق نمکند.

۹ - س - تأخیر عمره مفرده در حج افراد تا چه وقتی بلا عذر جایز است؟

ج - باید مبادرت نماید عرفا علی الاحوط و تأخیر نشود.

۱۰ - س - زنی که احتمال مدهد خون حیض ببیند و نتواند داخل مسجد الحرام شود، آیا میتواند برای عمره مفرده مستحبی محرم شود و اگر خون دید برای طواف و نماز

نایب بگیرد، و همچنین مریض اگر احتمال مدهد نتواند اعمال عمره مفرده را انجام دهد؟

ج - اشکال ندارد و چنانچه وظیفه او نایب گرفتن شد عمل به وظیفه نماید.

۱۱ - س - هم چنان که عمره مفرده را قبل از عمره تمتع ولو با کمتر از فاصله

شدن

یک ماه تجویز فرموده اید، آیا بعد از عمره تمتع هم با کمتر از یک ماه فاصله تجویز مفرمائید، یا باید رجاء انجام شود؟

ج - به قصد رجاء انجام شود.

۱۲ - س - کسی که وظیفه او عمره تمتع است و ندانسته به نیت عمره مفرده محرم

شده است تکلیف او چیست؟

ج - اگر قصد عمره مفرده کرده، باید عمره مفرده انجام دهد و بعد عمره تمتع را بجا

آورد، و چنانچه اشتباه در تطبیق بوده، تمتع واقع میشود و صحیح است.

۱۳ - س - اگر تقصیر را در عمره مفرده جهلا یا نسیانا بجا نیاورد و طواف نساء را

نیز ترك کرده و بعد رفته است به مسجد شجره و برای عمره تمتع محرم شده و عمره تمتع

را بجا آورده و بعد متوجه نقص کار خود شده است، تکلیف این شخص با داشتن فرصت

برای اعاده عمره تمتع و نداشتن فرصت چیست؟

ج - در فرض مرقوم چنانچه عمره مفرده را در اشهر حج بجا آورده و میخواهد حج

مستحبی بجا آورد میتواند عدول به عمره تمتع کند چه وقت برای اعاده عمره تمتع داشته

باشد یا نه. ولی اگر حج واجب باشد کفایت نمکند علی الاحوط و باید پس از تقصیر

صحیح به میقات برود و برای عمره تمتع مجددا محرم شود.

۱۴ - س - کسی که حجش بدل به افراد شده و باید بعد از حج، عمره مفرده بجا

آورد، اگر سال بعد که به حج مرود بعد از اعمال حج، عمره مفرده را بجا آورد

کافی و
مجزی است یا نه؟

(۵۰)

ج - احوط آن است که تا عمره مفرده را انجام نداده، برای عمره و حج دیگر محرم نشود هر چند اگر خلاف کرد، ضرر به صحت عمره و حج او نمزند.

۱۵ - س - کسانی که از هند و پاکستان به سعودیه می‌آیند و در مکه معظمه مقیم میشوند آیا حجشان تمتع است یا وظیفه دیگری دارند؟

ج - چنانچه به قصد مجاورت در مکه بمانند و بعد از دو سال مستطیع شوند حکم اهل مکه را پیدا میکنند، و در غیر این صورت صور مختلفه‌ای است که در تحریر الوسيله

ذکر شده است.

۱۶ - س - کیفیت حج قران را بیان فرمائید، و آیا این حج بر کدام اشخاص واجب میشود؟

ج - حج قران واجب تعیینی نیست و چون مورد ابتلاء نیست میتوانید به کتب مفصله مراجعه نمائید.

در بیان اعمال
عمره تمتع و حج تمتع تفصیلاً
و در آن دو باب است:
باب اول:
اعمال عمره تمتع
و در آن هفت فصل است:

فصل أول

در محل احرام عمره تمتع که آن اول از واجبات عمره است. بدان که محل احرام بستن برای عمره تمتع که آن را میقات منامند مختلف میشود به اختلاف راههایی که حجاج از آنها به طرف مکه میروند، و آن پنج محل است: اول - مسجد شجره است که آن را ذو الحلیفه منامند و آن میقات کسانی است که از مدینه منوره به مکه میروند.

و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۱ - جائز است در صورت ضرورت احرام را از مسجد شجره تأخیر بیندازد تا میقات اهل شام.

مسأله ۲ - احتیاط واجب آن است که در داخل مسجد شجره محرم شود نه خارج آن، هر چند نزدیک به آن باشد.

مسأله ۳ - شخص جنب و حائض میتوانند در حال عبور از مسجد محرم شوند، و نباید

در مسجد توقف کنند.

مسأله ۴ - اگر جنب بواسطه زیادی جمعیت نتواند در حال عبور از مسجد احرام ببندد، و آب برای غسل نباشد، و نتواند صبر کند تا آب پیدا شود باید تیمم کند و داخل مسجد شود و احرام ببندد.

مسأله ۵ - اگر حائض نتواند تا وقت پاك شدن صبر کند احتیاط آن است که نزدیک مسجد محرم شود و در " جحفه " یا محاذی آن احرام را تجدید کند.

دوم - وادی عقیق است که اوائل آن را " مسلخ " و اواسط آن را " غمره " و اواخر آن را " ذات عرق " مگویند که محل احرام عامه است، و آن میقات کسانی است که از راه

عراق و نجد به مکه میروند.

سوم - قرن المنازل است و آن میقات کسانی است که از راه طائف حج میروند.
چهارم - یلملم است که اسم کوهی است، و آن میقات کسانی است که از راه
یمن میروند.

پنجم - جحفه است و آن میقات کسانی است که از راه شام میروند.
و در اینجا مسائلی است:

مسئله ۱ - اگر بینه شرعیه قائم شد یعنی دو شاهد عادل شهادت دادند که فلان مکان
میقات است تفتیش و تحصیل علم لازم نیست، و اگر علم و بینه ممکن نشود میتواند
اکتفا کند به ظن حاصل از پرسیدن از کسانی که اهل اطلاع به آن مکانها میباشند.

مسئله ۲ - هر گاه از راهی برود که به هیچ يك از میقاتها عبورش نیفتد باید از
محاذات

میقات احرام بیند.

مسئله ۳ - اگر عبور او طوری است که محاذات باد و میقات پیدا میکند احتیاط
واجب

آنست که از جایی که اول، محاذات پیدا میکند احرام بیند، و در محاذات میقات
بعد،

تجدید نیت احرام کند.

مسئله ۴ - کسانی که از محاذات غیر مسجد شجره عبور میکنند احتیاط مستحب
آن

است که قبل از رسیدن به محاذات، به نذر محرم شوند و بهتر آن است که در
محاذات، تجدید احرام کنند

مسئله ۵ - شخص مستطیع اگر احرام را از میقات تأخیر بیندازد از روی علم و عمد
و

ممکن نشود برگردد به میقات بواسطه عذری و میقات دیگری در پیش نداشته باشد
حج او باطل است، و باید سال دیگر حج بجا آورد.

مسئله ۶ - شخصی که میخواهد از محاذی میقات محرم شود اگر محاذات را نداند
باید

از اهل اطلاع مورد وثوق پرسد، و قول مجتهد که اهل اطلاع به آن مکانها نیست
اعتبار ندارد، و اگر نتواند محاذات را بفهمد قبل از رسیدن به محلی که احتمال
مدهد از محاذات گذشته است به نذر محرم شود، بلکه اگر از محل معینی پیش از
رسیدن به محاذات، به نذر محرم شود احوط است.

مسأله ۷ - کسانی که با هواپیما به حج میروند و می خواهند بعد از حج به مدینه مشرف

شوند احتیاط آن است که بدون احرام بروند " جده " و از اهل اطلاع مورد اعتماد تحقیق کنند اگر جده یا " حده " معلوم شد محاذی با یکی از میقاتها است از آنجا محرم

شوند و الا بروند به میقات دیگر مثل جحفه و از آنجا محرم شوند، و اگر نتوانستند به

جحفه یا به میقات دیگر بروند با نذر از جده محرم شوند، و بهتر آن است که در " حده "

تجدید احرام کنند اگر چه لازم نیست.

مسأله ۸ - مراد از محاذات آنست که کسی که مرود به طرف مکه به جائی برسد که میقات

به طرف راست یا چپ او واقع شود به خط راست بطوری که اگر از آنجا بگذرد میقات

متمایل به پشت او شود.

مسأله ۹ - محاذات ثابت مشهود به علم و به دو شاهد عادل، و اگر اینها ممکن نشود اگر

گمان حاصل شد از قول کسانی که مطلع به آن مکانها هستند ظاهرا کافی است، بلکه از

قول کسانی که اهل خبره هستند و از روی قواعد علمیه محاذات را تعیین میکنند اگر گمان حاصل شد ظاهرا کافی است.

مسأله ۱۰ - کسی که بواسطه فراموشی یا ندانستن مسأله و عذر دیگر بدون احرام از میقات عبور کرد پس اگر امکان داشت برگشتن به میقات و به اعمال عمره

میتوانست

با برگشتن برسد واجب است برگردد و از میقات احرام ببندد چه داخل حرم شده باشد یا نه و اگر ممکن نیست به نحوی که گفته شد پس اگر داخل حرم نشده از

همانجا

احرام ببندد، و احتیاط مستحب آن است که هر مقداری میتواند به طرف میقات برگردد و آنجا محرم شود، و اگر داخل حرم شده واجب است اگر میتواند و به

اعمال

عمره مرسد از حرم خارج شود و محرم گردد، و اگر نمیتواند به نحوی که گفته شد

همانجا محرم شود، و احتیاط مستحب آن است که هر قدر میتواند به طرف خارج

حرم
برگردد و آنجا محرم شود.
مسأله ۱۱ - زن حائض اگر مسأله نمدانست و عقیده داشت که نباید در میقات
محرم
شود و احرام نیست حکمش همان است که در مسأله دهم گفته شد.
مسأله ۱۲ - جایز نیست احرام بستن پیش از رسیدن به میقات، و اگر احرام ببندد

صحیح نیست ولی اگر نذر کند که از محلّیکه پیش از میقات است احرام ببندد جائز است، و باید از همانجا محرم شود. مثلاً اگر نذر کرد که از "قم" محرم شود واجب

است عمل کند، و بهتر آن است که به میقات یا محاذات میقات که رسید احرام را تجدید کند.

مسئله ۱۳ - جایز نیست احرام را از میقات تأخیر بیندازد اختیاراً، بلکه احتیاط واجب آن است که از محاذات میقات بدون احرام عبور نکند، اگر چه میقات دیگری بعد از آن باشد.

مسئله ۱۴ - اگر از میقات بدون احرام عبور کرد واجب است در صورت امکان برگردد و از آن میقات محرم شود، بلکه اگر میقات دیگری بعد از آن میقات باشد باید

به احتیاط واجب برگردد به میقاتی که از آن گذشته و محرم شود.

مسائل متفرقه میقات

مسئله ۱ - احتیاط واجب آنست که از خود مسجد شجره احرام بسته شود نه اطراف آن و

احتیاط مستحب آنست که در محلی اصلی مسجد محرم شود اگر چه از مسجد مطلقاً جایز

است حتی در قسمتی که مسجد توسعه پیدا کرده است.

مسئله ۲ - اگر زن در میقات حائض باشد و یقین کند که نمیتواند عمره تمتع را در وقت

خود انجام دهد باید نیت حج افراد کند و برای حج افراد محرم شود ولی اگر بعد از آن

کشف خلاف شد در صورتی که برای حجة الاسلام محرم شده احرام او باطل است و باید

برای عمره تمتع مجدداً محرم شود.

مسئله ۳ - کسانی که با هواپیما به جده میروند نمیتوانند از جده یا حدیبیه محرم شوند

بلکه باید به یکی از مواقیت مثل جحفه بروند و از آنجا محرم شوند و اگر از مدینه بروند

باید از مسجد شجره محرم شوند و در این حکم فرقی بین این که قصد عمره تمتع یا مفرده

داشته باشند نیست و حدیبیه میقات عمره مفرده است برای کسانی که در مکه هستند.

مسأله ۴ - کسانی که میقات برای آنها مشخص نیست نمیتوانند به گفته راهنما (بلد) یا

حمله دار که مگوید فلان محل میقات است محرم شوند مگر از گفته او اطمینان پیدا کنند

و الا باید به عرف محل مراجعه نمایند.

مسئله ۵ - در صورتی که ثابت نیست که رابع محاذی جحفه است احرام از آن جایز نیست.

مسئله ۶ - کسی که در غیر ماه‌های حج به مکه رفته و عمره مفرده بجا آورده و در مکه مانده تا ماه‌های حج برای احرام عمره تمتع باید به یکی از مواقیع پنجگانه معروفه برود و نمیتواند از تنعیم محرم شود.

مسئله ۷ - کسانی که برای عمره مفرده به مکه مشرف میشوند و باید به یکی از مواقیع معروفه بروند، نمیتوانند بدون احرام از میقات تجاوز کنند و در صورت تجاوز، واجب است به میقات برگردند و از آنجا محرم شوند. و اگر کسی نتوانست برگردد هر جا که هست محرم شود.

مسئله ۸ - اگر شخص در مکه باشد و بخواهد عمره تمتع بجا آورد و به عللی از رفتن به میقات عمره تمتع معذور باشد لازم است به خارج حرم برود و از آنجا محرم شود و از ادنی الحل کافی است.

مسئله ۹ - میقات برای شاغلین در جده از ایرانیان و غیر آنها در عمره تمتع و عمره مفرده همان مواقیع معروفه است، و نمیتوانند از جده یا ادنی الحل محرم شوند، و اگر از روی جهل به مسئله در جای دیگر محرم شوند، احرام آنها صحیح نیست و محرمات احرام بر آنها حرام نمیشود چنانچه در صورت علم و عمد هم حکم همین است هر چند در صورت جهل، اگر بعد از اعمال، مسئله را فهمیده‌اند عمل آنان صحیح است.

مسئله ۱۰ - خدمه کاروانها که میخواهند به مکه بروند و بعد از آن باید از مکه خارج شوند بنابر احتیاط نباید عمره تمتع انجام دهند، بلکه برای دخول مکه باید به یکی از مواقیع معروفه بروند و از آنجا برای عمره مفرده محرم شوند. و ادنی الحل، میقات این

اشخاص
نیست، و پس از انجام اعمال عمره مفرده متوانند از مکه خارج شوند، و در صورت
خارج شدن از مکه اگر فقط به جده بیایند برای ورود به مکه در مرتبه دوم و سوم و
بعد از
آن، احرام واجب نیست، ولی اگر به مدینه بروند و از آنجا بخواهند به مکه بروند
باید در
مسجد شجره محرم شوند برای عمره مفرده دیگر، و چون بین این عمره مفرده و
عمره
مفرده اول يك ماه فاصله نشده عمره دوم را رجاءا بجا آورند، و در هر صورت این
اشخاص آخرین مرتبه‌ای که به مکه میروند باید به یکی از مواقیت معروفه، مثل
مسجد

شجره یا جحفه، بروند و از آنجا برای عمره تمتع محرم شوند.
۱۱ - س - کسانی که به علت عادت ماهانه نمیتوانند داخل مسجد شجره محرم شوند باید در خارج آن محرم شوند و در محاذی جحفه تجدید احرام نمایند، با توجه به این که

محاذی جحفه نقطه مشخصی نیست، وظیفه چیست؟
ج - میتوانند به جحفه بروند و در آنجا تجدید احرام کنند، و چنانچه حدود محاذات را تشخیص دهند و در تمام آن حد با بقاء نیت، تلبیه را تکرار کنند کفایت میکند.
۱۲ - س - جماعتی از راه طائف عازم مکه بودند، قبل از رسیدن به قرن المنازل آنان را از راه وادی عقیق فرستادند و از راه قرن المنازل منع کردند و لذا در وادی عقیق

محرم شدند، آیا احرام آنان چه صورت دارد؟
ج - صحیح است.

۱۳ - س - در مناسک مرقوم است که زنهای حائض باید عبورا از مسجد شجره محرم شوند و اگر نمیتوانند، در خارج محرم شوند و در محاذی جحفه تجدید احرام کنند،

چون این کار مشکل است و محاذی جحفه معلوم نیست آیا حضرت امام اجازه مفرمایند

که این گونه اشخاص در مدینه با نذر محرم شوند؟
ج - چون احرام قبل از میقات با نذر صحیح است، زنهای حائض که عذر شرعی از دخول مسجد دارند، میتوانند در مدینه با نذر برای عمره محرم شوند. و در این صورت لازم

نیست به مسجد شجره بروند، ولی نذر زن باید با اذن شوهر باشد.
۱۴ - س - زن حائضی که از مدینه عازم مکه بود، گمان مکرد که در حال عبور در

مسجد شجره میتواند محرم شود و وظیفه اش را انجام دهد، ولی وقتی که به محوطه حیاط

مسجد رسید دید به جهت ازدحام نمیتواند با عبور محرم شود، لذا از شوهرش که حاضر

بود اجازه نذر گرفت و چند قدمی از مسجد فاصله گرفت و با نذر محرم شد، آیا کفایت

مکند یا خیر؟

ج - اگر احراز کند که قبل از میقات، با نذر محرم شده است مانع ندارد.
۱۵ - س - زن در حال حیض به خیال این که میتواند در حال عبور، در مسجد

شجره
احرام به بیند و ارد مسجد شد و بلا فاصله احرام بست و تلبیه را هم گفت و چند
قدمی هم به
طرف دری که مخواست خارج شود رفت، ولی چون دید نمشود عبور کرد
برگشت و از

همان دری که وارد شده بود خارج شد، آیا احرامش چگونه است؟

ج - صحیح است.

۱۶ - س - يك نفر از حجاج به کلی شنوائی خود را از دست داده و زبان او هم لکنت دارد که قادر بر تکلم صحیح نیست، مسؤولین و سایر حجاج همراه، به این موضوع

توجه نداشته‌اند و این آقا بدون نیت و تلبیه وارد مکه شده است، تکلیف او و همراهانش

چیست؟

ج - باید به میقات برگردد و با نیت و تلبیه محرم شود هر چند با بردن همراه باشد، و

اگر نمیتواند به میقات برود باید در خارج حرم محرم شود، و اگر نمیتواند تلبیه را صحیح

بگوید ولو با تلقین، احوط آن است که بر هر نحو میتواند بگوید و ترجمه‌اش را نیز بگوید.

۱۷ - س - نظر به این که مسجد جحفه و مسجد تنعیم اخیراً تخریب و بازسازی شده

و وسعت یافته است، آیا حجاج یا معتمرین باید حتماً در حدود مسجد قبلی محرم شوند و یا

محرم شدن در تمام مسجد فعلی معتبر است؟

ج - میقات در جحفه خصوص مسجد نیست و از هر جای جحفه می‌توانند محرم شوند، و همچنین مسجد تنعیم خصوصیت ندارد و احرام از ادنی الحل صحیح است هر چند

در مسجد نباشد. بنابر این در صورت توسعه مسجد با صدق جحفه در اول وادنی الحل در

دوم، احرام اشکال ندارد.

۱۸ - س - در مناسك فرموده‌اید خدماهی که میخواهند به مکه بروند و از مکه خارج شوند، در صورت خارج شدن از مکه، اگر فقط به جده بروند، برای ورود به مکه در

مرتبه دوم و سوم و بعد از آن احرام واجب نیست، ولی اگر به مدینه بروند و از آنجا بخواهند

به مکه بروند باید در مسجد شجره محرم شوند برای عمره مفرده دیگر چنانچه میسر است،

نکته علمی فرق میان جده و مدینه را بیان فرمائید؟

ج - فارق، عبور از میقات و عدم عبور است.
۱۹ - س - کسی که وسائش در جحفه مانده است، آیا میتواند برای آوردن وسائل
خود، از احرام خارج گردد در حالی که برای عمره تمتع محرم شده، و وارد حرم
گردیده
است؟
ج - میتواند قبل از خروج از احرام عمره، برود وسائل خود را بیاورد، و اگر

اعمال عمره تمتع را انجام داده و محل شده است، نمیتواند از مکه خارج شود مگر در حال

ضرورت، محرماً به احرام حج علی الاحوط.

۲۰ - س - کسی از جده محرم شده و اعمال عمره تمتع را انجام داده است تکلیف او چیست؟

ج - اگر از رفتن به میقات معذور نبوده و وقت برای انجام عمره تمتع هست باید به میقات برود و محرم شود و عمره تمتع را اعاده کند، و اگر رفتن به میقات ممکن نیست به

خارج حرم برود و از آنجا محرم شود.

۲۱ - س - آیا جایز است کسی که به احرام عمره تمتع در یکی از میقاتها محرم شده

است به طرف خلاف مکه برود و بعد از چند روز بیاید مکه، مثلاً از مسجد شجره به مدینه و

بعد از همان راه یا راه دیگر به مکه برود؟

ج - مانع ندارد.

۲۲ - س - بعد از اتمام حج تمتع اگر شخص از مکه خارج شود و بخواهد مراجعت

کند آیا لازم است محرم شود یا خیر؟

ج - در صورتی که از وقت احرام عمره تمتع يك ماه نگذشته است لازم نیست محرم

شود و می تواند بدون احرام وارد مکه شود.

۲۳ - س - کسی که عمره مفرده انجام داده است، آیا میتواند در فاصله کمتر از يك ماه، بدون احرام از میقات تجاوز کند؟

ج - احتیاط آن است که به قصد رجاء برای عمره مفرده دیگر محرم شود و بدون احرام تجاوز نکند.

۲۴ - س - کسی که در جده و یا مدینه حالت روانی پیدا میکند، آیا لازم است محرماً وارد مکه شود، یا بدون احرام نیز جایز است؟

ج - مجنون، تکلیف ندارد و احرام بر او واجب نیست، و اگر بدون احرام وارد مکه شود اشکالی ندارد.

۲۵ - س - زن حائضی که نمیتوانست صبر کند تا پاك شود، نزدیک مسجد شجره محرم شد و بنا داشت محاذی جحفه احرام را تجدید کند، در ماشین خوابش برد و وارد مکه

شد، آیا احرام او درست است؟



(62)

ج - در صورت امکان باید برگردد و از جحفه یا محاذی آن محرم شود علی الاحوط،

و اگر ممکن نیست، از حرم خارج شود و از آنجا احرام ببندد.

۲۶ - س - اگر بعد از خروج از میقات در بین راه متوجه شود که تلبیه را نگفته، یا نیت نکرده و یا به جهت دیگر احرامش درست نیست، و چنانچه بخواهد از همانجا به

میقات برگردد میسر نیست ولی اگر بیاید مکه امکان دارد برگردد، آیا میتواند بیاید مکه و به

میقات برگردد، یا باید از همانجا محرم شود؟

ج - اگر میتواند به میقات برگردد ولو از مکه، نمیتواند برای عمل واجب از غیر میقات محرم شود، ولی برای دخول مکه از ادنی الحل به نیت عمره مفرده محرم شود و

بعد از اعمال آن، به یکی از مواقیت معروف برود و برای عمره تمتع احرام ببندد.

۲۷ - س - زن بدون اذن شوهرش نذر میکند و با نذر محرم میشود، آیا احرامش

درست است، و چنانچه با همان احرام اعمالش را بجا آورده باشد چگونه است؟

ج - اگر قبل از میقات محرم شده، احرام او صحیح نیست، اگر چه در صورتی که بعد

از تمام شدن حج فهمید عملش صحیح است، ولی اگر بعد از عمره متوجه شد، در صورتی

صحیح است که قابل جبران نباشد. و در صورتی که میتواند باید به میقات برود و از آنجا

محرم شود و اگر نمیتواند به میقات برود از خارج حرم احرام ببندد.

۲۸ - س - آیا نذر احرام قبل از میقات برای نایب هم جایز است یا نه؟

ج - اشکال ندارد.

۲۹ - س - هر گاه حائض یا جنب عصیانا وارد مسجد شجره شود و مانند دیگران

توقف نماید و محرم شود، آیا احرام او صحیح است یا نه؟

ج - احرام صحیح است.

۳۰ - س - کسانی که در مکه اقامت پذیرفته‌اند، موقتا نه دائما، آیا میقاتشان همان

مواقیت خمسسه معروفه است یا ادنی الحل؟

ج - اگر فریضه آنها تبدیل نشده باید از مواقیت معروفه محرم شوند، و اگر تبدیل

شده میقات آنها مکه است.

۳۱ - س - شخصی بدون احرام، عمدا یا جهلا یا سهوا، وارد مکه شده و بعدا از

جهت گرانی بیش از حد کرایه یا ممنوعیت از طرف دولت نتوانست به میقات

برگردد،

(۶۳)

وظیفه‌اش چیست؟
ج - اگر ممکن نیست به میقات برود از ادنی الحل باید محرم شود مگر این که ترك
احرام از میقات بدون عذر باشد، که در این صورت نمیتواند حج بجا آورد و اگر
مستطیع
است سال بعد باید حج انجام دهد، و گرانی بیش از حد عذر نیست مگر موجب
حرج باشد.

فصل دوم

در واجبات احرام و آنچه متعلق به آنها است.

واجبات در وقت احرام سه چیز است:

اول - نیت، یعنی انسان در حالی که میخواهد محرم شود به احرام عمره تمتع، نیت کند عمره تمتع را و لازم نیست قصد کند ترك محرمانی را که بر محرم پس از احرام، حرام میشود، بلکه کسی که به قصد عمره تمتع یا حج تمتع لبیک‌های واجب را گفت، محرم میشود چه قصد بکند احرام را یا نکند و چه قصد بکند ترك محرمات را یا نکند، پس کسی که مداند ارتکاب میکند بعضی محرمات

را مثل زیر سایه رفتن در حال سفر، احرام او صحیح است، ولی احتیاط آن است که قصد کند ترك محرمات را.

مسئله ۱ - آنچه ذکر شد که لازم نیست قصد کند ترك محرمات را در غیر آن محرماتی

است که عمره یا حج را باطل میکند مثل اکثر محرمات، و اما آنچه عمره یا حج را باطل

میکند مثل نزدیکی با زن در بعضی از صور که ذکر خواهد شد پس با قصد ارتکاب آن

احرام باطل است بلکه غیر ممکن است.

مسئله ۲ - عمره و حج و اجزاء آنها از عبادات است و باید با نیت خالص برای طاعت خداوند تعالی بجا آورد.

مسئله ۳ - اگر عمره را به ریاء یا غیر آن باطل کند احتیاط واجب آن است که حج افراد

بجا آورد و پس از آن عمره مفرده بجا آورد و در سال دیگر حج را اعاده کند.

مسئله ۴ - اگر حج را به نیت خالص بجا نیاورد و به ریاء و غیر آن باطل کند باید سال

دیگر عمره و حج را اعاده کند.

مسأله ۵ - اگر بعضی از ارکان عمره یا حج را به نیت خالص نیاورد و به ریاء و غیر آن

باطل کند و نتواند آن را جبران کند پس در عمره حکم بطلان عمره را دارد و در

حج حکم بطلان حج را، ولی اگر محل جبران باقی است و جبران کرد عملش صحیح میشود، گرچه معصیت کار است.

مسأله ۶ - اگر بواسطه ندانستن مسأله یا جهت دیگر بجای نیت عمره تمتع، حج تمتع

را قصد کند پس اگر در نظرش آن است که همین عمل را که همه بجا مآورند او هم

بجا آورد و گمان کرده جزء اول از دو جزء حج، اسمش: حج تمتع است ظاهرًا عمل

او صحیح است و عمره تمتع است، و بهتر آن است که نیت را تجدید کند.

مسأله ۷ - اگر بواسطه ندانستن مسأله یا جهت دیگر گمان کند که حج تمتع بر عمره

تمتع مقدم است و نیت حج تمتع کند به عزم این که پس از احرام برود به عرفات و مشعر و

حج بجا آورد و عمره را پس از آن بجا آورد احرام او باطل است، و باید در میقات تجدید احرام کند، و اگر از میقات گذشته است باید در صورت امکان برگردد

به میقات و محرم شود، و الا از همانجا محرم شود، و اگر وارد حرم شده و ملتفت شد

باید در صورت امکان از حرم خارج شود و محرم شود، و الا در همانجا محرم شود.

دوم - تلبیه یعنی لبیک گفتن و صورت آن بنا بر اصح آن است که بگوید:

" لبیک اللهم لبیک لبیک لا شریک لک لبیک "

و به این مقدار اگر اکتفا کند محرم شده و احرامش صحیح است، و احتیاط مستحب آن است که پس از آن که چهار " لبیک " را به صورتی که گفته شده گفت بگوید:

" ان الحمد والنعمة لك والملك لا شریک لك لبیک "

و اگر بخواهد احتیاط بیشتر بکند پس از گفتن آنچه ذکر شد، بگوید:

" لبیک اللهم لبیک لبیک ان الحمد والنعمة لك والملك لا

شریک لك لبیک "

و مستحب است بعد از آن بگوید.
" لبيك ذا المعارج لبيك لبيك داعيا إلى دار السلام لبيك لبيك

غفار الذنوب ليك ليك ليك اهل التلبية ليك ليك ذا الجلال
والاكرام ليك ليك تبدئ والمعاد إليك ليك ليك تستغني
ويفتقر إليك ليك ليك مرهوبا ومرغوبا إليك ليك ليك إله
الحق ليك ليك ذا النعماء والفضل الحسن الجميل ليك ليك
كشاف الكرب العظام ليك ليك عبدك وابن عبدك ليك
ليك يا كريم ليك " .

و اين جملات را نيز بگويد خوب است:

" ليك أتقرب إليك بمحمد وآل محمد ليك ليك بحجة وعمره
ليك ليك وهذه عمرة متعة إلى الحج ليك ليك اهل التلبية
ليك ليك تلبية تاممها وبلاغها عليك " .

و در اينجا مسألی است:

مسأله ۱ - واجب است صحيح گفتن قدر واجب از ليك را كه گذشت، همان طور
كه

صحيح گفتن تكبيرة الاحرام در نماز واجب است.

مسأله ۲ - اگر تلبیه را به قدر واجب كه ذكر شد، نداند بايد آن را ياد بگيرد يا
كسی او را

در وقت گفتن تلقين كند، يعنى كلمه آن شخص بگويد و شخصى كه مسخوهد
احرام ببندد دنبال او بطور صحيح بگويد.

مسأله ۳ - اگر نتواند ياد بگيرد يا وقت ياد گرفتن نباشد و با تلقين هم نتواند بگويد
احتياط آن است كه به هر نحو كه متواند بگويد، وترجمه اش را هم بگويد، و بهتر
آن

است كه علاوه بر آن نايب هم بگيرد.

مسأله ۴ - اگر ليك گفتن را فراموش كرد يا بواسطه ندانستن حكم نگفت، واجب
است برگردد به ميقات در صورت امكان و احرام ببندد و ليك بگويد، و اگر نتواند
برگردد همانجا بگويد اگر داخل حرم نشده است، و اگر داخل حرم شده واجب
است

برگردد به خارج حرم و احرام ببندد و ليك بگويد، و اگر ممكن نيست همانجا
محرم

شود و ليك بگويد، و اگر بعد از گذشتن وقت جبران يادش آمد بعيد نيست صحت
عمل.

مسأله ۵ - اگر کسی لبیک واجب را نگفت چه بواسطه عذری و چه بدون عذر چیزهائی که بر محرم حرام است بر او حرام نمیشود، و اگر آنچه در احرام موجب کفاره میشود بجا آورد کفاره ندارد، و هم چنین اگر لبیک را به ریاء باطل کند.

مسأله ۶ - اگر بعد از گفتن لبیک واجب در میقات فراموش کند که نیت عمره تمتع کرده یا نیت حج تمتع، بنا بگذارد که نیت عمره تمتع کرده، و عمره او صحیح است، و

همچنین اگر بعد از لبیک گفتن در روز هشتم که باید برای حج تمتع بگوید فراموش کرد که لبیک را برای حج گفت یا برای عمره، بنا بگذارد که برای حج تمتع گفته، و

حج او صحیح است و احتیاط مستحب در تجدید تلبیه است.

مسأله ۷ - جائز نیست لبیک واجب را از میقات تأخیر بیندازد، و اگر تأخیر انداخت باید بدستوری که در مسأله (۱۰) که بعد از بیان مواقیت ذکر شد، عمل کند.

مسأله ۸ - واجب در لبیک بیش از یک مرتبه نیست، ولی مستحب است تکرار آن و زیاد گفتن آن هر چه میتواند، و برای هفتاد مرتبه گفتن ثواب زیادی ذکر شده است و لازم نیست آنچه را در حال احرام بستن گفته است تکرار کند، بلکه کافی است بگوید " لبیک اللهم لبیک " یا تکرار کند " لبیک " را فقط.

مسأله ۹ - احتیاط واجب آن است که کسی که برای عمره تمتع محرم شد در وقتی که

خانه‌های مکه پیدا میشود لبیک را ترك کند و دیگر لبیک نگوید، و مراد از خانه‌های مکه خانه‌هائی است که در زمانیکه عمره بجا مآورد جزء مکه باشد هر چند مکه بزرگ شود، و احتیاط واجب برای کسی که احرام حج بسته آن است که لبیک را تا ظهر روز عرفه بیشتر نگوید.

سوم - پوشیدن دو جامه احرام برای مردان که یکی " لنگ " است و دیگری " رداء "

که باید آن را به دوش بیندازند.

و در اینجا مسائلی است:

مسأله ۱ - احتیاط واجب آن است که این دو جامه را قبل از نیت احرام و لبیک گفتن

پوشد و اگر بعد از لبیک پوشید احتیاط آن است که لبیک را دوباره بگوید.

مسأله ۲ - لازم نیست که لنگ، ناف و زانو را بپوشاند، و کفایت میکند که به نحو

متعارف باشد، ولی مستحب است که ناف و زانو را بپوشاند.
مسئله ۳ - در پوشیدن دو جامه احرام ترتیب خاصی معتبر نیست، بلکه به هر ترتیبی بپوشد مانع ندارد، فقط باید یکی را لنگ قرار دهد به هر کیفیتی که میخواهد، و یکی را رداء قرار دهد به هر کیفیتی که میخواهد، و احتیاط مستحب آن است که رداء شانه‌ها را بپوشاند.

مسئله ۴ - احتیاط واجب آن است که در حال اختیار اکتفاء نکند به یک جامه بلند که مقداری از آن را لنگ کند و مقداری را رداء قرار دهد، بلکه باید دو جامه جدا باشند.

مسئله ۵ - در پوشیدن جامه احرام احتیاط واجب آن است که نیت کند و قصد امر الهی و اطاعت او کند و احتیاط مستحب آن است که در کندن جامه دوخته هم نیت و قصد اطاعت کند.

مسئله ۶ - شرط است در این دو جامه که نماز در آنها صحیح باشد، پس کفایت نمکند جامه حریر و غیر مأكول و جامه ای که نجس باشد به نجاستی که در نماز عفو از آن نشده باشد.

مسئله ۷ - لازم است جامه ای را که لنگ قرار مدهد نازک نباشد بطوری که بدن نما باشد، و احتیاط مستحب آن است که رداء هم بدن نما نباشد.

مسئله ۸ - احتیاط واجب آن است که لباس احرام زن حریر خالص نباشد، بلکه احتیاط

آن است که تا آخر احرام حریر نپوشد.

مسئله ۹ - دو جامه‌ای که ذکر شد که باید محرم بپوشد مخصوص به مرد است، ولی زن

متواند در لباس خودش به هر نحو هست محرم شود چه دوخته باشد یا نباشد ولی حریر محض نباشد چنانچه گذشت.

مسئله ۱۰ - احتیاط واجب آن است که هر وقت در بین اعمال یا غیر آن در احوال احرام این دو جامه نجس شود تطهیر یا تبدیل نماید، و احوط مبادرت به تطهیر بدن است در حال احرام اگر نجس شود.

مسأله ۱۱ - اگر تطهیر نکند جامه احرام یا بدن را کفاره ندارد.
مسأله ۱۲ - احتیاط آن است که جامه احرام از پوست نباشد، لکن ظاهراً اگر به آن جامه

گفته شود مانع ندارد.

مسئله ۱۳ - لازم نیست که جامه احرام منسوج و بافتنی باشد، بلکه اگر مثل " نمد "

مالیده باشد و جامه به آن گفته شود مانع ندارد.

مسئله ۱۴ - افضل آن است که محرم اگر جامه احرام را عوض کرده وقتی که وارد مکه

میشود برای طواف همان جامه ای را که در آن محرم شده است بپوشد، بلکه موافق احتیاط استحبابی است.

مسئله ۱۵ - اگر محرم اضطرار پیدا کند به پوشیدن قبا یا پیراهن برای سردی هوا یا غیر

آن میتواند قبا و پیراهن بپوشد، لکن باید قبا را پائین و بالا کند و به دوش بیندازد، و دست از آستین آن بیرون نیاورد، و احوط آن است که پشت و رو نیز بکند، و

پیراهن

را نیز باید به دوش بیندازد و نپوشد، و اگر اضطرار رفع نمیشود مگر به پوشیدن قبا و پیراهن میتواند بپوشد.

مسئله ۱۶ - لازم نیست جامه احرام را همیشه در بر داشته باشد، بلکه جائز است آنها

را عوض کند و برای شستن بیرون بیاورد و برای حمام رفتن آنها را بکند بلکه جائز است برای حاجت هر دو را بیرون بیاورد و لخت شود.

مسئله ۱۷ - شخص محرم میتواند از دو جامه احرام بیشتر بپوشد، مثل دو سه رداء و دو سه لنگ برای حفظ از سرما یا غرض دیگر.

مسئله ۱۸ - اگر لباس احرام را عمدا نپوشد یا لباس دوخته در حالی که میخواهد محرم

شود بپوشد معصیت کرده است، ولی به احرام او ضرر نمرساند و احرامش صحیح است، و اگر از روی عذر باشد معصیت هم نکرده و احرامش صحیح است.

مسئله ۱۹ - گره زدن لباس احرام اشکال ندارد ولی احتیاط واجب آن است که آن را که

لنگ قرار داده به گردن گره نزنند، و اگر از روی جهل یا نسیان گره زد احتیاط آن است که

فورا باز کند، ولی به احرامش ضرر نمرساند و چیزی هم بر او نیست، و سنگ در جامه احرام گذاشتن و با نخ بستن نیز جائز است.

مسئله ۲۰ - شرط نیست در احرام بستن پاك بودن از حدث اصغر و اكبر، پس جائز است در حال جنابت و حیض و نفاس محرم شود، بلکه غسل احرام برای حائض و



(V.)

نفساء مستحب است.

مسأله ۲۱ - اگر پیراهن بپوشد بعد از آن که محرم شد لازم است که پیراهن را شکاف

دهد و از پائین بیرون آورد، ولی اگر در پیراهن محرم شود لازم نیست شکاف دهد و از پائین بیرون آورد، و همین قدر لازم است آن را بکند و لباس احرام بپوشد، و در هر

دو صورت احرامش صحیح است.

مسأله ۲۲ - اگر فراموش کند احرام را و به خاطرش نیاید مگر بعد از اتمام همه واجبات و نتواند جبران کند احتیاط در بطلان عمره او است اگر چه صحت آن به نظر

بعید نیست، ولی اگر اعمال حج را هم تمام کرد و یادش آمد عملش صحیح است. مسائل متفرقه احرام

۱ - س - کسی در وقت احرام این طور قصد میکند: محرم مشوم، یا احرام مبیندم برای عمره تمتع یا غیر آن، با توجه به این مسأله که فرموده‌اید نیت احرام لازم نیست بلکه ممکن نیست، این احرام چه صورت دارد؟

ج - به احرام ضرر نمزند هر چند قصد احرام لازم نیست، و احرام امر قصدی نیست، بلکه اگر شخص به قصد حج یا عمره تلبیه بگوید محرم میشود هر چند قصد احرام نکند.

۲ - س - زنی قبل از احرام برای عمره تمتع مدانست که عادت ماهانه او ده روز است و قبل از احرام حج اعمال عمره تمتع را نمیتواند انجام دهد، مع ذلك، نیت عمره

تمتع کرد، آیا در برگرداندن نیت احرام عمره تمتع به حج افراد، باید چه کند؟ ج - نیت را به حج افراد برگرداند و اشکال ندارد، بلی اگر با التفات به این که نمیتواند عمره تمتع را انجام دهد و اگر انجام دهد صحیح نیست به نیت عمره تمتع محرم

شود، صحت این احرام، بلکه حصول جد به آن، محل اشکال است.

۳ - س - مردها معمولاً برای احرام، يك حوله به عنوان لنگ به کمر میندند و یکی هم بر روی شانها مانندازند، ولی بعضی افراد برای این که موقع وزش باد و یا سوار

شدن ماشین عورت آنان ظاهر نشود اضافه بر آن دو حوله، يك متر چلوار ندوخته از وسط

(Y)

پا عبور مدهند به نحوی که دو طرف پارچه از جلو و عقب زیر حوله قرار مگیرد، آیا این

عمل صحیح است یا اشکال دارد؟

ج - اشکال ندارد.

۴ - س - آیا میشود برای کسی که قادر بر تلبیه گفتن نیست نایب گرفت یا خیر؟
ج - اخرس (لال) باید با انگشت به تلبیه اشاره کند و زبانش را هم حرکت دهد، و نایب گرفتن کافی نیست.

۵ - س - کسی که در گذشته حج واجبش را انجام داده، و بنا دارد حج مستحبی بجا

آورد، ولی از روی نا آگاهی و یا فراموشی در نیت احرام عمر مگوید " احرام عمره تمتع

از حج تمتع از حجة الاسلام مبندم قربة إلى الله "، آیا آوردن و در نیت داشتن حجة الاسلام، در حالی که حج مستحبی است، اشکالی دارد یا خیر؟

ج - اشکال دارد، مگر آن که اشتباه لفظی باشد و قصدش این بوده عمره ای که وظیفه

او است انجام دهد و اسمش را حجة الاسلام گذاشته باشد.

۶ - س - اگر کسی بداند در صورت صحیح نگفتن تلبیه، محرم نمیشود، و تلبیه را غلط بگوید و اعمال حج را انجام دهد، آیا اعمالش صحیح است یا نه؟

ج - چنانچه از روی عمد بوده صحیح نیست، و اگر عمدی نبوده و از روی فراموشی یا ندانستن مسأله بوده، در فرض مرقوم بعید نیست صحت عمل.

۷ - س - اگر کسی تلبیه را غلط بگوید و بعد از وقوفین و قبل از اتمام اعمال حج فهمید که صحیحا محرم نشده است، آیا وظیفه او نسبت به سایر اعمال، و همچنین عمره

قبلی او چگونه است؟

ج - با فرض این که بعد از وقت جبران متوجه شده بعید نیست صحت عمل، لکن احوط عدم اکتفاء به این حج است، و این احتیاط ترك نشود.

۸ - س - ترجمه تلبیه (لبيك اللهم لبيك، لبيك لا شريك لك لبيك) چیست؟

ج - ترجمه جمله مذکور چنین است: اجابت میکنم دعوت تو را خدایا اجابت میکنم دعوت تو را، اجابت میکنم دعوت تو را، شریکی نیست مر تو را، اجابت میکنم

دعوت تو را، و اگر کلمه دعوت را هم نگوید کفایت میکند در مواردی که باید ترجمه را

بگوید.



(۷۲)

۹ - س - لباس احریمی که معلوم نیست از در آمد منبر است یا وجوهات شرعیه، آیا لازم است خمس آن را بدهد؟

ج - با فرض شك، لازم نیست، هر چند احتیاط مطلوب است.

۱۰ - س - کسی که به دیگران تلقین نیت و تلبیه میکند و خودش فراموش کرده است که نیت نماید، وظیفه اش چیست؟

ج - اگر به قصد انجام عمره یا حج تلبیه نگفته، محرم نشده است و باید در صورت امکان به میقات برگردد، و اگر ممکن نیست به خارج حرم برود و مجدداً محرم شود.

۱۱ - س - آیا لباس احرام منحصر در دو جامه است و بیشتر نباید باشد؟

ج - مقدار واجب آن دو جامه است، و زیادتر مانع ندارد.

مستحبات احرام

مستحبات احرام چند چیز است:

۱ - آن که قبلاً بدن خون را پاکیزه نموده و ناخن و شارب خود را بگیرد و موی زیر بغل و عانه را با نوره ازاله نماید.

۲ - کسی که قصد حج دارد از اول ماه ذی القعدة و شخصی که قاصد عمره مفرده است پیش از يك ماه موی سر و ریش را رها کند.

۳ - آن که پیش از احرام در میقات غسل احرام بنماید و این غسل از زن حائض و نفساء نیز صحیح است و تقدیم این غسل به خصوص در صورتی که خوف آن باشد که در

میقات آب یافت نشود جائز است و در صورت تقدیم اگر در میقات آب یافت شد مستحب است غسل را اعاده بنماید و بعد از این غسل اگر مکلف لباسی را پوشید یا چیزی را خورد که بر محرم حرام است باز هم اعاده مستحب است و اگر مکلف در روز

غسل نمود از غسل تا آخر شب آینده کفایت میکند و هم چنین اگر غسل در شب نمود تا

آخر روز آینده کافی است ولی اگر بعد از غسل و پیش از احرام به حدث أصغر محدث

شد غسل را اعاده نماید.

۴ - آن که دو جامه احرام از پنبه باشد.

۵ - آن که احرام را به ترتیب ذیل ببندد در صورت تمکن بعد از فریضه ظهر، و در صورت عدم تمکن بعد از فریضه دیگر، و در صورت عدم تمکن از آن بعد از شش یا دو

رکعت نماز نافله، در رکعت اول پس از حمد سوره توحید، و در رکعت دوم سوره حمد

را بخواند، و شش رکعت افضل است، و بعد از نماز حمد و ثنای إلهی را بجا آورد و بر

پیغمبر و آل او صلوات بفرستد آنگاه بگوید:

" اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ اسْتَجَابَ لَكَ وَأَمِنَ بِوَعْدِكَ
وَاتَّبَعَ أَمْرَكَ فَانِي عَبْدُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ لَا أَوْقِي إِلَّا مَا وَقَيْتَ وَلَا
أَخْذُ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَ وَقَدْ ذَكَرْتُ الْحَجَّ فَأَسْأَلُكَ أَنْ تَعَزِّمَ لِي عَلَيْهِ عَلَي
كِتَابِكَ وَسُنَّةَ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَتَقْوِينِي عَلَي مَا ضَعَفْتَ
وَتَسَلَّمَ لِي مَنَاسِكِي فِي يَسْرٍ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ وَاجْعَلَنِي مِنْ وَفْدِكَ الَّذِي
رَضِيَتْ وَارْتَضَيْتَ وَسَمِيَتْ وَكُتِبَتْ، اللَّهُمَّ إِنِّي خَرَجْتُ مِنْ شِقَّةٍ بَعِيدَةٍ
وَانْفَقْتُ مَالِي ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لِي حَجَّتِي وَعَمْرَتِي اللَّهُمَّ
إِنِّي أُرِيدُ التَّمَتُّعَ بِالْعَمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ عَلَي كِتَابِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ
صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَانْ عَرِّضْ لِي عَارِضَ يَحْبِسُنِي فَخَلْنِي حَيْثُ
حَبَسْتَنِي بِقُدْرِكَ الَّذِي قَدَّرْتَ عَلَيَّ اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ حِجَّةَ فَعَمْرَةٍ،
أَحْرَمَ لَكَ شَعْرِي وَبَشْرِي وَلَحْمِي وَدَمِي وَعِظَامِي وَمَخِي وَعَصْبِي
مِنَ النِّسَاءِ الثِّيَابِ وَالطَّيِّبِ أَبْتَغِي بِذَلِكَ وَجْهَكَ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ "

۶ - هنگام پوشیدن دو جامه احرام بگوید:

" الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي وَأُوْدِي فِيهِ فَرْضِي
وَأَعْبُدُ فِيهِ رَبِّي وَأَنْتَهِيَ فِيهِ إِلَى مَا أَمَرَنِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَصَدْتَهُ
فَبَلَّغَنِي وَأَرَدْتَهُ فَأَعَانَنِي وَقَبَّلَنِي وَلَمْ يَقْطَعْ بِي وَوَجْهَهُ أَرَدْتَ فَسَلَّمَنِي
فَهُوَ حَصْنِي وَكَهْفِي وَحَرْزِي وَظَهْرِي وَمَلَاذِي وَرَجَائِي وَمَنْجَايَ "

- وذخري وعدتي في شدتي ورخائي".
- ۷ - آن که تلبیه ها را در حال احرام تکرار کند خصوصا در موارد آینده:
- الف: وقت برخاستن از خواب.
- ب - بعد از هر نماز واجب و مستحب.
- ج - وقت رسیدن به سواره.
- د - هنگام بالا رفتن از تل یا سرازیر شدن از آن.
- ه - وقت سوار شدن یا پیاده شدن.
- و - آخر شب.
- ز - اوقات سحر.
- زن حائض و نفساء نیز این تلبیه ها را بگویند.
- و شخص متمتع تلبیه گفتن او در عمره مستمر خواهد بود تا آن که خانه های مکه را ببیند. و اما تلبیه حج تا ظهر روز عرفه مستمر است.
- مکروهات احرام
- مکروهات احرام چند چیز است:
- ۱ - احرام در جامه سیاه، و افضل احرام در جامه سفید است.
- ۲ - خوابیدن محرم بر رخت و بالش زرد رنگ.
- ۳ - احرام بستن در جامه چرکین و اگر جامه در حال احرام چرک شود بهتر آنست که که مکلف ما دامی که در حال احرام است آن را نشوید.
- ۴ - احرام بستن در جامه راه راه.
- ۵ - استعمال حنا پیش از احرام در صورتی که اثر آن تا حال احرام باقی بماند.
- ۶ - حمام رفتن و اولی آنست که محرم بدن خود را با کیسه و مثل آن نساید.
- ۷ - لبیک گفتن محرم در جواب کسی که او را صدا نماید.

فصل سوم

در آنچه بر محرم حرام میشود و آن چند امر است:

اول - شکار صحرائی که وحشی باشد، مگر در صورتی که ترس داشته باشد از آزار آن.

و در اینجا مسائلی است:

مسأله ۱ - خوردن گوشت شکار بر محرم حرام است چه خودش شکار کند یا غیر خودش چه محرم شکار کند یا غیر محرم.

مسأله ۲ - نشان دادن شکار را به شکارچی حرام است و همین طور اعانت او به هر نحوی

حرام است.

مسأله ۳ - اگر محرمی صید را ذبح کند در حکم میتة خواهد بود بنا بر مشهور، و به احتیاط واجب هم در باره محرم و هم محل.

مسأله ۴ - شکار دریائی مانع ندارد، و آن حیوانی است که تخم و جوجه هر دو را در

دریا کند.

مسأله ۵ - ذبح و خوردن حیوانات اهلی مثل مرغ خانگی و گاو و گوسفند و شتر مانع

ندارد.

مسأله ۶ - پرندگان، جزء شکار صحرائی میباشند و ملخ نیز در حکم شکار صحرائی است.

مسأله ۷ - احتیاط واجب آن است که زنبور را نکشد اگر قصد اذیت او را نداشته باشد.

مسأله ۸ - نگاه داشتن صید حرام است اگر چه خودش مالک آن باشد.

مسأله ۹ - اگر پرنده ای که نزد او است " پر " در نیاورده یا پر او را چیده‌اند واجب است آن را حفظ کند تا پر در آورد و آن را رها کند، بلکه بعید نیست که واجب باشد

حفظ بچه صید را، مثل آهو بره تا بزرگ شود و رها کند آن را.

مسأله ۱۰ - هر شکاری که حرام است، جوجه و تخم آن نیز حرام است. بدان که در شکار احکام بسیاری است و چون محل حاجت چندان نیست از بیان آنها

خودداری شد.

دوم - جماع کردن با زن. و بوسیدن، و دست بازی کردن، و نگاه به شهوت، بلکه هر نحو لذت و تمتعی بردن. و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۱ - اگر کسی در احرام عمره تمتع از روی علم و عمد با زن چه در قبل و چه در

دبر و یا با مرد جماع کند ظاهراً عمره‌اش باطل نشود و لکن موجب کفاره است که

بیان آن مآید، و احتیاط آن است که اگر این عمل پیش از سعی واقع شد عمره را تمام کند و آن را دو مرتبه بجا آورد، و اگر وقت تنگ است حج افراد بجا آورد و بعد از

آن عمره مفرده بجا آورد، و احتیاط بیشتر آن است که سال دیگر حج را اعاده کند. مسأله ۲ - اگر در عمره تمتع این عمل را از روی علم و عمد پس از سعی مرتکب شود

کفاره بر او واجب میشود، و کفاره بنابر احتیاط واجب يك شتر است چه ثروتمند باشد یا نباشد.

مسأله ۳ - اگر در احرام حج این عمل را از روی علم و عمد بجا آورد اگر قبل از وقوف به عرفات بوده حج او فاسد است مسلماً، و اگر بعد از وقوف به عرفات و قبل

از وقوف به مشعر الحرام بوده حج او فاسد است بنابر اقوی، و در هر دو صورت کفاره آن يك شتر است.

مسأله ۴ - در این دو صورت که حج فاسد شد باید حج را تمام کند و در سال دیگر نیز حج بجا آورد.

مسأله ۵ - اگر این عمل بعد از وقوف به عرفات و مشعر واقع شد دو صورت دارد: یکی آن که قبل از تجاوز از نصف طواف نساء مرتکب شده، در این صورت حج



(۷۸)

او صحیح است، و فقط باید کفاره بدهد.

دوم آن که بعد از تجاوز از نصف طواف نساء مرتکب شده، پس حج او صحیح است و کفاره هم ندارد بنا بر اقوی.

مسئله ۶ - اگر زنی را از روی شهوت ببوسد کفاره آن يك شتر است، و اگر بدون شهوت ببوسد کفاره آن يك گوسفند است. و احتیاط مستحب آن است که يك شتر کفاره بدهد.

مسئله ۷ - اگر عمدا نگاه کند به غیر زن خود و انزالش شود احوط آنست که اگر میتواند يك شتر کفاره بدهد، و اگر نمیتواند يك گاو، و اگر آن را هم نمیتواند يك گوسفند کفاره بدهد.

مسئله ۸ - اگر محرم نگاه کند به زن خود از روی شهوت و انزالش شود مشهور آن است که يك شتر کفاره است، ولی اگر از روی شهوت نباشد کفاره ندارد.

مسئله ۹ - اگر کسی با زن دست بازی کند به شهوت و انزالش نشود يك گوسفند کفاره آن است، و اگر انزالش شود احتیاط آنست که يك شتر کفاره بدهد اگر چه کفایت گوسفند، خالی از قوت نیست.

مسئله ۱۰ - هر يك از این امور که موجب کفاره است اگر با جهل به مسئله یا از روی غفلت یا از روی نسیان واقع شود به عمره و حج او ضرر نمرساند و بر شخص کفاره نیست.

مسئله ۱۱ - اگر مردی با زن خود که محرم است از روی اجبار جماع کند بر زن چیزی نیست، و مرد باید علاوه بر کفاره خود کفاره زن را هم بدهد، و اگر زن از روی رضایت جماع دهد کفاره بر خود او است، و مرد باید کفاره خودش را بدهد، و کفاره‌ای که باید بدهند گذشت.

سوم - عقد کردن زن از برای خود یا غیر، چه آن غیر، احرام بسته باشد یا نبسته باشد و محل باشد.

و در اینجا چند مسئله است:

مسئله ۱ - جایز نیست شخص محرم شاهد شود از برای عقد گرچه آن عقد برای غیر

محرم باشد.

مسئله ۲ - احتیاط آن است که شهادت ندهد بر عقد اگر چه شاهد عقد شده باشد، در

حال محرم نبودن، اگر چه جائز بودن آن خالی از قوت نیست.

مسئله ۳ - اقوی آن است که خواستگاری کردن در حال احرام جائز است. و احتیاط

در ترك است.

مسئله ۴ - رجوع کردن به زنی که طلاق رجعی داده است مانع ندارد.

مسئله ۵ - اگر زنی را در حال احرام برای خود عقد کند با علم به مسئله، آن زن بر او

حرام دائمی مشود.

مسئله ۶ - اگر زنی را با جهل به مسئله برای خود عقد کند عقدی که کرده است باطل

است، لکن حرام دائمی نمیشود، ولی احتیاط آن است که آن زن را نگیرد خصوصا اگر با او نزدیکی کرده باشد.

مسئله ۷ - ظاهرا فرقی بین زن عقدی و صیغه‌ای نیست در احکامی که ذکر شد.

مسئله ۸ - احتیاط آن است که زن اگر احرام بسته باشد و مرد محرم نباشد و عقد کند

او را، با او نزدیکی نکند و طلاق دهد او را، و در صورت علم به مسئله او را طلاق دهد، و با او هیچ وقت ازدواج نکند.

مسئله ۹ - اگر کسی عقد کند زنی را برای محرمی و محرم دخول کند پس اگر هر

سه

عالم به حکم باشند بر هر يك آنها يك شتر كفاره است، و اگر دخول نکند كفاره نیست، و در این حکم فرق نیست بین آن که زن و عاقد محل باشند یا محرم، و اگر بعضی از آنها حکم را بدانند و بعضی ندانند بر آن که بدانند كفاره است.

چهارم - استمناء یعنی طلب بیرون آمدن منی کردن بدست یا غیر آن هر چند به خیال باشد یا به بازی کردن با زن خود یا کس دیگر به هر نحو باشد، پس اگر

منی خارج

شود كفاره آن يك شتر است، و احتیاط واجب آن است که در جائی که جماع موجب

بطلان است استمناء نیز موجب بطلان باشد به نحوی که در جماع گفته شد.

پنجم - استعمال عطریات است از قبیل مشک و زعفران و کافور و عود و عنبر، بلکه مطلق عطر هر قسم که باشد.



(۸۰)

و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۱ - مالیدن عطر بر بدن و لباس جائز نیست و همینطور پوشیدن لباسی که بوی

عطر مدهد اگر چه قبلا به آن عطر مالیده شده باشد.

مسأله ۲ - خوردن چیزی که در آن چیزی است که بوی خوش مدهد مثل زعفران جائز نیست.

مسأله ۳ - اگر به پوشیدن لباس یا خوردن غذایی که بوی خوش مدهد اضطرار پیدا کند

باید دماغ خود را بگیرد که بوی خوش به آن نرسد.

مسأله ۴ - از گلها یا سبزیهایی که بوی خوش مدهد باید اجتناب کند، مگر بعضی انواع که صحرائی است، مثل "بومادران" و "درمنه" و "خزومی" که مگویند از خوشبوترین گلها است.

مسأله ۵ - احتیاط آن است که از "دارچینی" و "زنجبیل" و "هل" و امثال آنها اجتناب

کند اگر چه اقوی حرام نبودن آنها است.

مسأله ۶ - از میوه‌های خوشبو از قبیل سیب و به اجتناب لازم نیست، و خوردن آنها و

بوئیدن آنها مانع ندارد، لکن احتیاط آن است که بوئیدن را ترك کند.

مسأله ۷ - اقوی حرمت گرفتن دماغ است از بوی بد، لکن فرار کردن از بوی بد به تند رفتن عیب ندارد.

مسأله ۸ - خرید و فروش عطریات اشکال ندارد لکن نباید آنها را برای امتحان بو کند یا استعمال کند.

مسأله ۹ - کفاره استعمال بوی خوش يك گوسفند است بنا بر احتیاط واجب.

مسأله ۱۰ - مشهور آن است که استعمال خلوق کعبه و آن چیزی است که کعبه را به آن

خوش بو میکنند حرام نیست، لکن چون معلوم نیست که خلوق چیست احتیاط آن است که اجتناب کند از بوی خوشی که در کعبه است.

مسأله ۱۱ - اگر بوی خوش را مکرر استعمال کرد در وقت واحد بعید نیست يك گوسفند کفایت کند، لکن احتیاط در تعدد است، و اگر در اوقات متعدده استعمال کرد

احتیاط ترك نشود، و اگر بعد از استعمال کفاره داد و باز استعمال کرد واجب است

(۸۱)

- که باز کفاره بدهد.
- ششم - پوشیدن چیز دوخته مثل پیراهن و زیر جامه و قبا و امثال آنها.
و در اینجا چند مسأله است:
- مسأله ۱ - چیزهایی که شبیه بدوخته است مثل پیراهنهایی که با چرخ یا با دست میافند
یا چیزهایی را که با نمد به شکل بالاپوش میمانند مثل کلیجه و پستک و کلاه و غیر آن
جائز نیست پوشیدن آنها.
- مسأله ۲ - احوط اجتناب از مطلق دوخته است هر چند کم باشد، مثل کمر بند دوخته و شب کلاه.
- مسأله ۳ - همیانی را که در آن پول میگذارند اشکال ندارد به کمر ببندد هر چند دوخته باشد، و بهتر آن است که قسمی کند که بی گره باشد.
- مسأله ۴ - فتق بند اگر دوخته باشد برای ضرورت جائز است ببندد، لکن احتیاط آن است که کفاره بدهد.
- مسأله ۵ - اگر به لباس دوخته احتیاج پیدا کرد جائز است بپوشد، ولی کفاره باید بدهد.
- مسأله ۶ - جائز است گره زدن لباس احرام را ولی احتیاط در گره زدن است، و احتیاط واجب آن است که لنگ را به گردن گره نزنند.
- مسأله ۷ - جائز است که لباس احرام را با سوزن یا چیز دیگر بعضی را به بعضی وصل کند گرچه احتیاط در ترك است.
- مسأله ۸ - از برای زنها جائز است لباس دوخته هر قدر میخواهند بپوشند و کفاره ندارد، بلی جائز نیست از برای آنها پوشیدن "قفازین" و آن چیزی بوده که زنهای عرب در آن پنبه میگذاشتند و دست میکردند برای حفظ از سرما.
- مسأله ۹ - کفاره پوشیدن لباس دوخته يك گوسفند است.
- مسأله ۱۰ - اگر محرم چند قسم لباس دوخته بپوشد مثل پیراهن و قبا و عبا برای هر يك باید کفاره بدهد و احتیاط واجب آنست که اگر آنها را توی هم کرد و يك دفعه پوشید باز برای هر يك کفاره بدهد.

مسأله ۱۱ - اگر از روی اضطرار لباسهای متعدد پوشید کفاره ساقط نمیشود.
مسأله ۱۲ - اگر يك قسم لباس بپوشد مثل پیراهن و کفاره بدهد و باز پیراهن دیگر بپوشد یا آن را که پوشیده بکند و باز بپوشد باید برای دفعه دیگر نیز کفاره بدهد.
مسأله ۱۳ - احتیاط واجب آنست که اگر چند لباس از يك نوع بپوشد مثل چند قبا یا

چند پیراهن چه در مجلس واحد یا در مجالس عدیده برای هر يك کفاره بدهد.
هفتم - سرمه کشیدن به سیاهی که در آن زینت باشد هر چند قصد زینت نکند، و احتیاط واجب اجتناب از مطلق سرمه است که در آن زینت باشد، بلکه اگر بوی خوش داشته باشد بنابر اقوی حرام است.

و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۱ - حرام بودن سرمه کشیدن به زن اختصاص ندارد و برای مرد نیز حرام است.

مسأله ۲ - در سرمه کشیدن کفاره نیست، لکن اگر در سرمه بوی خوش باشد احتیاط

کفاره دادن است.

مسأله ۳ - در صورتی که احتیاج داشته باشد به سرمه کشیدن مانعی ندارد.
هشتم - نگاه کردن در آینه.

و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۱ - در این حکم فرقی بین زن و مرد نیست.

مسأله ۲ - نگاه کردن به اجسام صاف صیقل داده شده که عکس در آن پیدا است و نگاه

کردن در آب صاف اشکال ندارد.

مسأله ۳ - عینک زدن اگر زینت نباشد اشکال ندارد، ولی اگر زینت محسوب شود جایز نیست.

مسأله ۴ - در نظر کردن به آینه کفاره نیست لکن مستحب است که بعد از نگاه کردن

لیک بگوید.

مسأله ۵ - اگر در اطاقی که ساکن است آینه باشد و بداند که گاهی چشم او سهوا به آینه

مافند اشکال ندارد، لکن احتیاط آن است که آن را بردارد یا چیزی روی آن بیندازد.

مسأله ۶ - احتیاط آن است که به آینه نگاه نکند اگر چه برای زینت نباشد.

نهم - پوشیدن موزه و چکمه و گیوه و جوراب و هر چه تمام روی پا را مگیرد.
و در آن چند مسأله است:

مسأله ۱ - این حکم اختصاص به مردان دارد و برای زن مانع ندارد.
مسأله ۲ - اگر مرد محتاج شود به پوشیدن چیزی که روی پا را مگیرد احتیاط واجب

آنست که روی آن را شکاف دهد.

مسأله ۳ - در پوشیدن آنچه روی پا را مگیرد کفاره نیست.

دهم - فسوق است و آن اختصاص بدروغ گفتن ندارد، بلکه فحش دادن و فخر به دیگران کردن نیز فسوق است، و از برای فسوق کفاره نیست، فقد باید استغفار کند،

و مستحب است چیزی کفاره بدهد و اگر گاو ذبح کند بهتر است.

یازدهم - جدال است و آن گفتن " لا والله " و " بلی والله " است.

و در آن چند مسأله است:

مسأله ۱ - آن که گفتن کلمه " لا " و کلمه " بلی " و در سایر لغات مرادف آن مثل " نه " و

" آری " دخالتی در جدال ندارد، بلکه قسم خوردن در مقام اثبات مطلب یا رد غیر، جدال است.

مسأله ۲ - قسم اگر بلفظ " الله " باشد یا مرادف آن مثل " خدا " در زبان فارسی جدال

است، و اما قسم به غیر خدا به هر کس باشد ملحق به جدال نیست.

مسأله ۳ - احتیاط واجب الحاق سایر اسماء الله است بلفظ جلاله، پس اگر کسی قسم بخورد به رحمان و رحیم و خالق سموات و ارض، جدال محسوب میشود به احتیاط واجب.

مسأله ۴ - در مقام ضرورت برای اثبات حقی یا ابطال باطلی جایز است قسم بخورد بجلاله و غیر آن.

مسأله ۵ - اگر در جدال راستگو باشد در کمتر از سه مرتبه چیزی بر او نیست مگر استغفار، و در سه مرتبه کفاره باید بدهد، و کفاره آن يك گوسفند است.

مسأله ۶ - اگر در جدال دروغگو باشد احتیاط واجب آنست که در يك مرتبه يك گوسفند کفاره بدهد، و در دو مرتبه يك گاو و در سه مرتبه يك شتر بلکه خالی از

قوت نیست.

مسئله ۷ - اگر در جدال بدروغ در دفعه اول يك گوسفند كفاره ذبح کرد بعید نیست

که اگر بعد از آن جدال کند بدروغ كفاره آن يك گوسفند باشد نه گاو.

مسئله ۸ - اگر در جدال بدروغ دو مرتبه جدال کرد و يك گاو ذبح کرد برای كفاره و

بعد يك مرتبه دیگر جدال کرد بدروغ، ظاهراً يك گوسفند كفاره است، و اگر بعد از

ذبح گاو دو مرتبه دروغ گفت و جدال کرد ظاهراً يك گاو كفاره آن است.

مسئله ۹ - اگر به راست جدال کرد بیشتر از سه مرتبه هر چند باشد يك گوسفند كفاره

است مگر آن که بعد از سه مرتبه كفاره بدهد، در این صورت اگر سه مرتبه دیگر جدال

کند به راست باید يك گوسفند ذبح کند.

مسئله ۱۰ - اگر به دروغ ده مرتبه یا بیشتر جدال کند كفاره يك شتر است ظاهراً، مگر

آن که پس از سه مرتبه یا زیادهتر كفاره را ذبح کند که در این صورت در دفعه اول گوسفند و در دفعه دوم گاو و در دفعه سوم شتر است.

دوازدهم - کشتن جانورانی که در بدن ساکن میشوند مثل شپش و كيك و کنه که در بدن حیوان است.

و در اینجا چند مسئله است:

مسئله ۱ - جائز نیست انداختن شپش و كيك را از بدن.

مسئله ۲ - جائز نیست نقل کردن آن را از مکانی که محفوظ است به به جائی که از آن ساقط

شود و بیفتد و احتیاط آنست که به محلی که در معرض آن است که بیفتد نقل ندهد.

مسئله ۳ - احتیاط مستحب آن است که آن را از محلی به محل دیگر از بدن نقل ندهند

اگر مکان اول محفوظ تر باشد.

مسئله ۴ - بعید نیست که در کشتن یا انتقال دادن كفاره نباشد، لکن احتیاطاً يك كف

از طعام صدقه بدهد.

سیزدهم - انگشتر بدست کردن به جهت زینت و اگر برای استحباب باشد مانع

ندارد.

- و در اینجا چند مسأله است:
- مسأله ۱ - اگر انگشتر بدست کند نه برای زینت و نه برای استحباب مثل آن که برای خاصیتی بدست کند اشکال ندارد.
- مسأله ۲ - احتیاط واجب آن است که محرم " حنا " برای زینت نبندد بلکه اگر زینت باشد ولو قصد نکند احتیاط در ترك است بلکه حرمت آن در هر دو صورت خالی از وجه نیست.
- مسأله ۳ - اگر قبل از احرام " حنا " ببندد چه به قصد زینت باشد یا نباشد و چه اثرش تا زمان احرام بماند یا نماند مانع ندارد، ولی احتیاط خوبست.
- مسأله ۴ - انگشتر بدست کردن و حنا بستن کفاره ندارد.
- چهاردهم - پوشیدن زیور است برای زن به جهت زینت.
- و در اینجا چند مسأله است:
- مسأله ۱ - اگر زیور زینت باشد احتیاط واجب آن است که ترك کند هر چند قصد تزین نداشتنه باشد بلکه حرمت آن خالی از قوت نیست.
- مسأله ۲ - زیورهایی را که عادت داشته به پوشیدن آن قبل از احرام لازم نیست برای احرام بیرون بیاورد.
- مسأله ۳ - زیورهایی را که عادت داشته به پوشیدن آن نباید به مرد نشان دهد حتی به شوهر خود.
- مسأله ۴ - پوشیدن زیور حرام است ولی کفاره ندارد.
- پانزدهم - روغن مالیدن است به بدن.
- و در آن چند مسأله است:
- مسأله ۱ - احوط بلکه اقوی حرام بودن مالیدن روغن است اگر چه بوی خوش در آن نباشد.
- مسأله ۲ - جائز نیست روغنی که بوی خوش در آن است استعمال کند پیش از احرام
- اگر اثرش باقی مماند تا وقت احرام.
- مسأله ۳ - اگر از روی اضطرار و احتیاج روغن بمالد عیبی ندارد.
- مسأله ۴ - خوردن روغن مانع ندارد اگر در آن بوی خوش مثل زعفران نباشد.

مسأله ۵ - اگر در روغن بوی خوش نباشد در مالیدن آن کفاره نیست.
مسأله ۶ - اگر در روغن بوی خوش باشد کفاره آن يك گوسفند است اگر چه از روی

اضطرار باشد.

شانزدهم - ازاله مو است از بدن خود یا غیر خود چه محرم باشد چه محل.
و در آن چند مسأله است:

مسأله ۱ - در حرمت ازاله مو فرقی نیست میان کم و زیاد بلکه ازاله يك مو نیز حرام است.

مسأله ۲ - ازاله مو اگر از روی ضرورت باشد عیب ندارد، مثل زیادی شپش و درد سر و موی چشم که اذیت میکند.

مسأله ۳ - اگر در وقت غسل یا وضوء موئی بدون قصد کنده شود اشکال ندارد.

مسأله ۴ - در ازاله مو فرقی نیست بین تراشیدن یا نوره مالیدن یا کندن یا قیچی کردن و غیر آن.

مسأله ۵ - کفاره سر تراشیدن اگر به جهت ضرورت باشد دوازده " مد " طعام است که

باید به شش مسکین بدهد، یا سه روز، روزه بگیرد، یا يك گوسفند قربانی کند. و " مد "

يك چارك (ده سیر) است تقریباً.

مسأله ۶ - اگر تراشیدن از روی ضرورت نباشد احتیاط واجب آن است که يك

گوسفند کفاره بدهد، بلکه تعیین گوسفند در این صورت بعید نیست

مسأله ۷ - اگر از زیر هر دو بغل خود ازاله مو کند باید يك گوسفند ذبح کند برای کفاره، بلکه احتیاط آن است که اگر از زیر يك بغل هم ازاله مو کند يك گوسفند کفاره بدهد.

مسأله ۸ - احتیاط واجب آن است که اگر موی سر را ازاله کند به غیر تراشیدن کفاره

تراشیدن را بدهد.

مسأله ۹ - اگر دست بکشد به سر یا ریش خود و يك مو یا بیشتر بیفتد احتیاط آن است

که يك کف طعام صدقه بدهد.

هفدهم - پوشانیدن مرد است سر خود را به هر چه او را بپوشاند.

(۸۷)

و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۱ - احتیاط واجب آن است که سر را به چیزهای غیر پوششی هم نپوشاند، مثل

گل و حنا و دوا و پوشال و غیر اینها.

مسأله ۲ - احتیاط واجب آن است که چیزی بر سر نگذارد مثل بار برای حمل که سر

به آن پوشیده شود.

مسأله ۳ - جائز است به بعض بدن خود، سر را بپوشاند، مثل آن که دستها را روی سر بگذارد، لکن احتیاط در ترك است.

مسأله ۴ - جائز نیست سر را زیر آب کند بلکه جائز نیست زیر مایع دیگری مثل گلاب

و سرکه و غیر آن کند.

مسأله ۵ - در حکم سر است بعض سر، پس نباید بعض سر را هم بپوشاند و نه زیر آب

یا مایع دیگری کند.

مسأله ۶ - گوشها ظاهرا از سر محسوب است پس نباید آنها را پوشانید.

مسأله ۷ - پوشانیدن رو برای مردان مانع ندارد و از سر محسوب نیست، پس در وقت

خواب مانعی از پوشاندن آن نیست.

مسأله ۸ - گذاشتن بند خیک آب بر سر از حکم پوشش استثناء شده و مانع ندارد.

مسأله ۹ - دستمالی را که برای سر درد بسر مبندد عیب ندارد.

مسأله ۱۰ - گذاشتن سر روی بالش برای خوابیدن مانع ندارد.

مسأله ۱۱ - اگر پارچه‌ای را روی کمانی بیندازند به نحوی که بالای سر باشد و سر را

زیر آن کنند برای حفظ از پشه مانع ندارد، و هم چنین رفتن در پشه بند اشکال ندارد.

مسأله ۱۲ - زیر دوش حمام رفتن برای محرم مانع ندارد، لکن زیر آبشاری که سر را فرو گیرد جائز نیست.

مسأله ۱۳ - اگر سر را شست نباید با حوله و دستمال خشك کند و بعض سر هم در

حکم همه است.

مسأله ۱۴ - در وقت خوابیدن مرد نباید سر خود را بپوشاند، و اگر بدون التفات پوشانید باید فوراً آن را باز کند، و همینطور اگر از روی فراموشی پوشانید واجب



(^^)

است فوراً سر را باز کند، و مستحب است تلبیه بگوید بلکه احوط است گفتن آن. مسأله ۱۵ - اگر سر را بپوشاند به نحوی از انحاء، کفاره آن يك گوسفند است، و احتیاط واجب کفاره است برای پوشاندن بعض سر.

مسأله ۱۶ - احوط آن است که اگر مکرر سر را بپوشانید مکرر کفاره بدهد، یعنی برای

هر دفعه يك گوسفند کفاره است، گرچه تعدد کفاره معلوم نیست و به نظر بعید نماید

واجب نبودن.

مسأله ۱۷ - اگر سر را بپوشانید و گوسفند را برای کفاره ذبح کرد و باز سر را بپوشانید

احتیاط به کفاره دادن دوباره خیلی مطلوب است گرچه وجوبش معلوم نیست.

مسأله ۱۸ - کفاره در صورتی واجب است که از روی علم به مسأله و عمد سر را بپوشاند پس اگر از روی ندانستن مسأله یا غفلت و سهو و نسیان بپوشاند کفاره ندارد.

هیجدهم - پوشانیدن زن است روی خود را به نقاب و روبند و برقع. و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۱ - پوشانیدن رو را به هر چیز اگر چه چیزهای غیر متعارف باشد مثل پوشال

و گل و چیزهای دیگر جائز نیست بنابر احتیاط، و جائز نیست با باد بزن روی خود را بپوشاند.

مسأله ۲ - بعض رو در حکم تمام آن است و نباید آن را بپوشاند.

مسأله ۳ - اگر دست های خود را روی صورت بگذارد مانع ندارد.

مسأله ۴ - اگر روی خود را برای خوابیدن روی بالش بگذارد مانع ندارد.

مسأله ۵ - واجب است برای نماز سر را بپوشاند، و مقدمتاً برای پوشانیدن سر کمی از اطراف رو را بپوشاند، لکن واجب است بعد از نماز فوراً آن را باز کند.

مسأله ۶ - جائز است برای روی گرفتن از نامحرم چادر یا جامه را که به سرافکننده پائین بیندازد تا محاذی بینی، بلکه، چانه، بلکه در صورت احتیاج تا گردن و چیزی

بر

او نیست.

مسأله ۷ - بهتر آنست که آن چیزی را که در موقع حاجت از سر پائین مانندازد با

دست یا چیز دیگر دور از رو نگهدارد که به صورت نجسبد، بلکه این کار احوط است.

مسئله ۸ - بعضی برای دور نگه نداشتن جامه را از صورت کفاره لازم دانسته اند، و آن احوط است گرچه اقوی واجب نبودن آن است.

مسئله ۹ - در نقاب انداختن و پوشاندن رو به هر نحو که باشد کفاره لازم نیست گرچه موافق احتیاط است.

نوزدهم - سایه قرار دادن مرد است بالای سر خود.
و در اینجا چند مسئله است:

مسئله ۱ - سایه قرار دادن جایز نیست از برای مردان، و برای زنها و بچه ها جائز است، و کفاره هم ندارد.

مسئله ۲ - حرام بودن سایه قرار دادن بالای سر مختص منزل طی کردن است، و اما در حالی که در محلی منزل کرد در منی باشد یا غیر آن زیر سایه رفتن مانع ندارد، و

با چتر و مثل آن سایه بر سر قرار دادن مانع ندارد اگر چه در حال راه رفتن باشد پس مانع ندارد که در منی از چادر خود تا محلی که ذبح میکنند یا محلیکه رمی جمرات میکنند با چتر برود گرچه احتیاط مستحب ترك است در حال راه رفتن.

مسئله ۳ - فرق نیست در حرام بودن سایه قرار دادن در وقت طی کردن منزل بین آن که

در محلی باشد که روپوش دارد یا در اتومبیل سر پوشیده باشد یا در هواپیما باشد یا زیر سقف کشتی باشد.

مسئله ۴ - احتیاط آنست که در وقت طی منزل به پهلوی محمل یا هر چیزی که بالای سر

او باشد استظلال نکند، اگر چه جائز بودن آن خالی از قوت نیست.

مسئله ۵ - کسانی که از تهران یا جای دیگر میخواهند به مکه مشرف شوند با هواپیما

اگر نذر کنند برای احرام بستن از تهران نذر آنها صحیح است و باید محرم شوند، و اگر راه دیگری نباشد جز هواپیما باید بروند به حج، لکن برای زیر سقف بودن در حال طی منزل باید کفاره بدهند.

مسئله ۶ - کسی که نذر کرد از تهران یا جای دیگر محرم شود باید محرم شود، و حتی

الامکان باید از راهی برود که زیر سایه در طی منزل قرار نگیرد، و اگر راهی نباشد

که زیر سقف قرار نگیرد در صورت التفات به این مطلب پیش از نذر معصیت کار است برای آن که خود را از روی عمد مبتلای به معصیت کرده است.

مسئله ۷ - کسانی که میخواهند با هواپیما به مکه بروند لازم است با هواپیما به مدینه

بروند، و از آنجا در مسجد شجره محرم شوند و با اتومبیلی که سقف ندارد به مکه بروند و یا آن که بروند جده به قصد رفتن به جحفه و در صورت امکان بروند به جحفه و

از آنجا محرم شوند با اتومبیل بی روپوش بروند به مکه معظمه، و اگر رفتن به میقات امکان نداشت از جده محرم شوند و بهتر آن است که در " حده " هم که بین جده و مکه

است تجدید احرام کنند.

مسئله ۸ - نشستن در زیر سقف در حال طی منزل در شب خلاف احتیاط است گر چه

جائز بودن آن به نظر بعید نیست، بنابر این بعید نیست جائز بودن نشستن محرم در هواپیمائی که شب حرکت میکند.

مسئله ۹ - در جائز نبودن سایه بالای سر قرار دادن فرق نیست بین سواره و پیاده.

مسئله ۱۰ - کسانی که کشتی سوار میشوند در حال احرام زیر سقف آن نباید بروند،

لکن در کنار دیوار کشتی که سایه است ظاهراً نشستن جایز است.

مسئله ۱۱ - استظلال در وقت طی منزل برای عذری مثل شدت گرما یا شدت سرما یا

بارندگی جائز است، لکن باید کفاره بدهد.

مسئله ۱۲ - کفاره سایه قرار دادن در حال طی منزل يك گوسفند است چه با عذر سایه افکنده باشد چه با اختیار بنابر احتیاط واجب.

مسئله ۱۳ - اقوی کفایت يك گوسفند است در احرام عمره هر چند بیش از يك مرتبه سایه قرار داده باشد، و يك گوسفند است در احرام حج هر چند بیش از يك مرتبه استظلال کرده باشد.

بیستم - بیرون آوردن خون است از بدن خود

و در اینجا چند مسئله است:

مسئله ۱ - بیرون آوردن خون از بدن دیگری مثل حجامت کردن او یا دندان او را کشیدن حرام نیست.

مسأله ۲ - جایز نیست به مثل خراشیدن بدن خون از آن بیرون آورد، و همین طور به

مسواك نمودن خون از بن دندانها بیرون آورد.

مسأله ۳ - جائز است در حال احتیاج خون بگیرد به حمامت و غیر آن، و همینطور خون دمل را بیرون آوردن در حال احتیاج و جرب را خاریدن در صورتی که موجب آزار است، اگر چه از آن خون در آید.

مسأله ۴ - خون از بدن در آوردن کفاره ندارد.

بیست و یکم - ناخن گرفتن.

و در آن چند مسأله است:

مسأله ۱ - جائز نیست بعض ناخن را هم بگیرد مگر آن که موجب آزار شود، مثل آن که

بعض آن افتاده باشد و بعض دیگر موجب آزار او باشد.

مسأله ۲ - جائز نیست ناخن پا را هم بگیرد چنانچه جائز نیست ناخن دست را بگیرد.

مسأله ۳ - فرقی نیست بین آلات ناخن گیری قیچی باشد یا چاقو یا ناخن گیر، و احتیاط واجب آنست که ازاله ناخن نکند به هیچ وجه حتی به سوهان و دندان.

مسأله ۴ - اگر انگشت زیادی داشته باشد جایز نیست ناخن آن را بگیرد احتیاطاً، و همچنین اگر دست زیادی داشته باشد احتیاط آن است که ناخن آن را نگیرد اگر چه بعید نیست جواز، اگر معلوم شود آن انگشت یا آن دست زیادی است.

مسأله ۵ - اگر يك ناخن از دست یا پا بگیرد يك مد طعام باید کفاره بدهد، و برای هر

ناخن دست تا به ده نرسیده باید يك مد طعام بدهد، و هم چنین در ناخنهای پا.

مسأله ۶ - اگر تمام ناخن دستها و پاها را در يك مجلس بگیرد يك گوسفند کفاره آن

است.

مسأله ۷ - اگر ناخن دستها را تمام بگیرد در يك مجلس یا چند مجلس و در محل دیگر یا چند محل دیگر ناخن پاها را بگیرد دو گوسفند کفاره آن است.

مسأله ۸ - اگر تمام ناخن دستها را بگیرد از ناخن پاها را کمتر از ده ناخن بگیرد يك

گوسفند برای ناخن دست و برای هر يك از ناخنهای پا يك مد طعام باید بدهد و همچنین اگر ناخن پاها را بگیرد تمام و ناخن دستها را کمتر از ده بگیرد.

مسأله ۹ - اگر پنج ناخن از پا بگیرد و پنج ناخن از دست برای هر يك بايد يك مد طعام كفاره بدهد، و همچنین است اگر کمتر از ده در هر يك از دست و پا بگیرد برای هر يك بايد كفاره بدهد.

مسأله ۱۰ - اگر بیشتر از ده ناخن داشته باشد پس اگر تمام را بگیرد بايد يك گوسفند بدهد، و احتیاط مستحب آن است که برای ناخن زیادی از ده تا كفاره بدهد برای هر يك، يك مد.

مسأله ۱۱ - اگر کسی که بیشتر از ده ناخن دارد ده ناخن اصلی را بگیرد احتیاط واجب آن است که يك گوسفند بدهد، و اگر بعضی از ناخن های اصلی را و بعضی از ناخنهای زیادی را بگیرد برای ناخنهای اصلی يك مد بدهد و برای زیادها احتیاط مستحب آن است که كفاره بدهد.

مسأله ۱۲ - اگر تمام ناخنهای دست را گرفت و كفاره آن را دارد و بعد در همان مجلس ناخنهای پا را تماماً گرفت بايد يك گوسفند ديگر كفاره بدهد.

مسأله ۱۳ - اگر کسی کمتر از ده ناخن داشت و تمام آن را گرفت برای هر يك، يك مد طعام بايد بدهد، و احتیاط مستحب آن است که يك گوسفند ذبح کند.

مسأله ۱۴ - اگر محتاج شد بگرفتن ناخن احتیاط واجب آن است که كفاره به همان نحو که ذکر شد بدهد.

بیست و دوم - کندن دندان است هر چند خون نیاید بنا بر احتیاط، و احتیاط آن است که يك گوسفند كفاره بدهد.

بیست و سوم - کندن درخت یا گیاهی که در حرم روئیده باشد. و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۱ - اگر گیاهی یا درختی در منزل محرم روئیده شده باشد بعد از آن که منزل او

شده پس اگر آن را خودش کاشته باشد جائز است آن را بکند.

مسأله ۲ - اگر درختی در منزل او روئیده بعد از آن که منزل او شده لکن خودش آن را

نکاشته باشد احتیاط آن است که آن را قطع نکند گرچه اقوی جواز است.

مسأله ۳ - اگر گیاهی که در منزل او روئیده بعد از آن که منزل او شده و خودش آن را

(۹۳)

نکاشته باشد احتیاط واجب آن است که آن را قطع نکند.
مسئله ۴ - اگر منزلی خریده باشد که دارای درخت و گیاه است نباید آن را قطع کند.

مسئله ۵ - درختهای میوه و درخت خرما از این حکم بیرون است و میتواند آنها را قطع کند، و در گیاهها (اذخر) که گیاه معروفی است از حکم مستثنی است و قطع آن مانع ندارد.

مسئله ۶ - اگر درختی را که جائز نیست کندنش بکند احتیاط آن است که اگر بزرگ

باشد يك گاو كفاره بدهد و اگر كوچك باشد يك گوسفند.

مسئله ۷ - اگر بعض درخت را قطع کند اقوی آن است که قیمت آن را كفاره بدهد.

مسئله ۸ - در قطع گیاه ها كفاره نیست بجز استغفار.

مسئله ۹ - جائز است که شتر خود را بگذارد که علف بخورد، ولی خودش برای او قطع نکند.

مسئله ۱۰ - آنچه ذکر شد از قطع درخت و گیاه حرم مختص به محرم نیست بلکه برای همه کس ثابت است.

مسئله ۱۱ - اگر به نحو متعارف راه برود و گیاهی از راه رفتن او قطع شود اشکالی ندارد.

بیست و چهارم - سلاح در برداشتن بنا بر احوط مثل شمشیر و نیزه و تفنگ و هر چه از آلات جنگ باشد مگر برای ضرورت، و مکروه است سلاح را همراه بردارد

در صورتی که به تن او نباشد اگر ظاهر باشد و احوط ترك آن است.

مسائل متفرقه محرمات احرام

مسئله ۱ - اگر حاجی در حال احرام برای سر درد دستمالی بدور سر ببندد اگر چه تمام سر

را بگیرد كفاره ندارد.

مسئله ۲ - آنچه در حال احرام حرام است، سایه بر سر قرار دادن است. بنا بر این اگر

ماشین از زیر پلهائی که در مسیر واقع شده برود و به ناچار محرمین از زیر پلهها عبور کنند و

یا در محل بنزین در زیر سقف متوقف شود و محرمین زیر سقف قرار گیرند اشکالی

پیدا

(۶۴)

نمیشود و کفاره ندارد.

مسئله ۳ - شخصی که با ماشین مسقف رانندگی میکند باید در هر احرام يك گوسفند

کفاره بدهد و با تکرار پیاده و سوار شدن کفاره تکرار نمیشود، و هم چنین در سایر موارد سایه بر سر قرار دادن.

مسئله ۴ - پوشیدن نعلینی که بندهای عریضی داشته باشد ولی تمام روی پا را نگیرد در

حال احرام مانعی ندارد.

مسئله ۵ - در شب استظلال نیست بنابراین جایز است محرم در شب با ماشین سقف‌دار به

مکه برود ولی در هوای ابری در روز جایز نیست مگر ابر بطوری تیره باشد که استظلال

صدق نکند.

مسئله ۶ - جایز است از جاهای دور مثل تهران با نذر محرم شود ولی اگر زیر سقف سفر

مکند باید کفاره بدهد.

مسئله ۷ - تزریق آمپول در حال احرام مانع ندارد ولی اگر موجب بیرون آمدن خون از بدن

میشود تزریق نکند مگر در مورد حاجت و ضرورت.

مسئله ۸ - در حرام بودن سایه بر سر قرار دادن فرقی بین سایه‌ای که با شخص حرکت

کند مثل چتر و ماشین مسقف و سایه ثابت مثل پل و غیره نیست و فرقی بین اجبار و اختیار نیست ولی بر عبور از زیر پلهائی که در جاده‌ها هست صادق نیست.

مسئله ۹ - کسی که حجش را باطل کند اگر حج فاسد شده را به اتمام رسانده از احرام

خارج شده و اگر نه در احرام باقی است.

مسئله ۱۰ - بعد از آن که محرم به منزل رسید ولو در محله‌های جدید مکه که از مسجد الحرام دور هستند میتواند برای رفتن به مسجد الحرام در ماشین‌های مسقف

سوار

شود یا زیر سایه برود.

۱۱ - س - آیا کشتن مارمولک و از این قبیل جانوران، در حال احرام اشکال دارد؟

ج - از محرمات احرام محسوب نیست.

۱۲ - س - اگر از روی علم و عمد در احرام حج، قبل از وقوف عرفه با زوجه خود
جماع نماید مسلماً حج او باطل است، و قبل از وقوف مشعر الحرام هم بنا بر اقوی
باطل

است و کفاره دارد و بعد از اتمام در سال آینده اعاده کند، آیا در صورت جهل چه وظیفه‌ای دارد؟

ج - در صورت جهل، عمل او صحیح است و کفاره هم ندارد.
۱۳ - س - آیا شوهر پس از محل شدن میتواند زوجه محرم خود را از روی التذاذ دست بزند؟

ج - بر مرد مزبور منعی نیست، ولی اگر زن نیز لذت مبرد، در فرض سؤال نباید حاضر شود علی‌الاحوط.

۱۴ - س - فردی که از احرام در آمده، زنش را که محرم است ملبوسد اگر چه زن راضی نیست، آیا این کار نسبت به مرد و زن چه حکمی دارد؟
ج - اگر زن اختیار نداشته، چیزی بر او نیست، و بر مرد هم کفاره واجب نشده است.

۱۵ - س - صابون و بعضی از شامپوها که بوئی دارد، آیا میشود برای بدن استعمال کرد یا خیر؟ ضمناً خیلی بوی خوشی هم نیست.
ج - اگر صدق بوی خوش میکند، از آن اجتناب کنند، و در غیر این صورت مانع ندارد.

۱۶ - س - حمل قمقمه آب که در محفظه دوخته نگهداری میشود، برای محرم چه صورت دارد؟

ج - احتیاط آن است که آن را به دوش نیندازد، و دست گرفتن آن مانع ندارد.

۱۷ - س - در مورد نظر کردن در آئینه، گاهی نگاه میکند که خود را ببیند، و گاهی

برای دیدن ماشین و غیره و یا مثلاً برای علاج در دی، آیا برای محرم فرق میکند و یا یکسان است؟

ج - احوط، اجتناب است در همه موارد ذکر شده در سؤال.

۱۸ - س - در حال احرام عده ای از همدیگر عکس میگیرند، و در دوربین عکاسی که آئینه است و یا حالت شفاف و آینه ماندی دارد نظر میکنند، بفرمائید اشکال دارد یا

خیر؟

ج - اگر معلوم نیست که در آینه نظر میشود، اشکال ندارد.

۱۹ - س - آیا سوگند معمولی به حال احرام اشکال دارد، همانند سوگندهای روزمره مردم کوچه و بازار؟

ج - قسم به غیر خدا از محرمات احرام نیست.

۲۰ - س - بعضی به علت عرق سوز شدن بدن احتیاج به پمادی دارند که چربی دارد، آیا محرم میتواند از این پماد به بدن خود بمالد یا خیر؟

ج - نمیتواند مگر در مورد ضرورت، ولی کفاره ندارد ولو در غیر مورد ضرورت مگر آن که بوی خوش داشته باشد، که کفاره آن يك گوسفند است، اگر چه از روی اضطرار باشد.

۲۱ - س - در موردی که کنده شدن مو با کشیدن دست به سر و صورت کفاره دارد،

آیا فرقی بین عمد و سهو و غفلت هست؟

ج - فرق نمکنند به شرط آن که دست کشیدن عمدی باشد.

۲۲ - س - اگر غیر محرم از محرم، ازاله مو کند یا یکی از کارهایی که بر محرم حرام است و کفاره دارد انجام دهد، چه حکمی دارد؟

ج - اگر محرم به اختیار خود حاضر شود که مثلاً محلی سر او را بتراشد، حرام است

و باید کفاره بدهد، ولی چنانچه بدون اختیار او باشد کفاره ندارد، حتی بر محل مزبور

۲۳ - س - محرم سرش تراست، اگر بخواهد صبر کند تا خودش خشک شود و

وضو بگیرد آفتاب طلوع میکند و نمازش قضا میشود، آیا وظیفه اش تیمم است؟

ج - اگر نمیتواند ولو با دست سر را خشک کند، احوط جمع بین وضو با این حال و تیمم است.

۲۴ - س - کسی که موی مصنوعی دارد و با همین حال برای عمره و حج محرم شده و اعمال خود را انجام داده است آیا اشکال دارد؟

ج - ضرر به عمره و حج ندارد، ولی اگر مرد آن را بر سرش گذاشته است باید کفاره بدهد.

۲۵ - س - با توجه به حرمت پوشیدن صورت برای زنان در حال احرام، آیا چانه هم

جزء صورت محسوب میشود و باید باز باشد یا این که اگر مقنعه ای بر سر گذاشته شود که

چانه را تا لبها پیوشاند مانعی ندارد؟



(۹۷)

ج - زیر چانه جزء صورت محسوب نمیشود، ولی پوشاندن به نحوی که در سؤال ذکر شده اشکال دارد.

۲۶ - س - آیا زن محرم میتواند صورت خود را با حوله پاك كند، یا حکم سر مرد را دارد که نمیتواند روی آن را بپوشاند؟
ج - احتیاط، مراعات شود.

۲۷ - س - زنها که در حال احرام برای پوشیدن و در آوردن مقنعه، صورتشان پوشیده میشود، چه صورت دارد؟

ج - باید سعی کنند پوشیده نشود، و اگر عامدا و از روی علم پوشیده نشود مانع ندارد.

۲۸ - س - فرموده‌اید که محرم از منزل تا مسجد الحرام میتواند زیر سقف برود، آیا کسانی که در مسجد الحرام برای حج محرم میشوند میتوانند در مکه زیر سقف باشند؟

ج - تا عرفا در منزل و مکه هستند و در حال سیر برای خارج شدن از مکه نیستند میتوانند استظلال نمایند.

۲۹ - س - کسی که از تنعیم محرم میشود استظلال برای او چه حکمی دارد؟

ج - چون تنعیم جزو مکه شده و مکه منزل است، استظلال در فرض سؤال مانع ندارد.

۳۰ - س - میقات عمره مفرده در خود مکه واقع شده است، آیا کسی که در آنجا برای عمره مفرده احرام بست میتواند در اتوبوس سقف دار سوار شود یا خیر، با توجه به

این که محل سکونت او مکه است؟

ج - در فرض مذکور مانع ندارد.

۳۱ - س - افرادی از مسجد شجره محرم شدند و شبانه برای مکه حرکت نمودند ولی نزدیک طلوع آفتاب در ماشین سقف دار به خواب رفتند و بعد از طلوع آفتاب بیدار

شدند و ماشین را نگاه داشتند، آیا برای مدتی که در حال سیر در زیر سقف بودند، کفاره

دارد یا خیر، و الآن که ایستادند و می خواهند پیاده شوند، چه حکمی دارد؟

ج - برای مدتی که خواب بوده اند، یا ماشین ایستاده، کفاره واجب نیست، ولی اگر

بعد از بیدار شدن والتفات و قبل از ایستادن ماشین، استظلال شده ولو اضطرارا کفاره

واجب است.

۳۲ - س - در حال احرام وقتی ماشین های بی سقف حرکت میکند و سفر انجام میشود، آیا پیاده و سوار شدن از ماشین در حالی که ایستاده است، در صورتی که مستلزم

گذشتن از زیر سقف قسمت جلو ماشین است، چه حکمی دارد؟
ج - مانع ندارد.

۳۳ - س - کسانی که از مسجد الحرام برای حج محرم میشوند و از مسجد الحرام در ماشین سقف دار سوار میشوند و مثلا در عزیزیه که منزل ایشان است پیاده میشوند، آیا

سوار شدن در اتومبیل سقف دار از مسجد الحرام به منزل چه صورت دارد، و اگر پیاده

نشوند و از اول قصد عرفات داشته باشند حکم چیست؟

ج - در فرض اول مانع ندارد، و در فرض دوم احتیاط کنند.

۳۴ - س - اینجانب یکی از خدمه کاروان حج هستم، امسال (۱۳۶۵) بعد از درک عرفات به اتفاق مدیر کاروان و معاون و این جانب و بانوان کاروان در يك اتوبوسی سر بسته قرار گرفتیم و برای درك اضطراری به مشعر الحرام رفته و چون در مسیر مزدلفه

به منی به راه بندان بر خوردیم، لذا در هوای آفتابی در اتوبوس سر بسته بودم، ناگاه به یادم

آمد که نباید در زیر طاق اتوبوس قرار بگیرم، چند دقیقه ای با علم به این که اتوبوس سرپوشیده است مانده و پس از توقف اتوبوس بر اثر راه بندان پیاده شدم، و ما بقی راه را تا

محل چادر کاروان در منی پیاده طی نمودم، لذا از محضر آن بزرگوار تقاضا دارم بفرمائید:

۱ - آیا كفاره تعلق مگيرد يا نه؟

۲ - در صورتی که تعلق گرفته باشد باید حتما در منی ذبح گردد؟

۳ - در حالی که اکنون در تهران هستم آیا میتوانم قربانی را در محل اقامت ذبح نمایم؟

۴ - در صورتی که خدمه کاروان بودم و به دستور مدیر گروه برای کمک نمودن به بانوان مسن برای رمی جمره عقبه عازم منی بودم و از خود استقلال نداشتم، آیا وجه این

گوسفند را چه کسی باید پردازد؟ ستاد حج، مدیر گروه یا اینجانب؟

۵ - چنانچه ستاد حج تقبل نموده باشد ذبح را، آیا از گردن اینجانب ساقط میگردد

یا نه؟

(۹۹)

- ج - باید قربانی کنید، و اگر چه باید در منی ذبح نمایید لکن ذبح در محل خودتان هم برای کفاره کفایت میکند، و میتوانید به مسئولین در ستاد نیابت دهید که برای شما ذبح کنند، و در این صورت ذبح آنها هم کافی است، ولی بدون نیابت صحیح نیست.
- ۳۵ - س - آیا استظلال، مربوط به سایه حاصل از تابش عمودی خورشید است یا حاصل از تابش مایل خورشید را هم شامل میشود؟
ج - فرق نمیکند.
- ۳۶ - س - آیا استظلال، مربوط به سایه بر سر میباشد یا اگر سایه فقط بر شانه بیفتد استظلال صدق میکند؟
ج - صدق نمیکند.
- ۳۷ - س - آیا استظلال فقط مربوط به سقف میباشد یا شامل سایه حاصل از دیوار ماشین هم میشود؟
ج - شامل نمیشود.
- ۳۸ - س - آیا در عرفات هم مثل منی میشود زیر چتر حرکت کرد یا حکم عرفات غیر از حکم منی است؟
ج - زیر چتر حرکت کردن در عرفات اشکال ندارد.
- ۳۹ - س - در شهر مکه تونل هائی احداث کرده اند که طولش بیش از ۱۵۰۰ قدم میباشد آیا بعد از احرام حج میشود داخل آن با اتومبیل سفر کرد با علم به این که مسقف است؟
ج - مانع ندارد بلی اگر خودش آن راه را اختیار کند و از زیر آن سقف برود اشکال دارد.
- ۴۰ - س - آیا محرم به محض وصول به مکه میتواند استظلال نماید و یا بایستی به منزل برسد و بعد از اتخاذ منزل جایز است؟
ج - مکه منزل است، و با رسیدن به آن استظلال مانع ندارد.
- ۴۱ - س - اخیراً از حدود کشتارگاه تا نزدیک جمرات، مسقفی را درست کرده اند، آیا عبور از این راه برای محرمی که هنوز منزل نکرده و از مشعر مستقیم به جمرات مرود جایز است یا نه؟

- ج - مانع ندارد.
- ۴۲ - س - آیا گرفتن ناخن توسط محرم از غیر محرم جایز است؟
ج - اشکال ندارد.
- ۴۳ - س - آیا محرم میتواند ناخن محرم دیگر را به قصد تقصیر بگیرد یا نه؟
ج - اشکال ندارد.
- ۴۴ - س - کندن دندان که بر محرم حرام است مقصود دندان خودش میباشد یا شامل دندان غیر هم میشود و در تقدیر حرمت در صورت خون آمدن است یا مطلقاً؟
ج - شامل دندان غیر نمیشود، هر چند خون از آن بیرون آید.
- ۴۵ - س - آیا در حال احرام میتوان دندانی را که شدیداً درد دارد و دکتر سفارش میکند که آن را بکشید، کشید، گرچه باعث خونریزی شود؟
ج - اگر ضرورت دارد مانع ندارد، ولی کفاره دارد علی الاحوط.
- ۴۶ - س - هر گاه محرم سر خود را با چیز دوخته بپوشاند آیا يك کفاره باید بدهد یا دو کفاره؟
ج - باید دو کفاره بدهد مگر در صورت جهل و نسیان.
- ۴۷ - س - در بین مردم معروف است که محرم نباید به کسی دستور بدهد، مثلاً نباید به کسی بگوید يك لیوان آب یا چای یا چیز دیگر به من بدهید و باید خودش بردارد آیا اگر در حال احرام چنین درخواستی از دوست خود بکند گناه کرده است یا نه و در صورت گناه آیا کفاره هم دارد یا نه؟
ج - اشکال ندارد.
- مستحبات دخول حرم
- ۱ - همین که حاجی به حرم رسید، پیاده شده و به جهت دخول حرم غسل نماید.
- ۲ - از برای تواضع و فروتنی نسبت به حضرت حق جل و علا پا برهنه شده و نعلین خود را در دست گرفته داخل حرم شود و این عمل ثواب زیادی دارد.
- ۳ - وقت دخول حرم این دعا را بخواند:
- " اللهم انك قلت في كتابك وقولك الحق: وأذن في الناس بالحج

ياتوك رجالا وعلى كل ضامر ياتين من كل فج عميق. اللهم اني
ارجو ان اكون ممن اجاب دعوتك وقد جئت من شقة بعيدة وفج
عميق سامعا لندائك ومستجيبا لك مطيعا لامرك وكل ذلك
بفضلك على واحسانك إلي فلك الحمد على ما وفقنتني له ابتغي
بذلك الزلفة عندك والقربة إليك والمنزلة لديك والمغفرة
لذنوبي والتوبة علي منها بمنك، اللهم صل على محمد وآل محمد
وحرّم بدني على النار وآمني من عذابك وعقابك برحمتك يا
ارحم الراحمين".

٤ - وقت دخول حرم مقداری از علف (اذخر) گرفته آن را بجود.

مستحبات دخول مکه معظمه

برای دخول مکه معظمه نیز مستحب است مکلف غسل بنماید. و هنگامی که وارد
مکه میشود با حالت تواضع وارد شود، و کسی که از راه مدینه برود از بالای مکه
داخل

شده و وقت بیرون آمدن از پائین آن بیرون آید.

آداب دخول مسجد الحرام

مستحب است مکلف برای دخول مسجد الحرام غسل بنماید و همچنین مستحب
است با پای برهنه و با حالت سکینه و وقار وارد شود و هنگام ورود از درب " بنی
شیبه " وارد شود و گفته اند که باب بنی شیبه در حال کنونی مقابل باب السلام
است

بنابر این نیکو این است که شخص از باب السلام وارد شده و مستقیماً بیاید تا از
ستونها
بگذرد.

و مستحب است بر درب مسجد الحرام ایستاده بگوید:
" السلام عليك أيها النبي ورحمة الله وبركاته، بسم الله و بالله و

ما شاء الله، السلام على أنبياء الله ورسله، السلام على رسول الله
السلام على إبراهيم خليل الله، والحمد لله رب العالمين ".
و در روایت دیگر وارد است که نزد درب مسجد بگوید:
" بسم الله وبالله ومن الله وإلى الله وما شاء الله وعلى ملة رسول الله
صلى الله عليه وآله، وخير الاسماء لله، والحمد لله، والسلام على
رسول الله، السلام على محمد بن عبد الله، السلام عليك أيها النبي و
رحمة الله وبركاته، السلام على أنبياء الله ورسله، السلام على خليل
الله الرحمن السلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين، السلام
علينا وعلى عباد الله الصالحين، اللهم صل على محمد وآل محمد
وبارك على محمد وآل محمد وارحم محمدا وآل محمد كما صليت
وباركت وترحمت على إبراهيم وآل إبراهيم إنك حميد مجيد اللهم
صل على محمد وآل محمد عبدك ورسولك اللهم صل على
إبراهيم خليلك وعلى أنبيائك ورسلك وسلم عليهم، وسلام على
المرسلين والحمد لله رب العالمين اللهم افتح لي أبواب رحمتك
واستعملني في طاعتك ومرضاتك واحفظني بحفظ الايمان أبدا
ما أبقيتني جل ثناء وجهك، الحمد لله الذي جعلني من وفده وزواره
وجعلني ممن يعمر مساجده، وجعلني ممن يناجيه اللهم إني عبدك
وزائر في بيتك وعلى كل ما أتى حق لمن أتاه وزاره، وأنت خير
مأتي وأكرم مزور فأسألك يا الله يا رحمن بأنك أنت الله لا إله إلا
أنت وحدك لا شريك لك بأنك واحد احد صمد لم تلد ولم تولد
ولم يكن له (لك خ ل) كفوا أحد، وأن محمدا عبدك ورسولك
صلى الله عليه وعلى أهل بيته يا جواد يا كريم يا ماجد يا جبار يا

كريم أسألك أن تجعل تحفتك إياي بزيارتي إياك أول شيء
تعطيني فكاك رقتي من النار .

پس سه مرتبه مگوید:

" اللهم فك رقتي من النار ."

پس مگوید:

" وأوسع علي من رزقك الحلال الطيب وادراً عني شر شياطين
الجن والانس وشر فسقة العرب والعجم ."

پس داخل مسجد الحرام شود ورو به كعبه دستها را بلند نموده وبگوید:

" اللهم إني أسألك في مقامي هذا وفي أول مناسكي أن تقبل توبتي

وأن تتجاوز عن خطيئتي وأن تضع عني وزري، الحمد لله الذي

بلغني بيته الحرام اللهم إني أشهد أن هذا بيتك الحرام الذي جعلته

مثابة للناس وأمنا مباركاً وهدى للعالمين اللهم إني عبدك والبلد

بلدك والبيت بيتك جئت أطلب رحمتك وأؤم طاعتك مطيعاً

لامرك راضياً بقدرك أسألك مسألة الفقير إليك الخائف

لعقوبتك اللهم افتح لي أبواب رحمتك واستعملني بطاعتك و

مرضاتك ."

بعد خطاب مكنند بسوی كعبه و مگوید:

" الحمد لله الذي عظمك وشرفك وكرمك وجعلك مثابة للناس و

امنا مباركاً وهدى للعالمين

و مستحب است وقتی که محاذی حجر الأسود شد بگوید:
 " أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأن محمدا عبده ورسوله
 آمنت بالله وكفرت بالجبت والطاغوت واللات والعزى وعبادة
 الشيطان وعبادة كل ند يدعى من دون الله ".
 و هنگامی که نظرش به حجر الأسود افتاد متوجه بسوی او شود و بگوید:
 " الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لو لا أن هدانا الله سبحانه الله
 والحمد لله ولا إله إلا الله والله أكبر، الله أكبر من خلقه والله أكبر مما
 أحشى واحذر، لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد
 يحيي ويميت ويميت ويحيي وهو حي لا يموت بيده الخير وهو
 على كل شيء قدير، اللهم صل على محمد وال محمد وبارك على
 محمد وآله كأفضل ما صليت وباركت وترحمت على إبراهيم وآل
 إبراهيم إنك حميد مجيد، وسلام على جميع النبيين والمرسلين
 والحمد لله رب العالمين اللهم إني أو من بوعدك وأصدق رسلك
 وأتبع كتابك ".

و در روایت معتبر وارد است که وقتی که نزدیک حجر الأسود رسیدی دستهای
 خود را بلند کن و حمد و ثنای الهی را بجا آور، و صلوات بر پیغمبر بفرست و از
 خداوند عالم بخواه که حج تو را قبول کند پس از آن حجر را بوسیده و استلام نما. و
 اگر بوسیدن ممکن نشد استلام نما، و اگر آن هم ممکن نشد اشاره به آن کن و بگو:
 " اللهم أمانتي أديتها وميثاقي تعاهدته لتشهد لي بالموافاة اللهم
 تصديقا بكتابتك وعلى سنة نبيك صلواتك عليه وآله أشهد أن لا

إله إلا الله وحده لا شريك له وأن محمدا عبده ورسوله آمنت بالله
وكفرت بالجبت والطاغوت واللات والعزى وعبادة الشيطان و
عبادة كل ند يدعى من دون الله ".
وأكر نتوانى همه را بخوانى بعضى را بخوان و بگو:
" اللهم إليك بسطت يدي وفيما عندك عظمت رغبتي فأقبل
سبحتي واغفر لي وارحمني، اللهم إني أعوذ بك من الكفر والفقير
ومواقف الخزي في الدنيا والاخرة ".

فصل چهارم

در طواف واجب و بعضی از احکام آن.

کسی که محرم شد به احرام عمره تمتع و وارد مکه معظمه شد اول چیزی که از اعمال عمره بر او واجب است آن است که طواف کند به دور خانه کعبه برای عمره تمتع.

و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۱ - طواف عبارت است از هفت مرتبه دور خانه کعبه گردیدن به نحوی که خواهد

آمد، و هر دوری را شوط مگویند، پس طواف عبارت از هفت شوط است.

مسأله ۲ - طواف از ارکان عمره است، و کسی که آن را از روی عمد ترك کند تا وقتی که فوت شود وقت آن، عمره او باطل است چه عالم به مسأله باشد و چه جاهل

باشد.

مسأله ۳ - چنین کسی که عمره خود را باطل کرد احوط آنست که حج افراد بجا آورد،

و پس از آن عمره بجا آورد، و حج را در سال بعد اعاده کند.

مسأله ۴ - وقت فوت طواف وقتی است که اگر بخواهد آن را با بقیه اعمال عمره بجا

آورد نتواند وقوف به عرفات کند.

مسأله ۵ - اگر از روی سهو ترك کرد طواف را لازم است آن را بجا آورد هر وقت که

باشد، و اگر برگشته به محل خود و نتواند برگردد به مکه یا مشقت داشته باشد

برگشتن، باید شخص مورد اطمینانی را نائب بگیرد.

مسأله ۶ - اگر سعی را بجا آورده پیش از آن که طواف را بجا آورد احتیاط واجب آن

است که سعی را هم بجا آورد، و اگر نماز طواف را بجا آورده باید آن را هم بعد از

طواف اعاده کند.

مسئله ۷ - اگر شخص محرم بواسطه مرض، خودش قدرت نداشته باشد که طواف کند و تا وقت تنگ شود قدرت حاصل نکند، اگر ممکن است خود او را به يك نحو ببرند و طواف دهند اگر چه بدوش گرفتن یا بر تخت گذاشتن باشد، و اگر ممکن نشود باید برای او نایب بگیرند.

مسئله ۸ - شخص مریض را که طواف مدهند باید مراعات شرایط و احکام طواف را

به مقداری که برای او ممکن است بکنند.

در واجبات طواف

و آن دو قسم است:

قسم اول - چیزهایی که شرط طواف است و آن پنج امر است:

اول - نیت است یعنی باید طواف را با قصد خالص برای خدا بجا آورد.

و در اینجا چند مسئله است:

مسئله ۱ - نیت را لازم نیست به زبان بیاورد و لازم نیست به قلب بگذراند، بلکه همان که بنا دارد این عمل را بجا آورد و با این بنا بجا آورد، کفایت میکند و به

عبارت

دیگر، نیت در عبادت و کارهای دیگر در این جهت فرق ندارد، پس همان طور که انسان با قصد آب مسخورد و راه مرود عبادت را اگر همان طور بجا آورد با نیت

بجا

آورده.

مسئله ۲ - باید عبادت را برای اطاعت خدا بجا آورد و در این جهت با کارهای دیگر

فرق پیدا میکند. پس باید طواف را برای اطاعت خداوند بجا آورد.

مسئله ۳ - اگر در بجا آوردن طواف یا سایر اعمال عمره و حج که عبادی است

ریاء

کند یعنی برای نشان دادن و به رخ دیگری کشیدن و عمل خود را خوب جلوه دادن بجا آورد طواف او و همینطور هر چه را این طور بجا آورده باطل است، و در این

عمل

معصیت خدا را هم کرده است.

مسئله ۴ - ریاء بعد از عمل و تمام کردن طواف یا دیگر اعمال باعث بطلان عمل

نمیشود.

مسئله ۵ - کفایت میکند در صحیح بودن عمل آن که برای خدا بیاورد یا برای اطاعت

امر خدا یا برای ترس از جهنم یا برای رسیدن به بهشت و ثواب.

مسئله ۶ - اگر در عملی که برای خدا مآورد رضای دیگری را هم شرکت دهد و خالص برای خدا نباشد عمل باطل است.

دوم - آن است که طاهر باشد از حدث اکبر مثل جنابت و حیض و نفاس و از حدث اصغر یعنی باید با وضوء باشد.
و در اینجا چند مسئله است:

مسئله ۱ - طهارت از حدث اکبر و اصغر در طواف واجب شرط است، چه طواف عمره باشد یا طواف حج یا طواف نساء، حتی در عمره و حج مستحب که پس از احرام بستن واجب است آن را تمام کند.

مسئله ۲ - طهارت از حدث اکبر و اصغر در طواف مستحبی شرط نیست، لکن کسی که جنب یا حائض است جایز نیست در مسجد الحرام وارد شود، ولی اگر غفلتا یا

نسیانا طواف مستحب کرد صحیح است.

مسئله ۳ - طواف - یعنی هفت دور اطراف خانه کعبه گردیدن - مستحب است، و بلکه هر چه شخص بتواند طواف کند خوب است. و در این طواف طهارت شرط نیست.

مسئله ۴ - اگر شخصی که حدث اکبر یا اصغر داشته طواف کند باطل است، چه از روی عمد باشد یا از روی غفلت یا نسیان یا ندانستن مسئله باشد.

مسئله ۵ - اگر در اثنای طواف حدث عارض شود پس اگر پس از تمام شدن دور چهارم است باید طواف را قطع کند و طهارت تحصیل کند و از همانجا که طواف را

قطع کرده تمام کند.

مسئله ۶ - اگر در فرض سابق پیش از تمام شدن دور چهارم، حدث عارض شود احتیاط واجب آن است که تمام کند طواف را و اعاده کند، و این حکم در حدث اصغر است.

مسأله ۷ - اگر در اثناء طواف حدث اکبر مثل جنابت یا حیض عارض شود باید فوراً از مسجد الحرام بیرون رود، پس اگر پیش از تمامی دور چهارم بود پس از غسل طواف را اعاده کند.

مسأله ۸ - اگر عذر داشته باشد از وضو و غسل، واجب است تیمم کند بدل از وضوء یا بدل از غسل.

مسأله ۹ - اگر تیمم کرد بدل از غسل، و حدث اصغر عارض شد، برای حدث اکبر لازم نیست تیمم کند، بلکه برای حدث اصغر باید تیمم کند، و تا حدث اکبر برای او

حاصل نشده و عذرش باقی است همان تیمم اول کافی است، لکن احتیاط مستحب آنست که تیمم بدل از غسل هم بکند.

مسأله ۱۰ - احتیاط واجب آنست که اگر امید دارد که عذرش از وضوء یا غسل مرتفع

شود صبر کند تا وقتی که وقت تنگ شود یا امیدش قطع شود.

مسأله ۱۱ - اگر با وضوء بوده و شك کند که حدث عارض شده است یا نه، بنا بر وضوء داشتن بگذارد و لازم نیست وضوء بگیرد، و هم چنین اگر از حدث اکبر پاک بوده و شك کند که حدث عارض شده.

مسأله ۱۲ - اگر محدث به حدث اصغر یا اکبر بوده و شك کند که وضوء گرفته یا نه یا

غسل کرده یا نه باید در فرض اول وضوء بگیرد و در فرض دوم غسل کند.

مسأله ۱۳ - اگر بعد از تمام شدن طواف شك کند که با وضوء آن را بجا آورده یا نه یا

شك کند با غسل آن را بجا آورد یا نه طواف او صحیح است، لکن برای اعمال بعد باید طهارت تحصیل کند.

مسأله ۱۴ - اگر در اثناء طواف شك کند که وضوء داشته یا نه پس اگر بعد از تمامی

دور چهارم است طواف را رها کند و وضوء بگیرد و از همانجا تتمه طواف را بجا آورد، و اگر قبل از تمام شدن دور چهارم است احتیاط واجب آن است که طواف را تمام کند و اعاده کند.

مسأله ۱۵ - در تمام صورت هائیکه در شك گفته شد که بنا بر طهارت بگذارد یا طوافش

صحیح است بهتر آن است که تجدید وضوء کند و رجاء غسل بجا آورد، چون ممکن



(11)

است که بعد معلوم شود وضوء یا غسل نداشته و اشکال پیدا مشود.
مسئله ۱۶ - اگر در اثناء طواف شك کند که غسل کرده است از جنابت یا حیض یا نفاس یا نه باید فوراً از مسجد الحرام بیرون برود، پس اگر شوط چهارم را تمام کرده بوده و شك کرده، بعد از غسل بر گردد و تتمه را بجا آورد، و الا بعد از غسل اعاده کند طواف را، و احتیاط آن است که در صورت اول نیز اعاده کند.
مسئله ۱۷ - اگر آب و چیزی که به آن جایز است تیمم کند موجود نباشد حکم آن

حکم

غیر متمکن از طواف است، پس با مایوس بودن از پیدا شدن یکی از آن دو، باید

نایب

بگیرد. و احتیاط و جوبی آن است که اگر جنب و حائض و نفساء نیست خودش نیز طواف کند و چون مستحاضه بدون بجا آوردن غسلهایی که بر او لازم است میتواند وارد مسجد الحرام شود و طواف کند، بنابر این به احتیاطی که در غیر جنب و

حائض

و نفساء شد باید عمل کند، گرچه دخول مسجد الحرام نیز برای او خلاف احتیاط استحبابی است.

سوم - طهارت بدن و لباس است از نجاست

و در آن چند مسئله است:

مسئله ۱ - احتیاط واجب آن است که از نجاستی که در نماز عفو شده - مثل خون کمتر از درهم و جامه ای که با آن نتوان نماز خواند مثل عرقچین و جوراب حتی انگشتر نجس - اجتناب کند.

مسئله ۲ - در خون قروح و جروح اگر تطهیر آن مشقت داشته باشد لازم نیست

تطهیر

کند.

مسئله ۳ - در خون قروح و جروح تا آن اندازه ای که مشود تطهیر کرد و لباس را عوض کرد احتیاط واجب آن است که تطهیر کند یا جامه را عوض کند.

مسئله ۴ - احتیاط آن است که اگر میتواند تأخیر بیندازد طواف را تا بشود بمشقت تطهیر کرد، تأخیر بیندازد به شرطی که وقت تنگ نشود.

مسئله ۵ - اگر طواف کند و بعد از آن که از طواف فارغ شد علم پیدا کند به

نجاست در

حال طواف اظهر آن است که طوافش صحیح است.

مسأله ۶ - اگر شك داشته باشد که لباسش یا بدنش نجس است میتواند با آن حال طواف کند، و صحیح است چه بداند که پیشتر از این پاك بوده یا نداند، لکن اگر بداند که پیشتر نجس بوده و نداند که تطهیر شده است نمیتواند با آن حال طواف کند بلکه باید تطهیر کند و طواف کند.

مسأله ۷ - اگر در بین طواف نجاستی به بدن یا لباس او عارض شود اظهر آن است که دست از طواف بردارد و جامه یا بدن را تطهیر کند و طواف را از همانجا تمام کند، و طواف او صحیح است.

مسأله ۸ - اگر در بین طواف نجاستی در بدن یا لباس خود ببیند و احتمال بدهد که در این حال نجاست حاصل شده ظاهرا حکم مسأله هفتم را دارد.

مسأله ۹ - اگر در بین طواف علم پیدا کند که نجاست به بدن یا لباس او از اول بوده

احتیاط آنست که طواف را رها کند و تطهیر کند، و از همانجا بقیه طواف را تمام کند

و بعد از آن طواف را اعاده کند خصوصا اگر تطهیر زیاد طول بکشد، و در این صورت بعد از اتمام، نماز طواف را بخواند و پس از آن طواف را اعاده کند و نماز طواف را نیز اعاده کند، و در این احتیاط فرقی نیست بین آن که بعد از چهار دور علم

پیدا کند یا قبل از آن، گرچه در صورت دوم احتیاط شدیدتر است.

مسأله ۱۰ - اگر فراموش کند نجاست را و طواف کند، احتیاط واجب اعاده است، و

همینطور است اگر در بین طواف یادش بیاید.

چهارم - ختنه کردن است در حق مردان و این شرط در زنها نیست، و احتیاط واجب آن است که در باره بچه‌های نا بالغ مراعات شود.

مسأله ۱ - اگر بچه را که ختنه نشده و ادار به احرام کنند یا او را محرم کنند احرام او

صحیح است ولی طواف او صحیح نیست، پس اگر محرم به احرام حج شود چون طواف نساء او باطل است بنا بر احوط حلال شدن زن بر او مشکل میشود مگر آن که

او را ختنه کنند و طواف دهند یا خودش بعد از ختنه شدن طواف کند یا آن که نایب برای او بگیرند تا طواف کند.

مسأله ۲ - اگر بچه ختنه کرده به دنیا بیاید طواف او صحیح است.

(۱۱۲)

پنجم - ستر عورت است، پس اگر بدون ساتر عورت طواف کند باطل است، و معتبر است در آن اباحه، پس با ساتر غصبی طواف صحیح نیست بلکه با لباس غصبی غیر ساتر نیز بنا بر احتیاط واجب، و احتیاط آن است که مراعات شرایط لباس نمازگزار را بنمایند.

مسأله - احتیاط واجب آنست که مراعات موالات عرفیه را در طواف بکند، یعنی در بین دورهای طواف آن قدر طول ندهد که از صورت يك طواف خارج شود. قسم دوم - چیزهایی است که گفته اند داخل در حقیقت طواف است، اگر چه بعضی از آنها نیز شرط است از برای طواف، لکن در عمل فرقی نمکنند، و آن هفت چیز است:

اول - آن که ابتداء کند به حجر الاسود.

و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۱ - در ابتداء کردن به حجر الاسود لازم نیست که تمام اجزاء بدن طواف کننده

به تمام اجزاء حجر الاسود عبور کند، بلکه واجب آنست که انسان از حجر الاسود، هر

جای آن باشد شروع کند و به همان جا ختم کند.

مسأله ۲ - آنچه واجب است آن است که در عرف گفته شود از حجر الاسود

شروع به

طواف کرد و ختم کرد به حجر الاسود، چه از ابتداء آن شروع کند چه از وسطش چه

از آخرش.

مسأله ۳ - از هر جای حجر الاسود که شروع کرد باید در دوره هفتم به همان جا ختم کند،

پس اگر از اولش شروع کرد باید به اولش ختم شود. و هم چنین اگر از وسط یا آخر شروع کرد باید به همانجا ختم شود.

مسأله ۴ - در طواف باید به همان طوری که همه مسلمین طواف میکنند، از محاذات

"حجر الاسود" بدون دقت های صاحبان وسوسه، شروع کنند، و در دورهای دیگر بدون

توقف دور بزنند تا هفت دور تمام شود.

مسأله ۵ - گاهی دیده میشود که اشخاص نادان در هر دوری که میزنند مایستند و عقب و جلو میروند که محاذات را درست کنند، و این موجب اشکال است و گاهی

حرام است.

دوم - ختم نمودن هر دوری است به حجر الاسود و این حاصل میشود به این که بدون توقف، هفت دور را ختم کند و در دور هفتم به همان جا که شروع کرده ختم شود، و

لازم نیست در هر دوری بایستد و باز شروع کند، و کارهای جهال را نباید بکنند. سوم - آن که در طواف کردن، خانه کعبه در طرف چپ طواف کننده واقع شود. و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۱ - لازم نیست در تمام حالات طواف خانه را حقیقتاً به شانه چپ قرار دهد، بلکه

اگر در موقع دور زدن به حجر اسماعیل (ع) خانه از طرف چپ قدری خارج شود مانع ندارد، حتی اگر خانه متماثل به پشت شود لکن دور زدن به نحو متعارف باشد اشکال ندارد.

مسأله ۲ - اگر در موقع رسیدن به گوشه های خانه شانه از محاذات کعبه خارج شود هیچ

اشکالی ندارد اگر بطور متعارف دور زند، حتی اگر خانه متماثل به پشت شود.

مسأله ۳ - گاهی دیده میشود که بعضی از نادانان برای احتیاط، دیگری را وادار میکنند که او را طواف دهد و خود طواف کننده اختیار را از خود سلب میکند، و به دست دیگری مدهد و تکیه به دست او مدهد و او را آن شخص دیگر با فشار دور مدهد، این طواف باطل است، و اگر طواف نساء را این طور بجا آورد زنها یا مردها بر

او حرام خواهند بود.

مسأله ۴ - احتیاط به این که خانه در تمام حالات طواف حقیقتاً به طرف چپ باشد گرچه خیلی ضعیف است و قابل اعتناء نیست و باید اشخاص جاهل و اهل وسوسه از آن احتراز کنند و به همان ترتیب که سایر مسلمین دور میزنند بزنند، لکن اگر شخص عاقل عالمی بخواهد احتیاط کند و قدری شانه را چپ کند در موقع رسیدن به حجر اسماعیل یا ارکان کعبه بطوری که خلاف متعارف و موجب انگشت نمائی نشود

مانع ندارد.

مسأله ۵ - اگر بواسطه مزاحمت طواف کنندگان مقداری از دور زدن به خلاف متعارف

شد مثل آن که روی طواف کننده به کعبه واقع شد یا پشتش واقع شد و یا عقب عقب

طواف کرد باید آن مقدار را جبران کند و از سر بگیرد.
مسئله ۶ - اگر بواسطه کثرت جمعیت، انسان را بدون اختیار خود بردند و دور دادند

کفایت نمکند و باید آن دور را از سر بگیرد، اگر چه خانه هم طرف چپ او بوده.
مسئله ۷ - در طواف کردن هر طور برود مانع ندارد، میتواند آهسته برود و میتواند تند

برود و میتواند به دود و میتواند سواره طواف کند یا با دوچرخه طواف کند، لکن بهتر آن است که بطور میانه روی برود.

چهارم - داخل کردن حجر اسماعیل (ع) است در طواف، و حجر اسماعیل محلی است که متصل به خانه کعبه است، و باید طواف کننده دور حجر اسماعیل نیز بگردد.

و در اینجا چند مسئله است:

مسئله ۱ - اگر دور حجر اسماعیل نگردید و از داخل آن طواف کرد طواف باطل است، و باید اعاده کند.

مسئله ۲ - اگر عمدا این کار را بکند حکم ابطال عمدی طواف را دارد که گذشت.

مسئله ۳ - اگر سهوا این کار را بکند حکم ابطال سهوی را دارد.

مسئله ۴ - اگر در بعضی از دورها حجر اسماعیل را داخل در دور زدن نکرد احتیاط واجب آن است که آن دور را از سر بگیرد، و اعاده کند طواف را اگر چه ظاهر آن است که اعاده طواف لازم نیست.

مسئله ۵ - اگر کسی در بعضی از دورها از روی دیوار حجر اسماعیل (ع) برود،

احتیاط آن است که بدستور مسئله چهارم عمل کند، و در این فرض نیز به احتیاط واجب کفایت نمکند تمام کردن دور را از آن جایی که از روی دیوار رفته است.

پنجم - بودن طواف است بین خانه کعبه و مقام حضرت ابراهیم (ع) از همه اطراف.

و در اینجا چند مسئله است:

مسئله ۱ - مراد از این که طواف بین کعبه و مقام باشد آن است که ملاحظه شود

مسافتی

را که میان خانه و مقام ابراهیم (ع) است و در همه اطراف خانه کعبه طواف کننده از

(11e)

آن مقدار دور تر نباشد از خانه کعبه (و ما بین مقام و خانه چنانچه گفته‌اند تقریباً بیست

و شش ذراع و نصف است) پس در همه اطراف باید همین قدر بیشتر دور نباشد.
مسئله ۲ - اگر شخص از پشت مقام ابراهیم طواف کند که مقام ابراهیم هم داخل در

طوافش شود طوافش باطل است و باید اعاده کند.

مسئله ۳ - اگر بعضی از دورها را از پشت مقام طواف کند باید آن دور را با اعاده همان جزء تمام کند و احوط آن است که طواف را هم اعاده کند اگر چه ظاهراً اعاده

لازم نباشد، بلکه بعید نیست کفایت اعاده همان جزء.

مسئله ۴ - چون در طرف حجر اسماعیل (ع) محل طواف تنگ میشود زیرا که مقدار

حجر از آن کاسته میشود و چنانچه گفته‌اند تقریباً شش ذراع و نیم برای محل طواف باقی ممانند باید در طواف از آن جانب بیشتر از شش ذراع و نیم دور نشوند.

مسئله ۵ - اگر از جانب حجر اسماعیل بیشتر از شش ذراع و نیم در دور زدن دور شد

اظهر آنست که آن جزء را اعاده کند و از مطاف دور بزند.

ششم - خروج طواف کننده است از خانه و آنچه از آن محسوب است.

و در اینجا چند مسئله است:

مسئله ۱ - در اطراف دیوار خانه يك پیش آمدگی است که آن را " شاذروان " گویند، و

آن جزء خانه کعبه است، و طواف کننده باید آن را هم داخل قرار دهد.

مسئله ۲ - اگر کسی در بعضی از احوال بواسطه کثرت جمعیت یا غیر آن بالای شاذروان برود و دور بزند آن مقدار که دور زده باطل است، و باید اعاده کند.

مسئله ۳ - دست به دیوار خانه کعبه گذاشتن در آن جائی که شاذروان است جائز است، و

به طواف ضرر نمرساند گرچه احتیاط مستحب ترك آن است.

مسئله ۴ - در حال طواف دست گذاشتن روی دیوار حجر اسماعیل (ع) جائز است،

و به طواف ضرر نمرساند گرچه احتیاط مستحب در ترك آن است.

هفتم - آن که هفت شوط یعنی هفت دفعه دور بزند نه کمتر و نه زیادت.

و در اینجا چند مسئله است:

مسئله ۱ - اگر از روی عمد، طواف کننده از اول قصد کند کمتر از هفت دور بجا

آورد

(۱۱۶)

و یا بیشتر بجا آورد طوافش باطل است اگر چه به هفت دور تمام کند، و احتیاط واجب آن است که اگر از روی ندانستن حکم بلکه از روی سهو و غفلت باشد طواف را اعاده کند.

مسئله ۲ - اگر در اثناء طواف از قصد هفت دور آوردن بر گردد به قصد زیادتر آوردن یا کمتر آوردن، از آنجا که این قصد را کرده و هر چه به این عمل کرده باطل است و باید

اعاده کند، و اگر با این قصد زیادتر آورد اصل طواف باطل میشود.
مسئله ۳ - اگر از اول قصد کند که هشت دور بجا آورد لکن قصدش آن باشد که هفت

دور آن طواف واجب باشد و یک دور قدم زدن دور خانه برای تبرک یا مقصد دیگر باشد طواف او صحیح است.
مسئله ۴ - اگر گمان کند که یک دور نیز مستحب است همان طور که هفت دور مستحب

است و قصد کند که هفت دور واجب را بیاورد و یک دور مستحب هم دنبال آن بیاورد طواف او صحیح است.

مسئله ۵ - اگر بعد از طواف واجب که هفت دور است به خیال آن که یک دور نیز مستحبی جداگانه است هشت دور بجا آورد طوافش صحیح است.
مسئله ۶ - اگر کم کند از طواف واجب چه یک دور یا کمتر یا بیشتر از یک دور از روی

عمد واجب است آن را اتمام کند، و اگر نکند حکمش حکم کسی است که طواف را

عمدا ترک کرده - که در مسائل فصل چهارم گذشت - به احتیاط واجب، و حکم جاهل به مسئله حکم عالم است.
مسئله ۷ - اگر بعد از کم کردن از طواف کارهای بسیاری کند که موالات فوت شود

حکمش حکم قطع طواف است که مآید.
مسئله ۸ - اگر سهوا از طواف کم کند پس اگر تجاوز از نصف کرده باشد اقوی آن است که از همانجا تمام کند طواف را در صورتی که فعل کثیر نکرده باشد، و الا احتیاط

واجب اتمام و اعاده است.

مسأله ۹ - اگر سهوا کم کرده و تجاوز از نصف نکرده، طواف را اعاده نماید، لکن سزاوار نیست ترك احتیاط در همه موارد سهو. به تمام کردن طواف ناقص و اعاده

کردن.

مسئله ۱۰ - اگر متذکر نشود که ناقص کرده است طواف را مگر بعد از مراجعت به وطن خود احتیاط آنست که خودش برگردد و اگر نتوانست یا مشکل بود مراجعت، نایب بگیرد.

مسئله ۱۱ - در طواف واجب، قران جائز نیست یعنی جائز نیست طواف واجب را با طواف دیگر دنبال هم آورد بدون آن که بین دو طواف، نماز طواف فاصله شود، و در طواف مستحب مکروه است.

مسئله ۱۲ - اگر زیاد کند دوری را یا کمتر یا بیشتر از دور بر طواف و قصدش آن باشد که زیاده را جزء طواف دیگر قرار دهد، داخل در قران میان دو طواف است که حرام است.

مسئله ۱۳ - در فرض سابق اگر از اول قصد داشته یا در اثناء طواف قصد زیاده کرده باشد احتیاط واجب آن است که طواف اول را اعاده کند، و اگر بعد از تمام شدن، قصد

بجا آوردن طواف دیگر برای او حادث شد و بدنبال طواف اول، زیاده را آورد اقوی صحت طواف اول است، و احوط اعاده است.

مسئله ۱۴ - اگر سهوا زیاد کند بر هفت دور پس اگر کمتر از يك دور است قطع کند

آن را و طوافش صحیح است، و اگر يك دور یا زیادتر است احوط آن است که هفت

دور دیگر را تمام کند به قصد قربت بدون تعیین مستحب یا واجب و دو رکعت نماز قبل

از سعی و دو رکعت بعد از سعی بخواند، و دو رکعت اول را برای فریضه قرار دهد بدون آن که تعیین کند برای طواف اول یا طواف دوم است.

مسئله ۱۵ - جائز است قطع طواف نافله را بدون عذر و اقوی کراهت قطع طواف واجب است بدون عذر و به مجرد خواهش نفس، و احوط قطع نکردن آن است، به این

معنی که قطع نکند بطوری که ترك بقیه را کند تا موالات عرفیه به هم بخورد.

مسئله ۱۶ - اگر بدون عذر طواف را قطع کرد احوط آن است که اگر چهار دور بجا

آورده باشد طواف را تمام کند و بعد اعاده کند، و این در صورتی است که منافی

بجا

آورده باشد حتی مثل زیاد فاصله دادن که موالات عرفیه به هم بخورد.

مسأله ۱۷ - اگر طواف را قطع کند و منافی بجا نیاورده باشد اگر برگردد و تمام کند

طوافش صحیح است.

مسأله ۱۸ - اگر در بین طواف عذری برای اتمام آن پیدا شد مثل مرض یا حیض یا حدث بی اختیار پس اگر بعد از تمام شدن چهار دور بوده بعد از رفع عذر برگردد و از

همانجا تمام کند و اگر قبل از آن بوده طواف را اعاده کند، و احتیاط مستحب در فرض اول در غیر حیض آنست که اتمام کند و اعاده نماید.

مسأله ۱۹ - اگر شخصی که با عذر طواف را قطع کرده نتوانست بجا آورد تا آن که

وقت تنگ شد اگر ممکن است او را حمل کنند و طواف دهند، و اگر ممکن نیست نایب برای او بگیرند.

مسأله ۲۰ - اگر مشغول طواف است و وقت نماز واجب تنگ شود واجب است طواف را رها کند و نماز بخواند، پس اگر بعد از چهار دور رها کرد از همانجا طواف

را تمام کند، و الا اعاده کند.

مسأله ۲۱ - جائز است بلکه مستحب است قطع کند طواف را برای رسیدن به نماز جماعت یا رسیدن به وقت فضیلت نماز واجب، و از هر جا قطع کرد از همانجا بعد از

نماز اتمام کند، و احتیاط آن است که بدستور مسأله ۲۰ عمل کند، و سزاوار نیست این

احتیاط ترك شود.

مسأله ۲۲ - اگر بعد از تمام شدن طواف و انصراف از آن شك کند که آیا طواف را

زیادتر از هفت دور بجا آورده یا نه یا شك کند کمتر بجا آورده یا نه اعتناء نکند و طوافش صحیح است، لکن در صورت دوم خالی از اشکال نیست و احتیاط ترك نشود.

مسأله ۲۳ - اگر بعد از طواف شك کند که صحیح بجا آورده آن را یا نه مثلاً احتمال

بدهد که از طرف راست طواف کرده یا محدث بوده یا از داخل حجر اسماعیل (ع) طواف کرده اعتنا نکند، و طوافش صحیح است اگر چه باز در محل طواف باشد و از

آنجا منصرف نشده یا مشغول کارهای دیگر نشده باشد، در صورتی که هفت دور

بودن
معلوم باشد بی زیاده و نقیصه.

مسأله ۲۴ - اگر در آخر دور که به حجر الاسود ختم شد شك کند که هفت دور زده یا هشت دور یا زیادتر، اعتناء به شك نکند و طوافش صحیح است.

مسأله ۲۵ - اگر قبل از رسیدن به حجر الاسود و تمام شدن دور شك کند که آنچه را دور مزند دور هفتم است یا هشتم طوافش باطل است.

مسأله ۲۶ - اگر در آخر دور یا اثناء آن شك کند میان شش و هفت و هر چه پای نقیصه در کار است، طواف او باطل است.

مسأله ۲۷ - اگر در طواف مستحب شك کند در عدد دورها، بنا بر اقل گذارد، و طوافش صحیح است.

مسأله ۲۸ - شخص کثیر الشك در عدد دورها اعتناء به شكش نکند و احتیاط آنست که کسی را وادار کند که عدد را حفظ کند.

مسأله ۲۹ - گمان در عدد دورها اعتبار ندارد و حکم شك را دارد.

مسأله ۳۰ - اگر مشغول سعی بین صفا و مروه شد و یادش آمد که طواف بجا نیاورده باید رها کند و طواف کند و پس از آن سعی را اعاده کند.

مسأله ۳۱ - اگر در حال سعی یادش آمد که طواف را ناقص بجا آورده باید برگردد و طواف را از همانجا که ناقص کرده تکمیل کند و بر گردد تتمه سعی را بجا آورد و طواف و سعیش صحیح است، لکن احتیاط آن است که اگر کمتر از چهار دور بجا آورده طواف را تمام کند و اعاده نماید، و هم چنین اگر سعی را کمتر از چهار بار انجام داده تمام کند و اعاده کند.

مسأله ۳۲ - اگر سهوا یا غفلتا یا جهلا طواف را بی وضوء بجا آورد طوافش باطل است، و همین طور اگر با حال جنابت یا حیض و نفاس بجا آورد.

مسأله ۳۳ - اگر کسی مریض یا طفلی را حمل کند و طواف دهد و خودش نیز قصد طواف کند طواف هر دو صحیح است.

مسأله ۳۴ - در حال طواف تکلم کردن و خنده نمودن و شعر خواندن اشکال ندارد لکن کراهت دارد و مستحب است در حال طواف مشغول دعا و ذکر خدا و تلاوت قرآن باشد.

مسأله ۳۵ - واجب نیست در حال طواف روی طواف کننده طرف جلو باشد بلکه جایز است به یمین و یسار نگاه کند و صفحه صورت را برگرداند بلکه به عقب نگاه کند، و میتواند طواف را رها کند و خانه را بیوسد و برگردد از همانجا اتمام کند.

مسأله ۳۶ - جائز است در بین طواف برای رفع خستگی و استراحت بنشیند یا درازا بکشد و بعد از همانجا اتمام کند، ولی نباید آن قدر طول دهد که موالات عرفیه به هم

بخورد، و اگر آن قدر نشست احتیاط آن است که اتمام کند و اعاده نماید.

مسائل متفرقه طواف

مسأله ۱ - در طواف در مقابل حجر اسماعیل باید طوری حرکت کند که طواف

بیت

صادق باشد و به نحو متعارف باشد و مخفی نماند که حجر اسماعیل از بیت نیست هر چند

باید در خارج آن طواف کرد.

مسأله ۲ - در صورت امکان ولو در وقت خلوت باید طواف در حد بین مقام ابراهیم و

خانه که مسافت بیست و شش ذراع و نیم است باشد و دور تر از آن حد، کفایت نمکند و

در صورت عدم امکان ولو در وقت خلوت، طواف در خارج حد مزبور مانع ندارد با مراعات الاقرب فالاقرب.

مسأله ۳ - هر گاه در طواف خانه خدا مثلا در چند قدم از طواف اشکالی پیش آمد مثل

این که او را با اختیار بردند، همان چند قدم را باید از سر بگیرد و اگر از حجر الاسود به

قصد طواف شروع کند، اشکال دارد.

مسأله ۴ - اگر در طواف بی اختیار او را ببرند، اعاده آن مقدار لازم است و باید طواف را

صحیح انجام دهد و خودش به اختیار طواف کند و چنانچه ممکن نیست باید در وقت

خلوت طواف نماید ولی باید دانست که منظور از با اختیار شدن این نیست که در اثر فشار جمعیت تندتر برود بلکه در این صورت اگر قدمها را به اختیار خود بر مدارد ضرر

ندارد و طوافش صحیح است.

مسأله ۵ - اگر در حال طواف در اثر فشار و ازدحام جمعیت پشت به خانه شود و

قسمتی
از طواف به این صورت انجام گیرد یا در اثر فشار جمعیت، شخص را مقداری جلو
ببرند

باید مقداری از طواف که پشت به خانه یا بدون اختیار بوده، اعاده شود و اگر
نمیتواند
برگردد با جمعیت بدون قصد طواف برود تا به جائی که باید از آنجا طواف را اعاده
کند
برسد و از آنجا تدارك نماید.

مسأله ۶ - اگر حاجی در حال طواف، پول خمس نداده همراه داشته باشد طوافش
اشکال
پیدا نمکند.

مسأله ۷ - اگر کسی پس از انجام اعمال حج تمتع فهمید که در طواف عمره یا حج
چند

شوط از هفت شوط را از داخل حجر اسماعیل دور زده، حج او صحیح است و باید
طواف را اعاده کند.

مسأله ۸ - زنی که در غیر ایام عادت لك دیده و به اعتقاد پاکی، طواف و نماز را
انجام

داده و شب بعد خون دیده، با شرائط حیض، اگر یقین کند که بعد از دیدن لك،
خون در

باطن فرج بوده و قطع نشده، حیض بوده است و طواف و نمازش صحیح نیست و
اگر

شك دارد یا یقین کند که خون قطع شده، حیض نبوده است و اعمالش صحیح است
و در

صورت او حج او صحیح است و باید طواف و نماز را اعاده کند و اگر در عمره
بوده در

صورت ضیق وقت احتیاطا بعد از حج، يك عمره مفرده نیز بجا آورد.

۹ - س - جوان ۱۷ ساله غیر مختون، که به تشخیص شورای پزشکی ختنه برای او
خطر دارد، مستطیع شده و فعلا در مدینه است، آیا تکلیف او نسبت به حج چیست؟

ج - باید محرم شود و خودش طواف کند و نایب هم بگیرد برای طواف و بعد از
طواف، خودش يك نماز بخواند و بعد از طواف نایش نیز، خودش نماز دیگر

بخواند، و

در صورتی که دو طواف با هم انجام شود خودش يك نماز بخواند کفایت میکند.

۱۰ - س - اگر در اثناء طواف، نماز جماعت بر قرار شد و شخص از ادامه طواف
معذور شد تکلیف چیست، و اگر در اثنای سعی باشد وظیفه چیست؟

ج - اگر بعد از شوط چهارم طواف یا سعی قطع شده، از همان جایی که قطع شده
طواف یا سعی را تمام کند. و اگر قبل از شوط چهارم طواف بوده و فصل طویل

شده
طواف را از سر بگیرد، هر چند احتیاط آن است که طواف را اتمام و پس از خواندن
نماز
آن، طواف را اعاده کند و نماز طواف دیگری بخواند، و در سعی نیز احتیاط در
اتمام و
اعاده است.

۱۱ - س - کسی که بعد از تقصیر در عمره تمتع متوجه شود که وضوی او باطل بوده یا وضو نداشته و با این حال طواف کرده و نماز طواف خوانده است، وظیفه او چیست؟

ج - طواف و نماز را اعاده کند و عمره او صحیح است.

۱۲ - س - شخصی در حال طواف، کعبه را بوسیده است و احتمال میدهد که در آن

حال چند قدم راه هم رفته باشد، فعلا وظیفه او چیست و البته این شك بعد از عمل برای او حادث شده است؟

ج - طواف او صحیح است.

۱۳ - س - اگر در اثناء طواف شك در صحت شوط سابق یا جزئی از شوطی که مشغول است و محل آن گذشته است بکند چه حکمی دارد، مثلا نمیداند که از مقابل حجر

که عبور کرده از حد مطاف خارج بوده است یا نه؟

ج - اگر مسأله را بدانسته و می خواسته است عمل صحیح را انجام دهد، یعنی غافل نبوده، طواف صحیح است.

۱۴ - س - اگر طواف یا سعی یا نماز طواف در عمره به جهتی باطل شده باشد و شخص بدون توجه به آن، تقصیر نموده باشد و لباس پوشیده و بعد متوجه شده که عمل

مزبور باطل بوده است وظیفه او چیست و کفاره دارد یا نه؟

ج - باید عمل باطل شده را جبران کند، و ظاهر این است که از احرام خارج شده و کفاره ندارد.

۱۵ - س - کسی در شوط ششم طواف، نجاستی در بدن دیده و یقین کرده که از شوطهای قبل این نجاست در بدن او بوده است، بدون توجه به مسأله طواف را تکمیل کرده

و بعدا بدن را تطهیر نموده و طواف را اعاده کرده است و عمره را تمام کرده است، آیا

عمل او صحیح است یا خیر؟

ج - باید مقداری از طواف را که بعد از یقین به نجاست باقی مانده اعاده کند و بعد نماز طواف را بخواند، و ظاهر این است که از احرام خارج شده و با اتمام طواف و نماز

طواف مذکور، عمل صحیح است.

۱۶ - س - کسی در اثناء طواف آن را قطع کرده و از اول شروع کرده است آیا



(۱۲۳)

طواف او صحیح است یا خیر و چنانچه اعمال مترتبه و تقصیر را انجام داده وظیفه او چیست؟

ج - اگر بعد از دور چهارم بوده به احتیاط واجب آن را تمام کند و بعد يك طواف دیگر بجا آورد و اگر قبل از دور چهارم بوده در فرض سؤال باید يك طواف دیگر بجا

آورد، و با فرض جهل ظاهر این است که اعمال مترتبه صحیح و از احرام خارج شده است.

۱۷ - س - کسی در شوط آخر محدث شده است و بدون طهارت شوط را اتمام کرده و بعد وضو گرفته و طواف را اعاده نموده است و نماز و سعی و تقصیر را انجام داده

است، آیا صحیح است و وظیفه چیست؟

ج - باید قسمتی از طواف را که بی وضو انجام داده با وضو بجا آورد و بعد از آن نماز طواف بخواند.

۱۸ - س - کسی توهّم کرده است که در طواف، مقداری در اثر فشار جمعیت برده

شده ولی برای او جزمی نیست، و چون نمیتوانسته برگردد و تدارك کند، بقیه شوط تا

محل تدارك را به قصد احتیاط و رجاء انجام مدهد که اگر شوط او باطل است زیادی

لغو باشد و اگر شوط او صحیح است زیاده از طواف باشد و بعد بقیه اشواط طواف را بجا

آورده و این شوط را به حساب نیاورده است، آیا این طواف صحیح است یا خیر؟ ج - صحیح نیست.

۱۹ - س - کسی در وقت طواف شك در اشواط پیدا کرد و چون گمانش به يك طرف بیشتر بود بنا را بر آن طرف گذاشت و بعد از انجام اعمال یقین به صحت طواف خود

پیدا کرد، آیا طواف او صحیح است؟

ج - صحیح است.

۲۰ - س - کسی در شوط چهارم از حجر الاسود تا اول حجر اسماعیل را پیمود و فکر کرده است که چون اول شوط چهارم نیت جدا در این شوط نداشته باید این قسمت

شوط را اعاده کند لذا بقیه شوط را بدون نیت رفته، و از حجر الاسود به قصد شوط چهارم

طواف کرده است، آیا اشکالی در طواف حاصل میشود؟
ج - اشکال دارد.

(۱۲۴)

۲۱ - س - کسانی در طواف بعد از انجام مقداری از آن، آن را رها میکنند و بلافاصله از نو شروع میکنند، طواف آنها چه صورت دارد، و چنانچه در سعی بوده حکم

چیست؟

ج - اشکال دارد و اگر بعد از شوط چهارم طواف بوده باید آن را اتمام کنند و نماز بخوانند و دو مرتبه طواف و نماز آن را اعاده نمایند.

۲۲ - س - در باره اشخاصی که قادر به طواف نیستند آیا نایب گرفته شود یا خودشان در تحت روان طواف داده شوند، با در نظر گرفتن این که متصدیان وسیله نامبرده،

در خارج محدوده مطاف طواف میدهند؟

ج - احتیاطاً هر دو را انجام دهند. اگر چند طواف دادن در خارج مطاف کفایت میکند.

۲۳ - س - شخصی در حال طواف اشتباهاً به قصد طواف وارد حجر اسماعیل " ع

مشود و بعد که متوجه شد برگردد و از همان جا که وارد حجر شده بود طواف را

شروع و شوط را کامل منماید، آیا طوافش صحیح است یا نه؟

ج - اشکال دارد. بلی، اگر پس از تذکر در حجر اسماعیل از حجر الاسود به قصد احتیاط شود را اعاده مکرر، و از محلی که وارد حجر شده قاصد جدی طواف بود، طوافش اشکال نداشت.

۲۴ - س - اگر در حال طواف یا سعی یا در نماز شك کند که شوط چندم و یا رکعت چندم است، و با همین حال طواف و سعی و نماز را ادامه دهد، بعد به يك طرف

شك یقین کند، و اعمال را تمام نماید، آیا عملش به نحوی که ذکر شد صحیح است؟

ج - اگر طواف یا سعی را در حال شك ادامه داد و بعد یقین به صحت پیدا کرد اشکال ندارد، و طواف و سعی صحیح است، ولی در نماز بدون تروی محل اشکال است، و

احوط اعاده آن است.

۲۵ - س - زنی با شوهرش که يك دور طواف را انجام داده بود، نیت طواف کرد، و با او ادامه داد و بعد از شوط آخر مرد که شوط ششم زن است، او بجای این که يك شوط

دیگر بیاورد تا طوافش کامل شود، طواف را از سر گرفت، آیا طواف اول و دوم زن

چگونه
است؟

(۱۲۵)

ج - احتیاط آن است که يك شوط ديگر به قصد احتیاط بجا آورد که مجموعاً چهارده شوط مشود، و بعد از انجام نماز طواف، طواف و نماز را اعاده نماید.
۲۶ - س - در مطاف چیزهایی از افراد مسافتد از قبیل ساعت، احرامی و غیره، و کسانی که طواف میکنند پا روی آن مگذارند، آیا برای طواف ضرر ندارد و موجب بطلان آن نمیشود؟

ج - موجب بطلان طواف نمیشود.
۲۷ - س - اگر انسان مداند که پا گذاشتن روی احرامی دیگران موجب اذیت و عدم رضایت او میگردد، آیا این عدم رضایت او به طواف ضرر ندارد؟
ج - به طواف ضرر نمیزند.
۲۸ - س - اگر کسی قبل از شوط چهارم طوافش را قطع و از نو طواف کند، گفته شده در صورتی که فاصله زیاد نشده باشد احتیاط این است که طواف قطع شده را تمام کند و اعاده هم بنماید، مراد از تمام کردن چیست، آیا فقط شوطی را که قطع کرده تمام کند

یا ما بعدش را هم باید بجا آورد؟
ج - طواف مزبور اشکال دارد و اتمام موضوع ندارد، و باید طواف را بعد از نماز طواف اول، اعاده کند احتیاطاً.
۲۹ - س - شخصی طواف را از حجر الاسود شروع کرد، و در هر شوط به رکن یمانی که مرسید نیت ختم میکرد و از حجر الاسود نیت شوط بعد را منمود و هفت شوط طواف را این گونه تمام کرد به گمان این که ختم طواف و اشواط آن باید در رکن

یمانی باشد، آیا وظیفه اش چیست؟
ج - این طواف اشکال دارد، و باید اعاده شود.
۳۰ - س - گاهی مأمورین نظافت مسجد الحرام از کنار کعبه دست به دست هم مدهند و همان طور توسعه مدهند تا انسان از مطاف خارج میشود، آیا به همین مقدار بیرون کردن از مطاف، ضرورت حاصل است که طوافش در خارج از مطاف صحیح باشد
یا باید صبر کند تا نظافت تمام شود، و اگر افرادی گمان میگردند که ضرورت است و طواف را انجام دادند حال تکلیفشان چیست؟

ج - اگر امکان دارد که در حد، طواف کند باید صبر کند و در حد طواف کند، و
در

(۱۲۶)

این صورت طواف در خارج حد صحیح نیست.

۳۱ - س - کسی که از اول بلوغ، سال خمسی برای خود قرار نداده است، اگر به حج مشرف شود و با همان پول که دارد احرامی تهیه و قربانی و مصارف در حج بکند، آیا

برای حج او ضرر ندارد؟

ج - اگر پول او از درآمد کسب و حقوق است و معلوم نیست که ربح بین سال است،

بدون تخمیس حکم غضب را دارد که طواف و قربانی صحیح نیست.

۳۲ - س - شخصی که با پول خمس نداده لباس احرام بخرد و با آن محرم شده، و طواف و نماز بجا آورد، وظیفه اش چیست؟

ج - اگر از روی علم و عمد نبوده، اصل عمره و حج او صحیح است، ولی در صورتی که جاهل مقصر باشد باید طواف و نماز را اعاده کند.

۳۳ - س - اگر با پولی که معلوم نیست متعلق خمس است یا نه لباس احرام بخرد، آیا لازم است خمس آن را بدهد و اگر نداد طواف با آن چه صورت دارد؟

ج - با فرض شك لازم نیست خمس بدهد و طواف صحیح است هر چند احتیاط مطلوب است.

۳۴ - س - شخصی در سال گذشته که حج تمتع واجب خود را انجام نداده، تنها نماز طواف را به گمان این که کفایت میکند بدون طواف، انجام داده است و سپس باقی

اعمال را انجام داده، آیا چه وظیفه ای دارد؟

ج - با فرض این که طواف حج را از روی جهل به مسأله ترك کرده و به محلش برگشته است باید حج را اعاده کند، و يك شتر قربانی نماید.

۳۵ - س - تعدادی مشغول طواف عمره یا زیارت بودند، که شروع کردند مسجد را

نظافت کنند، ناچار طواف کننده ها از مطاف خارج شدند، مدتی طول کشید خیال کردند

موالات عرفیه به هم خورده است، طواف را از سر گرفته اند، بفرمائید در صورتی که به هم

خوردن موالات مشکوک باشد، طوافشان درست است یا نه؟

ج - اشکال دارد.

۳۶ - س - زنی است که قادر بر طواف کردن نیست، امر دائر است بین این که با تخت در خارج مطاف، طواف دهند و یا نامحرم او را پشت کند و در مطاف طواف دهد،



(۱۲۷)

وظیفه چیست؟

ج - باید او را در مطاف، طواف دهند هر چند نامحرم او را پشت کند.
۳۷ - س - کسی که وظیفه اش اتمام و اعاده طواف است، اتمام کرد و مشغول اعاده

بود که دوباره در یکی از شوطهای طواف قطع شد مثل اول، آیا این طواف را نیز باید اتمام و اعاده نماید؟

ج - فرقی نیست.

۳۸ - س - شخصی در حال طواف افتاد و غش کرد و چند ساعت بعد به هوش آمد،

آیا میتواند از همان جا که طواف را قطع کرده بود شروع کند و باقی اعمال را ادامه دهد یا نه؟

ج - اگر قبل از شوط چهارم بوده، وضو بگیرد و طواف را اعاده نماید، و اگر بعد از

شوط چهارم بوده، باید وضو بگیرد و طواف را اتمام کند.

۳۹ - س - آیا بعضی شوطهای طواف و سعی برای کسانی که قادر نباشند خودشان انجام دهند، قابل نیابت است یا نه؟
ج - بلی، قابل است.

۴۰ - س - با وضعیت فعلی که جمعیت حجاج خیلی زیادند، وعده ای از ضعفاء نمیتوانند در مطاف طواف کنند، آیا توسعه در مطاف هست و نیز خلف مقام که یا نمیشود

نماز خواند و یا مصادف با اذیت طواف کنندگان است و اطمینان از تمام کردن نماز مخصوصا برای ضعفاء نیست، نماز خواندن در دور تر چه حکمی دارد و آیا شخصی که

وارد مکه شد میتواند فوراً به اعمال طواف و نماز هر جور که ممکن باشد مشغول شود یا

باید در حال احرام بماند که وقت ضیق شود، مثلاً تا شب نهم، و آن وقت چنین کند، و معلوم

است برای همه کس میسر نیست؟

ج - اگر میتوانند ولو در وقت خلوت در مطاف طواف کنند باید در حد آن طواف نمایند، و نماز خواندن در مکان دور در مورد ضرورت مانع ندارد، و صبر لازم نیست.

۴۱ - س - دختری در کودکی و یا اوائل سنین بلوغ جنب شده و تا کنون هم ازدواج نکرده است، با توجه به این که در سنین بالاتر نمودارسته به واسطه فعلی که در کودکی انجام شده جنب گشته است و در نتیجه غسل جنابت را تا حال انجام نداده است و با این کیفیت

به حج نیز رفته است، تکلیف او چیست؟ آن غسلهایی که یقیناً انجام داده است، حیض و

جمعه بوده است با توجه به موارد یاد شده فوق این سئوالها مطرح است:

۱ - وضع نماز و روزه و کلیه عباداتی که بعد از بلوغ تاکنون انجام داده است چیست؟

۲ - آیا در زمان حال محرم است، و به صورت احرام وارد مکه و خارج شده است؟ و

در صورت محرم بودن آیا تا زمانی که اعاده حج نکند، جمیع محرمات که در آن ایام حرام

است بر این شخص حرام میباشد یا خیر؟

۳ - در صورتی که فقط حجش باطل باشد ولی محرم نباشد چگونه میتواند با وضع اعزام حجج به بیت الله الحرام که چند سال يك بار این توفیق حاصل میشود، اعاده

حج

کند؟

ج - اگر یقین دارد که جنب شده، بدون غسل جنابت نماز و طواف او صحیح نیست

و غسلهای دیگر کفایت از غسل جنابت نمیکند، و در فرض مسأله نمازهایی را که با این

حال خوانده باید قضا کند، و اگر نمدانسته جنب است و روزه گرفته روزه‌های او صحیح

است و قضا ندارد، و حج در مفروض سؤال صحیح است ولی طوافهای عمره و حج و

نساء و نمازهای آنها را باید دو مرتبه بجا آورد، و اگر خودش نمیتواند برود برای آنها

نایب بگیرد، و تا طواف حج و طواف نساء و نماز آنها را انجام نداده یا با عدم قدرت، نایب

او بجا نیاورده باید از بوی خوش و ازدواج و محرماتی که با طواف نساء حلال میشود،

اجتناب نماید.

۴۲ - س - شخصی در اثناء طواف، محدث شده و خجالت کشیده بگوید و با همین

حالت اعمال را تمام کرده و به ایران باز گشته، مستدعی است بفرمائید:

۱ - حجش چه صورت دارد؟

۲ - اگر اعاده لازم است، آیا میتواند نایب بگیرد یا باید شخصا انجام دهد؟
ج - اگر با اعتقاد صحت، اعمال را اتمام کرده حجت صحیح است و باید طواف و نماز آن را اعاده کند، و اگر خودش نمیتواند برود باید نایب بگیرد، و اگر در فرض مزبور
حدث بعد از شوط چهارم باشد به تفصیل مذکور در مناسک طواف را تدارك کند، و چنانچه کار او عمدی بوده یا با تردید و عدم اعتقاد به صحت انجام داده، شقوق و صوری

دارد که در بعض آنها صحت حج مشکل است.

۴۳ - س - ما در شب، ساعت ۹ از مسجد شجره برای زیارت و انجام اعمال به سوی مکه حرکت کردیم، در نزدیکی اذان صبح به کعبه رسیدیم، و چون زائران قبلی

مشغول نماز صبح بودند سرپرست کاروان از ما تقاضا کرد مقدار کمی صبر کنیم تا پس از

نماز ما را طواف دهد، ولی در این مهلت به علت خستگی زیاد چند بار من خوابم برد چون

آب در دسترس خود نمودیم و جائی را نمشناختم، روی ریگهای اطراف باغچه تیمم

کردم و طواف و نماز آن را انجام دادم، آیا عمل حج من با این توصیف صحیح است یا نه؟

ج - با این که برای شما امکان داشته که وضو بگیرید ولو به این نحو که به منزل بروید

و مثلاً برای روز بعد اعمال را انجام دهید، تیمم صحیح نبوده است، و اگر عمل شما با

اعتقاد به صحت بوده از احرام خارج شده اید و فقط باید طواف و نماز را اعاده کنید، و

اگر خودتان نمیتوانید بروید باید نایب بگیرید.

۴۴ - س - اگر کسی قبل از حجر الاسود طواف را شروع نمود و به همانجا ختم کرد، آیا طوافش باطل است؟

ج - بلی، طواف باطل است.

۴۵ - س - اگر در هنگام خروج از مطاف، بعد از پایان هفت شوط مقداری مسافت

را به قصد جزئیت بجا بیاورد، آیا مبطل طواف است؟

ج - اگر عمدی باشد مبطل است، و در صورت سهو قطع کند، و طوافش صحیح است.

۴۶ - س - شخصی بیش از چهار شوط از طواف انجام نداد، و بدون این که نماز طواف را بخواند سعی را شروع کرد و یکی دو شوط از سعی را انجام نداده تقصیر نمود و

از احرام خارج شد، تکلیف او چیست؟

ج - اگر این شخص قصد هفت شوط طواف یا سعی را نداشته، عملش باطل است و باید اتمام اعمال را اعاده کند.

۴۷ - س - کسی نتوانسته است بیش از دو شوط از طواف خود را انجام دهد، و بقیه

اشواط را دیگری به جای او انجام داده است، وظیفه او چیست؟
ج - با فرض عذر حتی در آینده عمل مزبور صحیح است و نماز را بخواند.

۴۸ - س - آیا میشود قبل از شوط چهارم، طواف را بدون عذر به هم زد و آن را کأن

لم یکن دانست، و یا مانند نماز قطع کردن آن جایز نیست؟

ج - قطع مانع ندارد، ولی قبل از فوات موالات نمیتوان آن را از سر گرفت.

۴۹ - س - کسی که از طواف حتی در خارج مطاف عاجز است و به خاطر گرانی طواف با تخت روان، انجام آن برای او مشکل است، آیا طواف نیابی در محدوده از او

کفایت نمیکند؟

ج - اگر از طواف با تخت روان نیز معذور است نایب بگیرد.

۵۰ - س - اگر کسی يك شوط طواف را از درون حجر بجا آورده و بقیه اعمال را انجام داده است تکلیف او چیست؟

ج - باید يك شوط طواف و نماز طواف را اعاده کند، و اگر با اعتقاد صحت بوده بقیه اعمال صحیح است.

۵۱ - س - در مواردی که شخص شك در اشواط کند حکم به بطلان طواف مفرماید، حالا اگر کسی تجدید طواف نمود و در این میان کشف شد که طواف اول شش

شوط داشته و از طواف جدید نیز سه شوط انجام داده است، تکلیف او چیست؟

ج - اشکال دارد و باید احتیاط کند.

۵۲ - س - بعضی به تصور این که طواف ۱۴ دور است با این کیفیت طواف انجام داده اند، آیا مخل به طواف است؟

ج - اگر به قصد ۱۴ شوط طواف کرده، طوافش باطل است.

۵۳ - س - اگر کسی طواف عمره را فراموش کرد و یا آن را ناقص انجام داد و در عرفات به یاد آورد، تکلیف چیست و آیا انجام و یا تتمیم آن فوریت دارد؟

ج - میتواند بعد از اعمال منی آن را تدارك کند و فوریت ندارد.

۵۴ - س - اگر کسی جهلا طواف را بیش از هفت شوط آورد و بقیه اعمال بعد از آن

را بجا آورد، تکلیف او چیست؟

ج - اگر از اول قصد بیش از هفت شوط داشته، طواف و نمازش صحیح نیست. و باید آنها را اعاده کند، و ظاهرا اعاده بقیه اعمال لازم نیست، ولی اگر قصد هفت شوط

داشته و بعد از اتمام شدن، زیاد کرده، پس اگر چهار شوط یا بیشتر زیاد کرده، احتیاط آن

است که بقیه را تا چهارده شوط متمیم کند و يك نماز دیگر هم بجا آورد و طواف و نماز را اعاده کند، و اگر کمتر از چهار شوط زیاد کرده و موالات عرفیه به هم خورده است احتیاط واجب اعاده طواف و نماز است و اگر موالات عرفیه به هم نخورده حکم صورت قبل را دارد.

۵۵ - س - شخصی طواف حج واجب خود را غلط انجام داده و پس از آن چندین بار حج نیابی انجام داده است، تکلیف او در مورد حج خود و دیگر حجها چیست؟
ج - مانع ندارد و باید طواف حج خود را تدارك کند، و حج های نیابی که انجام داده صحیح هستند.

۵۶ - س - شخصی طواف خود را انجام داده است و بعدا دو شوط طواف رجاء برای جبران نقص احتمالی بجا مآورد، آیا این عمل خللی به طواف او مرساند؟
ج - ضرر ندارد، ولی جبران نقص نمکند.

۵۷ - س - شخصی در دور پنجم طواف عذری برایش پیش آمد، آیا بعدا باید همین طواف را تکمیل کند، یا طواف دیگری انجام دهد؟
ج - باید همین طواف را تکمیل کند.

۵۸ - س - شخصی در حین طواف، اندکی خون در بینی خود مبیند و آن را با دستمال پاك میکند و طواف خود را تمام منماید، آیا این طواف صحیح است؟
ج - اگر بینی او نجس شده باید بینی خود را آب بکشد و طواف را تکمیل کند، و اگر

بدون تطهیر بینی طواف را ادامه داده، احتیاط آن است که بعد از تکمیل و نماز، طواف و

نماز را اعاده کند. و هم چنین اگر دستمال نجس همراه او بوده است.
۵۹ - س - شخصی در شوط دوم طواف شك میکند که آیا طواف را به نیت منوب عنه یا به نیت خود آغاز کرده است، وظیفه او چیست؟
ج - احتیاط آن است که طواف را به نیت منوب عنه اتمام کند و پس از نماز، دو مرتبه

آن را با نماز دیگر اعاده کند.

۶۰ - س - شخصی در اثناء طواف به خاطر تقبیل و لمس بیت الله الحرام از مسیر خود منحرف شده، و نموداند در بازگشت، طواف را از همان نقطه که رها کرده بود ادامه

داده است یا نه، آیا طوافش صحیح است؟

(۱۳۲)

ج - اگر ملتفت بوده که از همان محلی که طواف را رها کرده شروع کند، و بعدا شك عارض شده، حکم به صحت نماید، و در غیر این صورت اکتفا به طواف مزبور محل اشکال است.

۶۱ - س - شخصی در اثناء طواف بر اثر فشار جمعیت چند گام به جلو رانده شده است، پس از آن به جای این که همان مقدار را جبران کند، شوط دیگری آورده، که مجموعا

هفت شوط تمام و يك شوط ناقص میشود، آیا این طواف صحیح است
ج - طواف او اشکال دارد و باید آن را اعاده کند.

۶۲ - س - شخصی بعد از اتمام طواف سهوا يك شوط زیاد کرده است و بعد مردد است که سه یا چهار شوط دیگر بجا آورده است، و سپس همه اعمال عمره را نیز انجام

داده است، آیا طواف او باطل است، و آیا تردید در عدد اشواط اضافی مضر نیست؟
ج - مضر است، و باید طواف و نماز را اعاده کند.

۶۳ - س - شخصی بر اثر شلوغی، مقداری از طواف را در خارج مطاف انجام داد، و بعد نیز بقیه اعمال را انجام داده است، تکلیف او چیست؟
ج - اگر ممکن نبوده ولو در وقت دیگر که در حد، طواف کند اشکال ندارد، و اگر نه

باید طواف و نماز اعاده شود.

۶۴ - س - کسی که وظیفه او وضوی جبیره‌ای و تیمم است اما از روی جهل، بدون

تیمم، اعمال عمره را انجام داد است، وظیفه او چیست؟
ج - طواف و نماز آن، باید اعاده شود.

۶۵ - س - شخصی شوط اول طواف را خارج از مطاف و به قصد طواف انجام داده، بعد متوجه شده است که طواف باید در محدوده معینی باشد، لذا مجددا طواف را در

مطاف آغاز نموده و بعد از طواف اعمال دیگر را انجام داده است، آیا اشکال دارد؟
ج - مانع ندارد.

۶۶ - س - کسی که اشتباها طواف را از رکن یمانی شروع و به همانجا ختم کرده و

نماز طواف را خوانده و پس از آن متوجه شده، حکمش چیست؟ و چنانچه در اثناء طواف

متوجه شد و طوافش را به حجر الاسود ختم کرد، مقدار زیادی، مضر به طوافش

مباشد يا
خير؟

(۱۳۳)

ج - طواف و نماز را باید اعاده کند، و فرقی بین دو صورت نیست.
۶۷ - س - کسی که مداند یا احتمال مدهد که مقداری از طوافش را بدون اختیار انجام مدهد، یعنی جمعیت او را مبرند، آیا میتواند از اول نسبت به آن مقداری که جمعیت او را مبرند نیز قصد طواف کند و آن مقدار را مثل طواف سواره حساب کند؟

ج - باید طواف را شروع کند، و اگر در اثناء بدون اختیار او را بردند همان مقدار را

جبران کند و طواف را ادامه دهد.

۶۸ - س - مواردی که باید احتیاطاً طواف را تمام کند و نماز طواف بخواند و طواف را با نمازش اعاده کند آیا اگر يك طواف به قصد اعم از تمام و اتمام (یعنی چنانچه

آن مقدار انجام شده، باطل بوده تمام هفت شوط را قصد طواف داشته باشد، و چنانچه

صحیح بوده به متمم آن قصد طواف داشته باشد) انجام دهد و دو رکعت نماز بخواند، کافی است یا خیر؟

ج - این عمل صحیح نیست و تردید در نیت است.

۶۹ - س - شخصی در عمره تمتع بعد از تقصیر فهمید طواف و سعیش باطل بوده مجدداً طواف و سعی را با لباس دوخته انجام داد، آیا مجزی و صحیح است یا نه و در فرض

مذکور آیا باید تقصیر را هم تکرار کند یا نه؟

ج - طواف و سعی او صحیح است، و اعاده تقصیر لازم نیست اگر چه احوط است.

۷۰ - س - شخصی چند متری از يك شوط را خراب کرده است و چون دقیقاً اول و آخر آن معلوم نیست، يك شوط کامل از حجر الاسود شروع و به آنجا ختم میکند به

قصد این که آنچه خراب شده به نحو صحیح انجام شود و زیادی قبلی و بعدی مقدمه علمیه

باشد، آیا این طواف صحیح است؟

ج - صحیح است. مگر بعد از خراب شدن آن قسمت طواف را ادامه داده باشد که در

این صورت طواف اشکال دارد.

۷۱ - س - کسی که به حدود مطاف آگاهی ندارد، بعد از فراغ از طواف شك میکند که در مطاف بوده است یا نه، آیا طوافش صحیح است یا نه؟

ج - اگر از اول در مطاف بود و شك در خارج شدن دارد، طوافش صحیح است. و اگر از اول شك دارد، با جهل مذکور در سؤال نمیتواند به طواف مزبور اکتفا کند.

۷۲ - س - شخصی در شوط اول طواف بود که نماز جماعت شروع شد، طواف را

قطع میکند و مشغول نماز میشود و پس از نماز طواف را از سر میگیرد و هفت شوط

کامل بجا میآورد، آیا طواف او صحیح است؟

ج - اشکال دارد و باید طواف را اعاده نماید.

۷۳ - س - شخصی با علم به حرمت تماس با بدن زن در حین طواف از روی شهوت با بدن زنی تماس منماید و از این تماس متلذذ میگردد، آیا طواف او اشکال پیدا

میکند یا نه، تکلیف او چیست؟

ج - مضر به طواف نیست. و اگر کاری که موجب کفاره است انجام داده باید کفاره

بدهد.

۷۴ - س - اگر کسی طواف را فراموش کند یا باطل انجام دهد، آیا میتواند در

ماه‌های غیر حج انجام دهد؟

ج - مانع ندارد

۷۵ - س - شخصی شوط اول طواف را در حالی که ناقص بوده رها میکند و پس

از آن شش شوط دیگر بجا میآورد و بعد از آن نقیصه شوط اول را بجا میآورد، آیا طواف

او صحیح است؟

ج - صحیح نیست.

۷۶ - س - اگر کسی در عدد اشواط طواف و سعی و عدد سنگهای رمی به دیگری

اعتماد کند کافی است؟

ج - اگر اطمینان به عدد پیدا کند مانع ندارد.

۷۷ - س - شخصی به علت مریضی یا مسن بودن، در دور اول طواف خسته شده و

از مطاف بیرون آمد و بعد از کمی استراحت از همانجا که طواف را قطع نموده بود

شروع

میکند، آیا چون به دور چهارم نرسیده است طوافش چه حکمی دارد؟

ج - اگر موالات به هم نخورده صحیح است.

۷۸ - س - آیا واجب است برای درك خلوتی مطاف و طواف در محدوده بیت و

مقام، طواف را تأخیر بیندازد یا مستحب است یا رجحان دارد، خصوصاً اگر پس از

ایام

تشریق مطاف خلوت نشود؟



(۱۳۵)

ج - در صورت امکان طواف در حد، ولو در وقت خلوت، باید در حد طواف کند ولو با تأخیر.

۷۹ - س - آیا محرم قبل از انجام طواف واجب خود، چه طواف عمره یا حج و چه طواف نساء، میتواند همین طوافها را برای معذور نیابت کند؟
ج - مانع ندارد.

۸۰ - س - شخصی در طواف عمره تمتع در اثر فشار احساس میکند که لنگ احرامش تر و نجس شده ولی اعتنا نمیکند و با همان حال طواف را تمام کند و نماز طواف و سعی و تقصیر را انجام میدهد و به منزل مرود، بعد از بررسی میبند مقداری

نجاست خارج شده و احرامش را آلوده کرده است، یقین پیدا میکند که در همان حال

طواف چنین شده است، بعد از اعمال حج و مراجعت به وطن به او مگویند باطل است،

مستدعی است حکم الله را با توجه به این که نماز و سعی را هم با همان حال انجام داده

در باره این شخص بفمائید، و اگر اعمالش باطل باشد آیا هنوز در حال احرام است یا

خیر؟

ج - اگر در حال طواف، شبهه داشته و یقین نداشته که نجس شده و وضوی او باطل

شده، از احرام خارج شده است، و فقط باید طواف و نماز را اعاده کند هر چند بعد از

اعمال یقین پیدا کرده باشد.

۸۱ - س - آیا یقین به هل خوردن در حین طواف، مصداق عدم امکان طواف در محدوده معین و مجوز برای تجاوز به غیر این محدوده میشود یا خیر؟
ج - شامل نیست.

۸۲ - س - در صورتی که یقین دارد در حال طواف در محدوده معین با اجنبی یا اجنبیه بر خورد میکند باز هم واجب است در محدوده معین طواف کند؟
ج - آنچه ذکر شده عذر نیست.

۸۳ - س - اگر صاحب عادت وقتیه و عددیه که عددش مثلا هفت روز است، روز هفتم پاك شد و غسل کرد و اعمال حج را بجا آورد ولی بعدا لك دید، اعمالش چگونه

است؟
ج - اگر خون دیده و از روز دهم تجاوز نکرده، محکوم به حیض است که در
وسعت

وقت باید طواف و نماز را اعاده کند، و در ضیق وقت، محل اشکال است که مراعات

احتیاط باید بشود.

۸۴ - س - بعضی از زنان به جهت خوردن قرص، نظم عادت ماهانه شان بر هم مخورد به طوری که گاهی در مدت طولانی مرتب خون و لك مبینند، آیا وظیفه این گونه زنان در حج چیست؟

ج - اگر خون سه روز استمرار داشته باشد، ولو به این نحو که پس از خروج تا سه روز باطن فرج آلوده باشد، حکم حیض دارد، و اگر نه باید به وظائف مستحاضه عمل کند.

۸۵ - س - اگر زن در عمره تمتع بعد از سه شوط و نیم و قبل از چهار شوط، حائض شد و تا قبل از رفتن به عرفات، پاك نمشود، وظیفه او چیست؟

ج - مورد عدول به افراد است.

۸۶ - س - اگر زنی بعد از شوط چهارم در طواف عمره تمتع حائض شد و تا وقت وقوف به عرفه پاك نشد، وظیفه اش چیست؟

ج - باید سعی و تقصیر عمره تمتع را انجام دهد و محرم شود برای حج تمتع و در وقت انجام طواف حج، قبل یا بعد از آن، بقیه طواف عمره تمتع و نماز آن را هم بجا آورد.

۸۷ - س - زنی عمره تمتع را انجام داد، بعد متوجه شده که طواف او باطل بوده است، پس از این که متوجه شد، ملاحظه نمود دید عذر زنانه دارد، تکلیف او چیست؟

ج - هر وقت عذر او مرتفع شد، طواف و نماز را اعاده کند، و اگر قبل از وقوف، پاك نمشود برای حج محرم شود و پس از آمدن به مکه و رفع عذر، آنها را انجام دهد.

۸۸ - س - زنی مسأله را نمدانست، بعد از پاك شدن از حیض، خیال مسکرده جنب است و لذا غسل جنابت را نیت مسکرد و با همین حال حج انجام داد، بفرماید حج او چگونه است؟

ج - اگر منظور او غسل برای حدثی که از خون داشته است باشد و اسم آن را جنابت گذاشته، عملش صحیح است.

۸۹ - آیا مستحاضه کثیره باید برای طواف يك غسل، و برای نماز طواف غسل دیگر بکند، یا يك غسل برای هر دو کافی است؟

ج - برای هر يك غسل لازم است، مگر آن که از وقت غسل برای طواف تا آخر نماز



(۱۳۷)

خون قطع باشد.

۹۰ - س - زنی به حساب شناسنامه، بیش از پنجاه سال شمسی دارد و يك سال و نیم خون ندیده است، ولی در عرفات خون مبیند، بنابر این آیا در یائسگی او میتوان تردید

داشت یا نه، و وظیفه او چیست؟

ج - اگر اطمینان دارد که پنجاه سال قمری او تمام شده و سیده نیست، حکم مستحاضه را دارد.

۹۱ - س - آیا نماز و طواف، برای زن مستحاضه يك حکم دارند یا هر کدام از طواف و نماز، جدا و مستقل هستند؟
ج - مستقل هستند.

۹۲ - س - زنی بعد از وقوفین حیض میشود، با مصرف قرص، خون قطع مگردد و اعمال را انجام مدهد ولی بعد از آن لك مبیند، وظیفه او چیست؟
ج - اگر خون سه روز مستمر نبوده و حتی در باطن فرج هم قطع شده حیض نبوده است و با انجام وظیفه مستحاضه، عمل او صحیح است.

۹۳ - س - زنی در حال طواف، مستحاضه قلیله میشود، وظیفه او چیست؟
ج - اگر بعد از تمام شدن دور چهارم بوده پس از تجدید وضو و تطهیر بدن و لباس، طواف را تمام کند، و اگر قبلا بوده به احتیاط واجب پس از تجدید وضو و تطهیر، آن را اتمام و سپس اعاده نماید.

۹۴ - س - زن مستحاضه ای بعد از غسل و وضو مشغول طواف میشود، در اثناء طواف لك مبیند، وظیفه او چیست؟
ج - اگر خون او مستمر است و به وظیفه عمل کرده با تحفظ از خروج خون چیزی بر او نیست، و در غیر این صورت حکم حدث جدید را دارد.

۹۵ - س - زنی به تصور این که پاك شده است، طواف انجام مدهد و در اثناء سعی متوجه میشود که هنوز پاك نشده است، آیا سعی او نیز باطل است، و اگر بعد از

سعی متوجه شود چگونه است؟

ج - در فرض اول سعی را قطع کند و پس از پاك شدن از حیض، طواف و نماز را اعاده کند، و احتیاط آن است که پس از اعاده طواف و نماز سعی را اتمام و اعاده نماید، و

در فرض دوم نیز اعاده طواف و نماز لازم، و اعاده سعی مبنی بر احتیاط است.
۹۶ - س - زن مستحاضه که باید غسل کند و وضو بگیرد و با این کار فاصله ای بین اعمال پیش مآید که شاید طولانی هم باشد، مثلاً باید برود منزل غسل کند و برگردد،

آیا این فاصله اشکال ندارد؟

ج - اگر خون قطع نمیشود برای هر يك از طواف و نماز باید غسل کند و وضو بگیرد، و باید طوری باشد که بعد از غسل و وضو مبادرت به عمل نماید، بنابر این اگر با

رفتن به منزل نتواند مبادرت کند، نزدیک مسجد الحرام غسل کند و وضو بگیرد.
۹۷ - س - زن مستحاضه که باید برای هر نماز و طواف غسل کند طبق وظیفه اش غسل کرد و یا وضو گرفت و طواف را شروع کرد، بین طواف نماز ظهر شروع شد، نماز

را خواند، و با همان طهارت اول، بعد از نماز، طواف را ادامه داد، آیا طوافش

صحیح

است؟

ج - اگر از هنگام غسل تا آخر طواف خون قطع بوده، طواف صحیح است، و در غیر

این صورت احوط آن است که این طواف را تمام کند و پس از غسل اعاده نماید.
۹۸ - س - زنی که حیض نمیشود ولی هر دو ماه يك بار، دو سه روزی لك و ترشحات مبینند، وظیفه اش چیست؟

ج - اگر خون استمرار تا سه روز ندارد ولو به این نحو که پس از خارج شدن تا این مدت باطن فرج آلوده باشد، حکم استحاضه را دارد.

۹۹ - س - هر گاه زن قرشیه پس از شصت سال، و غیر قرشیه پس از پنجاه سال، چند روز متوالی خون ببیند که همه به اوصاف حیض باشد در طوافها و نماز چه کند؟

ج - حکم مستحاضه را دارد، و حکم حیض بر خون مزبور مترتب نیست، حتی در صورت توالی یا داشتن صفات.

۱۰۰ - س - زنهایی که برای جلوگیری از قاعدگی از قرص استفاده میکنند که موقع طواف گرفتار حیض نباشند و ایام عادت ممکن است يك یا دو لکه کم رنگ ببینند،

آیا این خون استحاضه حساب است یا خون قروح و جروح، و در هر صورت به طواف

ضرر مزند یا خیر؟

ج - حکم استحضاره را دارد و باید به وظیفه مستحاضه عمل کنند، و اگر در اثناء

(۱۳۹)

طواف لکه دیده تفصیلی بین ما قبل از تمام شدن دور چهارم و ما بعد آن هست که در مناسک ذکر شده است.

۱۰۱ - س - شخصی غسل مس میت به گردش بوده ولی بعد از اعمال حج متذکر میشود، وظیفه او چیست؟
ج - اگر بعد از مس میت غسل جنابت کرده باشد - چون جنب هم بوده یا بعدا جنب

شده - غسل جنابت کفایت میکند و علمش صحیح است، و الا باید طواف و نماز آن را اعاده کند.

۱۰۲ - س - محرمی است که مبتلا به خروج ریح است، یعنی مرتب ریح از او جدا میشود، و در عرض سال شاید یکی دو ماه في الجملة تخفیف پیدا میکند، ولی نوعا به

فاصله یکی دو دقیقه وضویش باطل میشود، تکلیف چنین شخصی در طواف و نماز چیست چند وضو باید بگیرد؟

ج - حکم مبطلون را دارد، که از تحریر الوسیله جلد اول صفحه ۳۰ مسأله ۳ استفاده

میشود. و علی ای حال چنانچه نتواند در اثناء طواف وضو بگیرد یا حرجی باشد اکتفا به

يك وضو برای طواف کافی است، ولی اگر بتواند ولو با حمل آب در اثناء طواف وضو

بگیرد واجب است تجدید وضو کند، و هم چنین است حکم در نماز طواف.

۱۰۳ - س - مدتی است که به علت ابتلاء به بیماری و در اثر عمل جراحی هنگام خروج مدفوع احساس نمکنم و از کیسه مخصوص استفاده میکنم، البته برای وضو و نماز فتوای حضرت امام مشخص و معین است، که بدان عمل میکنم، ولی چون سال آینده

به امید خدا تصمیم دارم خانه خدا را زیارت کنم، مستدعی است در رابطه با انجام مراسم

حج، تکلیف شرعی بنده را مرقوم فرمائید؟

ج - اگر در طواف و نماز آن رعایت وظیفه ای که برای وضو و نماز دارید، بنمائید،

عمل حج شما صحیح است.

۱۰۴ - س - شخصی عمل جراحی انجام داده است، و فعلا کیسه‌ای بسته است که

بول او قطره قطره در آن کیسه مریزد، لکن نه از مجرای بول بلکه از موضع جراحی
که در
پهلوی قرار داده اند، آیا این شخص حکم مسلوس را دارد.
ج - حکم مسلوس را دارد.

۱۰۵ - س - کسی نیت طواف را در دل گذرانده و به قصد طواف حرکت میکند، مقداری که مآید گمان میکند نیت طواف را باید به زبان بگوید، لذا برمیگردد و نیت را با

زبان میگوید و طواف را از نو شروع میکند، آیا طوافش صحیح است یا خیر؟
ج - اشکال دارد.

۱۰۶ - س - به خاطر اهمیت زیادی که در اعمال حج داده میشود، و به خصوص در

طوافها و نماز آن، غالباً يك عملی را به عنوان احتیاط و رجاء چندین بار بجا میآورند ولو این که عمل نزد خودشان نقصی ندارد، البته به حد وسواس هم نمرسد، آیا این گونه تکرار

در اعمال، اشکالی دارد؟

ج - وسواس همین است، و نباید وسوسه اعتنا شود، بلی انجام عمل احتیاطی بدون وسوسه مانع ندارد.

۱۰۷ - س - کسی به جهتی طواف یا سعیش قطع میشود و به جلو میرود، میخواهد از همان جا که قطع شده شروع کند ولی در اثر ازدحام نمیتواند خود را به آنجا

برساند و در محاذی آنجا به طرف چپ یا راست قرار میگیرد، آیا میتواند از محاذی جائی

که قطع شده شروع کند، یا باید همان نقطه باشد؟

ج - لازم نیست همان نقطه باشد، بلکه محاذات کافی است، و باید طواف تکمیل شود.

۱۰۸ - س - قران که در طواف حرام است آیا طواف را باطل میکند یا خیر؟
ج - اگر از اول یا در اثناء طواف اول، قصد قران داشته احتیاط در اعاده طواف است، و اگر بعد از تمام شدن طواف اول قصد قران کرده طواف باطل نمیشود.

۱۰۹ - س - آیا يك شوط و دو شوط طواف هم استحباب دارد، یا باید طواف هفت

شوط باشد، و اگر کسی گمان داشت که مستحب است و بعد از هفت شوط طواف واجب،

یکی دو شوط طواف مستحبی بجا آورد و بعد، نماز طواف را خواند، آیا طوافش اشکالی

دارد؟

ج - استحباب آن ثابت نیست، ولی طواف مزبور صحیح است.

۱۱۰ - س - معیار در كثير الشك بودن در طواف چیست؟
ج - عرفی است.

۱۱۱ - س - طواف کردن در محدوده ۵ / ۲۶ ذراع، و نماز خواندن پشت مقام

هر چه

نزدیکتر به مقام، آن طوری که در مناسک بیان شده است، گوئی نزد آنان بدعت

است، آیا

باید همان گونه که آنان در خارج از حد طواف میکنند و دور از مقام نماز

مخوانند، انجام

شود؟

ج - چنین چیزی نیست، و باید به وظیفه عمل شود.

۱۱۲ - س - این که فرموده‌اید در بعضی موارد باید طواف و سعی را اتمام و اعاده

کند، بفرمائید که ترتیب هم لازم است یا نه؟

ج - بلی، احتیاط به این است که قبلاً اتمام کند طواف را و نماز بخواند، و سپس

اعاده نماید.

۱۱۳ - س - کسی که در سعی یا طواف عمره تمتع یا عمره مفرده، نیاز به نایب

پیدا

کرده است، آیا نایب باید در حالی که محرم است، نیابت کند یا خیر، بر فرض عدم

لزوم

احرام آیا باید با لباس احرام طواف کند یا در لباس محیط هم جایز است؟

ج - هیچ يك از احرام یا لباس احرام در نایب لزوم ندارد.

۱۱۴ - س - شخصی مسلوس است، برای طواف و نماز آن، وظیفه او چیست؟

ج - اگر وقتی دارد که بتواند طواف را با وضو و نماز را با وضو انجام دهد باید آن

وقت را انتخاب کند و طواف و نماز را با وضو و بدن پاک بجا آورد و بقیه اعمال را

بعد از

آن اتیان نماید، و اگر چنین وقتی ندارد در صورتی که مشقت نداشته باشد برای هر

بار که

حدث از او صادر شود يك وضو بگیرد و اگر مشقت دارد برای طواف يك وضو و

برای

نماز هم يك وضو بگیرد.

۱۱۵ - س - آیا در مواردی که طواف و نماز باید اعاده شود لازم است با لباس

احرام باشد؟

ج - لازم نیست.

۱۱۶ - س - هر گاه محرم لباس احرام را کنار بگذارد و با لباس دوخته اعمال عمره

را از طواف و سعی انجام دهد، جهلاً یا عمداً، آیا طواف و سعی او صحیح است و

عمره او

مجزی است یا نه؟
ج - طواف و سعی مزبور صحیح، و عمره مذکور مجزی است.

۱۱۷ - س - هر گاه محرم به احرام عمره تمتع، جنب باشد و آب برای او ضرر دارد

یا آب ندارد و یا وقت عمره مگذرد، آیا طواف و نماز با تیمم کافی و مجزی است؟ یا باید

نایب هم بگیرد؟

ج - نایب گرفتن لازم نیست.

۱۱۸ - س - آیا حجاب زن در طواف مثل حجاب او در نماز است یا فرق میکند؟

ج - فرق میکند، و فقط وجه و کفین در طواف مستثنی است علی الاحوط.

۱۱۹ - س - اگر مقداری از موهای سر زن یا جاهای دیگر بدن او که باید در حال طواف پوشاند ظاهر باشد، آیا به طواف او ضرر مرساند یا نه؟ و اگر با ظاهر بودن

موی

سر طواف را انجام داده طواف او باطل است یا نه؟

ج - اگر عمدی باشد، طواف صحیح نیست علی الاحوط و در غیر مورد عمد

صحیح

است، مگر در جاهل مقصر علی الاحوط.

۱۲۰ - س - شخصی در عمره تمتع طواف را تمام کرده است، ولی مگوید

دل چسب نشد لذا يك طواف دیگر بدون خواندن نماز طواف اول بجا آورد و

نماز و

سعی بجا آورد و تقصیر میکند، آیا عملش صحیح است یا نه؟

ج - عمل او صحیح است، هر چند داخل در قران حرام است.

۱۲۱ - س - اکل و شرب در حال طواف جایز است یا نه؟

ج - مانع ندارد.

۱۲۲ - س - کسی که در حال طواف شخصی را از روی زمین بلند میکند، و

ممکن

است در این حال گامی به طرف جلو بردارد و در این حال توجه به طواف ندارد، در

نتیجه

نمداند که آیا مقداری از مسافت را بدون قصد طواف آمده است یا نه، تکلیف او

چیست؟

ج - باید آن مقدار را احتیاطا تدارك کند.

۱۲۳ - س - كودك نا بالغی با اذن پدر محرم شد و طواف را نیمه کاره به تصور

این که همین مقدار کافی است رها کرده و سعی را نیز از طبقه دوم انجام داده

است، تکلیف

چیست؟

ج - اگر از اول قصد هفت شوط نداشته، طواف او باطل است و باید طواف و نماز و سعی را اعاده کند و بعد تقصیر نماید.

۱۲۴ - س - کسی که در شوط ششم، طواف خود را رها کرد و نتوانست که ادامه دهد، و دیگری بجای او بقیه را بجا آورد، و لیکن نماز طواف را خودش خوانده، و بعدا

متوجه شده است که استراحت در خلال طواف، به طواف ضرر نمیرساند و او با استراحت میتواندست خودش طواف خود را تمام نماید، اکنون تکلیف او چیست؟
ج - بقیه طواف را تمام کند و نماز را اعاده نماید.

۱۲۵ - س - شخصی طواف خود را به هم مزند و طواف دوم را شروع میکند، آن را نیز به هم مزند و طواف سوم را آغاز کرده به اتمام میرساند، وظیفه او چیست؟
ج - اشکال دارد و موارد احتیاط مختلف میشود.

۱۲۶ - س - اگر شخصی رکن مستحار (رکن یمانی) را یقین کرد که رکن حجر الاسود است لذا طواف را از مستحار به عنوان حجر الاسود شروع کرد و هفت

شوط کامل بجا آورد، بعدا فهمید که یقین او خطا بوده است، تکلیف او چیست؟
ج - طواف مزبور باطل است، و باید تدارك شود.

۱۲۷ - س - گاهی انسان شك میکند که این شوط طوافم به هم خورد یا نه، آیا میشود بعد از طواف يك شوط هم به عنوان احتیاط، اضافه بر هفت شوط آورد و بعد نماز بخواند یا خیر؟

ج - به وسوسه نباید اعتنا کرد، و اگر قسمتی از طواف اشکال پیدا کند همان قسمت

باید تصحیح شود، و ادامه بعد از آن به قصد طواف، بدون تصحیح آن قسمت، موجب

اشکال در طواف میشود، و با آوردن يك شوط بعد از طواف احتیاطا، اشکال رفع نمیشود.

۱۲۸ - س - شخص در حالی که مشغول طواف است در شوط پنجم یقین کرد که ۵

متر در شوط اول و ۵ متر در شوط سوم بی اختیار طواف کرده است، تکلیف او چیست؟

ج - این طواف قابل تصحیح نیست، و باید اعاده شود.

۱۲۹ - س - شرایطی که در طواف واجب، لازم الرعایه است آیا در طواف مستحبی نیز معتبر است یا نه؟

ج - ظاهر آن است که آنچه در مناسك استثناء نکرده معتبر است.

۱۳۰ - س - در طواف مستحبی زنان میدانند که به بدن مردان نگاه میکنند و احیاناً

هم در بین فشار مردان قرار مگیرند، از نظر شرع اشکال ندارد؟
ج - اگر اختیاراً نگاه به نامحرم نکنند اشکال ندارد، ولی در ازدحام بهتر است
مراعات کنند. و در هر صورت طواف صحیح است.

۱۳۱ - س - آیا در طوافهای مستحبی هم ختنه شرط است یا نه؟
ج - بلی شرط است.

۱۳۲ - س - محرم وارد مکه شد، آیا میتواند قبل از اعمال عمره تمتع یا قبل از
اعمال عمره مفرده، و هم چنین پس از محرم شدن به احرام حج تمتع و قبل از رفتن
به

عرفات، طواف مستحبی بجا آورد یا خیر؟ و اگر بجا آورد به عمره و حجش ضرر
میزند یا
نه؟

ج - احوط ترك طواف مستحبی است در فرض سؤال، ولی به عمره و حج ضرر
نمیزند.

۱۳۳ - س - آیا میشود هر شوط از طواف مستحب را به نیت یکی از مؤمنین بجا
آورد، یا باید مجموع هفت شوط را برای يك نفر بجا آورد؟

ج - نیابت در يك شوط صحیح نیست، ولی میتواند مجموع را به نیت چند نفر
انجام دهد.

۱۳۴ - س - آیا جایز است طواف مستحبی را خارج از حد طواف واجب بجا آورد
یا نه؟

ج - جایز نیست مگر در مورد ضرورت.

۱۳۵ - س - اگر حاجی از منی برگشته و هنوز طواف واجب را بجا نیاورده است،
آیا میتواند طواف مستحبی بجا آورد یا نه؟

ج - احوط آن است که تا اعمال واجب را انجام نداده، طواف مستحبی نکند.
آداب و مستحبات طواف

در حال طواف، مستحب است بگوید:

" اللهم إني أسألك باسمك الذي يمشي به على ظلل الماء كما

یمنشی به علی جدد الارض وأسألك باسمك الذي يهتز له عرشك
وأسألك باسمك الذي تهتز له اقدم ملائكتك وأسألك باسمك
الذي دعاك به موسى من جانب الطور فاستجبت له وألقيت عليه
محبة منك وأسألك باسمك الذي غفرت به لمحمد صلى الله عليه وآله و سلم ما تقدم
من ذنبه و ما تأخر وأتممت عليه نعمتك أن تفعل بي كذا و كذا ".
و به جای کذا و کذا حاجت خود را بطلبید.
و نیز مستحب است در حال طواف بگوید:
" اللهم إني إليك فقير وإني خائف مستجير فلا تغير جسمي
ولا تبدل إسمي ".
و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد به خصوص وقتی که به در خانه کعبه
مرسد.

و بخواند این دعا را:
" سائلك فقيرك مسكينك ببابك، فتصدق عليه بالجنة، اللهم
البيت بيتك والحرم حرمك والعبد عبدك وهذا مقام العائذ بك
المستجير بك من النار فأعتقني ووالدي وأهلي وولدي وإخواني
المؤمنين من النار يا جواد يا كريم ".
و وقتی که به حجر اسماعیل رسید رو به ناودان و سر را بلند کند و بگوید:
" اللهم أدخلني الجنة وأجرني من النار برحمتك وعافني من السقم
وأوسع علي من الرزق الحلال وادراً عني شر فسقة الجن والانس
وشر فسقة العرب والعجم ".
و چون از حجر بگذرد و به پشت کعبه برسد بگوید:
" يا ذا المن والطول يا ذا الجود والكرم إن عملي ضعيف فضاعفه لي

وتقبله مني إنك أنت السميع العليم ".
وچون به ركن يمانى برسد دست بردارد و بگويد:
" يا الله يا ولي العافية وخالق العافية ورازق العافية والمنعم بالعافية
والمنان بالعافية والمتفضل بالعافية علي وعلى جميع خلقك
يا رحمن الدنيا والآخرة ورحيمهما صل على محمد وآل محمد
وارزقنا العافية وتمام العافية وشكر العافية في الدنيا والآخرة
يا أرحم الراحمين ".
پس سر به جانب كعبه بالا كند و بگويد:
" الحمد لله الذي شرفك وعظمتك والحمد لله الذي بعث محمدا نبيا
وجعل عليا اماما ألهم اهد له خيار خلقك وجنبه شرار خلقك ".
وچون ميان ركن يمانى وحجر الاسود برسد بگويد:
" ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار ".
ودر شوط هفتم وقتيکه به مستجار (۱) رسيد مستحب است دو دست خود را بر
ديوار
خانه بگشايد وشکم وروی خود را به ديوار كعبه بچسباند و بگويد:
" اللهم البيت بيتك والعبد عبدك وهذا مكان العائذ بك من النار ".
پس به گناهان خود اعتراف نموده واز خداوند عالم آمرزش آنرا بطلبد كه
انشاء الله تعالى مستجاب خواهد شد بعد بگويد:
" اللهم من قبلك الروح والفرج والعافية اللهم إن عملي ضعيف
(هامش) (۱) مستجار در پشت كعبه در نزديك ركن يمانى برابر درب خانه كعبه قرار
دارد.

فضاعفه لي واغفر لي ما اطلعت عليه مني وخفي على خلقك
أستجير بالله من النار".
و آنچه خواهد دعا کند، و رکن یمانی را استلام کند و به نزد حجر الاسود آمده و
طواف خود را تمام نموده و بگوید:
"أللهم قنعي بما رزقتني وبارك لي فيما اتيتني".
و برای طواف کننده مستحب است در هر شوط اركان خانه كعبه و حجر الاسود
را استلام نماید و در وقت استلام حجر بگوید:
"أمانتي أديتها وميثاقي تعاهدته لتشهد لي بالموافاة".

فصل پنجم

در نماز طواف است

و در آن مسائلی است:

مسأله ۱ - واجب است بعد از تمام شدن طواف عمره دو رکعت نماز بخواند مثل نماز صبح.

مسأله ۲ - میتواند نماز طواف را با هر سوره‌ای که خواست بخواند مگر سوره‌های سجده، و مستحب است در رکعت اول بعد از " حمد " سوره " قل هو الله احد " را بخواند، و در رکعت دوم سوره " قل یا ایها الکافرون " را بخواند.

مسأله ۳ - جائز است نماز طواف را بلند بخواند مثل نماز صبح یا آهسته مثل نماز ظهر.

مسأله ۴ - شك در رکعات نماز طواف موجب بطلان نماز است، و باید اعاده کند، و

بعید نیست اعتبار ظن در رکعات، و در ظن در افعال احتیاط کند. و در احکام، این نماز با نماز یومیه مساوی است.

مسأله ۵ - احوط آن است که بعد از طواف مبادرت به نماز کند و زود بجا آورد.

مسأله ۶ - واجب است که این نماز نزد مقام ابراهیم واقع شود. و احتیاط واجب آن است که پشت مقام بجا آورد که سنگی که مقام است بین او و خانه کعبه واقع شود

و بهتر آن است که هر چه ممکن باشد نزدیک تر بایستد، لکن نه بطوری که مزاحمت با

سایرین کند.

مسأله ۷ - اگر بواسطه زیادی جمعیت نتوانست پشت مقام بایستد بطوری که گفته شود

نزد مقام نماز میکند بواسطه دوری زیاد، در یکی از دو جانب بجا آورد در جائی که گفته شود نزد مقام نماز بخواند.

مسئله ۸ - اگر ممکن نشد در دو جانب نزد مقام را بجا آورد باید ملاحظه نزدیک تر را بکند از میان دو جانب و پشت مقام، و اگر سه طرف مساوی باشند، در

پشت نماز بخواند، و در دو طرف کافی نیست، و اگر دو طرف نزدیک تر از پشت باشند به مقام و لکن هیچ کدام نزد مقام نباشد بعید نیست جائز بودن اکتفاء به پشت لکن احتیاط آن است که یک نماز در پشت مقام بخواند و یک نماز در یک طرف یا ملاحظه نزدیک تری، و احوط اعاده نماز است در صورت امکان در پشت مقام تا وقتی که وقت تنگ نشده برای سعی.

مسئله ۹ - جائز است نماز طواف مستحب را در هر جای مسجد الحرام که بخواهد بجا

آورد اگر چه در حال اختیار، بلکه گفته اند که آن را میتواند عمدا ترک کند. مسئله ۱۰ - اگر کسی نماز طواف واجب را فراموش کند باید هر وقت که یادش آمد

در مقام ابراهیم بجا آورد و به همان دستوری که در مسئله ۶ به بعد ذکر شده عمل نماید.

مسئله ۱۱ - اگر نماز طواف را فراموش کند و در بین سعی بین صفا و مروه یادش بیاید از همانجا سعی را رها کند و برگردد دو رکعت نماز را بخواند بعد از آن سعی را از همانجا تمام کند.

مسئله ۱۲ - شخصی که نماز را فراموش کرده و سایر اعمال را که بعد از نماز باید عمل کند عمل کرده آنها ظاهرا لازم نباشد اگر چه احتیاط استحبابی در اعاده است.

مسئله ۱۳ - اگر برگشتن به مسجد الحرام مشکل باشد از برای شخصی که نماز را فراموش کرده باید هر جا یادش آمد نماز را بجا آورد اگر چه در شهر دیگر باشد و برگشتن به حرم لازم نیست اگر چه آسان باشد.

مسئله ۱۴ - اگر کسی این نماز را بجا نیاورد و بمیرد واجب است بر پسر بزرگ او که

آن را قضا کند به نحوی که در کتاب "صلاة" تفصیل داده شده است.

مسئله ۱۵ - جاهل به مسئله در احکام که برای ناسی ذکر شد شریک است با او.

(100)

مسأله ۱۶ - واجب است بر هر مکلفی که نماز خود را یاد بگیرد و قرائت و ذکرهای

واجب را پیش کسی درست کند که تکلیف الهی را بطور صحیح بجا آورد، خصوصاً کسی که میخواهد به حج برود باید نماز را تصحیح کند، چون بعضی گفته‌اند اگر نماز

او درست نباشد عمره او باطل است، و هم چنین حج نیز باطل است، پس علاوه بر آن که به این قول از حجة الاسلام براءت ذمه پیدا نمکند ممکن است چیزهایی که در

احرام بر او حرام شده بود مثل زن و چیزهایی که گذشت بر او حلال نشود. مسأله ۱۷ - اگر شخصی نتوانست قرائت یا ذکرهای واجب را یاد بگیرد باید نماز را به هر ترتیبی که بتواند خودش بجا آورد و کافی است، و اگر ممکن است، کسی را به گمارد که نماز را تلقین او کند، و احتیاط آن است که در مقام ابراهیم به شخص عادل

اقتدا کند، لکن اکتفا به نماز جماعت نکند چنانچه نائب گرفتن نیز کافی نیست. مسأله ۱۸ - نماز طواف را در همه اوقات میشود خواند مگر آن که مزاحمت کند یا وقت نماز واجب که اگر نماز طواف بخواند موجب فوت یومیه شود پس باید اول نماز یومیه را بخواند.

مسأله ۱۹ - اگر کسی از روی بی‌مبالاتی مسامحه کرد در یاد گرفتن قرائت و ذکر واجب نماز تا وقت تنگ شد نماز را به هر نحو که میتواند باید بخواند و صحیح است،

لکن معصیت کار است، و احتیاط آن است که بدستور مسأله ۱۷ عمل کند، و اگر ممکن است کسی را وادار کند که تلقین او کند.

مسائل متفرقه نماز طواف

مسأله ۱ - نماز طواف استحبابی لازم نیست در نزد مقام ابراهیم باشد بلکه در هر جای

مسجد الحرام جایز است بخصوص در موقع ازدحام مناسب است مراعات سایر

حجاج

را بنمایند.

۲ - س - کسی نماز طواف عمره را در داخل حجر اسماعیل بجا آورد و بعد از تقصیر متوجه شده است، وظیفه او چیست؟

ج - باید نماز را اعاده کند.

(١٥١)

۳ - س - شخصی بعد از طواف وضوی او باطل شده و خجالت کشیده که بگوید نمازش را بی وضو خوانده است و بعد از آن سعی و تقصیر را انجام داده و محل شده است،

وظیفه او چیست؟

ج - باید نماز و سعی و تقصیر را اعاده کند.

۴ - س - زنی نماز طواف خود را در حجر اسماعیل خوانده است و چون به منزل آمده، ملتفت شده که حائض شده است و تا وقوف به عرفات پاك نمیشود، وظیفه او نسبت به نماز چیست، و آیا عمل او صحیح است یا خیر؟

ج - عمره او صحیح است و باید برای حج تمتع محرم شود و وقتی خواست طواف و نماز حج را انجام دهد قبل یا بعد از آن، نماز طواف عمره تمتع را بجا آورد.

۵ - س - کسی که هر چه سعی نمود که موارد غیر صحیح قرائت خود را تصحیح کند نتوانست و نیز شخصی دیگر را جهت اقتداء کردن و یا تلقین نمودن قرائت صحیح پیدا

نکرد وظیفه اش چیست؟

ج - به هر نحو قدرت دارد بخواند، و به جماعت خواندن حتی در فرض امکان واجب نیست.

۶ - س - در موقعی که شخص طواف مکرره جمعیت زیاد بوده و بعد از آن در اثر ازدحام، نتوانسته است که نزدیک مقام نماز بخواند و در آن وقت چاره‌ای به غیر از نماز

خواندن دور از مقام نداشته، آیا نماز او صحیح است یا خیر؟

ج - اگر امکان نداشته با فرض اضطرار مانع ندارد.

۷ - س - آیا در صورت ازدحام که نشود پشت مقام یا احد الجانبین آن نماز طواف خواند تا حدود منبر، و نماز در قسمت راست یا چپ منبر خوانده شد، باز هم نماز در مقام

در صورت امکان همان روز یا روزهای دیگر لازمست؟

ج - در صورتی که تا بعد از فوات موالات عرفیه بین طواف و نماز آن عذر باقی بوده اعاده واجب نیست.

۸ - س - در مسأله شش نماز طواف در تحریر الوسيله فرموده‌اید: " والاحوط الاقتداء

به شخص عادل " و در مسأله اول نماز جماعت همان کتاب فرموده‌اید: " بل

مشروعية

الجماعة في صلاة الطواف و كذا صلاة الاحتياط محل اشكال " بفرمائید منظور چیست؟



(۱۵۶)

ج - منظور از مشروعیت، صحت است، و احتیاط مزبور استحبابی است و نباید به جماعت اکتفا شود.

۹ - س - برای کسانی که قرائتشان درست نیست و می خواهند نماز طوافشان را به جماعت بخوانند، آیا میتوانند نماز طواف حج را به نماز طواف نساء یا بالعکس و یا

کسی که نایب است به کسی که نایب نیست، و یا نماز طواف واجب را به مستحب و

بالعکس اقتدا کنند یا نه؟

ج - اکتفا به جماعت نباید بکنند، و احتیاط در همه موارد سؤال حاصل میشود.

۱۰ - س - کسی که قرائتش درست نیست، آیا میتواند تبرعا از کسی که حج واجب بر عهده دارد نیابت کند و حج انجام دهد؟

ج - نیابت چنین شخصی صحیح نیست هر چند تبرعی باشد، مگر آن که بتواند قرائت

خود را تصحیح کند و از ذوی الاعذار محسوب نباشد، که در این صورت میتواند نیابت را

قبول نماید، ولی باید قرائت خود را درست کند.

۱۱ - س - افرادی با این که قرائتشان درست نیست و کلمات نماز را نمیتوانند درست بگویند، در حج نایب میشوند و عمره را به نیت منوب عنه انجام میدهند، بعد متوجه میشوند که نمیتوانند نایب شوند، آیا چگونه از احرام خارج میشوند، و برای حج

چه وظیفه دارند؟

ج - در صورت امکان باید قرائت خود را درست کنند و عمل نیابی خود را تصحیح نمایند تا از احرام خارج شوند، بلی اگر ممکن نیست و معذور هستند احرام آنها صحیح

واقع نشده و از احرام خارج هستند.

۱۲ - س - کسی که مطمئن باشد قرائتش یا ذکری که در نماز مگوید درست است

و نماز طواف را اعم از طواف زیارت و نساء همان گونه بخواند، بعد معلوم شود که اشتباه

بوده است آیا باید چه کند؟

ج - اگر احتمال غلط بودن آن را نمیداده، نمازش صحیح است.

۱۳ - س - چند روزی که اطراف کعبه بقدری شلوغ است که صف طواف تا پشت مقام ابراهیم علیه السلام مآید، و نماز خواندن پشت مقام و نزدیک آن ممکن

نیست
مگر این که چند نفری اطراف انسان بایستند تا انسان نماز طوافش را بخواند،
بفرمائید آیا

حتما نماز باید خلف مقام و نزدیک آن باشد ولو به این صورت، یا دور تر تا هر جا که

متوان به تنهایی نماز بخواند، کافی است؟

ج - اگر امکان دارد و محذوری در بین نیست، باید خلف و نزد مقام نماز بخواند، و

در مورد ضرورت، تأخیر مانع ندارد با مراعات الاقرب فالاقرب.

۱۴ - س - در نماز طواف که انسان مشغول ذکر بود او را حرکت دادند، ذکر را تکرار کرد، دوباره تکان دادند و تکرار کرد، آیا مانعی ندارد؟

ج - اگر طوری حرکت کرده که استقرار او از بین رفته، مانع ندارد، و در غیر این صورت تکرار نکند مگر به قصد احتیاط، به شرط آن که وسوسه نباشد.

۱۵ - س - آیا محمول نجسی که در طواف معفو نیست، در نماز طواف مثل نمازهای یومیه معفو است یا نه؟

ج - در نماز طواف حکم نمازهای یومیه را دارد.

۱۶ - س - بین طواف و نماز آن اگر نماز مستحبی یا عبادت مستحبی دیگر بجا آورد، اشکال دارد یا نه؟

ج - احتیاط در ترك آن و مبادرت به نماز طواف است.

۱۷ - س - گاهی در پشت مقام ابراهیم (ع) جمعیت زیاد است، و چون زن و مرد کنار

هم قرار میگیرند احیانا مورد فشار ازدحام واقع میشوند، بدون این که ریه و فسادی در بین

باشد، آیا به نماز طواف ضرر نمیرساند؟

ج - برای نماز ضرر ندارد.

۱۸ - س - احیانا انسان مداند که اگر نماز طواف را شروع کند، طواف کننده‌ها مآیند و او را حرکت مدهند و جا به جا میکنند، در عین حال نماز را شروع

میکند، آیا اگر

این نماز را تمام کند، صحیح است؟

ج - اگر صحیحا تمام کند، مانع ندارد.

۱۹ - س - در مناسك فرموده اید بر هر مکلفی واجب است قرائت نمازهای یومیه‌اش را یاد بگیرد خصوصا برای حج، حال اگر حاجی کوتاهی کرد و برای تعلم

و

یا دیگری قرائت نماز اقدام ننمود، آیا همین نماز باطل کفایت میکند و یا این که باید نایب

بگیرد، و در صورتی که نیابت را لازم نمدانید، آیا همین نماز کافی است یا خیر؟



(١٥٤)

ج - اگر وقت ضیق شود به طوری که اگر بعد از طواف بخواند نماز را یاد بگیرد موالات بین نماز و طواف فوت میشود، خودش هر طور میتواند بخواند.
۲۰ - س - زنی محرم به احرام عمره تمتع شده و پس از ورود به مکه و انجام طواف

قبل از این که نماز طواف بخواند حائض گردیده، چه وظیفه دارد؟
ج - اگر وقت وسعت دارد صبر کند تا پاك شود و نماز را بخواند و بقیه اعمال را انجام دهد، و چنانچه وقت تنگ باشد سعی و تقصیر عمره تمتع را انجام دهد و محرم شود
به حج تمتع، و بعد از طواف حج یا قبل از آن، نماز را بخواند و سپس بقیه اعمال را انجام دهد.

۲۱ - س - کسی که نمازش را غلط منخواند و وقت تصحیح آن را ندارد مفرمائید نماز طواف را به همان کیفیت که میتواند خودش بخواند، آیا چنین کسی میتواند عمره مفرده مستحبی بجا بیاورد؟
ج - اشکال ندارد.

۲۲ - س - شخصی طواف عمره را بجا آورده و بدون نماز و سعی، تقصیر کرده است، تکلیف او چیست؟
ج - باید نماز و سعی را بجا آورد، و با فرض جهل یا نسیان اعاده تقصیر لازم نیست اگر چه احوط است.

۲۳ - س - آیا مقصود از " نماز طواف نزد مقام " پشت مقام است یا شامل دو طرف
مقام نیز میشود؟

ج - باید خلف مقام باشد.
۲۴ - س - اگر کسی نماز را در غیر از مقام ابراهیم بخواند و با اعتقاد به صحت آن

بقیه اعمال را انجام دهد، وظیفه او چیست؟
ج - فقط نماز را باید اعاده کند.
۲۵ - س - اگر پشت مقام ابراهیم دو طبقه شود، آیا نماز در طبقه بالا یا زیر زمین صحیح است؟

ج - در صورتی که احراز نشود خلف مقام نماز خوانده، صحیح نیست.
۲۶ - س - شخصی نماز طواف را به اعتقاد این که حجر اسماعیل مقام ابراهیم

(100)

است در حجر اسماعیل خوانده، چه باید بکند؟

ج - باید نماز را اعاده کند.

۲۷ - س - آیا نماز طواف واجب را میتوان با نماز جماعت یومیه بجا آورد؟

ج - صحت آن محل اشکال است.

۲۸ - س - پشت مقام تا چه اندازه ای صادق است، و آیا حد معینی نمیتوان برای

آن فرض کرد؟

ج - عرفی است.

۲۹ - س - آیا فاصله انداختن بین طواف و نماز به مقدار دو رکعت نماز اشکال

دارد، و اصولاً چه مقدار فاصله محل است؟

ج - مانع ندارد، و میزان مبادرت عرفیه است. و در هر صورت با تأخیر نماز، اعاده

طواف لازم نیست.

۳۰ - س - گاهی طواف تا نزدیک تالارهای مسجد میرسد، آیا در این صورت

مشود نماز طواف را پشت سر طواف کنندگان بجا آورد، و آیا صدق پشت مقام

منماید؟

ج - صدق خلف، به نظر عرف است.

۳۱ - س - شخصی محرم به احرام عمره تمتع، وارد مکه شده است و هفت روز

مثلاً

در مکه توقف دارد و نماز او غلطهای زیادی دارد، آیا واجب است که تا آخر وقت

در احرام

بماند و نمازش را اصلاح کند و بعد شروع به طواف کند یا وظیفه دیگری دارد؟

ج - لازم نیست تا آن وقت صبر کند، و اگر بعد از طواف تا قبل از فوات موالات

عرفیه، بین طواف و نماز، نتواند غلطهای خود را درست کند، به هر نحو میتواند

نماز

بخواند.

۳۲ - س - اینجانب چند سال قبل به مکه معظمه مشرف شدم و در آنجا اولاً نماز

طواف نساء و نماز طواف برای هر دو طواف واجب را که یکی عمره مفرده و

دیگری حج

مباشند نخوانده‌ام و ثانیاً در تعداد اشواط طواف دوم هم در شك میباشم، لطفاً مرا

راهنمایی کنید.

ج - اگر بعد از طواف و انصراف از آن، شك در عدد اشواط کرده اید به شك اعتنا

نکنید و نمازهائی را که نخوانده اید اگر نمیتوانید به مکه بروید در محل خود

بخوانید و تا

نخوانده‌اید حرمت نساء باقی است.

مستحبات نماز طواف

در نماز طواف مستحب است بعد از حمد در رکعت اول سوره توحید و در رکعت دوم سوره جحد را بخواند، و پس از نماز، حمد و ثنای إلهی را بجا آورده و صلوات بر

محمد و آل محمد بفرستد و از خداوند عالم طلب قبول نماید و بگوید:

" اللَّهُمَّ تقبل مني ولا تجعله آخر العهد مني. الحمد لله بمحامده كلها

على نعمائه كلها حتى ينتهي الحمد إلى ما يحب ويرضى، اللهم

صل على محمد و آل محمد و تقبل مني و طهر قلبي و زك عملي "

و در روایت دیگر است:

" اللَّهُمَّ ارحمني بطاعتي إياك و طاعة رسولك صلى الله عليه وآله اللهم جنبني

أن أتعدى حدودك واجعلني ممن يحبك و يحب رسولك

و ملائكتك و عبادك الصالحين "

و در بعضی از روایات است که حضرت صادق علیه السلام بعد از نماز طواف

به سجده رفته و چنین میگفت:

" سجد لك و جهي تعبدا و رقا لا إله إلا أنت حقا حقا الاول قبل كل

شئ و الآخر بعد كل شئ وها أناذا بين يديك ناصيتي بيدك

فاغفر لي إنه لا يغفر الذنب العظيم غيرك فاغفر لي فإني مقر بذنوبي

على نفسي و لا يدفع الذنب العظيم غيرك "

و بعد از سجده، روی مبارك آن حضرت از گریه چنین بود که گویا در آب فرو

رفته باشد.

فصل ششم

در بیتوته به منی است

و در آن چند مسأله است:

مسأله ۱ - واجب است بر حاج که شب یازدهم ذی الحجّه و شب دوازدهم را در

منی

بیتوته کند، یعنی در آنجا بماند از غروب آفتاب تا نصف شب.

مسأله ۲ - چند طایفه باید در شب سیزدهم نیز تا نصف شب بمانند:

اول - کسی که صید کرده است در احرام، و احتیاط واجب آنست که اگر صید را

گرفته باشد و نکشته باشد شب سیزدهم را بماند، لکن غیر از صید کردن چیزهای

دیگر

که از صید بر محرم حرام است مثل خوردن گوشت صید و نشان دادن صید به صیاد

و

غیر آن را اگر اجتناب نکرده واجب نیست بیتوته شب سیزدهم.

دوم - کسی که نزدیکی با زن کرده در احرام چه در قبل و چه در دبر و چه با زن

خود یا اجنبیه. ولی غیر از جماع کارهای دیگر مثل بوسیدن و لمس و غیر آن را

اگر اجتناب نکرده واجب نمیشود بیتوته شب سیزدهم.

سوم - کسی که در روز دوازدهم کوچ نکرد از منی و غروب شب سیزدهم را

درک کرد.

مسأله ۳ - چند طایفه اند که واجب نیست در شبهای یازده و دوازده و سیزدهم در

منی

بمانند:

اول - بیماران و پرستاران آنها، و دیگر کسانی که برای آنها مشقت داشته باشد

ماندن به هر عذری که باشد.

دوم - کسانی که ترس آن دارند که اگر شب را بمانند مال آنها در مکه از بین

مسأله ۹ - اگر از روی فراموشی مقدم بدارد سعی را بر طواف اقوی آن است که آن را

اعاده کند و هم چنین است اگر از روی ندانستن مسأله مقدم بدارد.

مسأله ۱۰ - واجب است رفتن و برگشتن از راه متعارف باشد، پس اگر از راه غیر متعارف به صفا برود یا به مروه سعیش باطل است.

مسأله ۱۱ - اگر بین صفا و مروه را دو طبقه یا چند طبقه کنند و تمام طبقات بین دو کوه

باشد از هر طبقه جائز است سعی کند گر چه احوط سعی از همان راهی است که از اول

متعارف بوده.

مسأله ۱۲ - اگر طبقه زیر زمینی درست شد و کوه صفا و مروه ریشه دار بود و سعی بین

آن دو واقع شد صحیح است علی الظاهر، و احوط سعی از طبقه روی زمینی است.

مسأله ۱۳ - واجب است در وقت رفتن به طرف مروه متوجه به آنجا، و وقت رفتن رو

به صفا متوجه به آن باشد، پس اگر عقب عقب برود یا پهلو را به طرف صفا یا مروه کند

و برود باطل است، لکن نگاه کردن به چپ و راست بلکه گاهی به پشت سر اشکال ندارد.

مسأله ۱۴ - جائز است به جهت استراحت و رفع خستگی، نشستن یا خوابیدن بر صفا یا

مروه، و همین طور جائز است نشستن یا خوابیدن بین آنها برای رفع خستگی و لازم نیست عذری داشته باشد بنا بر اقوی.

مسأله ۱۵ - جائز است تأخیر سعی از طواف و نماز آن برای رفع خستگی یا تخفیف

گرمی هوا، و جائز است بدون عذر تأخیر بیندازد تا شب گرچه احتیاط در تأخیر نینداختن است.

مسأله ۱۶ - جائز نیست تأخیر انداختن تا فردا بدون عذر از قبیل مرض.

مسأله ۱۷ - سعی از عبادات است و باید آن را با نیت خالص برای فرمان خدای تعالی

بیاورد.

مسأله ۱۸ - سعی مثل طواف رکن است و حکم ترك آن از روی عمد یا سهو چنان است که در طواف گذشت.

مسأله ۱۹ - زیاد کردن در سعی بر هفت مرتبه از روی عمد موجب باطل شدن آن است

(۱۶۰)

به تفصیلی که در طواف گذشت.

مسئله ۲۰ - اگر از روی فراموشی زیاد کند بر سعی چه کمتر از يك مرتبه یا بیشتر سعی او صحیح است، و بهتر آنست که زائد را رها کند، گرچه بعید نیست که بتواند آن

را به هفت مرتبه برساند.

مسئله ۲۱ - اگر سعی را کم کند سهوا واجب است آن را اتمام کند هر وقت یادش بیاید،

و اگر به وطن خود مراجعت کرده و برای او مشقت ندارد باید مراجعت کند، و اگر نمیتواند یا مشقت دارد باید نایب بگیرد.

مسئله ۲۲ - اگر کمتر از يك مرتبه سعی کرد و بقیه را فراموش کرد بیاورد، احتیاط واجب آن است که سعی را از سر بگیرد، و اگر بعد از تمام کردن يك مرتبه یا بیشتر فراموش کرد به هفت مرتبه برساند جائز است از همانجا سعی را تمام کند، لکن احتیاط آن است که اگر چهار مرتبه را تمام نکرده تمام کند و از سر بگیرد.

مسئله ۲۳ - به اتمام کردن سعی حلال نمیشود بر او آنچه حرام شده بود بواسطه احرام.

مسئله ۲۴ - اگر فراموش کرد بعض سعی را در عمره تمتع پس به گمان این که اعمال

عمره تمام شده از احرام خارج شد و بعد از آن نزدیکی با زنان کرد واجب است برگردد و سعی را تمام کند، و احتیاط واجب آن است که يك گاو برای کفاره ذبح کند.

مسئله ۲۵ - اگر فراموش کرد بعض سعی را در عمره تمتع و تقصیر کرد و بعد از آن نزدیکی با زنان کرد احتیاط واجب آن است که به دستور مسئله سابق عمل کند، بلکه احتیاط واجب آن است که در این دو حکم سعی در غیر عمره تمتع را نیز ملحق

به تمتع کند در کفاره و اتمام.

مسئله ۲۶ - اگر شك کند در عدد رفت و آمدها بعد از تقصیر اعتناء نکند، و اگر شك

کند بعد از آن که از عمل فارغ شد و منصرف شد چون بنا گذاری بر اتمام و اعتناء نکردن به شك خالی از اشکال نیست احتیاط آن است که آنچه احتمال نقص میدهد اتمام کند، خصوصا اگر شك در ناقص گذاشتن در این باشد که عمدا برای حاجتی ترك کرده است سعی را که برگردد و اتمام کند که در این صورت وجوب اتمام بعید

نیست، و اگر شك در زیاده دارد و مداند ناقص نشده اعتناء نکند.
مسأله ۲۷ - اگر بعد از فارغ شدن از سعی یا از هر دوری شك در درست آوردن آن

کند اعتناء نکند و سعی صحیح است، و همین طور اگر در بین رفت و آمد شك در صحیح بجا آوردن جزء پیش کند اعتناء نکند.

مسأله ۲۸ - اگر در مروه شك کند که هفت دفعه رفت و آمد کرده یا زیاده تر مثل این که

شك کند بین هفت و نه اعتناء نکند، و اگر قبل از رسیدن به مروه شك کند که این دور هفت است یا کمتر ظاهراً سعی او باطل است، و هم چنین است هر شکی که به کمتر از هفت تعلق بگیرد، مثل شك بین يك و سه یا دو و چهار و هكذا.

مسأله ۲۹ - اگر طواف را در روزی بجا آورد و روز بعد شك کرد که سعی کرده است

یا نه بعید نیست بنا گذاری بر آوردن، گرچه احتیاط در آوردن است، مگر آن که بعد از

تقصیر شك کند که در این صورت لازم نیست سعی کند.

مسائل متفرقه سعی

مسأله ۱ - کسی که مدانسته باید هفت مرتبه بین صفا و مروه سعی کند و با همین نیت از

صفا شروع کرده ولی رفت و برگشت را يك مرتبه حساب کرده و در نتیجه چهارده مرتبه

سعی نموده احتیاط آنست که سعی را اعاده کند اگر چه اقوی کفایت همان سعی است.

مسأله ۲ - کسی که بعد از ظهر، طواف و نماز را بجا مآورد و سعی را شب انجام مدهد

اگر بدون تأخیر عرفی، سعی در شب واقع شود مانع ندارد و احتیاط آنست که تا شب تأخیر

نیندازد اگر چه اقوی کفایت است.

مسأله ۳ - سعی در طبقه فوقانی اگر محرز نیست که بین صفا و مروه است، جایز نیست.

۴ - س - کسی که در اثنای سعی متوجه شود که طواف او بیش از هفت شوط بوده

تکلیف او چیست؟

ج - میتواند به این نحو احتیاط کند که سعی را تمام نماید و بعد از فوت موالات

عرفیه بین شوط زائد طواف و مقدار باقیمانده تا ۱۴ شوط، طواف و نماز و سعی را
اعاده
کند و بعد تقصیر نماید.

- ۵ - س - اگر از مروه شروع و به صفا ختم کرده و بعد فهمیده است، وظیفه او چیست به خصوص اگر تقصیر کرده باشد؟
- ج - باید سعی را اعاده کند و اگر تقصیر نکرده تقصیر کند.
- ۶ - س - کسی بعد از اتمام شوط ششم سعی در صفا گمان تمام شدن هفت شوط را کرد. و تقصیر نمود ولی فوراً به او گفته اند که باید يك شوط دیگر بیاوری، او هم انجام داد
- و بعد بار دیگر تقصیر نمود، آیا عمل او صحیح است یا خیر، و كفاره دارد یا نه؟
- ج - عمل صحیح است و كفاره ندارد.
- ۷ - س - کسی در اثناء سعی برای آب خوردن از مسیر منحرف شده و پس از خوردن آب ادامه داده است چه صورت دارد؟
- ج - اگر سعی را قطع نکرده و به نیت سعی حرکت را ادامه داده است و در بین راه آب خورده، یا اگر قطع کرده از جائی که سعی را قطع کرده یا محاذی آن سعی را تمام کرده صحیح است.
- ۸ - س - کسی که طواف و نماز آن را انجام داده و سعی را به روز بعد یا روزهای بعد به تأخیر انداخته است آیا طواف و نماز را باید اعاده کند؟
- ج - لازم نیست ولی اختیاراً نباید سعی را به روز بعد تأخیر بیندازد.
- ۹ - س - آیا زنهایی که از جهت عادت ماهانه برای طواف نایب مگیرند در سعی هم میتوانند نایب بگیرند؟
- ج - محل سعی مسجد نیست و سعی را باید خودشان بجا آورند با مراعات ترتیب بین طواف و سعی.
- ۱۰ - س - اگر کسی یقین کند که هفت شوط سعی بین صفا و مروه را تمام کرده است ولی بعد از تقصیر متوجه میشود که پنج شوط بوده، اولاً آیا کل سعی را باید از سر بگیرد یا دو شوطی را که ناقص بوده است باید تکمیل کند و ثانیاً آیا تقصیر هم باید بکند، یا تقصیر اول کافی است؟
- ج - باید سعی را اتمام کند، و احتیاطاً تقصیر را اعاده نماید، گرچه وجوب این احتیاط معلوم نیست.
- ۱۱ - س - شخصی بعد از طواف عمره تمتع گم شده و بعد از پیدا شدن به رفقاییش

گفته که سعی صفا و مروه را بجا آورده ام، و تقصیر نمود و محرم شد برای حج تمتع، ولی بعد از مراجعت از عرفات و منی و موقع طواف و سعی صفا و مروه و اعمال حج اظهار کرده مثل این که من در اعمال عمره به صفا نیامده‌ام، همین طور گفته‌اند ان شاء الله آمده‌ای،

بعد از مراجعت به ایران چند بار به پسرانش گفته اعمال من ناقص شده، و قبل از فوتش وصیت نموده است برای او نایب بگیرند، اگر عمل شخص فوق الذکر باطل باشد وراثت او حاضرند این جانب را بفرستند تا اعمال حج او را انجام بدهم، آیا نظر حضرت عالی چیست؟

ج - ورثه متوانند شما را نایب کنند برای عمل حج تمتع، ولی باید نایب سعی را جداگانه به نیابت آن مرحوم انجام دهد. گرچه در فرض مرقوم بیش از نایب گرفتن برای سعی لازم نیست.

۱۲ - س - بین صفا و مروه طوری است که از يك طرف مروند و از طرف دیگر آن برمگردند، یعنی بین رفت و برگشت دو سه متری فاصله است، آیا اگر امکان باشد از

همان مسیری که به صفا رفته، به مروه برود اشکال دارد؟
ج - اشکال ندارد، ولی نباید مزاحم دیگران شود.

۱۳ - س - شخصی در حال سعی کردن بود، يك وقت دید مقداری را که برای هروله

علامت گذاری کرده‌اند به طور عادی سیر کرده است، گمان مکرر لازم است هروله

کند و لذا برگشت و مقداری را که عادی رفته بود، با هروله تکرار کرد، آیا سعیش اشکال دارد.

ج - اشکال دارد.

۱۴ - س - شخصی در سعی بین صفا و مروه، از جائی که به صفا یا مروه رسید برای شوط بعدی شروع نمکند، بلکه تقریباً مقدار دو سه متر هلالی شکل و یا مستقیم به

شکل عرضی مآید و شروع مکند، و در این مقدار متوجه نیست که با نیت سعی

است
یا نه، ولی اگر از او سؤال شود چه مکنی جواب مدهد سعی مکنم، آیا مضر
نیست؟
ج - راه رفتن مزبور روی کوه مضر به سعی نیست، و در فرض مسأله سعی صحیح
است.
۱۵ - س - آیا سعی کردن از همانجا که مریضها را با چرخ مبرند و بر مگردانند

(یعنی حدود دو متر بالا تر ابتدای سرایشی شروع میکنند) صحیح و کافی است؟ یا حتما باید از اول کوه صفا شروع و در مروه هم به سنگهای سیاه بعد از سنگهای صاف که

بقایای کوه است برسند؟

ج - سعی باید بین دو کوه باشد و احراز شود، و لازم نیست بالا برود.

۱۶ - س - در مناسک فرموده اید کسی که بین صفا و مروه، سعی میکند واجب است در هنگامی که به طرف مروه در حرکت است توجهش به مروه باشد، و بالعکس، آیا

این وجوب توجه، تکلیفی است و یا وضعی و تکلیفی؟

ج - وضعی است.

۱۷ - س - گاهی انسان در اثر ازدحام جهت رفتن برای سعی ناچار است از مسجد الحرام عبور کند، در این صورت تکلیف حائض و نفساء چیست، و آیا برای

سعی هم

مثل طواف نایب بگیرند؟

ج - اگر امکان نداشته باشد که از راه دیگری بروند باید تأخیر بیندازند، و اگر آن

هم

ممکن نیست نوبت به نیابت برسد، و بر فرض مخالفت چنانچه از آن راه رفت و

خودش

سعی کرد سعیش صحیح است هر چند گناه کرده است.

۱۸ - س - زیادی در سعی جهلا، آیا حکم زیادی سهوی را دارد یا عمدی؟

ج - محل اشکال است.

۱۹ - س - کسی که نمیتواند بدون سوار شدن در چرخهای معمولی در سعی

سعی

کند لکن تمکن مالی ندارد، چون ارز خود را صرف سوغات کرده، وظیفه اش

چیست؟

ج - اگر میتواند با چرخ سعی کند ولو با فروش چیزی یا قرض باید خودش سعی

کند و استنابه صحیح نیست مگر آن که مشقت و حرج در کار باشد.

۲۰ - س - شخصی شوط سوم سعی را به هم زد و با فاصله اندکی هفت شوط

دیگر

بجا آورد و تقصیر نمود، آیا این سعی صحیح است؟

ج - اشکال دارد و باید سعی را اعاده کند.

۲۱ - س - شخصی به اعتقاد این که هر شوط سعی رفت و برگشت از صفا به مروه

است سعی را شروع میکند و در شوط سوم متوجه مسأله میشود و سعی خود را به

هفت

شوط خاتمه مدهد، آیا سعی او چه حکمی دارد؟

(۱۶۵)

ج - سعی او صحیح است.

۲۲ - س - شخصی در حال سعی گاهی عقب عقب به طرف مروه و یا صفا رفته است، تکلیف او چیست؟

ج - باید آن مقدار را تدارك کند، و اگر از آن محل گذشته سعی او اشکال دارد و احتیاط در اتمام و اعاده است.

۲۳ - س - سعی از طبقه دوم فعلی که بالاتر از کوه صفا و مروه میباشد، جایز است یا نه؟

ج - اشکال دارد.

۲۴ - س - شخصی به جهت کنترل همراهان خود در حین سعی گاهی به عقب برگشته و بدون توجه مجدداً همان مسافت را طی مکرده، آیا سعی او صحیح است؟

ج - اشکال دارد و باید سعی را اعاده کند.

۲۵ - س - شخصی سعی بین صفا و مروه را پنج دور رفت و برگشت که مجموعاً ده

شوط میشود انجام داده است، و آن گاه که متوجه مسأله شد سعی را از همان جا قطع نمود و

تقصیر کرد، تکلیف چیست؟

ج - در فرض سؤال احتیاط اعاده سعی است.

۲۶ - س - شخصی به تصور این که رفتن بالای کوه صفا یا مروه لازم است، چون این مقدار مسافت را تحت فشار جمعیت رفته لذا برای اعاده آن مقداری وارد سعی شده و

بعد به نیت سعی برگشته است و در واقع مقداری مسافت را دو بار طی کرده است، آیا سعی

او درست است؟

ج - اگر به نیت احتیاط عمل کرده باشد ضرر ندارد.

۲۷ - س - شخصی به تصور این که سعی نیز نیاز به وضو دارد بعد از يك شوط و نیم سعی خود را قطع میکند و وضو میگیرد و هفت شوط دیگر سعی منماید، تکلیف او

چیست؟

ج - اشکال دارد، و باید سعی را اعاده کند.

۲۸ - س - کسی که قدر متیقن عدد اشواط را میداند، اما تردید دارد که شوط بعدی را انجام داده یا نه، مثلاً میداند پنج شوط انجام داده، ولی شك دارد که بقیه را انجام



(۱۶۶)

داده یا نه، تکلیف او چیست؟

ج - فرض مزبور شك در اشواط است، و مبطل است.
۲۹ - س - اگر کسی سعی را بطور کلی فراموش کرد و تقصیر نمود، تکلیف او چیست؟

ج - از احرام خارج شده، و هر وقت یادش آمد سعی را بجا آورد.
۳۰ - س - اگر کسی قبل از رسیدن به مروه، در آوردن هفت و نه شك کرد، تکلیف

او چیست؟

ج - مبطل است، و باید سعی را اعاده کند.
۳۱ - س - آیا موالات در تمام اشواط سعی معتبر است، و یا اختصاص به بعضی دارد؟

ج - در سعی موالات معتبر نیست مگر شوط اول تمام نشده باشد، که در صورت فوات موالات احتیاطاً از سر بگیرد.
۳۲ - س - اگر در سعی، بعضی مواضع بدن زن غیر از وجه و کفین پیدا باشد آیا به سعی او ضرر میزند یا نه؟

ج - ضرر نمیزند.

۳۳ - س - شخصی در حال سعی در عدد اشواط شك میکند و با حال تردید به سعی خود ادامه میدهد و در فکر است که عدد را ضبط کند، پس از تأمل و بعد از آن که صد

متر سعی کرده یا وارد شوط بعدی شده است یقین به عدد حاصل میشود و با یقین، باقی

سعی را هم انجام میدهد، آیا این سعی صحیح است یا نه؟

ج - صحیح است.

مستحبات سعی

مستحب است بعد از فراغ از نماز طواف و پیش از سعی به نزد چاه زمزم رفته يك يا دو دلو آب بکشد و آن را بیاشامد و به سر و پشت و شکم خود بریزد و بگوید:

" اللَّهُمَّ اجعله علما نافعاً ورزقا واسعا و شفاء من كل داء وسقم "

پس از آن به نزد حجر الاسود بیاید، و مستحب است از دری که محاذی حجر

الاسود است بسوی صفا متوجه شود و با آرامی دل و بدن بالای صفا رفته و به خانه کعبه نظر کند و به رکنی که حجر الاسود در او است رو نماید و حمد و ثنای الهی را بجا

آورد و نعمتهای الهی را به خاطر بیاورد آنگاه این اذکار را بگوید:
" الله أكبر " هفت مرتبه.

" الحمد لله " هفت مرتبه

" لا إله إلا الله " هفت مرتبه.

" لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد يحيى ويميت

وهو حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير " سه مرتبه.

پس صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، پس بگوید:

" الله أكبر على ما هدانا والحمد لله على ما أبلانا والحمد لله الحي القيوم والحمد لله

الحي الدائم " سه مرتبه.

پس بگوید:

" أشهد أن لا إله إلا الله وأشهد أن محمدا عبده ورسوله لا نعبد إلا إياه

مخلصين له الدين ولو كره المشركون " سه مرتبه.

پس بگوید:

" اللهم إني أسألك العفو والعافية واليقين في الدنيا والآخرة " سه

مرتبه.

پس بگوید:

" اللهم آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار " سه

مرتبه.

پس بگوید:

" الله أكبر " صد مرتبه.

" لا إله إلا الله " صد مرتبه.

" الحمد لله " صد مرتبه.

" سبحان الله " صد مرتبه.

پس بگويد:

" لا إله إلا الله وحده وحده أنجز وعده ونصر عبده وغلب الأحزاب وحده، فله الملك وله الحمد وله الحمد وحده، اللهم بارك لي في الموت وفيما بعد الموت، اللهم إني أعوذ بك من ظلمة القبر ووحشته اللهم أظلني في ظل عرشك يوم لا ظل إلا ظلك ".
وبسيار تكرار كند سپردن دين و نفس و أهل و مال خود را به خداوند عالم.

پس بگويد:

" استودع الله الرحمن الرحيم الذي لا تضيع ودائعه ديني و نفسي و أهلي: اللهم استعملني على كتابك و سنة نبيك و توفياني على ملته و أعذني من الفتنة ".
پس بگويد:

" الله أكبر " سه مرتبه.

پس دعای سابق را دو مرتبه تکرار کند، پس يك بار تكبير بگويد و باز دعا را اعاده نمايد و اگر تمام اين عمل را نتواند انجام دهد هر قدر كه ميتواند بخواند. و مستحب است كه رو به كعبه نمايد و اين دعا را بخواند:

" اللهم اغفر لي كل ذنب أذنبته قط فان عدت فعد علي بالمغفرة فانك أنت الغفور الرحيم، اللهم افعل بي ما أنت أهله فانك إن تفعل بي ما أنت أهله ترحمني وإن تعذبني فانت غني عن عذابي وانا محتاج إلى رحمتك. فيا من أنا محتاج إلى رحمة ارحمني اللهم لا تفعل بي ما أنا أهله فانك إن تفعل بي ما أنا أهله تعذبني ولم تظلمني أصبحت أتقي عدلك ولا أخاف جورك فيا من هو عدل

لا يجور ارحمني "

پس بگوید:

" يا من لا يخيب سائله ولا ينفذ نائله صل على محمد وآل محمد،
وأجرني من النار برحمتك "

و در حدیث شریف وارد شده است هر کس که بخواهد مال او زیاد شود ایستادن بر صفا را طول دهد و هنگامی که از صفا پائین مآید بر پله چهارم بایستد و متوجه خانه

کعبه شود و بگوید:

" اللهم إني أعوذ بك من عذاب القبر و فتنته و غربته و وحشته
و ظلمته و ضيقه و ضنكه، اللهم أظني في ظل عرشك يوم لا ظل إلا
ظلك "

پس از پله چهارم پائین رود و احرام را از روی کمر خود بردارد و بگوید:

" يا رب العفو يا من أمر بالعفو يا من هو أولى بالعفو، يا من يثيب

على العفو، العفو العفو العفو يا جواد يا كريم يا قريب يا

بعيد، اردد علي نعمتك واستعملني بطاعتك ومرضاتك "

و مستحب است پیاده سعی نماید و از صفا تا به مناره میانه راه رود و از آنجا تا جائی که محل بازار عطاران است مانند شتر تند رود و اگر سوار باشد این حد را في الجملة تند نماید و از آنجا تا به مروه نیز میانه رود و در وقت برگشتن نیز به همان

ترتیب مراجعت نماید و از برای زنها هروله نیست و مستحب است در هنگامیکه
مرسد

به مناره میانه بگوید:

" بسم الله و بالله، والله أكبر، و صلى الله على محمد وأهل بيته، اللهم
اغفر وارحم و تجاوز عما تعلم إنك أنت الاعز الاجل الاكرم،

واهدني للتي هي أقوم اللهم إن عملي ضعيف، فضاعفه لي وتقبله مني، اللهم لك سعيي، وبك حولي وقوتي تقبل مني عملي يا من يقبل عمل المتقين".

و همین که از محل بازار عطاران گذشت بگوید:
" يا ذا المن والفضل والكرم والنعماء والجود اغفر لي ذنوبي، إنه لا يغفر الذنوب إلا أنت".

و هنگامی که به مرده رسید برود بالای آن و بجا آورد آنچه را که در صفا بجا آورد
و بخواند دعاهای آنجا را به ترتیبی که ذکر شد.

و پس از آن بگوید:

" اللهم يا من أمر بالعفو يا من يحب العفو يا من يعطي على العفو،
يا من يعفو على العفو يا رب العفو، العفو العفو العفو".

و مستحب است در گریه کردن کوشش کند و خود را به گریه وا دارد و در حال
سعی

دعا بسیار کند و بخواند این دعا را:

" اللهم إني أسألك حسن الظن بك على كل حال و صدق النية في
التوكل عليك".

فصل هفتم

در تقصیر است

و در آن چند مسأله است:

مسأله ۱ - واجب است بعد از آن که سعی کرد تقصیر کند، یعنی قدری از ناخنها یا قدری از موی سر یا شارب یا ریش را به زند، و بهتر آن است که اکتفا به زدن ناخن نکند، و از موی قدری بزند، بلکه موافق احتیاط است، و تراشیدن سر در تقصیر کفایت نمکند بلکه حرام است.

مسأله ۲ - این عمل نیز از عبادات است و باید با نیت پاك و خالی از قصد غیر اطاعت

خدا بیاورد و اگر ریا کند موجب باطل شدن عمره اش میشود مگر آن که جبران کند.

مسأله ۳ - اگر تقصیر را فراموش کند تا وقتی که احرام حج را ببندد عمره اش صحیح

است و مستحب است فدیة يك گوسفند، و احتیاط آنست که فدیة بدهد.

مسأله ۴ - اگر عمدا تقصیر را ترك کند تا احرام بستن به حج، عمره او باطل میشود بنابر اقوی و ظاهرا حج او حج افراد شود، و احتیاط واجب آنست که پس از تمام کردن حج افراد عمره مفرده بجا آورد و در سال بعد حج را اعاده کند.

مسأله ۵ - در عمره تمتع طواف نساء واجب نیست، و اگر بخواهد احتیاط کند طواف

و نماز آن را رجاءا بجا آورد.

مسأله ۶ - بعد از آن که شخص محرم تقصیر کرد حلال میشود بر او به غیر از تراشیدن سر

هر چه حرام شده بود بر او بواسطه احرام حتی نزدیکی با زن.

مسائل متفرقه تقصیر و احکام بین عمره و حج تمتع
مسئله ۱ - در تقصیر، کندن مو کافی نیست بلکه میزان، کوتاه کردن است به هر
وسیله ای باشد

و اکتفاء به کوتاه کردن موی زیر بغل و نحو آن مشکل است و احوط در تقصیر،
گرفتن

ناخن یا چیدن ریش یا شارب یا موی سر است.

۲ - س - آیا کسی که تقصیر او محکوم به بطلان است و بعد از آن محرمات احرام
را بجا آورده و جاهل به مسئله بوده کفاره دارد یا خیر؟

ج - با جهل کفاره ندارد مگر در صید به تفصیلی که در کتب ذکر شده است.

۳ - س - کسی که بعد از سعی در عمره تمتع تقصیر کرد، بعد به شك افتاد که آیا
تقصیری که کردم صحیح است یا نه، آیا اشکال دارد یا نه؟

ج - اگر در حال عمل عالم به مسئله و ملتفت بوده، اشکال ندارد.

۴ - س - یکی از خدمه کاروانها به احرام عمره مفرده از میقات محرم میشود و به
مکه میآید و طواف و نماز آن و سپس سعی بین صفا و مروه را به مان عنوان بجا
مآورد،

ولی برای تقصیر، گمان مکرر نطف یعنی کندن مو کافی است و چند نخ مو را به
عنوان

تقصیر کند و به حساب خودش از احرام خارج شد، سپس برای عمره تمتع که وظیفه
اش

بود به میقات رفت و محرم شد و به مکه آمد و کلیه اعمال، از طواف تا تقصیر را،
انجام داد،

آیا اعمالش چگونه است و در آینده وظیفه اش چیست؟

ج - کندن مو در تقصیر کافی نیست، و عمره تمتع او صحیح نیست مگر آن که قبل
از

احرام برای آن، از احرام عمره مفرده با تقصیر صحیح خارج شود.

۵ - س - اگر کسی تقصیر عمره مفرده را فراموش کرد، آیا میتواند در هر جائی
تقصیر کند یا نه؟ زیرا به ایران باز گشته است، و آیا نیازی به طواف نساء مجدد
هست؟

ج - تقصیر را در هر جا میتواند انجام دهد، ولی باید طواف نساء را اعاده کند. و
اگر خودش نمیتواند برود، نایب بگیرد.

۶ - س - هر گاه سنی برای شیعه تقصیر نماید چه صورت دارد؟

ج - اشکال ندارد.

۷ - س - شخصی در حج به عوض تقصیر در عمره تمتع يك مو از بدن کننده است



(۱۷۴)

و الآن كه متوجه شده است، آيا حج او اشكال دارد يا نه؟ و در صورتى كه مرتكب خلاف

شده باشد تكليف چيست؟

ج - اگر حج را انجام داده، با عمل مزبور از احرام فعلا خارج شده است، و چنانچه حج واجب بوده احتياط آن است كه يك عمره مفرده بجا آورد، و بعدا عمره و حج تمتع را انجام دهد.

۸ - س - شخصى بعد از طواف و نماز طواف تقصير كرد و سپس سعى را بجا آورد

و دوباره تقصير كرد، وظيفه اش چيست؟

ج - اگر جاهل يا ساهى بوده چيزى بر او نيست.

۹ - س - كسانى كه اعمال حج را بر وقوفين مقدم مدارند، اگر بعد از سعى تقصير نمودند، آيا موجب محل شدن و يا كفاره مگردد؟

ج - محل نميشوند، و اگر جاهل يا ساهى بوده اند كفاره ندارد.

۱۰ - س - اگر كسى به جاي تقصير حلق نمود آيا كفائيت ميكند؟

ج - در عمره تمتع كفائيت نميكند.

۱۱ - س - كسى كه بعد از انجام اعمال عمره در منزل تقصير کرده است، وظيفه

اش

چيست؟

ج - مانع ندارد.

۱۲ - س - حضرت عالى در مسأله دوم تقصير مفرمائيد: اگر كسى تقصير را به

ريا انجام دهد عمره اش باطل است، مقصود از بطلان عمره چيست ديگر اين كه

وظيفه او

چه ميشود؟

ج - مقصود اين است كه در تقصير ريا كند و بدون تدارك تقصير، براى حج محرم

شود و حج انجام دهد، كه در اين صورت حكم كسى را دارد كه بدون تقصير وارد

اعمال

حج شده است و در هر صورت لازم است حج تمتع را سال بعد بجا آورد.

۱۳ - س - اگر كسى در اثناء سعى تقصير نمود، وظيفه او چيست؟

ج - بايد سعى را تمام كند و تقصير را اعاده كند، بلى اگر از روى نسيان يا جهل

تقصير کرده اعاده تقصير لازم نيست، و اگر از اول سعى قصد هفت شوط نداشته

سعى

اعاده دارد.



(۱۷۰)

- ۱۴ - س - اگر کسی از روی جهل، تقصیر را ترك نمود چه حکمی دارد؟
 ج - در این مسأله جهل حکم عمد را دارد.
- ۱۵ - س - در عمره مفرده اگر کسی تقصیر را عمدا یا از روی جهل و نسیان ترك نمود و طواف نساء را انجام داد، چه وظیفه ای دارد؟
 ج - باید تقصیر نماید و طواف نساء را اعاده نماید، و فرقی بین صور عمد و سهو و علم و جهل نیست علی الاحوط.
- مسأله ۱۶ - بعد از انجام عمره تمتع و قبل از حج تمتع نباید عمره مفرده بجا آورده شود و اگر بجا آوردند صحت عمره مفرده محل اشکال است ولی برای عمره و حج تمتع اشکالی ایجاد نمیشود.
- مسأله ۱۷ - خدمه کاروانهای حج اگر عمره مفرده بجا آورده باشند هر دفعه که از مکه خارج میشوند و به جده میروند و بر می گردند لازم نیست محرم شوند ولی اگر عمره تمتع بجا آورده اند بنا بر احتیاط نباید از مکه خارج شوند مگر در صورت حاجت در حالی که محرمند به احرام حج.
- ۱۸ - س - خدمه کاروانها که پس از انجام عمره تمتع باید به عرفات و منی بروند برای دیدن چادرها و کارهای دیگر و برگردند به مکه، وظیفه آنان چیست؟
 ج - بنا بر احتیاط واجب نمیتوانند از مکه خارج بشوند مگر در مورد ضرورت، و در این صورت باید برای حج محرم شوند و بیرون بروند. بلی اگر احرام برای آنان حرجی باشد و رفتن به عرفات و منی بر آنان ضرورت دارد میتوانند بدون احرام به آنجا بروند.
- ۱۹ - س - آیا بین عمره تمتع و حج تمتع ماشین کردن سر جایز است؟
 ج - ماشین کردن مانع ندارد ولی نباید سر را بتراشد، و از ماشین کردنی که مثل تراشیدن است باید اجتناب شود علی الاحوط.
- ۲۰ - س - بین عمره تمتع و حج تمتع که جایز نیست سر بتراشد آیا سر تراشیدن کفاره دارد یا خیر؟
 ج - کفاره ثابت نیست.
- ۲۱ - س - زنی که حیض بوده و نمیدانست و اعمال عمره را کلا بجا آورد، بفرمائید باید دو باره بجا آورد یا کافی است؟

ج - اگر در وسعت وقت است باید طواف و نماز را اعاده کند، ولی اگر وقت ندارد

در این که وظیفه مبدل شده یا نه، اشکال است و احتیاط را مراعات نماید.

۲۲ - س - همچنان که تراشیدن سر بعد از عمره تمتع و قبل از احرام حج حرام است، آیا تراشیدن صورت نیز همین حکم را دار است؟

ج - غیر از حکم تراشیدن ریش در غیر این مورد، حکم خاصی ندارد.

۲۳ - س - آیا غار حرا جزء محدوده مکه است؟ و بنابر این آیا میتوان قبل از وقوف به آنجا رفت و صدق خروج از مکه نمکند؟

ج - باید از اهل محل تحقیق شود.

۲۴ - س - کسی که از کارمندان سازمان حج است و به ناچار باید بعد از عمره تمتع

و قبل از حج از مکه خارج و به عرفات برود، با توجه به این که حج او نیابتی است، آیا لطمه

به حج او نمزند؟

ج - ضرر به حج و نیابت نمزند، ولی در صورت امکان باید محرم شود به احرام حج و از مکه خارج شود علی الاحوط.

۲۵ - س - بعضی از حجاج منزلشان از مکه خارج است، بعد از عمره تمتع و قبل از احرام به حج تمتع، خارج شدن آنان از مکه چه حکمی دارد؟

ج - خروج از مکه بعد از عمره تمتع جایز نیست علی الاحوط، مگر در مورد ضرورت که در این صورت هم باید محرم شوند به احرام حج و خارج شوند.

۲۶ - س - اخیراً خط کمربندی در اطراف مکه از پای جبل النور و جبل ثور مگذرد، که غار حرا و غار ثور در این دو جبل است، بین عمره و حج رفتن برای زیارت

این دو مکان مقدس، چه صورت دارد؟

ج - حکم کلی مسأله معلوم است و در مسأله قبل نیز بیان شد، و تشخیص موضوع با

خود مکلف است.

۲۷ - س - خروج از مکه برای کسی که عمره تمتع انجام داده برای کار غیر ضروری جایز است یا نه، و ملاک ضرورت چیست؟

ج - بنابر احتیاط واجب جایز نیست، و ضرورت عرفی است.

تبدل حج تمتع به افراد
و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۱ - اگر شخصی که احرام عمره بسته است بواسطه عذری دیر وقت وارد مکه

شد بطوری که اگر مخواست عمره بجا بیاورد وقت وقوف به عرفات مگذشت یا خوف داشت که بگذرد، باید عدول کند به حج افراد، و پس از بجا آوردن آن عمره مفرده بجا آورد و حج او صحیح و کافی از حجة الاسلام است.

مسأله ۲ - اگر زنی احرام بست و وقتی به مکه وارد شد بواسطه حیض یا نفاس نتوانست طواف بجا آورد و اگر مخواست بماند تا پاك شود ترس آن داشت که وقت وقوف به عرفات بگذرد بدستوری که در مسأله (۱) گفته شد باید عمل کند.

مسأله ۳ - اگر بدون احرام وارد مکه شد و نبستن احرام بواسطه عذری بوده و وقت هم تنگ باشد باید در مکه احرام حج افراد ببندد و به دستور سابق عمل کند.

مسأله ۴ - اگر از روی عمد و بی جهت احرام نبسته و عمره خود را باطل کرده و وقت

تنگ شده از عمره تمتع، احتیاط واجب آن است که حج افراد بجا آورد و پس از آن عمره مفرده، و در سال دیگر حج را اعاده کند.

مسأله ۵ - مراد از تنگی وقت در مسأله های پیش، خوف نرسیدن به وقوف اختیاری عرفه است که از ظهر نهم ماه ذی الحجه است تا غروب.

مسأله ۶ - کسی که حج مستحب بجا مآورد و پس از ورود به مکه دید وقت تنگ است

عدول به افراد کند و حج افراد بجا آورد، و عمره مفرده بر او واجب نیست.

مسأله ۷ - کسی که محرم شد به احرام تمتع از حج واجب و عمدا تأخیر انداخت تا وقت

تنگ شد باید بدستوری که در مسأله (۴) ذکر شد عمل نماید.

مسأله ۸ - کسی که وظیفه او حج تمتع است و در وقت احرام بستن علم پیدا کند که اگر

بخواهد عمره تمتع بجا آورد به وقوف عرفات نمرسد میتواند از اول محرم شود به حج افراد و آن را بجا آورد. و پس از آن عمره مفرده بجا آورد و عملش صحیح است.

مسائل متفرقه تبدل

۱ - س - کسی قصد بیرون رفتن از مکه را داشت، به همین جهت از اول در میقات به نیت عمره مفرده محرم و وارد مکه شد و عمره مفرده را بجا آورد، بعد از خارج شدن از مکه منصرف شد، آیا این عمره، از عمره تمتع کفایت میکند، یا باید برگردد به میقات و

برای عمره تمتع محرم شود؟

ج - اگر حج او استحبایی است میتواند عمره مفرده را تبدیل به عمره تمتع کند، ولی چنانچه حج واجب یا نیایی باشد جواز تبدیل، محل اشکال است.

۲ - س - اگر بعد از نیت عمره و احرام، مجدداً برای عمره دیگر محرم شود، مثلاً به

نیت عمره مفرده محرم شده بعد از نیت عمره تمتع کند و تلبیه بگوید، آیا کدام عمره صحیح است؟

ج - اگر نیت کرده و تلبیه گفته، محرم شده است و تجدید احرام موضوع ندارد، و نمیتواند برای نوع دیگر عمره نیت کند و احرام دوم باطل است.

۳ - س - زنی که عادت ماهانه وقتیه و عددیه داشت و مثلاً روز هفتم ماه پاک میشد، همان روز هفتم پاک شد و غسل کرد و اعمال عمره اش را بجا آورد، روز بعد لك

دید، باز غسل کرد و اعمال را انجام داد تا روز دهم و برای عرفات حرکت کرد، روز

یازدهم هم لك دید، آیا حجش افراد است یا تمتع؟

ج - در فرض مزبور وظیفه او تمتع است.

۴ - س - زنی روز هشتم خون دید، خیال کرد حیض است، احرامش را تبدیل به حج افراد کرد، بعد که به عرفات رفت متوجه شد که استحاضه است، وظیفه او چیست؟

ج - اگر وقت عمره ضیق شده و طواف را عمداً تأخیر نینداخته حج افراد را تمام کند و اگر حج واجب است سپس عمره مفرده بجا آورد.

۵ - س - اینجانب مدیر گروه حج میباشم، اعمال حجی که انجام مدهم مستحبی است، آیا میشود به جای حج تمتع نیت حج افراد نمود و به جای عمره تمتع، عمره مفرده

انجام داد و همچنین سایر خدمه، واجب الحج نیستند آیا میتوانند چنین کنند؟

ج - میتوانند عمره مفرده انجام دهند و برای حج محرم نشوند، و میتوانند حج

افراد بجا آورند، ولی میقات حج افراد مواقیت معروفه است.

(۱۷۹)

۶ - س - کسی که حج افراد بر او واجب و متعین است و به قصد حج افراد در یکی از میقاتها محرم شده است، آیا میتواند نیت حج افراد خود را به عمره تمتع تبدیل نماید و بعد از انجام آن، حج تمتع بجا آورد، و همچنین آیا میتواند حج افراد را به

عمره مفرده تبدیل نماید و بعد از انجام آن، برای عمره تمتع محرم شود؟
ج - نمیتواند عدول کند، و تبدیل نمیشود.

۷ - س - شخصی با احرام عمره تمتع وارد مکه شده و بعد از اعمال عمره برای حج افراد محرم شده است، آیا حج او صحیح است؟
ج - اگر از مکه خارج شده و از میقات برای حج افراد محرم شده بعید نیست صحت

حج ولی تمتع واقع نمیشود، و اگر از مکه محرم شده، در صورت اشتباه در تطبیق، حج او

صحیح و تمتع است، و در غیر این صورت حج او صحیح نیست.

۸ - س - شخصی در حرم برای حج افراد محرم شده و بعضی از اعمال را انجام داده، وظیفه او چیست؟

ج - اگر از روی جهل بوده، چنانچه ممکن نیست که به میقات برود و از آن جا محرم

شود و به وقوف برسد، در همان محلی که هست محرم شود و اعمالی که امکان تدارك آن با

احرام هست تدارك کند، و چنانچه تمام اعمال را با همان احرام انجام داده و بعد متوجه

شده، حج او صحیح است.

باب دوم:
أعمال حج تمتع
و در آن چند فصل است:

فصل اول

در إحرام حج است

و در آن چند مسأله است:

مسأله ۱ - واجب است بر مکلف که بعد از تمام شدن اعمال عمره، احرام ببندد

برای

حج تمتع

مسأله ۲ - اگر نیت کند حج تمتع را و لبیک های واجب را بطوری که در احرام

عمره

ذکر شد بگوید محرم میشود، و لازم نیست قصد کند احرام بستن را و هم چنین لازم نیست قصد کند ترك محرمات را چنانچه در احرام عمره گذشت.

مسأله ۳ - نیت باید خالص برای اطاعت خداوند باشد، و ریاء موجب بطلان عمل

است.

مسأله ۴ - کیفیت احرام بستن و لبیک گفتن همان نحو است که در احرام عمره ذکر

شد.

مسأله ۵ - تمام چیزهایی که در محرمات احرام بیان شد در این احرام هم حرام

است،

و آنچه کفاره داشت کفاره دارد به همان ترتیب.

مسأله ۶ - وقت احرام موسع است، و تا وقتی که بتواند بعد از احرام به وقوف

اختیاری

عرفه برسد میتواند تأخیر بیندازد و از آن وقت نمیتواند عقب بیندازد.

مسأله ۷ - احتیاط واجب آن است که کسی که از عمره تمتع فارغ شد و محل

گردید

از مکه خارج نشود بدون حاجت، و اگر حاجتی برای بیرون رفتن پیش آمد احتیاط

واجب آن است که محرم شود به احرام حج و بیرون رود و به همان احرام برای

اعمال

حج برگردد.

مسئله ۸ - اگر بدون حاجت و بدون احرام بیرون رفت از مکه لکن برگشت و احرام

بست و حج بجا آورد عملش صحیح است.

مسئله ۹ - مستحب است احرام بستن در روز ترویبه بلکه احوط است.

مسئله ۱۰ - محل احرام حج، شهر مکه است هر موضع که باشد گر چه در محله‌های

تازه‌ساز، ولی مستحب است در مقام ابراهیم (ع) یا حجر اسماعیل (ع) واقع شود.

مسئله ۱۱ - اگر فراموش کند احرام بستن را و بیرون رود به منی و عرفات، واجب است برگردد به مکه و احرام ببندد، و اگر ممکن نشد بواسطه تنگی وقت یا عذر دیگر از همان جا که هست محرم شود.

مسئله ۱۲ - اگر یادش نیاید که احرام نبسته مگر بعد از تمامی اعمال، حشش صحیح است ظاهراً و احتیاط مستحب آن است که اگر یادش آمد بعد از وقوف به عرفات و مشعر یا قبل از فارغ شدن از اعمال، تمام کند حج را و در سال بعد اعاده کند.

مسئله ۱۳ - جاهل به مسئله اگر احرام نبندد در حکم کسی است که بواسطه فراموشی احرام نبسته.

مسئله ۱۴ - اگر کسی از روی علم و عمد ترك کند احرام را تا زمان فوت وقوف به عرفه و مشعر، حج او باطل است.

مسائل متفرقه احرام حج

۱ - س - فاصله بعضی از محلات جدید الاحداث مکه تا مسجد الحرام بیش از ۱۸ کیلومتر است و شاید عرفا از توابع مکه حساب شوند نه این که جزء مکه باشند، چرا که

تابلوه‌های راهنمایی با فلش جهت مکه را مشخص نموده‌اند، با این کیفیت آیا میتوان برای

حج در محلات فوق الذکر محرم شد؟

ج - اگر از محلات مکه است مانع ندارد، و اگر از محلات آن نیست یا مورد شك است، کفایت نمیکند.

۲ - س - اشخاص معذوری که میتوانند اعمال مکه را بر وقوفین مقدم بدانند اگر جهلاً بدون احرام اعمال مکه را قبل از وقوفین انجام دادند چه صورتی دارد؟

ج - کفایت نمکند و باید یا قبل از وقوفین آنها را با احرام اعاده کنند یا بعد از وقوفین و اعمال، آنها را بجا آورند.

۳ - س - حاجی در عرفات یا منی فهمید که در احرام حج تلبیه نگفته است آیا در لحظه التفات، تلبیه کافی است و تکلیف او چیست؟

ج - اگر بتواند به مکه برود و محرم شود و بقیه اعمال را که باید با احرام انجام دهد بجا آورد، باید چنین کند، و اگر ممکن نیست همانجا لبیک بگوید و اگر بعد از تقصیر

یا حلق متذکر شده، عملش صحیح است و لازم نیست لبیک بگوید.

۴ - س - شهر مکه را چند رشته کوههای طولانی و مرتفع فرا گرفته و هر دو جانب

کوه ساختمان شده است، گاهی چند کیلومتر باید از این جانب کوه رفت تا به جانب دیگر

رسید، و ساکنین احد الجانین جدای از جانب دیگرند، مثل شعب بنی عامر که نزدیک

مسجد الحرام است و عزیزیه که ۹ کیلومتر یا بیشتر در جانب دیگر است، و به حسب

مسامحه عرفی به همه این قطعات مکه گفته میشود، آیا احرام حج تمتع از تمام این نقاط و

نقاط مشابه صحیح است یا نه؟

ج - اگر در مکه است، احرام حج از آنجا صحیح است، هر چند از ساختمانهای جدید الاحداث باشد.

مستحبات احرام حج تا وقوف به عرفات

اموری که در احرام عمره مستحب بود در احرام حج نیز مستحب است و پس از این که شخص، احرام بسته و از مکه بیرون آمد همین که بر ابطح مشرف شود به آواز بلند

تلبیه بگوید، و چون متوجه منی شود بگوید:

" اللَّهُمَّ إِيَّاكَ أَرْجُو وَإِيَّاكَ أَدْعُو فَبَلِّغْنِي أَمَلِي وَأَصْلِحْ لِي عَمَلِي "

و با تن و دل آرام با تسبیح و ذکر حق تعالی برود و چون به منی رسید بگوید:

" الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَقْدَمَنِيهَا صَالِحًا فِي عَافِيَةٍ وَبَلِّغْنِي هَذَا الْمَكَانَ "

پس بگوید:

" اللهم هذه منى وهي مما مننت به علينا من المناسك فأسألك أن تمن علي بما مننت على أنبيائك فانما أنا عبدك وفي قبضتك ".
و مستحب است شب عرفه را در منى بوده و به اطاعت إلهى مشغول باشد، و بهتر آنست كه عبادات و خصوصا نمازها را در مسجد خيف بجا آورد، و چون نماز صبح را خواند تا طلوع آفتاب تعقيب گفته پس به عرفات روانه شود، و اگر خواسته باشد بعد از طلوع صبح روانه شود مانعى ندارد، ولى سنت آنست كه تا آفتاب طلوع نكرده از وادي محسر رد نشود و روانه شدن پيش از صبح مكروه است و چون به عرفات متوجه شود اين دعا را بخواند:
" اللهم إليك صمدت وإياك اعتمدت ووجهك أردت أسألك أن تبارك لي في رحلتي و أن تقضي لي حاجتي و أن تجعلني ممن تباهي به اليوم من هو أفضل مني ".

فصل دوم

در وقوف به عرفات است

و در آن چند مسأله است:

مسأله ۱ - واجب است وقوف به عرفات - که محلی است معروف و محدود است به حدود معروفه - به قصد قربت و خالص مثل سایر عبادات.

مسأله ۲ - مراد از وقوف، بودن در آن مکان است چه سواره و چه پیاده یا نشسته یا خوابیده یا در حال راه رفتن، به هر حال که باشد کافی است.

مسأله ۳ - اگر در تمام وقت بیهوش باشد یا خواب، وقوف او باطل است.

مسأله ۴ - به احتیاط واجب لازم است در عرفات باشد از بعد از زوال روز نهم تا غروب شرعی که وقت نماز مغرب است، پس جائز نیست تأخیر بیندازد و در وقت عصر بیاید و توقف کند.

مسأله ۵ - تأخیر انداختن از اول ظهر اگر کم باشد مثلاً به مقدار نماز ظهر و عصر که

جمع بین آنها کند، معلوم نیست حرام باشد، ولی احتیاط آن است که تأخیر نیندازد.

مسأله ۶ - بودن در مجموع بعد از ظهر تا مغرب گرچه واجب است چنانچه گذشت

لکن تمام آن رکن نیست که حج به ترك آن باطل شود، پس اگر مقدار کمی توقف کند

و برود یا طرف عصر بیاید و توقف کند حج او صحیح است اگر چه توقف نکردن از

روی عمد و علم باشد.

مسأله ۷ - آنچه در وقوف رکن است مسمای وقوف است به این معنی که گفته شود

قدری در عرفات بوده، هر چند خیلی کم باشد مثل يك دقیقه یا دو دقیقه پس اگر هیچ

به عرفات نرود رکن را ترك کرده.

مسأله ۸ - اگر از روی عمد و علم، وقوف رکنی را ترك کند یعنی در هیچ جزء از بعد

از ظهر تا مغرب در عرفات نباشد حش باطل است، و کفایت نمکند برای او وقوف در شب عید که وقوف اضطراری است.

مسأله ۹ - اگر کسی عمدا پیش از غروب شرعی از عرفات کوچ کند و از حدود عرفات بیرون رود و پس از آن نادم شود و برگردد و تا غروب توقف کند چیزی بر او

نیست بنا بر اقوی، لکن احتیاط در کفاره است به يك شتر، و هم چنین اگر بدون آن که

پشیمان شود از کار خود، برای حاجتی برگردد لکن بعد از رسیدن با قصد قربت توقف کند چیزی بر او نیست.

مسأله ۱۰ - اگر در فرض سابق مراجعت نکرد کفاره آن يك شتر است که باید در راه

خدا قربانی کند هر جا بخواهد، و احتیاط مستحب آن است که در مکه قربانی کند،

و اگر متمکن از قربانی نباشد هیجده روز روزه بگیرد، و احتیاط مستحب آن است که پشت سر هم روزه بگیرد.

مسأله ۱۱ - اگر سهوا کوچ کرد و بیرون رفت پس اگر یادش آمد باید مراجعت کند، و

اگر مراجعت نکرد گناهکار است، لکن کفاره ندارد بنا بر اقوی گرچه احوط است،

و اگر یادش نیامد چیزی بر او نیست.

مسأله ۱۲ - اگر کسی از روی ندانستن مسأله، آنچه ذکر شد بکند حکم او حکم کسی

است که سهوا کرده است.

مسأله ۱۳ - اگر کسی بواسطه عذری مثل فراموشی و تنگی وقت و مثل آن، از ظهر نهم تا غروب شرعی در عرفات نباشد و هیچ جزئی از زمان را درك نکند کافی است که مقداری از شب عید را هر چند اندك باشد در عرفات باشد، و این زمان را وقت اضطراری عرفه مگویند.

مسأله ۱۴ - اگر کسی که بواسطه عذر، روز نهم را وقوف نکرده و شب دهم را عمدا و

بعذر در عرفات وقوف نکند ظاهرا حج او باطل میشود اگر چه درك کند وقوف به مشعر را

مسأله ۱۵ - اگر کسی بواسطه فراموشی یا غفلت یا عذر دیگر ترك کند وقوف

(۱۸۸)

به عرفات را در روز نهم که وقت اختیاری است و در شب دهم که وقت اضطراری است کفایت میکند در صحیح بودن حج او که وقوف اختیاری مشعر را درک کند چنانچه خواهد آمد.

مسائل متفرقه وقوف به عرفات

۱ - س - حدودی که برای عرفات و مزدلفه و منی مشخص شده است جهت انجام مناسک اعتبار دارد یا نه؟

ج - چنانچه مورد اطمینان یا تصدیق اهل محل باشد معتبر است.

۲ - س - کراهت صعود به جبل الرحمه، آیا قبل از نیت وقوف به عرفات است یا بعد از آن؟

ج - در وقت وقوف کراهت دارد که از جبل بالا رود.

۳ - س - شخصی وقوف اختیاری عرفات را درک کرده و قبل از رفتن به مشعر، مغمی علیه شده است. بفرمائید اگر به همین حال تا آخر اعمال باقی باشد، وظیفه چیست؟ و

اگر بعد از اغماء او را به ایران آورده باشند چه حکمی دارد، و نیز اگر بعد از ایام تشریق

در ماه ذیحجه به هوش بیاید، در مکه باشد یا در ایران، چه باید کرد؟

ج - با فرض این که عذر او فقط اغماء است، پس از به هوش آمدن اگر ممکن است اعمال حج را تمام کند، و در هر صورت سال بعد حج را اعاده کند، و برای احراز خروج

از احرام بعد از اتمام حج، عمره مفرده‌ای اتیان نماید.

۴ - س - زنی که عادت ماهانه اش مثلاً شش روز بوده است، در حال عادت زنانه برای عمره تمتع محرم میشود، و در روز هشتم ذیحجه که روز ششم عادت او است پاك

مگردد و غسل میکند و اعمال عمره تمتع را انجام میدهد و برای حج تمتع محرم میشود،

ولی ظهر روز نهم در عرفه لك مبیند و نمیدانند که آیا ادامه دارد تا پس از ده روز، تا استحاضه حساب شود و اعمال قبلی او صحیح باشد، یا قبل از تمام شدن ده روز از اول

عادت قطع میشود تا حکم حیض را داشته باشد، وظیفه او چیست؟ و در همین فرض اگر

در مشعر لك دید چه کند؟

ج - عمل به احتیاط کند، و راه احتیاط انجام اعمال بدون قصد تمتع و افراد بلکه به

قصد ما في الذمه، با قربانی در منی و اتیان عمره مفرده بعد از آن است، و چنانچه قصد تمتع

کرده و بعد از انجام بعض اعمال حج کشف خلاف شده، اکتفاء به این حج نکند.
۵ - س - در فرض مسأله فوق اگر در عرفات یا مشعر لك دید و همان وقت یقین پیدا کرد که خون حیض است و قبلا پاک نبوده، باید چه کند با توجه به این که وقت وقوفین

اختیاری و یا اضطراری آن باقی است ولی وقت برگشتن به مکه و انجام اعمال عمره تمتع را ندارد؟

ج - مورد عدول به افراد است.

۶ - س - وقوف اضطراری عرفه آیا از اول شب تا طلوع فجر است، یا طلوع آفتاب؟

ج - وقوف اضطراری عرفه در شب عید است، و شب تا طلوع فجر است. مستحبات وقوف به عرفات

در وقوف به عرفات چند چیز مستحب است:

۱ - با طهارت بودن در حال وقوف.

۲ - غسل نمودن و بهتر آنست که نزدیک ظهر باشد.

۳ - آنچه موجب تفرق حواس است از خود دور سازد تا آن که قلب او متوجه جناب اقدس الهی گردد.

۴ - نسبت به قافله ای که از مکه مآید وقوف شخص در طرف دست چپ کوه واقع گردد.

۵ - وقوف او در پائین کوه و در زمین هموار بوده باشد، و بالا رفتن کوه مکروه است.

۶ - در اول وقت، نماز ظهر و عصر را به يك اذان و دو اقامه بجا آورد.

۷ - قلب خود را به حضرت حق جل و علا متوجه ساخته و حمد الهی و تهلیل و تمجید نموده و ثنای حضرت حق را بجا آورد، پس از آن صد مرتبه " الله أكبر " و صد

مرتبه: سوره " توحید " را بخواند و آنچه خواهد دعا نماید و از شیطان رجیم به خدا پناه

ببرد و این دعا را نیز بخواند:

" اللهم رب المشاعر كلها فك رقبتي من النار وأوسع علي من رزقك الحلال وادر أعني شر فسقة الجن والانس، اللهم لا تمكر بي ولا تخدعني ولا تستدرجني يا أسمع السامعين ويا أبصر الناظرين ويا أسرع الحاسبين ويا أرحم الراحمين أسألك أن تصلي علي محمد و آل محمد و أن تفعل بي كذا و كذا "

و به جای کذا و کذا حاجت خود را نام ببرد پس دست به آسمان بردارد و بگوید:

" اللهم حاجتي إليك التي إن أعطيتها لم يضرني مامنعتني وإن منعتنيها لم ينفعني ما أعطيتها، أسألك خلاص رقبتي من النار اللهم إني عبدك وملك ناصيتي بيدك وأجلي بعلمك، أسألك أن توفقني لما يرضيك عني وأن تسلم مني مناسكي التي أريتها خليلك إبراهيم صلوات الله عليه ودلت عليها نبيك محمدا صلى الله عليه وآله، اللهم اجعلني ممن رضيت عمله وأطلت عمره وأحييته بعد الموت "

۸ - این دعا را بخواند:

" لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد يحيي ويميت وهو حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير، اللهم لك الحمد كالذي تقول وخيرا مما نقول وفوق ما يقول القائلون، اللهم لك صلاتي ونسكي ومحياي ومماتي ولك تراثي (برائتي خ ل) وبك حولي ومنك قوتي، اللهم إني أعوذ بك من الفقر ومن وساوس الصدور ومن شتات الامر ومن عذاب القبر، اللهم إني

أَسْأَلُكَ خَيْرَ الرِّيحِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا يَجِيءُ بِهِ الرِّيحُ وَأَسْأَلُكَ
خَيْرَ اللَّيْلِ وَخَيْرَ النَّهَارِ، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُوْرًا وَفِي سَمْعِي وَبَصْرِي
نُوْرًا وَفِي لِحْمِي وَدَمِي وَعِظَامِي وَعُرُوْقِي وَمَقْعَدِي وَمَقَامِي
وَمَدْخَلِي وَمَخْرَجِي نُوْرًا وَأَعْظِمْ لِي نُوْرًا يَا رَبِّ يَوْمَ اَلْقَاكَ اِنَّكَ
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ."

و در این روز تا متواند از خیرات و صدقات کوتاهی نکند.

۹ - آن که کعبه را استقبال نموده و این اذکار را بگوید:

" سبحان الله " صد مرتبه " الله أكبر " صد مرتبه " ما شاء الله لا قوة إلا بالله " صد مرتبه " أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له له الملك وله الحمد يحيي ويميت ويميت ويحيي وهو حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير " صد مرتبه

پس از سوره بقره ده آیه بخواند پس سوره توحيد سه مرتبه و آية الكرسي را بخواند تا آخر پس این آیات را بخواند:

إن ربكم الله الذي خلق السماوات والارض في ستة أيام ثم استوى

على العرش يغشي الليل النهار يطلبه حثيثا والشمس والقمر

والنجوم مسخرات بأمره الا له الخلق والامر تبارك الله رب

العالمين - ادعوا ربكم تضرعا وخفية إنه لا يحب المعتدين ولا

تفسدوا في الارض بعد إصلاحها وادعوه خوفا وطمعا إن رحمت الله

قريب من المحسنين ."

پس سوره " قل أعوذ برب الفلق " و سوره " قل أعوذ برب الناس " را بخواند.

پس آنچه از نعم الهی به یاد داشته باشد یکایک ذکر نموده و حمد الهی نماید، و

همچنین بر أهل و مال و سائر چیزهایی که حضرت حق به او تفضل نموده حمد بنماید و

بگوید:

" اللهم لك الحمد على نعمائك التي لا تحصى بعدد ولا تكافأ به عمل "

و به آیاتی از قرآن که در آنها ذکر حمد شده است خدا را حمد نماید و به آیاتی که در آنها ذکر تسبیح شده است خدا را تسبیح نماید و به آیاتی که در آنها ذکر تکبیر شده

است خدا را تکبیر نماید و به آیاتی که در آنها تهلیل شده است خدا را تهلیل نماید و بر محمد و آل محمد علیهم الصلاة والسلام زیاد صلوات بفرستد و به هر اسمی از اسماء الله که در قرآن موجود است خدا را بخواند و به آنچه از اسماء إلهی که در یاد

دارد خدا را ذکر کند، و به اسماء إلهی که در آخر سوره حشر موجود است خدا را بخواند و آنها عبارتند از:

" الله عالم الغیب والشهادة الرحمن الرحیم الملك القدوس السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر الخالق البارئ المصور ".
و این دعا را بخواند:

" أسألك يا الله يا رحمن بكل اسم هو لك وأسألك بقوتك وقدرتك وعزتك وجميع ما أحاط به علمك وجمعك وبأركانك كلها وبحق رسولك صلوات الله عليه وآله وباسمك الأكبر الأكبر وباسمك العظيم الذي من دعاك به كان حقاً عليك أن لا تخيبه وباسمك الأعظم الأعظم الذي من دعاك به كان حقاً عليك أن لا ترده و أن تعطيه ما سألت أن تغفر لي جميع ذنوبي في جميع علمك في "

و هر حاجت که داری بخواه و از حق سبحانه و تعالی طلب کن که توفیق حج

بیابی در سال آینده و هر سال. و هفتاد مرتبه بگو:
" أسألك الجنة " و هفتاد مرتبه " أستغفر الله ربی و أتوب إليه " .

پس بخوان این دعا را:

" اللهم فكني من النار وأوسع علي من رزقك الحلال الطيب وادراً
عني شر فسقة الجن والانس وشر فسقة العرب والعجم " .

۱۰ - آن که نزدیک غروب آفتاب بگوید:

" اللهم إني أعوذ بك من الفقر و من تشنت الامور و من شر ما يحدث
بالليل والنهار أمسى ظلمي مستجيراً بعفوك وأمسى

خوفي مستجيراً بأمانك وأمسى ذنوبي مستجيرة بمغفرتك

وأمسى ذلي مستجيراً بعزك وأمسى وجهي الفاني البالي مستجيراً

بوجهك الباقي يا خير من سئل ويا أجود من أعطى جللني برحمتك

وألبسني عافيتك واصرف عني شر جميع خلقك " .

و بدانکه ادعیه وارده در این روز شریف بسیار است و هر قدر که میسور باشد

خواندن دعا مناسب است، و بسیار خوب است که در این روز دعای حضرت

سید الشهداء علیه السلام و دعای حضرت زین العابدین سلام الله علیه را که در

صحیفه

کامله است خوانده شود و بعد از غروب آفتاب بگوید:

" اللهم لا تجعله آخر العهد من هذا الموقف و ارز قنيه من قابل أبدا ما

أبقيتني و اقلبني اليوم مفلحاً منجحاً مستجاباً لي مرحوماً مغفوراً لي

بأفضل ما ينقلب به اليوم أحد من وفدك و حجاج بيتك الحرام

واجعلني اليوم من أكرم وفدك عليك و أعطني أفضل ما أعطيت

أحدا منهم من الخير والبركة والرحمة والرضوان والمغفرة وبارك

لي فيما أرجع إليه من أهل أو مال أو قليل أو كثير وبارك لهم في
وبسيار بگوید:
" اللهم أعتقني من النار "

فصل سوم

در وقوف به مشعر الحرام

و در آن چند مسأله است:

مسأله ۱ - بعد از آن که از وقوف به عرفات در مغرب شب دهم فراغت حاصل شد، باید

کوچ کند به مشعر الحرام که محل معروفی است و حدود معینی دارد.

مسأله ۲ - احتیاط واجب آن است که شب دهم را تا طلوع صبح در مشعر الحرام

بسر

ببرد و نیت کند اطاعت خدا را در این بسر بردن شب.

مسأله ۳ - چون صبح طلوع کرد نیت وقوف به مشعر الحرام کند تا طلوع آفتاب، و

چون این وقوف، عبادت خداوند است باید با نیت خالص از ریاء و خود نمایی

وقوف

کند، و الا حج او در صورت ریاء کردن با عمد و علم باطل خواهد شد.

مسأله ۴ - اقوی جواز کوچ کردن بلکه استحباب آن است کمی قبل از طلوع آفتاب

به نحوی که قبل از طلوع آفتاب از وادی "محسر" تجاوز نکند و اگر تجاوز کرد

گناهکار

است ولی کفاره بر او نیست و احتیاط آن است که وقتی حرکت کند که قبل از

طلوع آفتاب وارد وادی محسر نشود.

مسأله ۵ - واجب است از طلوع صبح تا کمی قبل از طلوع آفتاب (بطوری که در

مسأله

پیش گفته شد) در مشعر بمانند، لکن تمام آن رکن نیست بلکه رکن وقوف کمی از

بین

الطلوعین است اگر چه به قدر يك دقیقه باشد، پس اگر کسی وقوف بین الطلوعین را

یکسره ترك کند به تفصیلی که مآید حج او باطل خواهد شد.

مسأله ۶ - جائز است برای کسانی که عذری دارند قدری که شب در مشعر توقف

کردند کوچ کنند به منی مثل زنها و بچه ها و بیماران و پیر مردان و اشخاص ضعیف

و

اشخاصی که برای پرستاری یا راهنمایی آنها لازم است همراه باشند، و احتیاط واجب آن است که پیش از نصف شب حرکت نکنند، بنابر این برای این اشخاص وقوف بین الطلوعین لازم نیست، و احتیاط مستحب آن است که اگر توقف مشکل نباشد تخلف نکنند.

مسئله ۷ - کسی که شب یا بعض آن را در مشعر بوده است اگر قبل از طلوع صبح عمدا

و بدون عذر از مشعر بیرون رود و تا طلوع آفتاب برنگردد در صورتی که وقوف عرفه

از او فوت نشده است بنابر مشهور حج او صحیح است، و باید يك گوسفند كفاره بدهد، لکن احتیاط بر خلاف آنست، یعنی بعد از اتمام حج لازم است در سال دیگر حجش را اعاده کند، و این احتیاط ترك نشود.

مسئله ۸ - کسی که درك نکند وقوف بین الطلوعین را یا وقوف شب را در صورتی که

صاحب عذر باشد اگر مقداری از طلوع آفتاب تا ظهر در مشعر توقف کند اگر چه کم

باشد حج او صحیح است.

مسئله ۹ - از آنچه گذشت معلوم شد که برای وقوف به مشعر سه وقت است: یکی - شب عید برای کسانی که عذری دارند.

دوم - بین طلوع صبح و طلوع آفتاب.

سوم - از طلوع آفتاب تا ظهر روز دهم که اضطراری مشعر است، چنانچه قسم اول نیز اضطراری است.

مسئله ۱۰ - چون معلوم شد که وقوف به عرفات و مشعر اختیاری و اضطراری دارند و

از برای وقوف به مشعر دو قسم اضطراری است، پس به ملاحظه ادراك هر دو موقف یا یکی از آنها در وقت اختیاری یا اضطراری مفردا و مرکبا و به ملاحظه ترك عمدی یا جهلی یا نسیانی اقسام زیادی دارد که در اینجا آنچه مورد ابتلاء ممکن است بشود ذکر میشود:

اول - آن که مکلف، درك هر دو موقف کند در وقت اختیاری، یعنی از ظهر روز عرفه، عرفات را و بین الطلوعین صبح دهم، مشعر را درك کند. پس اشکالی در

صحت

حج او نیست.

(۱۹۸)

دوم - آن که هیچ يك از دو موقف را درك نکند نه اختیاری آنها را و نه اضطراری را، پس اشکالی نیست در بطلان حج او، و باید به همان احرام حج عمره مفرده که عبارت است از طواف و نماز آن و سعی و تقصیر و طواف نساء و نماز آن بجا آورد و از احرام محل شود، و اگر گوسفند همراه داشته باشد احتیاطاً ذبح کند، و باید سال دیگر، حج بجا آورد اگر شرایط استطاعت را دارا باشد، در صورتی که درك نکردن موقف بواسطه عذر باشد.

مسأله ۱ - اگر درك نکردن دو موقف که ذکر شد از روی تقصیر بوده حج بر او مستقر میشود و باید سال دیگر چه شرایط باشد یا نباشد به حج برود.

مسأله ۲ - احتیاط مستحب آن است که این شخص که حج او باطل شد و باید عمره بجا آورد نیت عدول به عمره مفرده بکند.

سوم - آن که درك کند اختیاری عرفه را با اضطراری مشعر در روز، یعنی اضطراری نهاری مشعر را، پس اگر اختیاری مشعر را عمدتاً ترك کرده باشد حج او باطل است، و إلا صحیح است.

چهارم - آن که درك کرده باشد اختیاری مشعر را با اضطراری عرفه، پس اگر اختیاری عرفه را عمدتاً ترك کرده حج او باطل است و الا صحیح است.

پنجم - آن که درك کرده باشد اختیاری عرفه را با اضطراری شب مشعر یعنی قبل از طلوع صبح، پس اگر اختیاری مشعر را با عذر ترك کرده است چنانچه گفته شد حج او صحیح است، و الا باطل است بنابر احتیاط واجب.

ششم - آن که درك کرده باشد اضطراری لیلی مشعر و اضطراری عرفه را پس اگر صاحب عذر باشد و اختیاری عرفه را عمدتاً ترك نکرده باشد ظاهراً حج او صحیح است، و غیر صاحب عذر اگر اختیاری یکی را عمدتاً ترك کرده باشد حجش باطل است بنابر اقوی در یکی، و بنابر احتیاط در دیگری که اختیاری مشعر باشد. و اگر به غیر عمد باشد احتیاط واجب در بطلان است.

هفتم - آن که درك کرده باشد اضطراری عرفه و اضطراری یومی مشعر را، پس اگر ترك یکی از دو اختیاری را عمدتاً کرده باشد حج او باطل و إلا صحت بعید نیست

گرچه احتیاط اعاده است در سال بعد با حاصل بودن شرایط و جوب. هشتم - آن که درك کند اختیاری عرفه را فقط، احتیاط واجب در این صورت اتمام و اعاده است اگر اختیاری مشعر را عمدا ترك نکرده باشد، و الا حج او باطل است.

نهم - آن که درك اضطراری عرفه را فقط، در این صورت حج او باطل است.

دهم - آن که درك کند اختیاری مشعر را، در این صورت حج او صحیح است اگر وقوف عرفه را عمدا ترك نکرده باشد، و الا حج او باطل است. یازدهم - آن که درك اضطراری روز مشعر را فقط، در این صورت حج او باطل است.

دوازدهم - آن که درك کند اضطراری لیلی مشعر را فقط، در این صورت اگر وقوف عرفات را عمدا ترك نکرده باشد و از صاحبان عذر باشد ظاهرا حج او صحیح است و الا باطل است.

مسائل متفرقه وقوف به مشعر الحرام

۱ - س - عده ای در شب دهم ذیحجه عازم مشعر بودند، از افرادی که آنجا بودند سؤال نمودند مشعر کجا است؟ جواب دادند اینجا است، اطمینان پیدا کردند که مشعر

است، نیت بیتوته و قصد وقوف کردند، بعد که وقت اضطراری مشعر هم گذشته بود معلوم

شد مشعر نبوده، آیا نسبت به باقی اعمال حج و سال آینده وظیفه چیست؟

ج - احتیاطا این حج را اتمام کنند. و بعد از آن، اعمال عمره مفرده انجام دهند، و در

صورت استقرار حج یا بقاء استطاعت، سال بعد، حج را اعاده کنند.

۲ - س - اگر به گفته مدیر گروه که مگوید درك وقوف اختیاری مشعر برای او مشکل است و نمی تواند آن را درك نماید، اعتماد کند و وقوف اختیاری را ترك نماید آیا

اشکالی ندارد؟

ج - اگر برای خود شخص عذر حاصل شده، کفایت میکند.

۳ - س - خدمه‌ای که با زنها قبل از طلوع فجر به منی می‌روند، ولی خود را قبل از طلوع آفتاب به مشعر مرساوند و وقوف رکنی مشعر را درک میکنند، آیا نیابت آنان صحیح است یا نه؟

ج - اگر از ذوی الاعذار نبوده اند که نیابت آنها صحیح است در فرض مرقوم حجتشان

نیابتا صحیح است. هر چند مرتکب حرام شده‌اند.

۴ - س - کسی که نمودارسته وقوف اختیاری مشعر بین طلوعین است، پس از آن وقوف اضطراری را درک کرده، وظیفه او چیست؟

ج - اگر جهل او قصوری و عذری باشد نه تقصیری، و ترك وقوف اختیاری از روی عذر شده باشد، مانع ندارد.

۵ - س - شخصی وقوف عرفات و مقداری از وقوف لیلی مشعر را درک کرده و عمدا قبل از طلوع فجر رفته است به منی، برای بردن اثاث و کار دیگری، و قصد داشته

است که مجدداً به مشعر برگردد ولی در منی خوابش برده، وظیفه چنین حاجی چیست؟

ج - با فرض این که ترك اختیاری مشعر عمدی نبوده، در فرض مرقوم، اضطراری کافی است، ولی اگر شب نیت وقوف نداشته باید اضطراری روز را درک کند. ولی اگر

نائب است کافی نیست.

مستحبات وقوف به مشعر الحرام

بدان که مستحب است با تن و دلی آرام از عرفات بسوی مشعر الحرام متوجه شده و استغفار نماید، و همین که از طرف دست راست به تل سرخ رسید بگوید:

"اللهم ارحم توفقی و زده فی عملی و سلم لی دینی و تقبل مناسکی".

و در راه رفتن میانه روی نماید و کسی را آزار ندهد، و مستحب است نماز شام و خفتن را تا مزدلفه به تأخیر اندازد اگر چه ثلث شب نیز بگذرد، و میان هر دو نماز به یک

اذان و دو اقامه جمع کند، و نوافل مغرب را بعد از نماز عشا بجا آورد و در صورتی که از

رسیدن به مزدلفه پیش از نصف شب مانعی رسید، باید نماز مغرب و عشا را به تأخیر

نیندازد، و در میان راه بخواند و مستحب است که در وسط وادی از طرف راست راه نزول نماید، و اگر حاجی ضروره باشد مستحب است که در مشعر الحرام قدم بگذارد و مستحب است که آن شب را به هر مقدار که میسور باشد به عبادت و اطاعت الهی بسر

برد و این دعا را بخواند:

" اللَّهُمَّ هَذِهِ جَمْعٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْمَعَ لِي فِيهَا جَوَامِعَ الْخَيْرِ، اللَّهُمَّ لَا تُؤَيِّسْنِي مِنَ الْخَيْرِ الَّذِي سَأَلْتُكَ أَنْ تَجْمَعَهُ لِي فِي قَلْبِي وَأَطْلُبُ إِلَيْكَ أَنْ تَعْرِفَنِي مَا عَرَفْتَ أَوْلِيَاءَكَ فِي مَنْزِلِي هَذَا وَأَنْ تَقِينِي جَوَامِعَ الشَّرِّ "

و مستحب است بعد از نماز صبح با طهارت حمد و ثنای الهی را بجا آورد، و به هر مقداری که میسور باشد از نعم و تفضلات حضرت حق ذکر کند و بر محمد و آل محمد

صلوات بفرستد آنگاه دعاء نماید و این دعا را نیز بخواند:

" اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ فَكُ رِقْبَتِي مِنَ النَّارِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فِسْقَةِ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ وَخَيْرُ مَدْعُوٍّ وَخَيْرُ مَسْئُولٍ وَلِكُلِّ وَاقِدٍ جَائِزَةٌ فَاجْعَلْ جَائِزَتِي فِي مَوْطِنِي هَذَا أَنْ تَقِيلَنِي عِشْرَتِي وَتَقْبَلَ مَعْذِرَتِي وَأَنْ تَجَاوِزَ عَنِّي خَطِيئَتِي ثُمَّ اجْعَلْ التَّقْوَى مِنَ الدُّنْيَا زَادِي "

و مستحب است سنگ ریزه هائی را که در منی رمی خواهد نمود از مزدلفه بردارد و مجموع آنها هفتاد دانه است و مستحب است وقتی که از مزدلفه بسوی منی رفته و به وادی محسر رسید به مقدار صد قدم مانند شتر تند رود و اگر سواره است سواری خود

را حرکت دهد و بگوید:

" اللَّهُمَّ سَلِّمْ لِي عَهْدِي وَأَقْبَلْ تَوْبَتِي وَأَجِبْ دَعْوَتِي وَأَخْلِفْنِي فِيمَنْ تَرَكْتُ بَعْدِي "

فصل چهارم

در واجبات منی است

و آن سه امر است:

اول - رمی جمره عقبه یعنی ریگ انداختن به جمره که نام محلی است در منی.

و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۱ - شرط است در سنگی که میخواهد بیندازد به آن (حصی) یعنی ریگ گفته شود، پس اگر آن قدر ریز باشد که ریگ به آن گفته نشود مثل (شن) کافی نیست، و اگر

خیلی بزرگ باشد نیز کافی نیست، چنانچه به غیر ریگ مثل کلوخ و خزف و اقسام جواهرات نیز جائز نیست، و اما اقسام سنگها حتی سنگ مرمر مانع ندارد.

مسأله ۲ - شرط است که سنگها از حرم باشد، و سنگ خارج حرم کافی نیست، و در

حرم از هر موضعی که مباح باشد میتواند بردارد مگر مسجد الحرام او مسجد خیف بلکه سایر مساجد بنا بر احوط و مستحب است از مشعر بردارد.

مسأله ۳ - شرط است که سنگها بکر باشند، یعنی آنها را کسی دیگری بوجه

صحیح

نینداخته باشد اگر چه در سالهای قبل.

مسأله ۴ - شرط است که مباح باشد پس با سنگ غضبی یا آن چه که دیگری برای خودش حیازت کرده کافی نیست.

مسأله ۵ - وقت انداختن سنگ از طلوع آفتاب روز عید است تا غروب آن و اگر فراموش کرد تا روز سیزدهم میتواند بجا آورد، و اگر تا آن وقت متذکر نشد احتیاطاً در سال دیگر خودش یا نایش بیندازد.

مسأله ۶ - واجب است در انداختن سنگها چند امر:

اول - نیت، با قصد خالص بدون ریاء و نمایش دادن عمل به غیر که موجب بطلان میشود.

دوم - آن که آنها را بیندازد، پس اگر برود نزدیک و با دست بگذارد به جمره، کافی نیست.

سوم - آن که به انداختن، به جمره برسد. پس اگر سنگ را انداخت و سنگ دیگران به آن خورد و بواسطه آن یا کمک آن به جمره رسید کافی نیست، لکن اگر سنگ

به جائی بخورد و کمانه کند و به جمره برسد کافی است ظاهراً.

چهارم - عدد سنگ ریزه‌ها باید هفت باشد.

پنجم - باید بتدریج یکی یکی عقب هم بیندازد و در این صورت اگر با هم به جمره بخورد مانع ندارد ولی اگر همه را یا چند عدد را با هم بیندازد کافی نیست اگر

چه با هم به جمره نرسد و دنبال هم برسد.

مسئله ۱ - اگر شك کند که سنگ را دیگری استعمال کرده یا نه جائز است به آن بیندازد.

مسئله ۲ - اگر سنگی را که در حرم است احتمال بدهد از خارج آورده‌اند اعتناء نکند.

مسئله ۳ - اگر شك کند به سنگی که میخواهد بیندازد (حصی) یعنی ریگ گفته میشود

باید به آن اکتفاء نکند.

مسئله ۴ - اگر شك کند در عدد انداختن در وقتی که مشغول عمل است باید چندان بیندازد تا علم به عدد پیدا کند، و هم چنین اگر شك کند که سنگی که انداخت خورد

به جمره یا نه باید بیندازد تا علم به رسیدن پیدا کند.

مسئله ۵ - اگر سنگی را که انداخت به جمره نرسید باید دو مرتبه بیندازد اگر چه در وقت رمی گمانش آن بود که رسیده است، پس اگر پهلوی جمره چیزهای دیگری نصب شده و اشتباهاً به آنها رمی کرده کافی نیست، و باید اعاده کند اگر چه در

سال

دیگر بوسیله نایش.

مسئله ۶ - اگر چند سنگ را با هم بیندازد مانع ندارد لکن یکی حساب میشود، چه یکی از آنها به محل بخورد یا همه.

(۲۰۴)

- مسأله ۷ - جائز است سواره و پیاده سنگ بیندازد.
- مسأله ۸ - باید سنگ را با دست بیندازد، اگر با پا یا دهان بیندازد کافی نیست ولی بعید نیست با " فلاخن " کافی باشد.
- مسأله ۹ - اگر بعد از آن که سنگ را انداخت و از محل منصرف شد شك کند در عدد سنگها، اگر شك در نقیصه کند احتیاط آن است که برگردد و نقیصه را تمام کند، و در شك در زیاده اعتناء نکند.
- مسأله ۱۰ - اگر بعد از ذبح یا سر تراشیدن شك کند در انداختن سنگ یا در عدد آن اعتناء نکند.
- مسأله ۱۱ - اگر بعد از فارغ شدن شك کند در این که درست انداخته یا نه، بنا بر صحت بگذارد، بلی اگر در رسیدن سنگ آخری به محل شك کند باید اعاده کند، ولی اگر رسیدن را دانست و احتمال داد که با پا انداخته باشد یا سنگ مستعمل انداخته باشد اعتناء نکند.
- مسأله ۱۲ - ظن به رسیدن سنگ و عدد آن اعتبار ندارد.
- مسأله ۱۳ - در انداختن سنگها شرط نیست طهارت از حدث یا خبث و در خود سنگها نیز طهارت شرط نیست.
- مسأله ۱۴ - از بچه ها و مریضها و کسانی که نمیتواند بواسطه عذری - مثل اغماء - خودشان رمی کنند، کسی دیگر نیابت کند.
- مسأله ۱۵ - مستحب است بلکه موافق احتیاط است که اگر بشود مریض را حمل کنند و ببرند نزد جمره و در حضور او سنگ بیندازند.
- مسأله ۱۶ - اگر مریض خوب شد و بیهوش به هوش آمد بعد از آن که نایب سنگها را انداخت لازم نیست خودش اعاده کند، و اگر در بین سنگ انداختن خوب شد یا به هوش آمد باید خودش از سر، سنگ بیندازد، و کفایت کردن به مقداری که نایب عمل کرده مشکل است.
- مسأله ۱۷ - کسانی که عذر دارند از این که روز رمی کنند میتوانند شب عمل کنند، هر وقت شب که باشد.

(٢٠٥)

مستحبات رمی جمرات

در رمی جمرات چند چیز مستحب است:

- ۱ - با طهارت بودن در حال رمی.
 - ۲ - هنگامی که سنگها را در دست گرفته و آماده رمی است این دعا را بخواند:
" اللَّهُمَّ هَذِهِ حَصِيَّاتِي فَأَحْصِهِنَّ لِي وَارْفَعْنِي فِي عِلْمِي "
 - ۳ - با هر سنگی که مانندازد تکبیر بگوید
 - ۴ - هر سنگی را که مانندازد این دعا را بخواند:
" اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ ادْحِرْ عَنِي الشَّيْطَانَ اللَّهُمَّ تَصَدِّيقًا بِكِتَابِكَ وَعَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي حَجًّا مَبْرُورًا وَعَمَلًا مَقْبُولًا وَسَعِيًّا مَشْكُورًا وَذَنْبًا مَغْفُورًا "
 - ۵ - میان او و جمره در جمره عقبه ده یا پانزده ذراع فاصله باشد و در جمره اولی و وسطی کناره جمره بایستد.
 - ۶ - جمره عقبه را رو به جمره و پشت به قبله رمی نماید و جمره اولی و وسطی را رو به قبله ایستاده رمی نماید.
 - ۷ - سنگ ریزه را بر انگشت ابهام گذارده و با ناخن انگشت شهادت بیندازد.
 - ۸ - پس از برگشتن به جای خود در منی این دعا را بخواند:
" اللَّهُمَّ بِكَ وَثِقْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ فَنِعْمَ الرَّبُّ وَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ "
- دوم از واجبات منی ذبح است
و در آن چند مسأله است:

مسأله ۱ - واجب است بر کسی که حج تمتع بجا آورد ذبح يك هدی، یعنی يك شتر یا يك گاو یا يك گوسفند، و شتر افضل است و پس از آن گاو بهتر است.

مسأله ۲ - كفايت نمكند برای چند نفر به شرکت، يك هدی در حال اختیار بلکه در حال ضرورت نیز محل اشكال است، و احتیاط واجب جمع بین شرکت در ذبح و روزه است که ذکر میشود.

مسأله ۳ - سایر حیوانات غیر از سه حیوان مذکور كافي نیست.

مسأله ۴ - در هدی چند چیز معتبر است و باید مراعات شود:

اول - آن که اگر شتر باشد سن آن کمتر از پنج سال نباشد و داخل در شش سال شده باشد، و اگر گاو است بنا بر احتیاط واجب کمتر از دو سال نباشد و داخل در سه سال شده باشد، و همچنین در " بز " کمتر از سن گاو نباشد، و در میش به احتیاط واجب کمتر از يك سال نباشد و داخل در سال دوم شده باشد.

دوم - باید صحیح باشد پس حیوان مریض كافی نیست حتی مثل كچلی بنا بر احتیاط.

سوم - باید خیلی پیر نباشد.

چهارم - باید تام الاجزاء باشد، و ناقص كافی نیست. پس اگر واضح باشد كوری یا لنگی آن بنا بر اقوی كافی نیست، و اگر واضح نباشد به احتیاط واجب كافی نیست و احتیاط واجب آنست که چشمش سفید نشده باشد و باید گوش بریده و دوم بریده و شاخ داخل آن شكسته یا بریده نباشد.

پنجم - باید لاغر نباشد، و اگر در گرده او پیه باشد كافی است، و احتیاط آن است که آن را در عرف لاغر نگویند.

ششم - باید " خصی " نباشد، یعنی باید خصیتین آن را بیرون نیاورده باشند.

هفتم - باید بیضه آن را نکوبیده باشند به احتیاط واجب.

هشتم - باید در اصل خلقت بی دم نباشد به احتیاط واجب، و اگر گوش یا شاخ در خلقت اصلی نداشته باشد بعید نیست كفايت، اگر چه خلاف احتیاط است.

نهم - در اصل خلقت بی بیضه نباشد.

(Y · Y)

و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۱ - اگر غیر از خصی یافت نشود بعید نیست کفایت ذبح خصی، گرچه احتیاط

در جمع بین آن و سالم در ماه ذی الحجه همان سال، و اگر نشد سال دیگر، یا جمع بین ناقص و روزه.

مسأله ۲ - گاومیش در ذبح واجب، کافی است لکن گفته‌اند کراهت دارد.

مسأله ۳ - اگر حیوان، شاخ خارجش شکسته یا بریده باشد اشکال ندارد، و شاخ خارج، شاخ سخت سیاهی است که به منزله غلاف است از برای شاخ داخل که آن سفید است.

مسأله ۴ - شکاف داشتن گوش و سوراخ بودن آن مانع ندارد، و احتیاط آن است که

چنین نباشد.

مسأله ۵ - باید ذبح را بعد از رمی جمره عقبه بکند به احتیاط واجب.

مسأله ۶ - يك گوسفند، کمتر چیزی است که کافی است برای ذبح، لکن هر چه بیشتر

ذبح کند افضل است و در روایت است که رسول خدا صلی الله علیه وآله صد شتر همراه آوردند،

سی و چهار تای آنها را برای حضرت امیر المؤمنین (ع) نحر کردند و شصت و شش

تای آنها را برای خودشان.

مسأله ۷ - اگر هدی یافت نشود قیمت آن را پیش شخصی امینی بگذارد که در بقیه ذی الحجه بگیرد و در منی ذبح کند، و اگر در این سال ممکن نشود سال بعد این

کار

را بکند.

مسأله ۸ - اگر هدی ناقص یافت شود (از غیر جهت خصی بودن که گذشت) احتیاط

واجب آن است که آن را ذبح کند و يك هدی تام هم در بقیه ذی الحجه، و اگر نشد در

سال آینده ذبح کند، و احتیاط بهتر آن است که جمع کند بین هدی ناقص و هدی تام

به طوری که گفته شد و روزه به نحوی که ذکر شد.

مسأله ۹ - احتیاط واجب آنست که ذبح هدی را از روز عید تأخیر نیندازد.

مسأله ۱۰ - اگر بواسطه عذری مثل فراموشی یا غیر آن ذبح را در روز عید نکرد احتیاط واجب آن است که در ایام " تشریق " ذبح کند، و اگر نشد در بقیه ماه

(۲۰۸)

ذی الحجه، و در تأخیر عمدی نیز همین حکم است.
مسئله ۱۱ - اگر حیوانی را به گمان آن که صحیح و سالم است ذبح کرد بعد معلوم شد که

مریض یا ناقص بوده کافی نیست، و باید دوباره ذبح کند.
مسئله ۱۲ - اگر حیوانی را به گمان چاقی ذبح کرد بعد معلوم شد لاغر است کافی است.

مسئله ۱۳ - اگر حیوانی را به گمان لاغری خرید و به امید آن که چاق در آید برای اطاعت خدا رجاء ذبح کرد و بعد معلوم شد چاق است کافی است.
مسئله ۱۴ - اگر احتمال نمیداد که حیوان چاق است یا احتمال میداد لکن از روی

بی
مبالاتی ذبح کرد نه به امید موافقت امر خداوند کافی نیست.
مسئله ۱۵ - اگر لاغری آن را اعتقاد داشت و بواسطه جهل به مسئله برای اطاعت خداوند ذبح کرد بعد معلوم شد چاق است احتیاط واجب در اعاده است.
مسئله ۱۶ - اگر ناقص بودن را اعتقاد داشت و بواسطه جهل به مسئله برای اطاعت خداوند ذبح کرد و بعد معلوم شد صحیح است ظاهراً کافی باشد.
مسئله ۱۷ - احتیاط آن است که ذبیحه را سه قسمت کنند، یک قسمت را هدیه بدهند. و

یک قسمت را صدقه بدهند، و قدری هم از ذبیحه بخورند و صدقه را به مؤمنین بدهند، و لکن هیچ یک از این احتیاطها واجب نیست، و اگر صدقه را به فقرا کفار بدهد یا آن که تمام ذبیحه را به آنها بدهد اشکال ندارد و ضامن حصه فقراء نیست، لکن

احتیاط خصوصاً در خوردن قدری از ذبیحه خیلی مطلوب است.
مسئله ۱۸ - جائز است که ذبح را کسی دیگر به نیابت انجام دهد و نیت را نائب کند و

احتیاطاً خود شخص هم نیت کند.
مسئله ۱۹ - احتیاط واجب آنست که ذابح مؤمن باشد، بلکه خالی از قوت نیست، و

همینطور در ذبح کفارات.
مسئله ۲۰ - در صورتی که قربانی بدست غیر مؤمن انجام گیرد کفایت نمکند و باید دو مرتبه قربانی کند هر چند در وقت قربانی متوجه نشود که ذابح مؤمن نیست یا جاهل به مسئله باشد.



(۲۰۹)

مسأله ۲۱ - ذبح هم از عبادات است و در آن نیت خالص و قصد اطاعت خداوند لازم است.

مسأله ۲۲ - احتیاط آن است که اگر احتمال نقص یا مرض در گوسفند بدهند آن را معاینه کنند، اگر چه اقوی در احتمال آن که عیبی حادث شده باشد مثل آن که احتمال بدهد

گوش یا دمش را بریدند یا آن را خصی کردند، عدم لزوم معاینه است، و احتیاط در عیبهائی که محتمل است از حال تولد داشته و مادر زاد بوده، ترك نشود.

مسأله ۲۳ - اگر بعد از ذبح کردن احتمال داد ناقص بودن یا نداشتن سایر شرایط را اعتناء نکند.

مسأله ۲۴ - اگر به کسی نیابت داد برای خریداری کردن و ذبح و نایب انجام داد و بعد

از آن شخص محرم احتمال داد که نایب به شرائط عمل نکرده باشد به این احتمال اعتناء نکند و ذبح کافی است.

مسأله ۲۵ - اگر کسی را نایب کرد برای خریداری و ذبح، باید علم پیدا کند یا اطمینان

به این که عمر کرده است، و گمان کفایت نمکند.

مسأله ۲۶ - اگر نایب عمداً بر خلاف دستور شرع در اوصاف ذبیحه یا در کشتن آن

عمل کرد ضامن است و باید غرامت آن را بدهد، و باید دو مرتبه ذبح کنند.

مسأله ۲۷ - اگر نایب از روی اشتباه یا جهل بر خلاف دستور عمل کند اگر برای عمل اجرت گرفته است ضامن است، و الا معلوم نیست ضامن باشد، و در هر صورت

باید اعاده شود.

و در اینجا چند مسأله راجع به بدل ذبیحه است:

مسأله ۱ - اگر قادر نباشد بر ذبح باید سه روز در حج و هفت روز پس از مراجعت از

حج روزه بگیرد.

مسأله ۲ - مراد از این که قادر بر ذبح نباشد آن است که نه هدی را داشته باشد و نه پولش را.

مسأله ۳ - اگر نتواند بدون زحمت و مشقت قرض کند و در ازاء قرض چیزی که ادا



(۲۱۰)

کند داشته باشد باید قرض کند و ذبح کند.

مسئله ۴ - اگر متواند بدون مشقت چیزی که زائد از مؤونه سفر است بفروشد باید بفروشد، و هدی بخرد، لکن لباس را هر چه باشد لازم نیست بفروشد.

مسئله ۵ - لازم نیست کسب کند و پول هدی را تهیه کند، لکن اگر کسب کرد و تهیه کرد باید ذبح کند.

مسئله ۶ - اگر چه لباس را لازم نیست بفروشد لکن اگر لباس زائد داشت و فروخت ظاهراً باید ذبح کند و احتیاط آن است که روزه هم بگیرد.

مسئله ۷ - این سه روز روزه را باید در ماه ذی الحجه بگیرد، و احتیاط واجب آن است که از هفتم تا نهم بگیرد، و جلوتر نگیرد.

مسئله ۸ - باید این سه روز دنبال هم باشد.

مسئله ۹ - اگر روز هفتم نتوانست روزه بگیرد روز هشتم و نهم بگیرد، و یک روز دیگر بعد از مراجعت از منی بگیرد و احتیاط آن است که بعد از ایام تشریق که یازدهم و دوازدهم و سیزدهم است بگیرد.

مسئله ۱۰ - این سه روز روزه را در ایام تشریق در منی جائز نیست بگیرد، بلکه در ایام تشریق در منی روزه برای همه کس حرام است، چه حج بجا بیورد یا نه.

مسئله ۱۱ - احتیاط مستحب برای کسی که روز هفتم را روزه نگرفته و هشتم و نهم را گرفته آنست که بعد از مراجعت از منی سه روز روزه بگیرد - که اول آن، روز کوچ کردن است یعنی سیزدهم - و متوالی بگیرد، و قصدش آن باشد که سه روز از پنج روز برای اداء روزه واجب باشد.

مسئله ۱۲ - اگر روز هشتم را روزه نگرفت روز نهم را هم نگیرد و بعد از مراجعت از منی سه روز دنبال هم بگیرد.

مسئله ۱۳ - جائز است اگر از هشتم روزه تعویق افتاده تا آخر ذی الحجه هر وقت بخواهد این سه روز را روزه بگیرد، اگر چه احتیاط آن است که بعد از ایام تشریق فوراً بگیرد.

مسئله ۱۴ - این سه روز را در سفر متواند روزه بگیرد و لازم نیست در مکه قصد

اقامت کند، بلکه اگر برای ماندن سه روز در مکه مهلت نیست بین راه هم جائز است بگردد.

مسئله ۱۵ - اگر سه روز روزه را گرفت و بعد از آن متمکن شد از هدی لازم نیست

ذبح کند، لکن اگر قبل از تمام شدن سه روز متمکن شد باید ذبح کند.

مسئله ۱۶ - اگر این سه روز روزه را نگرفت تا ماه ذی الحجه تمام شد باید هدی را خودش یا نایبش در منی ذبح کند، و روزه فایده ندارد.

مسئله ۱۷ - باید این سه روز روزه را بعد از احرام به عمره بجا آورد و قبل از آن نمیتواند.

مسئله ۱۸ - هفت روز بقیه را باید بعد از مراجعت از سفر حج روزه بگیرد.

مسئله ۱۹ - احتیاط واجب آن است که پی در پی بجا آورد.

مسئله ۲۰ - جائز نیست این هفت روز را در مکه یا در راه روزه بگیرد، مگر آن که بنای

اقامت در مکه داشته باشد، در این صورت اگر مدتی بگذرد که در آن مدت میتواندست

به وطن خود مراجعت کند جائز است بجا آورد، و همچنین جائز است اگر يك ماه بماند.

مسئله ۲۱ - در این ایام که با هواپیما مراجعت میکنند بعید نیست برای کسی که در مکه

اقامت کرده جائز باشد به همان مقداری که هواپیما اشخاص را به محل مرساند صبر کند و روزه بگیرد، لکن احتیاط خلاف آن است و به احتیاط واجب جمع بین سه روز

و هفت روز را نکند.

مسئله ۲۲ - اگر در غیر مکه چه در راه یا در بلدی غیر از وطن خودش اقامت کرد ظاهراً نتواند هفت روز روزه را در آنجا بگیرد اگر چه به مقداری صبر کند که اگر راه

مپیمود به وطن مرسید.

مسئله ۲۳ - ابتداء ماهی را که اگر بماند در مکه جائز است روزه را بگیرد و همین طور

ابتداء حساب موقع رسیدن به وطن را ظاهراً باید از وقتی که بنای مجاورت یا اقامت به مکه کرد حساب کند.

مسئله ۲۴ - اگر متمکن از روزه گرفتن شد و قبل از آن که روزه بگیرد مرد، واجب



(۲۱۲)

است ولی او سه روز را قضا کند بنا بر اقوی، و هفت روز دیگر را بنا بر احتیاط واجب.

مسئله ۲۵ - لازم نیست بعد از برگشتن به بلد خود در همان جا روزه بگیرد، پس اگر

در جای دیگر قصد اقامت کرد میتواند بگیرد.

مسئله ۲۶ - اگر متمکن از سه روز روزه نشد در مکه و برگشت به محل خود در صورتی که ماه ذی الحجّه باقی است میتواند در محل بگیرد، لکن با هفت روز

روزه

فاصله بدهد و اگر ماه گذشته باشد باید هدی ذبح کند اگر چه بوسیله شخص امینی باشد.

مسائل متفرقه هدی

مسئله ۱ - تقسیم قربانی به سه قسم واجب نیست. و فروش یا هبه سهم فقیر قبل از قربانی

و بدون قبض آن باطل است، بنا بر این، عمل بعضی که به ادعای فقر یا وکالت از فقیر ثلث فقیر را از قربانی به خود حاجی مفروشد یا هبه میکنند صحیح نیست.

مسئله ۲ - گفته میشود که در منی، مسلخ فعلی کمی در وادی محسر ساخته شده و در این

صورت هر چند در صورت امکان ولو تا آخر ذیحجه باید در منی قربانی کنند لکن قربانی

در مسلخ جدید مجزی است.

مسئله ۳ - کسی که اجیر در حج است میتواند برای قربانی، شخص ثالثی را وکیل کند و

وکیل مزبور نیت قربانی حجی که موکلش از طرف موکل خود انجام مدهد را منماید.

مسئله ۴ - تأخیر ذبح از روز عید عمدا جایز نیست علی الاحوط لکن اگر تأخیر شد عمدا

یا جهلا یا نسیانا، ذبح در شب کفایت میکند.

مسئله ۵ - کسانی که وکیل دیگری هستند که برای او قربانی کنند میتوانند قبل از این که

حلق یا تقصیر کنند قربانی دیگری را ذبح نمایند.

۶ - س - جمعی از حجاج پول روی هم میگذارند و کسی با پول مشترك برای همه آنان تعدادی گوسفند میخرد و در وقت ذبح هر گوسفند را برای يك نفر قصد میکند

و

قربانی میکند، آیا این ترتیب ذبح اشکال دارد یا خیر، و آیا در صورت تفاوت
گوسفندان در

(۲۱۳)

قیمت با این که همه به يك اندازه پول داده اند چه وضعی پیدا میشود؟

ج - اگر صاحبان پول راضی باشند اشکال ندارد.

۷ - س - کسانی که گوسفند خود را به غیر مؤمن داده‌اند و او ذبح نموده است و بعد حلق و اعمال مترتبه را انجام داده‌اند و بعد متوجه شده‌اند، وظیفه آنان چیست؟

ج - ذبح را اعاده کنند، و حلق و اعمال مترتبه صحیح است.

۸ - س - کسی قربانی را به غیر مؤمن داده و او کشته است و بعد متوجه شده و در عین توجه عمدا بدون تجدید قربانی حلق کرده و اعمال مترتبه بر حلق را انجام داده، آیا

محل شده است یا نه، و آیا فقط قربانی باید بکند یا همه اعمال را اعاده نماید؟

ج - با فرض این که احتمال صحت اعمال را که بعد از قربانی اتیان کرده مداده،

محل شده است و فقط قربانی بر عهده او است و اعمالش صحیح است.

۹ - س - در مسأله قربانی در مسلخ جدید عبارت نقل شده از حضرت عالی

صراحت در حکم ندارد، لطفا نظر مبارك را مرقوم فرمائید.

ج - ذبح در مسلخ جدید مجزی است.

۱۰ - س - آیا در شرایط قربانی تحقیق لازم است که یقین به بودن شرایط حاصل

شود یا لازم نیست؟

ج - در شرایطی که مربوط به نقص عارض بر حیوان بعد از تمام بودن آن است مثل

خصی نبودن یا معیوب نبودن حیوان فحص لازم نیست و در صورت شك میتواند

بدون

تحقیق ذبح کند، ولی در شرایط دیگر مثل سن حیوان یا مؤمن بودن ذابح لازم است

یقین

حاصل شود.

۱۱ - س - در مکه جیب کسی را زدند و پولش را بردند، شکایت کرد، بعد طی

مراحل قانونی، حاکم آنجا حکم کرد پولش را از دزد بگیرند و به او بدهند، آیا جایز

است

پول را بگیرد و گوسفند قربانی را با آن بخرد یا نه؟

ج - اگر مداند که پول خود او است، مانع ندارد.

۱۲ - س - شخصی بدون گرفتن و کالت در ذبح، از طرف عیالش یا شخص دیگری

قربانی منماید به این خیال که اذن فحوی از او دارد و مطمئن است که وقتی به

عیالش یا

رفیقش بگوید من در قربانگاه برای تو قربانی کرده‌ام او راضی است و خوشحال هم

(۲۱۴)

مشود، این نحوه قربانی کافیست یا نه؟

ج - کافی نیست مگر او را وکیل کرده باشد.

۱۳ - س - روز عید بعض اشخاص به قربانگاه میروند و بدون این که در قربانی نیابت داشته باشند خودشان برای رفقاییشان قربانی میکنند، آیا این قربانی کافی است یا

نه و اگر کافی نیست، پول قربانی به عهده چه کسی است؟

ج - کفایت نمیکند، و پول از مال کسی خارج میشود که خرج کرده است مگر آن که

غروری در بین باشد.

۱۴ - س - در قربانگاه، حجاج و صاحب گوسفند يك قرارى با هم میگذارند که هر چند رأس گوسفندی که میخواهند هر یکی به فلان مبلغ و نام میبرد، حاجی هم قبول

میکند و یکی یکی را به نیت افرادی که وکالت دارد میکشد، بعد مرود با صاحب گوسفند

حساب میکند، آیا در قربانی اشکالی نیست؟

ج - اشکال ندارد.

۱۵ - س - در قربانگاه ده نفر حاجی با صاحب گوسفند قرار میگذارند که ده گوسفند را جدا میکنیم و قربانی میکنیم از قرار یکی دویست ریال سعودی مثلا، در این

بین چند نفر دیگر از رفقای آنان میآیند و بدون قرار جدید با صاحب گوسفند، به تعدادشان

گوسفند قربانی میکنند و بنا دارند که بعد از قربانی طبق قرارداد سایر افراد، به صاحب

گوسفند پول بدهند، آیا قربانیهای آنان درست است یا خیر؟

ج - اگر یقین به رضایت صاحب گوسفند دارند، مانع ندارد.

۱۶ - س - غیر مؤمن مشغول سر بردن قربانی بود، شخصی که برای او قربانی میشد دست گذاشت روی دست ذابح و فشار ممداد در بردن و آوردن چاقو، به نحوی که

بریدن سر گوسفند به هر دو اسناد داده میشد، آیا این قربانی صحیح است؟

ج - اگر خودش ذبح نکرده، صحیح نیست.

۱۷ - س - در روز عید قربان معمولا در هر کاروانی چند نفر برای قربانی از طرف دیگران نایب میشوند و می آیند قربانگاه، اگر کسی شك کند که برای فلان شخص هم

قربانی کردم یا نه، وظیفه نایب چیست؟
ج - باید قربانی کند.

(۲۱۵)

۱۸ - س - آیا ذبح با کاردهای استیل که معلوم نیست آهن است یا نه چگونه است؟

ج - صحیح نیست.

۱۹ - س - اگر انسان مریض نتواند در حج تمتع قربانی کند و به دیگری نیابت دهد و نایب و وکیل فراموش کند و در مدینه یا در ایران یادش بیاید که قربانی نکرده است،

وظیفه‌اش چیست؟

ج - بر حج او اشکالی نیست، ولی قربانی بر ذمه اش باقی است که باید در سال آینده

در منی انجام دهد، و اگر در ماه ذیحجه فهمید باید در صورت امکان در همان ماه قربانی کند.

۲۰ - س - شخصی برای خود و نیابت افرادی به قربانگاه رفت و ده رأس گوسفند خرید و قربانی کرد، بعد از رسیدن به منزل یقین پیدا کرد پول ۹ رأس گوسفند را داده

است، وظیفه‌اش نسبت به پول يك رأس که نداده چیست ضمناً با مراجعه به قربانگاه صاحب گوسفند را پیدا نکرد، آیا جایز است که در آن پول تصرف کند و بعد از مراجعت به

ایران پول ایرانی به حاکم شرع بدهد و یا صدقه بدهد یا نه و در صورتی که تصرف در آن

جایز باشد اکنون که به ایران برگشته، آیا باید ریال سعودی یا قیمت آن به ارز دولتی یا ارز

آزاد بدهد؟

ج - با یأس از شناسایی صاحبش از طرف او به فقیر صدقه دهد، و باید یا ریال بدهد و یا قیمت بالا را بدهد.

۲۱ - س - شخصی قربانی نمکند به اعتقاد این که گوشت گوسفند تلف میشود و از آنان استفاده ای نمیشود، و با همین کیفیت تقصیر کرده اعمال حج را انجام مدهد،

وظیفه او چیست؟

ج - اگر جاهل بوده و فکر مکرده که علمش صحیح است، از احرام خارج شده ولی قربانی بر ذمه او است.

۲۲ - س - آیا محرم میتواند قبل از ذبح گوسفند خود برای دیگری ذبح نماید؟
ج - مانع ندارد.

۲۳ - س - اگر کسی مؤمن بودن ذابح را قبل از ذبح احراز کرد و بعدا معلوم شد خلاف بوده است، آیا آن قربانی کفایت میکند؟

(۲۱۶)

- ج - کفایت نمکند.
- ۲۴ - س - اگر قربانی از وجه غیر مخمس باشد چه صورت دارد؟
- ج - کفایت نمکند.
- ۲۵ - س - در صورت عدم وجود گوسفند سالم، آیا میتوان گوسفند مرضوض الخصیتین (گوسفندی که تخمهای آن را کوبیده اند) را ذبح نمود؟
- ج - اگر غیر خصی و مرضوض یافت نشود، ذبح خصی و مرضوض کافی است.
- ۲۶ - س - شخصی به اعتماد نایب خود در رمی، ذبح کرده و حلق نموده است، بعد معلوم شد که نایب از جانب او رمی نموده است، آیا ذبح و حلق او صحیح است؟
- ج - کفایت میکند.
- ۲۷ - س - شخصی در قربانی کسی را نایب خود کرد، و پس از آن به دیگری نیابت داد، ولی شخص اول ذبح نمود، آیا صحیح است؟
- ج - اگر اولی را از وکالت عزل نکرده کافی است. و مجرد نیابت دادن به دومی، عزل اولی از نیابت نیست.
- ۲۸ - س - شخصی با جهل به اشتراط مؤمن بودن ذابح، قربانی خود را به دیگری واگذار کرده که ذبح نماید، بعد از ذبح متوجه مسأله شده است، وظیفه او چیست؟
- ج - اگر مؤمن بودن ذابح معلوم نیست، باید دو مرتبه قربانی کند.
- ۲۹ - س - کسی را وکیل در قربانی نموده، آیا وکیل میتواند به دیگری وکالت دهد؟
- ج - اگر وکالت داده که وکیل، خودش قربانی کند، نمیتواند به دیگری بدهد.
- ۳۰ - س - اگر ذبح قربانی شخصی توسط غیر مؤمن صورت گرفته باشد، آیا تکرار آن باید در ایام تشریق باشد؟
- ج - اگر در بقیه ذیحجه تا آخر آن هم قربانی شود کافی است. اگر چه تأخیر آن از ایام تشریق جایز نیست.
- ۳۱ - س - محرمی که لباس احرامش بر اثر ذبح نجس شده، میتواند به مقداری که برای دیگران ذبح میکند، در لباس احرام نجس باشد؟
- ج - در صورت امکان باید لباس خود را تطهیر کند، و اگر نکرد ضرری به احرام یا

ذبح ندارد.

۳۲ - س - در مناسك نوشته: واجب است احتیاطا که قربانی را از روز عید تأخیر نیندازند، حال اگر کسی بدون عذر تأخیر انداخت، به غیر از حرمت تکلیفی، عواقب دیگری هم دارد؟

ج - قربانی او صحیح است، ولی باید ترتیب بین قربانی و حلق و اعمال مکه مراعات شود.

۳۳ - س - بعد از فری اوداج اربعه، اگر گردن قربانی را در حالی که هنوز زنده است قطع نمود چه صورتی دارد؟

ج - کار حرامی است، لکن ذبیحه حلال است، و کفایت از قربانی میکند.

۳۴ - س - سفرمائید اگر ذبح در منی تا آخر ذبیحه ممکن شود باید ذبح را تأخیر بیندازد، آیا اجازه مدهید که حلق را همان روز عید انجام دهد، یا باید حلق و تقصیر را تا

بعد از قربانی تأخیر بیندازد، هر چند ده روز طول بکشد؟

ج - باید مراعات ترتیب شود علی الاحوط.

۳۵ - س - آیا حکم گوسفندی که تخمهای آن را کوبیده‌اند، با گوسفندی که تخمهایش را تاییده‌اند یکی است یا نه؟ و در هر صورت اگر تخمهای گوسفندی را تاییده

باشند، آیا برای هدی مجزی است یا نه؟ لطفا نظر خودتان را بیان فرمائید.

ج - بنابر احتیاط واجب باید تاییده هم نشده باشد.

۳۶ - س - حیوانی را که برای هدی ذبح میکنند، اگر قطع اوداج اربعه بکنند و آن را رها نمایند و حیوان به خودی خود پشت به قبله شود، و یا بعد از قطع اوداج اربعه، قبل از

جان دادن، حیوان را روی بقیه اجساد حیوانات ذبح شده پرت نمایند و حیوان در اثر این

کار، از قبله منحرف شود و در آن حال جان دهد، حکمش چیست؟

ج - رو به قبله بودن در حال قطع اوداج اربعه کافی است.

۳۷ - س - اگر کسی پس از ذبح قربانی و انجام باقی مناسك و یا قبل از آن متوجه شد که سن هدی کمتر از حد نصاب است وظیفه چیست؟

ج - اعاده لازم است.

۳۸ - س - اگر روحانی کاروان مداند که احرامی او در روز عید در مسلخ به خون

آلوده مشود و به جهت این که روحانی است و باید بر اعمال حجاج نظارت داشته باشد

مدت چند ساعت لباس احرامی او خون آلود است آیا با علم به نجس شدن و طولانی بودن آن تکلیف او چیست؟

ج - اگر معذور از تبدیل یا تطهیر است اشکال ندارد.

۳۹ - س - روحانی کاروانی نایب است و مداند که برای نظارت بر اعمال حج حجاج در قربانگاه لباس او به خون آلوده مشود و به جهت مسؤلیتی که دارد در قربانگاه معطل مگردد، آیا با علم به این جهت نیابتش در حج اشکالی دارد؟

ج - نیابت اشکال ندارد.

۴۰ - س - بعضی از محله های جدید مکه، در منی ساخته شده است، آیا در آنجا مشود قربانی نمود یا خیر؟

ج - اگر در منی است مانع ندارد، ولی بدون احراز این که در منی است، صحیح نیست.

۴۱ - س - انسان شك میکند که در سال یا سالهای گذشته ذابح قربانیش مؤمن بوده یا نه، الا وظیفه اش چیست؟

ج - اگر در حال عمل، مسأله را مدانسته و ملتفت بوده و شك بعد از عمل است اعتنا نکند، و در غیر این صورت باید قربانی را اعاده نماید.

۴۲ - س - بعضی از مدیران کاروانها یا اشخاص خیر دیگر که برای قربانی از اشخاص پول مگیرند و احیانا خودشان سر بریدن را یاد ندارند لذا قربانی ها را غیر مؤمن ذبح میکنند، اولاً آیا از منوب عنه مجزی است یا نه، و ثانياً آیا نایب ضامن است یا خیر؟

ج - قربانی مزبور کفایت نمکند، و کسی که پول را از منوب عنه گرفته ضامن است.

مستحبات هدی

مستحبات هدی چند چیز است:

۱ - در صورت تمکن، قربانی شتر باشد، و در صورت نبودن آن گاو و در صورت نبودن آن گوسفند باشد.

- ۲ - قربانی بسیار فربه باشد.
- ۳ - در صورت شتر یا گاو بودن آن از جنس ماده و در صورت گوسفند یا بز بودن آن از جنس نر باشد.
- ۴ - شتری که میخواهند او را نحر کنند ایستاده و از سر دستها تا زانوی او را ببندند و شخص از جانب راست او بایستد، و کارد یا نیزه یا خنجر به گودال گردن او فرو برد، و در وقت ذبح یا نحر این دعا را بخواند:
- سوم از واجبات منی تقصیر است
و در آن چند مسأله است:
- مسأله ۱ - هر مکلفی مختار است که بعد از ذبح کردن، یا سر بتراشد و یا از ناخن یا موی خود قدری بچیند مگر چند طایفه:
- اول - زنها که باید از مو یا ناخن خود قدری بگیرند، و کافی نیست ظاهرا برای آنها سر تراشیدن.
- دوم - کسی که سال اول حج او باشد، که باید سر بتراشد به احتیاط واجب.
- سوم - کسی که موی سر خود را به غسل یا "صمغ" یا نحو آن برای رفع شپش و نحو آن چسبانیده باشد باید سر بتراشد به احتیاط واجب
- چهارم - کسی که موی خود را جمع کرده و گره زده و درهم پیچیده و بافته است باید سر بتراشد به احتیاط واجب.

پنجم - خنثای مشکل اگر از این سه دسته اخیر نباشد باید تقصیر کند و سر تراشد.

مسئله ۲ - اگر خنثای مشکل از این سه طایفه باشد، واجب است هم تقصیر کند و هم سر بتراشد احتیاطاً.

مسئله ۳ - احتیاط آن است که کسی که سر را متراشد تمامش را بتراشد.

مسئله ۴ - در تقصیر کفایت نمکند مقدار کمی از موی سر یا ریش یا شارب را چیدن

به هر نحو و یا هر آلت که باشد، و یا ناخن گرفتن، و بهتر است که هم مقداری از مو بگیرد و هم ناخن را بگیرد.

مسئله ۵ - سر تراشیدن و تقصیر چون از عبادات است باید با نیت خالص از ریاء و برای اطاعت خداوند باشد و بدون آن صحیح نیست، و آنچه باید به آن حلال شود حلال نمیشود.

مسئله ۶ - جائز است سر را خود انسان بتراشد یا به سلمانی بدهد، و هم چنین در تقصیر

و باید خودش نیت کند، و بهتر آن است که سلمانی هم نیت کند.

مسئله ۷ - کسانی که سر تراشیدن بر آنها متعین است مثل اشخاصی که در مسئله اول

ذکر شد، اگر سر آنها مو نداشته باشد باید تیغ را بکشند بسر آنها، و آن کافی است از تراشیدن سر.

مسئله ۸ - کسانی که مخیر هستند میان تراشیدن سر و گرفتن موی ریش یا شارب و گرفتن ناخن، اگر سرشان مو نداشت باید تقصیر کنند، و اگر هیچ مو نداشتند حتی موی ابرو باید ناخن بگیرند، و اگر آن را هم نداشتند تیغ را بسر بکشند کافی است.

مسئله ۹ - تراشیدن ریش کفایت نمکند از تقصیر.

مسئله ۱۰ - اکتفا کردن به تقصیر موی زیر بغل یا عانیه محل اشکال است.

مسئله ۱۱ - محل تراشیدن سر و تقصیر نمودن منی است، و جائز نیست اختیاراً در غیر آنجا.

مسئله ۱۲ - احتیاط آن است که در روز عید باشد اگر چه بعید نیست جواز تأخیر تا آخر

ایام تشریق.

(۲۲)

مسأله ۱۳ - اگر کسی سر تراشید و تقصیر نکرد در منی و از آنجا کوچ کرد باید مراجعت کند و عمل را انجام دهد، و فرقی نیست در این حکم بین کسی که عمدا ترک

کرده یا نسیانا و سهوا یا بواسطه مسأله ندانستن.

مسأله ۱۴ - اگر برای این شخص ممکن نشود برگشتن به منی هر جا که هست سر بتراشد یا تقصیر کند، و موی خود را بفرستد به منی در صورت امکان، و مستحب است که مو را در منی دفن کند در محل خیمه خود.

مسأله ۱۵ - جائز نیست طواف حج بکند قبل از تقصیر یا سر تراشی، و هم چنین سعی

را جائز نیست جلو بیندازد.

مسأله ۱۶ - اگر قبل از سر تراشی یا تقصیر طواف و سعی کند از روی سهو یا جهل به حکم، باید برگردد و سر بتراشد یا تقصیر کند، و پس از آن طواف و نماز آن و

سعی

را بجا آورد، و اگر نمیتواند به منی برگردد هر جا هست سر بتراشد و تقصیر کند و اعاده کند طواف و نماز و سعی را.

مسأله ۱۷ - اگر از روی علم و عمد این کار را کرده باید علاوه بر اعاده طواف و نماز و

سعی يك گوسفند ذبح کند.

مسأله ۱۸ - اگر فقط طواف را از روی علم و عمد مقدم داشته گوسفند لازم است، و

اگر فقط سعی را مقدم داشته گوسفند لازم نیست، لکن باید اعاده کند آن را بعد از حلق یا تقصیر و طواف و نماز آن.

مسأله ۱۹ - اگر از روی علم یا جهل یا نسیان بعد از طواف یا سعی یا هر دو، سر را

تراشید یا تقصیر کرد، احتیاط آن است که اعاده کند تا ترتیب حاصل شود، و اگر تکلیفش سر تراشی بوده تیغ را بسر بکشد احتیاطا.

مسأله ۲۰ - به احتیاط واجب باید در منی اول رمی جمره کند و بعد از آن ذبح کند و

بعد تقصیر یا حلق.

مسأله ۲۱ - اگر بر خلاف آن ترتیب عمل کند پس اگر از روی غفلت و سهو بوده اعاده لازم نیست، و اگر از روی جهل به مسأله بوده بعید نیست که اعاده نخواهد و

احتیاط به اعاده است، و اگر از روی علم و عمد بوده در صورت امکان احتیاط را

ترك نکند.

مسأله ۲۲ - بعد از آن که محرمی که وظیفه‌اش سر تراشیدن بود سر تراشید، یا

تقصیر

کردن بود تقصیر کرد حلال مشود بر او تمام چیزهائی که حرام شده بواسطه احرام حج، مگر زن و بوی خوش، و اما صید از دو جهت حرمت داشت: یکی آن که در حرم

صید جائز نیست نه برای محرم و نه برای غیر محرم و این حرمت باقی است، دوم آن که بر خصوص محرم نیز صید جائز نیست چه در حرم باشد یا غیر حرم و بعید نیست که بواسطه حلق یا تقصیر از جهت دوم حرمت برداشته شود، پس جائز است از

برای او صید در خارج حرم.

مسائل متفرقه حلق یا تقصیر در حج

مسأله ۱ - اگر قربانی به دلیلی از روز عید تاخیر افتاد، بنا بر احتیاط نمیتواند حلق کند و

از احرام خارج شود و بعد قربانی کند بلکه ترتیب بین قربانی و حلق و اعمال مترتبه بر

آن را باید مراعات کند علی الاحوط.

مسأله ۲ - تأخیر حلق تا آخر ایام تشریق مانع ندارد هر چند عمدی باشد و حلق در شب هم

صحیح است و کفایت میکند.

مسأله ۳ - اگر حاجی برای قربانی به کسی وکالت دهد، تا وکیل او قربانی نکرده نمیتواند

حلق کند ولی اگر با اعتقاد به این که وکیل او برای او قربانی کرده حلق کرد بعد معلوم شد

که وکیل او هنوز قربانی نکرده، حلق مزبور کافی است و اگر بعد از حلق اعمال مکه را

هم انجام داده باشد کفایت میکند و لازم نیست آنها را اعاده کند.

مسأله ۴ - کسانی که سال اول حج آنها است و وظیفه آنها سر تراشیدن میباشد بنا بر

احتیاط، جایز نیست بواسطه زیادی مو، اول سر را ماشین کنند و بعد آن را بتراشند هر

چند فوراً بتراشند و در صورت علم و عمد کفاره دارد.

مسأله ۵ - کسی که بخواهد دیگری را حلق نماید نمیتواند قبل از این که خودش

حلق یا
تقصیر کند سر او را بتراشد ولی میتواند ناخن دیگری را برای تقصیر بگیرد، و ازاله
موی دیگری نیز قبل از خارج شدن از احرام جایز نیست ولو برای تقصیر.

۶ - س - کسی که سفر اول حج او است در وقتی که سلمانی سر او را برای حلق می تراشیده مشغول گرفتن ناخنهای خود بوده و غافل بوده که نباید این کار را بکند. آیا

کفاره دارد یا خیر؟

ج - چیزی بر او نیست.

۷ - س - کسی که در غیر منی حلق نموده و اعمال مترتبه را انجام داده و پس از این

عمره مفرده انجام داده، آیا محل شده است یا خیر، و عمره مفرده او صحیح است یا خیر؟

ج - محل نشده است، و عمره او صحیح نیست.

۸ - س - گفته میشود که مسلخ جدید در منی نیست و اشخاص پس از قربانی در آنجا و بیرون آمدن، پشت همانجا حلق و تقصیر کرده‌اند، وظیفه آنان چیست؟

ج - اگر حلق و تقصیر در منی نبوده باید اعاده شود.

۹ - س - در مسأله سابق کسانی که بعد از حلق و تقصیر مزبور به مکه آمده‌اند و اعمال مکه از قبیل طواف و سعی و طواف نساء را انجام داده‌اند و بعد متوجه شده‌اند که

حلق و تقصیر در منی نبوده، آیا اعمال مکه آنان صحیح است؟

ج - در فرض مزبور صحیح نیست و باید آن اعمال هم اعاده شود.

۱۰ - س - کسی که سال قبل هم به حج مشرف شده و حلق را در خارج منی انجام

داده است و امسال هم حلق را در خارج منی نموده چه وظیفه ای دارد، اگر اعمال مکه را

انجام داده صحیح است یا خیر؟

ج - حلق را در منی اعاده کند و يك حلق کافی است و بعد طواف و نماز و سعی سال قبل را اعاده کند و احتیاطاً طواف و نماز و سعی امسال را نیز بجا آورد و بعد يك

طواف نساء و نماز انجام دهد و کفایت میکند، گر چه ظاهر این است که احرام برای عمره

و حج امسال صحیح نبوده است.

۱۱ - س - اگر در موردی که حاجی باید حلق کند بجای حلق، تقصیر کرده است و وظیفه اش چیست، آیا کفاره دارد یا نه؟

ج - اگر جاهل به مسأله بوده کفاره ندارد و در فرض علم احوط است، و در فرض مسأله بنابر احتیاط باید حلق را انجام دهد و چنانچه اعمال مکه را بجا آورده اعاده

کند.

۱۲ - س - کسی که سال دوم حج او است و سال قبل برای خودش حج نموده و

(۲۲۴)

حلق کرده است و امسال به نیابت دیگری حج بجا ماورد، آیا در سفر دوم حکم
صروره را

دارد که باید حلق کند یا تقصیر کافی است؟

ج - تقصیر کفایت میکند.

۱۳ - س - شخصی در سال ۶۰ نایب شخص دیگری شد، و برای اولین بار آمد
مکه

و در مرز بین وادی محسر و منی، حلق نمود، به اعتقاد این که این جا جزء منی
است، و يك

سال بعد باز به مکه مشرف شد، برای خودش به عنوان حجة الاسلام، و در منی
تقصیر نمود

به خیال این که حلق قبلی، و اعمال حج گذشته او صحیح بوده است، و سال ۶۵ باز
به مکه

مشرف شد و به عنوان ما فی الذمه محرم شد، در این بین متوجه شد که حلق سال
اول در

خارج منی بوده است و در نظر حضرت امام کافی نیست، امسال حلق را در منی به
قصد

ما فی الذمه، انجام مدهد و بقیه اعمال را نیز به قصد ما فی الذمه، بجا آورده است،
آیا این

کار کافی است یا نه؟

ج - کفایت میکند و از منوب عنه واقع میشود و باید حجة الاسلام را اعاده کند.

۱۴ - س - اگر کسی مقداری از سر خود را با تیغ بتراشد و بقیه را ماشین کند آیا
جایز است و حلق صدق میکند؟ ضمناً بعد از ماشین، بقیه سر را نیز متراشد.

ج - تا حلق تمام نشده کوتاه کردن موی سر جایز نیست، و اگر تمام سر را تراشیده
از حلق کافی است.

۱۵ - س - کسی که غیر از وقوفین اضطراری را نمیتواند درك کند و برای بقیه

اعمال خود نایب بگیرد، آیا میتواند حلق را در غیر از منی انجام دهد؟

ج - باید در منی حلق کند، و حلق در غیر منی کافی نیست، مگر آن که نتواند به
منی

برود.

۱۶ - س - شخصی دو موضع در سرش شکسته است، ممکن است که حلق روز

عید باعث پاره شدن پوست گردد اگر تقصیر نماید، مجزی است یا وظیفه دیگری
دارد؟

ج - اگر امید خوب شدن در حدی که بتواند حلق تمام نماید تا آخر ایام تشریق دارد

تأخیر بیندازد، و هم چنین اعمال مترتبه را، و اگر امید ندارد یا پس از تأخیر خوب نشد، احتیاط آنست که هر مقدار سر را میتواند بتراشد و تقصیر هم بکند.

۱۷ - س - شخصی سال گذشته قربانی و حلق را در غیر منی (خارج از منی) انجام

داده و پس از خاتمه اعمال به ایران برگشته است و امسال نیز به مدینه مشرف شده و قصد

حج دارد، بفرمائید وظیفه او چیست؟ و آیا میتواند برای خود یا دیگری حج بجا آورد یا نه؟

ج - تا وظیفه سال قبل را از قربانی و حلق و اعمال مترتبه بر آن، انجام نداده و از احرام آن خارج نشده، نمیتواند محرم شود.

۱۸ - س - صبی ممیزی تمام اعمال حج را به نحو صحیح انجام داده است، آیا از صروره بودن، خارج میشود یا نه؟
ج - بلی، خارج میشود.

۱۹ - س - در روز عید قربان که حاجی باید حلق کند و از طرفی تراشیدن و کندن مو بر محرم حرام است، آیا حجاج باید بعد از تقصیر افرادی که مخیر بین حلق و تقصیر

هستند از وجودشان برای حلق استفاده کنند یا در آن وقت برای شخص جایز است که سر

خود را بتراشد، و آیا فرق است بین تراشیدن سر خود و تراشیدن سر دیگری، و در هر حال

تکلیف شرعی او چیست؟

ج - خودش میتواند خود را حلق کند، و می تواند به کسی که از احرام به حلق یا تقصیر خارج شده واگذار کند که او را از حلق نماید، و در هر صورت اگر دیگری او را حلق

کند کفایت میکند اگر چه از حرام خارج نشده باشد.

۲۰ - س - کسی که در حج وظیفه اش سر تراشیدن است و از اول مداند که با تیغ کشیدن، سرش خون مآید، بفرمائید آیا سرش را باید بتراشد یا نه؟
ج - باید سر بتراشد علی الاحوط.

۲۱ - س - در مناسك آمده است: کسی که سال اول حج او باشد، بنابر احتیاط واجب باید سر خود را بتراشد، آیا میتوان در این احتیاط واجب به دیگری رجوع کرد؟

ج - حکم سر احتیاطات را دارد، لکن چون امر مهمی است، مراعات کنید این احتیاط را.

۲۲ - س - کسی که حلق را فراموش کرده و به ایران باز گشته است، وظیفه او چیست؟

ج - باید حلق و اعمال مکه مترتبه بر حلق را انجام دهد، و اگر نمیتواند خودش به مکه برود در محل خودش حلق کند و موی خود را به منی بفرستد علی الاحوط، و

برای

(۲۲۶)

اعاده اعمال نایب بگیرد.

۲۳ - س - کسی که وظیفه او حلق است و لیکن از حلق معذور است، وظیفه او چیست؟

ج - بعید نیست لزوم و کفایت تقصیر در این مورد، ولی احوط آن است که احتیاط را به غیر رجوع کنند.

۲۴ - س - اگر کسی قربانی را از روی عمد تأخیر بیندازد، آیا میتواند حلق و یا تقصیر نماید و یا باید حتما بعد از قربانی باشد؟

ج - باید حلق را بعد از قربانی انجام دهد، علی الاحوط.

۲۵ - س - شخصی در روز عید قربان در حال رمی جمره عقبه پول خود را گم کرد

و چون پول برای هدیه نداشت آن را مبدل به روزه کرد، و تصمیم دارد بعد از ایام تشریق

شروع به سه روز روزه نماید، آیا چنین شخصی تقصیر یا حلق را پس از سه روز روزه

انجام دهد یا همان روز عید حلق یا تقصیر نماید؟

ج - میتواند روز عید حلق یا تقصیر نماید.

۲۶ - س - شخصی که سروره نیست و می تواند تقصیر کند آیا اگر ریش بتراشد، صرف نظر از حرمت، این کار کفایت از تقصیر میکند یا نه؟

ج - کفایت نمیکند.

۲۷ - س - عصر عید قربان بعد از هدیه که دوستان سر متراشیدند و منهم به این فکر که باید سر را تراشید رفتم سر خود را تراشیدم، و نگفتم که سر متراشم برای

حج

تمتع، فقط سرم را تراشیدم، در این صورت وظیفه من چیست؟

ج - اگر سر را به عنوان این که وظیفه شما سر تراشی است و از اعمال حج است تراشیده‌اید صحیح است هر چند نیت را نگفته باشید.

۲۸ - س - چون من از سر تراشیدن بدم مآید آیا میتوانم بجای سر تراشیدن

تقصیر کنم، و آیا آن کار گناهی هم دارد یا نه؟

ج - در سفر اول در منی باید سر بتراشید علی الاحوط، و اگر نتراشید گذشته از

معصیت از احرام هم خارج نمشوید علی الاحوط.

۲۹ - س - حاجی در مذبح بعد از قربانی فورا تقصیر کرده که دچار تطهیر نجاست

بدن و لباس احرام نگردد، و بعد از رسیدن به چادر حلق کند، از يك طرف ضروره است و

از طرفی در حلق قصد احلال نکرده، تکلیفش چیست؟

ج - تقصیر در صورت جهل کفاره ندارد و حلق را اگر به قصد قربت و به حساب یکی

از اعمال انجام داده کافی است. و اگر نه باقی بر احرام است و باید در منی حلق کند

علی الاحوط.

مستحبات حلق

در حلق چند چیز مستحب است:

۱ - آن که از جانب راست پیش سر ابتدا کند و این دعا را بخواند:

" اللهم أعطني بكل شعرة نورا يوم القيامة "

۲ - آن که موی سر خود را در منی در خیمه خود دفن نماید و اولی این است که بعد از حلق از اطراف ریش و شارب خود گرفته و هم چنین ناخنها را بگیرد.

فصل پنجم

در آنچه واجب است بعد از اعمال منی.

واجب است بعد از تمام شدن اعمال منی که سه چیز بود مراجعت به مکه، برای اعمالی که در آنجا واجب است.

و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۱ - جائز است بلکه مستحب است روز عید که از اعمال منی فارغ شد بیاید به

مکه برای بقیه اعمال حج، و جائز است تأخیر بیندازد تا روز یازدهم و بعید نیست که

جائز باشد تأخیر تا آخر ذی الحجّه به این معنی که روز آخر ذی الحجّه هم اگر آمد و

اعمال را بجا آورد مانع ندارد.

مسأله ۲ - اعمالی که در مکه واجب است بجا بیاورد:

اول - طواف حج است که آن را طواف زیارت مگویند.

دوم - نماز طواف است.

سوم - سعی بین صفا و مروه است.

چهارم - طواف نساء است.

پنجم - نماز طواف نساء است.

مسأله ۳ - کیفیت طواف حج و نماز آن و سعی و طواف نساء و نماز آن به همان نحو

است که در طواف عمره و نماز آن و سعی گذشت بدون هیچ تفاوت مگر در نیت که

اینجا باید به نیت طواف حج و سعی آن و طواف نساء بجا آورد.

مسأله ۴ - جائز نیست طواف حج و نماز و سعی و طواف نساء و نماز آن را قبل از رفتن به عرفات و بجا آوردن اعمال عرفات و مشعر و اعمال سه گانه منی بجا آورد در

حال اختیار.

مسأله ۵ - چند طایفه‌اند که برای آنها جائز است طواف حج و نماز و سعی و طواف

نساء و نماز آن را بعد از آن که محرم به احرام حج شدند قبل از رفتن به عرفات بجا آورند، و عمل آنها مجزی است:

اول - زنهایی که ترس آن دارند که در برگشتن حائض یا نفساء شوند و پاك نشوند و نتوانند بمانند تا پاك شوند.

دوم - پیر مردها یا پیر زنهایی که عاجز باشند از طواف در موقع مراجعت برای زیادی جمعیت یا عاجز از برگشتن به مکه باشند.

سوم - اشخاص مریضی که بترسند در وقت ازدحام طواف کنند یا عاجز باشند از آن.

چهارم - کسانی که بدانند تا آخر ماه ذی الحجه به جهتی برای آنها ممکن نمیشود طواف و سعی.

مسأله ۶ - سه طایفه اول اعمالی را که جلو انداختند کافی است اگر چه بعد خلاف آن

ظاهر شود مثلاً زن حائض نشود، و مریض خوب شود، و ازدحام چندان نباشد که موجب مزاحمت شود، پس بر اینها لازم نیست اعاده اعمال گر چه احوط است.

مسأله ۷ - طایفه چهارم که عقیده داشت نمیتواند اعمال را بجا آورد اگر از جهت مرض و پیری و علیلی بود باز مجزی است، و اما اگر از جهت دیگر بود مثل آن که اعتقاد داشت سیل مانع میشود و بعد خلافش ظاهر شد باید اعاده کند اعمال را بعد از رجوع.

مسأله ۸ - شخص محرم که بواسطه احرام حج چیزهایی بر او حرام شد که در سابق به تفصیل ذکر شد در سه موقع و بعد از سه عمل بتدریج آنها بر او حلال میشود:

اول - بعد از تقصیر کردن یا سر تراشیدن در منی که به آن همه چیز حلال میشود مگر بوی خوش و زن چنانچه پیش ذکر شد، و گفته شد که صید از جهت احرام نیز حلال میشود نه از جهت حرم.

دوم - بعد از بجا آوردن طواف زیارت و نماز آن و سعی بین صفا و مروه

به تفصیلی که گذشت، حلال میشود بر او بوی خوش، ولی زن بر او حرام است. سوم - بعد از بجا آوردن طواف نساء و نماز آن که در کیفیت مثل طواف و نماز عمره است که گذشت، حلال میشود بر او زن نیز، پس بعد از این سه عمل همه چیز که

به احرام حرام شده بود حلال میشود، و اما صید کردن در حرم حرام است برای همه کس چه محرم و چه محل.

مسئله ۹ - کسانی که بواسطه عذر مثل پیری و خوف حیض، طواف زیارت و طواف

نساء را مقدم داشتند، بوی خوش و زن بر آنها حلال نمیشود، و تمام محرمات بعد از تقصیر یا حلق حلال خواهد شد.

مسئله ۱۰ - طواف نساء اختصاص به مرد ندارد بلکه بر زن و خنثی و خصمی و بچه ممیز نیز لازم است که اگر طواف نساء نکنند زن به همان تفصیل که سابق گفته شد بر

آنها حلال نمیشود، و نیز اگر زن آن را ترك کند مرد بر او حلال نمیشود، بلکه طفل غیر ممیز اگر ولی، او را محرم کرده باید او را به احتیاط واجب طواف نساء بدهد تا بعد از بالغ شدن، زن یا مرد بر او حلال شود.

مسئله ۱۱ - طواف نساء و نماز آن اگر چه واجب است و بدون آن زن حلال نمیشود،

لکن رکن نیست و ترك عمدی آن موجب باطل شدن حج نمیشود، بلکه واجب است بر کسی که حج کرده آن را بجا آورد، و اگر بجا نیاورد زن بر او حلال نمیشود، بلکه

آنچه از زن بر او حرام شده بود مثل عقد کردن و خطبه کردن و شاهد شدن نیز بر او

حلال نمیشود بنا بر احتیاط واجب.

مسئله ۱۲ - جائز نیست مقدم داشتن سعی را بر طواف زیارت یا بر نماز آن اختیارا، و

جائز نیست مقدم داشتن طواف نساء را بر طواف زیارت و بر سعی اختیارا، و اگر مقدم داشت اعاده کند تا ترتیب حاصل شود.

مسئله ۱۳ - جائز است طواف نساء را قبل از سعی بجا آورد در حال ضرورت مثل ترس از حیض و نتوانستن اقامت به مکه تا زمان پاکی، لکن احتیاط در آن است که نایب بگیرد که بعد از آن بجا آورد.

مسئله ۱۴ - اگر سهوا طواف نساء را قبل از سعی بجا آورد یا بواسطه ندانستن حکم

(۲۳۱)

مقدم بدارد طواف و سعیش صحیح است، و احتیاط در اعاده طواف است.
مسئله ۱۵ - اگر طواف نساء را سهوا بجا نیاورد تا برگشت از حج پس اگر میتواند باید خودش برگردد و بجا بیاورد، و اگر نمیتواند یا مشقت دارد نایب بگیرد و پس از بجا آوردن زن به او حلال میشود.

مسئله ۱۶ - اگر کسی طواف واجب را - چه طواف عمره و چه طواف حج و چه طواف نساء - فراموش کرد و برگشت و با زن نزدیکی کرد باید يك هدی در مکه قربانی کند. و احتیاط آن است که شتر باشد، و اگر میتواند خودش برود و طواف و نماز آن را بجا آورد. و احتیاطا در غیر طواف نساء سعی را هم بجا آورد. و اگر نمیتواند یا مشقت دارد نایب بگیرد.

مسئله ۱۷ - اگر کسی طواف را چه طواف عمره یا طواف زیارت از روی جهل به مسئله بجا نیاورد و برگشت به محل خود باید حج را اعاده کند و يك شتر قربانی کند.

مسائل متفرقه اعمال بعد از منی و طواف نساء

۱ - س - اگر کسی تنها این ترس را داشته باشد که بعد از برگشت از منی در اثر ازدحام نتواند طواف کند یا به مشقت بیفتد، آیا میتواند اعمال حج را مقدم دارد یا نه؟

ج - مورد جواز تقدیم نیست، و نمی تواند مقدم بدارد.

۲ - س - اعمال حج را به جهت خوف حیض بر اعمال منی مقدم داشت، ولی چون طواف یا سعی را قطع کرده بود، بطوری که میباشد اتمام و اعاده کند و چنین کرد، آیا بعد از

اعمال منی بر او چیزی نیست؟

ج - اگر وظیفه را انجام داده چیزی بر او نیست.

۳ - س - آیا نایب هم اگر خوف حیض یا مرض داشته باشد میتواند اعمال حج را بر وقوفین و اعمال منی مقدم بدارد یا نه؟

ج - مانع ندارد.

۴ - س - کسانی که اعمال حج را قبل از اعمال منی انجام میدهند، آیا میتوانند

سعی

- را بعد از برگشتن از منی انجام دهند و باقی اعمال را قبل؟
- ج - محل اشکال است.
- ۵ - س - تقدیم اعمال مکه برای ذوی الاعذار جایز یا لازم است؟
- ج - جایز است، و لازم نیست.
- ۶ - س - کسانی که اعمال حج را مقدم بر وقوفین منمایند، آیا باید اقرب زمان به وقوفین را رعایت کنند؟
- ج - لازم نیست.
- ۷ - س - تشخیص عذر برای کسانی که اعمال حج را مقدم مدارند، بر عهده خود آنان است یا بر عهده گردانندگان گروه و مسئولین؟
- ج - تشخیص با خود مکلف است.
- ۸ - س - کسی که او را به وسیله تخت طواف مدهند، آیا میتواند اعمال حج خود را بر وقوفین مقدم بدارد؟
- ج - اگر در هر صورت باید او را طواف دهند و عذر دیگری نیست، نمیتواند مقدم بدارد.
- ۹ - س - کسی که اعمال حج را بر وقوفین مقدم مدارد، آیا میتواند طواف نساء را بعد از وقوفین و اعمال دیگر انجام دهد؟
- ج - بنا بر احتیاط در موردی تقدیم بدارند که هر سه عمل را مقداً انجام دهند.
- ۱۰ - س - شخصی که میتواند اعمال مکه را بر وقوفین مقدم بدارد اگر جهلاً بدون احرام، اعمال مکه را انجام داد چه صورتی دارد؟
- ج - کفایت نمکند و باید یا قبل از وقوفین آنها را با احرام اعاده کند و یا بعد از وقوفین و اعمال منی، آنها را بجا آورد.
- ۱۱ - س - آیا میتواند اعمال مکه را به نایب واگذارد، در صورتی که میتواند تأخیر بیندازد تا خود بجا آورد؟
- ج - با فرض این که میتواند خودش بجا آورد ولو با تأخیر تا آخر وقت نمیتواند نایب بگیرد.
- ۱۲ - س - در مناسک فرموده اید وقت انجام اعمال حج تا روز یازدهم است و بعید

نیست که تا آخر ماه ذی الحجه نیت کند، در صورتی که وقت انجام مناسک حج تا روز یازدهم باشد، اگر تأخیر انداخت چون محتمل است ظرف وجوب منقضی شده باشد آیا

معصیت نموده است؟

ج - معصیت نیست.

۱۳ - س - کسی که از منی برگشته و هنوز اعمال واجب مکه را انجام نداده، آیا میتواند طواف مستحبی انجام دهد، و نیز در حال احرام عمره تمتع آیا میتواند قبل از انجام عمره، طواف مستحبی انجام دهد؟

ج - احتیاطاً ترك نماید.

۱۴ - س - آیا بعد از انجام اعمال منی قبل از انجام اعمال مکه میتوان از مکه خارج شد یا خیر؟

ج - مانع ندارد.

مسأله ۱۵ - اگر شخص، چندین عمره مفرده بجای آورده باشد و در هیچ کدام طواف نساء

نکرده باشد يك طواف نساء برای تمام آنها کفایت میکند.

مسأله ۱۶ - احتیاط آن است که نائب در طواف نساء، نیت ما فی الذمه کند گرچه میتواند

به نیت منوب عنه انجام دهد.

۱۷ - س - آیا پیش از بجا آوردن طواف نساء و بعد از انجام حلق و اعمال بعدی، تمام انواع تلذذ و تمتع از زن حرام است و یا اختصاص به جماع دارد؟

ج - از مطلق تلذذ از زن باید اجتناب نماید.

۱۸ - س - آیا تأخیر طواف نساء از سعی تا چند روز، جایز است یا خیر؟

ج - مانع ندارد.

۱۹ - س - شخصی بعد از حج، ازدواج کرد و دارای اولاد شد، بعداً متوجه میشود که در حج طواف نساء را نیاورده است، حال که متوجه شده است، حکم زن و فرزند او

چگونه است و نسبت به طواف باید چه کند؟

ج - با فرض جهل، فرزند او حکم حلال زاده را دارد ولی عقد ازدواج باطل است،

و

باید طواف نساء را انجام دهد، و اگر بنخواهد بعد از آن تجدید عقد نماید.

۲۰ - س - مردی به زنش گفت وظیفه من طواف نساء است، ولی تو باید طواف

(۲۳۴)

رجال بجا آوری! زن بجای نیت طواف نساء طواف رجال ذکر کرد، آیا کافی است یا نه؟

ج - اگر منظورش اداء وظیفه است، مانع ندارد.

۲۱ - س - کسی که عمره مفرده انجام ممداد بدون این که تقصیر کند طواف نساء را

بجا آورد، آیا وظیفه او چیست، و عمره او باطل است یا نه؟

ج - عمره باطل نمیشود، لکن باید بعد از تقصیر، طواف نساء را اعاده نماید، و بدون آن حرمت نساء باقی است.

۲۲ - س - شخصی پس از مراجعت از مکه شك میکند که طواف نساء حج یا عمره مفرده را بجا آورده یا نه، چه وظیفه‌ای دارد؟

ج - اگر التفات به وجوب طواف نساء نداشته، باید طواف نساء را انجام دهد، و همچنین است در صورت التفات علی الاحوط، بلکه خالی از قوت نیست.

۲۳ - س - اگر کسی بعد از شوط چهارم طواف نساء عمره مفرده یا زوجه خود مواجهه نماید، آیا مانند طواف نساء حج است که به حج لطمه ای وارد نکرده و کفار، و هم ندارد؟

ج - بلی، عمل صحیح است و کفاره ندارد، اگر چه حرام مرتکب شده است.

۲۴ - س - بجا نیاوردن طواف نساء از روی جهل همانند طواف حج و عمره است که باید حج را اعاده کند و شتر قربانی نماید؟ چنانچه در مسأله ۱۷ فصل پنجم حج در

مناسك مفرمائید؟

ج - ترك طواف نساء، حج را باطل نمکند و کفاره ندارد، ولی حرمت نساء بدون آن باقی است و ارتکاب آن کفاره دارد.

۲۵ - س - شخصی قبل از طواف نساء با زوجه خود ملاحظه نموده و از روی شهوت به او دست زده است، آیا کفاره دارد؟

ج - کفاره دارد مگر در صورت جهل.

۲۶ - س - زنی که اعمال حج خود را بر وقوفین مقدم داشته، بعد از سعی حائض میشود، شوهرش در همان وقت به نیابت از او طواف نساء را انجام مدهد، آیا این نیابت

صحیح است؟

ج - صحیح نیست، و تقدیم برای کسی است که خودش طواف میکند. و احتیاط

(۲۳۵)

آن است که اکتفاء به آنچه مقدم داشته هم نکند.

۲۷ - س - اگر نایب، طواف نساء را بجا نیاورد، آیا فقط زن بر او حرام است یا ذمه‌اش هم مشغول است، هر چند بعد از مردن باشد، که باید برای او قضا کند؟
ج - ذمه او هم مشغول است، ولی خودش باید در حیاتش انجام دهد و اگر نمیتواند نایب بگیرد.

۲۸ - س - شخص طواف نساء عمره مفرده را فراموش کرده و بعد برای عمره تمتع محرم شده است، آیا طواف نساء فراموش شده را بعد از انجام اعمال عمره تمتع، بجا آورد یا قبل از آن؟

ج - میتواند بعد از انجام اعمال عمره تمتع بجا آورد، و اگر تأخیر بیندازد، طواف نساء حج کفایت از آن میکند.

۲۹ - س - کسی که طواف نساء عمره مفرده را بجا نیاورده و بعد از آن حج افراد بجا مآورد، آیا طواف نساء حج افراد کفایت میکند؟
ج - کفایت میکند.

۳۰ - س - پیر مردان و پیر زنانی که عمل زناشویی از آنان ممکن نیست و ازدواج هم نمکنند و نیز کسی که عینین است، آیا اگر طواف نساء را نیاورند اشکال دارد؟
ج - گر چه طواف نساء جزء اعمال نیست، لکن عمل واجبی است که باید انجام داده شود.

مستحبات طواف حج و نماز آن و سعی
آنچه که از مستحبات در طواف عمره و نماز آن و سعی ذکر شد اینجا نیز جاری است، و مستحب است شخصی که به جهت طواف حج مآید، در روز عید قربان بیاید

و بر درب مسجد بایستد و این دعا را بخواند:

" اللَّهُمَّ اعْنِي عَلَى نَسْكَكَ وَسَلْمِنِي لَهُ وَسَلِّمْهُ لِي أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْعَلِيلِ الدَّلِيلِ الْمَعْتَرِفِ بِذَنْبِهِ أَنْ يَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي وَأَنْ تَرْجِعَنِي بِحَاجَتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَالْبَلَدُ بِلَدِكَ وَالْبَيْتُ بَيْتُكَ جِئْتُكَ أَسْأَلُكَ

رحمتك وأؤم طاعتك متبعا لامرك راضيا بقدرك أسألك
مسألة المضطر إليك المطيع لامرك المشفق من عذابك الخائف
لعقوبتك أن تبلغني عفوك وتجيرني من النار برحمتك ".
پس بنزد حجر الاسود بیاید واستلام و بوسه نماید، واگر بوسیدن ممکن نشد
دست به حجر مالیده و دست خود را بیوسد، واگر آن هم ممکن نشد مقابل حجر
ایستاده
و تکبیر بگوید و بعد آنچه در طواف عمره بجا آورده بود بجا آورد.

فصل ششم

در سعی و بعض احکام آن
و در آن چند مسأله است:

مسأله ۱ - واجب است بعد از بجا آوردن نماز طواف سعی کند بین صفا و مروه که
دو
کوه معروفند.

مسأله ۲ - مراد از سعی آن است که از کوه صفا برود به مروه و از مروه برگردد به
صفا.

مسأله ۳ - واجب است سعی بین صفا و مروه هفت مرتبه باشد که به هر مرتبه شوط
گویند، به این معنی که از صفا به مروه رفتن يك شوط است و از مروه به صفا
برگشتن
نیز يك شوط است.

مسأله ۴ - واجب است اول از صفا شروع کند و باید در دور هفتم به مروه ختم
شود، و
اگر از مروه شروع کند هر وقت فهمید باید اعاده کند، و اگر در بین سعی بفهمد
باید

از سر بگیرد و از صفا شروع کند.

مسأله ۵ - احتیاط آن است که ابتداء کند از جزء اول صفا و از آنجا شروع به سعی
کند،

و در صورتی که روی کوه برود و همان طور به نحو متعارف سعی کند کفایت
مکند.

مسأله ۶ - در سعی ما بین صفا و مروه جائز است سواره و بر روی محمل، چه در
حال

اختیار و چه با عذر لکن راه رفتن افضل است.

مسأله ۷ - طهارت از حدث و خبث و ستر عورت در سعی معتبر نیست گر چه
احوط

مراعات طهارت از حدث است.

مسأله ۸ - واجب است سعی را بعد از و طواف و نماز آن بجا آورد، و اگر عمدا
پیش از

آنها بجا آورد باید بعد از طواف و نماز آن را اعاده کند.

مرود به شرطی که مال معتد به باشد.

سوم - شبانهائی که احتیاج دارد حیوانات آنها به چرانیدن در شب.

چهارم - کسانی که متکفل آب دادن به حجاج هستند در مکه.

پنجم - کسانی که شب را در مکه بیدار باشند و به عبادت مشغول باشند تا صبح و کار دیگر جز آن نکنند مگر کارهای ضروری از قبیل خوردن و آشامیدن به قدر احتیاج و

تجدید وضوء.

مسأله ۴ - کسی که در احرام عمره تمتع از صید و زن اجتناب نکرده باید شب سیزدهم

بماند، و این حکم اختصاص به احرام حج ندارد.

مسأله ۵ - مقدار شب که واجب است در این سه شب بیتوته کرد از اول شب است تا

نصف آن، پس کسی که از غروب بیتوته کرد در منی تا نیمه شب مانع ندارد بعد از آن

بیرون برود، و احتیاط مستحب آنست که پیش از طلوع صبح وارد مکه نشود.

مسأله ۶ - کسی که در اول شب بی عذر در منی نبود احتیاط واجب آنست که قبل از نیمه

شب برگردد و تا صبح بماند.

مسأله ۷ - نیمه شب را باید از اول غروب تا طلوع آفتاب حساب کنند بنابر احتیاط واجب، و احتیاط آنست که از مغرب شرعی حساب کنند.

مسأله ۸ - بیتوته در منی از عبادات است باید با نیت خالص برای اطاعت خداوند بجا آورد.

مسأله ۹ - جائز نیست در غیر مکه مشغول عبادت شود و به منی نرود، حتی در بین راه

منی و مکه به احتیاط واجب.

مسأله ۱۰ - کسی که ترك کند بیتوته به منی را در شبی که واجب است بماند برای هر

شبی يك گوسفند باید قربانی کند.

مسأله ۱۱ - فرقی نیست در واجب بودن قربانی بین آن که از روی علم و عمد باشد یا

از روی نسیان باشد یا از روی ندانستن مسأله.

مسأله ۱۲ - کسانی که در مکه تا صبح به عبادت مشغول بودند و نیامده اند به منی قربانی

بر آنها واجب نیست.

(۲۴۰)

مسأله ۱۳ - چهار طایفه‌ای که در مسأله سوم گفته شد واجب نیست در منی بمانند در صورتی که نماندند باید برای هر شب يك گوسفند كفاره قربانی کنند حتی دسته سوم

و چهارم به احتیاط واجب.

مسأله ۱۴ - گوسفندی که باید قربانی شود هیچ يك از شرایط هدی را که در منی برای حج باید ذبح کند لازم نیست داشته باشد.

مسأله ۱۵ - گوسفندی را که باید قربانی کند محل معینی ندارد حتی میتواند پس از مراجعت به محل خود قربانی بکند اگر چه احتیاط آن است که در منی قربانی کند.
مسأله ۱۶ - اگر قسمتی از اول شب که باید در منی بیتوته کرد، درك نشود یا زودتر از

نصف شب از منی خارج شوند، احتیاط واجب آن است که يك گوسفند قربانی کنند و فرقی بین صورت عذر و عدم عذر نیست
مسأله ۱۷ - کسانی که جائز است برای آنها کوچ کردن در روز دوازدهم باید بعد از

ظهر کوچ کنند و جائز نیست قبل از ظهر، و کسانی که در روز سیزدهم کوچ میکنند

مختارند هر وقت را بخواهند کوچ کنند.

مسائل متفرقه بیتوته به منی

مسأله ۱ - اگر حاجی صبح دوازدهم به مکه بیاید واجب نیست برای نفر، بعد از ظهر به

منی برگردد گر چه رفتن او به مکه قبل از ظهر جایز نیست.

مسأله ۲ - در کوچ کردن بعد از ظهر روز دوازدهم زنها هم حکم مردان را دارند بنابراین

اگر با عذر از رمی در روز، شب دوازدهم رمی کردند نمیتوانند قبل از ظهر از منی کوچ

کنند مگر از ماندن تا بعد از ظهر معذور باشند.

مسأله ۳ - کسانی که در زمین های متصل به منی که از منی نیست در شب یازدهم

و

دوازدهم بیتوته میکنند باید كفاره بدهند و برای هر شب يك گوسفند قربانی کنند هر چند اعتقاد پیدا کرده باشند که آنجا از منی است یا به گفته اشخاص محلی، مطمئن

شده

باشند.

مسأله ۴ - اگر حاجی قبل از غروب آفتاب شب سیزدهم از منی خارج شده و بعد از غروب به منی مراجعت کرده، واجب نیست شب را بماند و رمی روز سیزدهم بر او واجب نمیشود.

۵ - س - بیتوته در منی اگر در غیر منی انجام شود چه صورت دارد، و آیا اشخاص جاهل به موضوع معذورند یا خیر؟

ج - باید قربانی کنند، و فرقی بین عالم و جاهل نیست.

۶ - س - کسانی که مقداری از اول شب با عذر یا بدون عذر در خارج منی بودند یا

قبل از نصف شب خارج شدند، در مناسك احتیاط استحبابی است نسبت به کفاره و در

تحریر احتیاط و جویی، آیا کفاره واجب است یا خیر؟

ج - این احتیاط و جویی است و ترك نشود.

۷ - س - فرموده اید کسی کنه بدون عذر نصف اول شب را در منی نبود واجب است

نصف دوم را در منی بماند، آیا کفاره ترك مبیت را نیز باید بدهد؟

ج - باید کفاره هم بدهد.

۸ - س - کسی که در شب یازدهم و دوازدهم باید در منی باشد یا در مسجد الحرام

مشغول عبادت گردد، در مسجد الحرام مشغول عبادت میشود، ولی در بین آن از خستگی

مرتب چرت مزند و بیدار میشود، وظیفه او چیست؟ و سؤال دیگر در این رابطه که اخیراً پشت بامی وسیع برای مسجد الحرام (زاده الله شرفاً) درست کرده‌اند، آیا شبهایی که

باید یا در منی بماند و یا در مسجد الحرام مشغول عبادت باشد، ماندن در آنجا و عبادت

کردن کافی است یا نه؟

ج - اگر به قدری خواب مرود که صدق نمکند که تمام شب مشغول به عبادت بوده کافی نیست و باید کفاره بدهد. و عبادت در هر جای مکه کافی است.

۹ - س - اینجانب شغلم حمله داری است، چندین سال قبل جایی را که یقین داشتم جزء منی است با حاجی ها بیتوته نموده ام و سالهای بعد فهمیدم و برایم یقین حاصل شد

جائی که سالهای قبل بیتوته نموده ایم خارج از منی است آیا کفاره بر این جانب و همه

حجاج واجب است یا نه؟ و در صورتی که کفاره واجب باشد، آیا کفاره حجاج بر
عهده
خودشان است یا بر عهده من؟ و آیا ابلاغ به حجاج واجب است یا نه و اگر بعضی
از آنان

مرده باشند یا دسترسی به آنان نباشد، تکلیف چیست؟

ج - کفاره ترك بيتوته خود شما واجب است، و کفاره دیگران بر شما واجب نیست، و لازم نیست به آنان اعلام نمائید، و اگر فهمیدند کفاره بر خود آنان واجب است،

ولی اگر اجرت عمل صحیح و عملی که انجام شده تفاوتی دارد نسبت به تفاوت باید رضایت حجاج تحصیل شود.

۱۰ - س - علامت گذاری حدود منی در سالهای قبل با علامت گذاری الآن که به وسیله حکومت انجام گرفته فرق میکند، و این جانب که شغلم حمله داری است و در سالهای قبل با حجاج در قطعه زمینی بیتوته کرده ایم که اگر تعیین فعلی حکومت صحیح باشد،

بیتوته ما در خارج از منی بوده، و اگر تعیین قبل صحیح باشد که ما یقین به آن داریم طبق علمیت قبلی و نظر پیروان اهل مکه بیتوته ما صحیح است، حال بنابر این که تعیین حکومت صحیح باشد، آیا تکلیف ما نسبت به بیتوته سالهای قبل چیست و در صورت وجوب کفاره، آیا ابلاغ به همه حجاج لازم است یا نه و آیا با توجه به این که در فرض مسأله بیتوته ترك نشده بلکه اشتباه در مصداق بوده است، نسبت به حجاج ضامن میباشم یا نه؟

ج - اگر در محلی بیتوته کرده اید که یقین به منی بودن آن داشته اید تا یقین پیدا نکنید که خارج منی بوده، قربانی لازم نیست، و در این صورت ابلاغ و اعلام لازم نیست.

۱۱ - س - آیا کسانی که عذر دارند از رمی در روز میتوانند شب دوازدهم برای روز دوازدهم رمی کنند و از منی به مکه بیایند و دیگر بر نگردند به منی یا باید صبر کنند و بعد از ظهر با مردم کوچ کنند؟

ج - میتوانند بعد از میت واجب، خارج شوند و لازم نیست صبر کنند.

۱۲ - س - قبلاً سؤال شده است که آیا کسانی که خوف مشقت دارند میتوانند شب دوازدهم رمی جمره نموده به مکه رفته و دیگر به منی برنگردند، و حضرت عالی جواب فرموده اید در صورت عذر اشکال ندارد، ولی قبل از نصف شب نباید بیرون بروند.

با توجه به مسأله فوق این سؤال مطرح میشود که آیا خدمه کاروانها نیز برای پذیرایی

از
این قبیل زائرین میتوانند به همراه آنان در شب رمی نموده و به مکه بروند و برای
وقوف
تا وقت شرعی روز دوازدهم دیگر به منی برنگردند؟
ج - وقوف در روز دوازدهم واجب نیست و آنچه واجب است کوچ نکردن قبل از

زوال است، اشخاص ذکر شده میتوانند بعد از نصف شب از منی بروند و روز دوازدهم برای رمی به منی برگردند ولو بعد از ظهر، و اگر قبل از ظهر آمدند بعد از ظهر بیرون بروند.

و رمی شب برای آنها کافی نیست.

۱۳ - س - حاجی شب دوازدهم بعد از نصف شب از منی خارج و به مکه سرود، روز بعد برای رمی به منی مآید، آیا لازم است که قبل از ظهر به منی بیاید یا چون وظیفه‌ای غیر از رمی ندارد بعد از ظهر هم میتواند بیاید؟
ج - لازم نیست قبل از ظهر به منی بیاید، هر چند اگر قبل از ظهر بیاید نمیتواند قبل از ظهر کوچ کند.

۱۴ - س - مدیر کاروانی زنها را قبل از ظهر دوازدهم، از منی خارج نمود، وظیفه آنان که از مسأله اطلاع نداشتند و یا اگر متوجه مسأله بودند نمیتوانستند بدون مدیر کاروان و همراهان در منی بمانند چیست؟
ج - با فرض این که عذر داشته‌اند مانع ندارد.

۱۵ - س - مقدار شب برای کسی که در مکه به جای بیتوته در منی به عبادت مشغول

میشود، چقدر است؟ از مغرب تا طلوع فجر است یا تا طلوع آفتاب؟
ج - تا طلوع فجر حساب میشود.

۱۶ - س - بعد از اعمال ثلاثه روز عید مسخوهد برای طوافها به مکه برود، ولی مداند که اگر به مکه برود سه ساعت از مبیت اول شب را درك نمکند، آیا برود یا نه و

اگر رفت کفاره دارد یا خیر؟

ج - رفتن از منی به مکه در فرض مرقوم مانع ندارد، ولی بری تأخیر باید کفاره بدهد.

فصل هفتم

در رمی جمرات سه گانه است
و در آن چند مسأله است:

مسأله ۱ - شبهائی که واجب است در منی بیتوته کند باید در روز آنها رمی جمرات سه گانه کند، یعنی سنگ ریزه بزند به سه محل که یکی را جمره اولی و یکی

را جمره وسطی و یکی را جمره عقبه گویند، ولی اگر عمدا همه آن را ترك کند به حج او ضرر نمرسند و صحیح است گر چه در صورت عمد معصیت کار است.

مسأله ۲ - اشخاصی که باید شب سیزدهم را در منی بمانند واجب است روز

سیزدهم

رمی جمرات کنند

مسأله ۳ - عدد سنگ ریزه که باید به جمره بزند برای هر يك در هر روزی باید

هفت

عدد باشد و کیفیت انداختن و شرایط و واجبات آن به همان نحو است که سابقا در جمره عقبی گفته شد.

مسأله ۴ - وقت انداختن سنگ از اول طلوع آفتاب تا غروب آفتاب روزی است که شب آن روز را بیتوته کرده است، و در شب جائز نیست بجا آورد.

مسأله ۵ - اگر کسی عذری داشته باشد از این که روز بجا آورد مثل شبان و مریض

و

علیل و کسی که ترس داشته باشد از چیزی مثل تراحم جمعیت، جائز است شب آن

روز

یا شب بعد انجام دهد.

مسأله ۶ - واجب است ترتیب در سنگ انداختن به این که اول به جمره اولی و بعد

از

آن به جمره وسطی و بعد از آن به جمره عقبه سنگ بیندازد.

مسأله ۷ - اگر به ترتیبی که گفته شد بجا نیاورد باید دو باره آنچه که بر خلاف

ترتیب

کرده بجا آورد بطوری که ترتیب حاصل شود، مثلاً اگر اول به جمره وسطی انداخت و

بعد به جمره اولی کفایت میکند که جمره وسطی را دوباره بجا آورد و بعد جمره عقبه

را و اعاده جمره اولی لازم نیست.

مسئله ۸ - در حکمی که در مسئله هفتم ذکر شد فرق نیست میان آن که از روی علم و

عمد خلاف ترتیب کند یا از روی سهو و نسیان یا از روی ندانستن مسئله، در هر صورت باید اعاده کند.

مسئله ۹ - اگر کسی چهار سنگ به جمره اولی بیندازد و آن را رها کند و مشغول جمره

بعدی بشود کافی است، و لازم نیست تمام هفت سنگ مقدم باشد پس میتواند چهار سنگ به جمره اولی بزند و بعد چهار سنگ به جمره وسطی و بعد مشغول جمره عقبه

شود، و به هر ترتیب میخواهد هفت سنگ جمره عقبه و سه سنگ آن دو تای دیگری

را بیندازد، لکن احتیاط واجب از برای کسی که از روی علم و عمد این کار را کرده

اعاده است.

مسئله ۱۰ - اگر کسی فراموش کند در یکی از روزها رمی کند واجب است روز بعد

آن را قضا کند، و اگر دو روز را فراموش کرد باید در روز بعد هر دو را قضا کند، و

همچنین است اگر از روی عمد ترك کرده باشد.

مسئله ۱۱ - واجب است قضا را مقدم بدارد بر اداء پس در روز یا زدم اگر بخواهد قضای روز عید را بجا بیاورد اول قضای عید را بجا آورد و بعد رمی روز یازدهم را که اداء است، و هم چنین باید قضای روز جلو را مقدم بدارد بر قضای روز بعد، پس

اگر در روز سیزدهم مثلاً بخواهد قضای روز عید و روز یازدهم و روز دوازدهم را بجا آورد باید به ترتیب از قضای روز عید شروع و به روز سیزدهم ختم کند که اداء است.

مسئله ۱۲ - چنانچه قضاء رمی جمرات سه گانه واجب است قضاء رمی بعض از آنها

هم اگر ترك شده باشد واجب است، پس اگر در روز یازدهم جمره اولی را رمی کرد

و دو تای دیگر را نکرد روز بعد باید آن را که نکرده اتیان کند و بعد تکلیف این
روز را
بجا آورد.

مسأله ۱۳ - اگر در روز بعد فهمید که جمرات روز قبل را به خلاف ترتیب انداخته باید

قضا کند بطوری که ترتیب حاصل شود و بعد وظیفه این روز را بجا آورد.

مسأله ۱۴ - اگر به هر يك از جمرات یا بعض آنها چهار سنگ انداخته باشد و در روز

بعد یادش بیاید احتیاط واجب آن است که بقیه روز قبل را قضا کند و بعد وظیفه روز

را بجا آورد.

مسأله ۱۵ - اگر کسی فراموش کند رمی جمرات سه گانه را و خارج شود از منی و به

مکه بیاید پس اگر در ایام تشریق یادش آمد باید برگردد و بجا آورد و اگر متمکن نیست باید نایب بگیرد، و اگر بعد از ایام تشریق یادش بیاید یا عمدا تعویق بیندازد تا بعد، احتیاط واجب آن است که خودش یا نایبش از مکه برگردد و بجا آورد، و در سال

دیگر هم در ایامی که فوت شده است خودش یا نایبش قضا کند.

مسأله ۱۶ - اگر فراموش کرد رمی جمرات را و یادش نیامد مگر بعد از خروج از مکه

احتیاط واجب آن است که در سال دیگر قضا کند آن را خودش یا نایبش.

مسأله ۱۷ - کسی که بعض از جمرات را فراموش کند حکمش همان است که در مسأله

۱۵ و ۱۶ ذکر شد، بلکه کسی که کمتر از هفت سنگ در تمام جمرات یا بعض آن انداخت همین حکم را دارد بنابر احتیاط واجب.

مسأله ۱۸ - کسی که عذری داشته باشد از انداختن سنگ مثل آن که مریض باشد یا طفل باشد که نتواند رمی کند یا علیل باشد مثل آن که دست یا پایش شکسته باشد یا از

شدت بحالی نتواند یا بیهوش باشد باید نایبش بجا آورد، و اگر از نایب گرفتن هم عاجز باشد مثل بیهوش و طفل كوچك، ولی او یا شخص دیگری از طرف او بجا آورد، و احتیاط واجب آن است که تا مأیوس نشده از این که خودش عمل کند نایب عمل نکند و بهتر آن است که اگر مشغول شخص معذور را ببرند و در حضور او رمی

کنند، و اگر مشغول سنگ را در دست او بگذارند و بیندازند.

مسأله ۱۹ - اگر بعد از آن که نایب عمل را بجا آورد عذر بر طرف شد آوردن خودش

لازم نیست اگر چه احوط است.
مسأله ۲۰ - اگر شخص مریض مایوس باشد از خوب شدن یا شخص معذور مایوس

(۲۴۷)

باشد از رفع عذر، واجب است که نایب بگیرد، و اگر مأیوس نیست میتواند نایب بگیرد، لکن اگر عذر رفع شد احتیاط آن است که خودش عمل کند.
مسئله ۲۱ - اگر دیگران مأیوس باشند از رفع عذر معذور، لازم نیست از او اذن بگیرند

اگر چه احوط است، و اگر نتواند اذن بدهد اذن معتبر نخواهد بود.
مسئله ۲۲ - اگر بعد از گذشتن روزی که واجب بوده در آن رمی کند شك کند که بجا

آورده یا نه اعتناء نکند.

مسئله ۲۳ - اگر بعد از انداختن شك کند که کیفیت آن صحیح بوده یا نه اعتناء نکند.

مسئله ۲۴ - اگر در وقتی که مشغول رمی جمره عقبه است شك کند که اولی را یا دومی

را یا هر دو را رمی کرده یا صحیح انجام داده یا نه اعتناء نکند.

مسئله ۲۵ - اگر در عدد شك کند که آیا هفت بوده یا کمتر قبل از آن که داخل شود در

رمی جمره بعدی باید آنچه محتمل است که کسر شده بیاورد تا یقین کند هفت عدد شده هر چند منصرف از عمل شده باشد و مشغول کارهای دیگر باشد بنابر احتیاط واجب.

مسئله ۲۶ - اگر بعد از گذشتن روزی که باید رمی کند یقین پیدا کند که یکی از سه

جمره را رمی نکرده ظاهراً جائز است اکتفاء به قضاء رمی جمره عقبه کند، و احتیاط آن است که هر سه را قضا کند.

مسئله ۲۷ - اگر بعد از آن که داخل در جمره بعدی شد شك کند در عدد قبلی پس اگر

بداند چهار سنگ از قبلی را انداخته و شك کند که بقیه را یا بعض از آنها را انداخته یا نه به احتیاط واجب بقیه را اتیان کند اگر چه بعد از اتیان جمره بعدی، و اگر در کمتر از چهار، شك داشته باشد تا مقدار چهار اعتناء نکند و سه سنگ دیگر را بزند.

مسئله ۲۸ - اگر بعد از انداختن به هر سه جمره یقین پیدا کند که يك سنگ یا دو سنگ

یا سه سنگ از یکی از سه جمره ناقص شده باید هر چه را احتمال کسری داده به هر يك از سه جمره بزند

مسئله ۲۹ - اگر بعد از انداختن سنگ به هر سه یقین کند که یکی از آنها را از

چهار

(۲۴۸)

کمتر انداخته بعید نیست جواز اکتفا به کسری جمره آخری، و احتیاط آنست که جمره

آخری را از سر بگیرد، و احتیاط بالاتر آنست که هر سه را از سر بگیرد.
مسأله ۳۰ - اگر بعد از گذشتن وقت هر سه روز یقین کند که یک روز را رمی نکرده و

نداند کدام روز است باید هر سه روز را قضا کند با مراعات ترتیب، گر چه به احتمالی

اکتفاء به قضاء روز آخر جائز است.

مسائل متفرقه رمی

مسأله ۱ - زنها و مراقبین آنها و افراد ضعیفی که مجازند بعد از نصف شب از مشعر الحرام به منی وارد شوند اگر از رمی در روز معذورند میتوانند شب رمی کنند بلکه

زننها مطلقاً مجازند همان شب رمی نمایند.

مسأله ۲ - در طبقه دوم جمرات رمی جایز است و لازم نیست در طبقه اول رمی نمایند.

مسأله ۳ - کسانی که عذر دارند از این که روز عید رمی کنند میتوانند شب قبل از آن یا

شب بعد از آن رمی کنند، و اگر از رمی روز یازدهم نیز معذورند میتوانند بعد از رمی به

جا روز عید، در شب یازدهم رمی روم یازدهم را هم انجام دهند.

۴ - س - کسانی که با عذر از رمی در روز میتوانند شب رمی کنند آیا لازم است شب رمی کنند یا میتوانند همان روز نایب بگیرند؟

ج - میتوانند نایب بگیرند.

۵ - س - چنانچه کسانی صبح روز دهم از رمی کردن معذور باشند ولی اطمینان دارند که بعد از ظهر خلوت است و قادر به رمی هستند، بفرمائید از صبح میتوانند نایب

بگیرند یا باید صبر کنند تا خلوت شود و رمی نمایند؟

ج - اگر میتوانند در روز رمی کنند، نمیتوانند نایب بگیرند.

۶ - س - آیا بدون عذر میتوان در شب رمی کرد یا کافی نیست و اگر در شب صحیح است آیا گناهی هم مرتکب شده است، و هم چنین تأخیر ذبح از روز عید قربان

هر چند صحیح است ولی آیا گناهی هم مرتکب شده است؟

ج - بدون عذر، رمی در شب واقع نمیشود، و اگر بدون عذر رمی در روز را ترك



(٢٤٩)

نماید گناه کرده است، و هم چنین معصیت نموده است علی الاحوط اگر ذبح را عمدا از

روز عید تأخیر بیندازد. هر چند ذبح صحیح است.

۷ - س - کسی که در رمی جمرات نایب شده، آیا میتواند شب رمی کند یا نه، و همچنین کسی که در اصل حج نایب باشد و از ابتداء مدانسته که نمیتواند رمی کند، یا

نمیتواند روز رمی کند، و یا در رمی در روز مسامحه و اهمال کند، حکمش چیست؟

ج - نایب باید اعمال اختیاری حج را انجام دهد، و اگر معذور باشد نمیتواند نایب شود، و کسی که در رمی نایب شده باید روز رمی کند، و مسامحه و اهمال موجب بطلان

نیابت نیست، هر چند در فرض سؤال جایز نیست.

۸ - س - شخصی که خود معذور است و نمیتواند رمی جمرات نماید، آیا میتواند شخص دیگری را که برای او هم رمی در روز مقدر نیست، نایب قرار دهد تا در شب رمی

نماید، و آیا در صورت بودن و یا نبودن شخص سومی که بتواند نایب شود و در روز رمی

نماید، حکم مسأله فرق دارد یا خیر؟

ج - در صورت امکان باید کسی را نایب بگیرد که در روز رمی نماید، و اگر ممکن

نباشد بنا بر احتیاط واجب روز بعد خودش قضا کند، و اگر در قضاء هم امکان مباشرت

نیست، نایب بگیرد.

۹ - س - در رمی جمرات اگر سنگریزه، اول به دیوار مجاور و بعد به جمره بخورد آیا کافی است، یا باید سنگریزه دیگر بزند؟

ج - ظاهراً کافی است.

۱۰ - س - شخصی وقت رمی جمرات شك کرد که چند سنگ زده‌ام، پس آن

مقدار را رها کرد و دوباره از اول شروع نمود، آیا رمی او اشکال دارد یا نه؟

ج - اشکال ندارد هر چند رها نمیشود.

۱۱ - س - این که فرموده اید کوچ کردن شب دهم و درك کردن وقوف اضطراری

مشعر و رمی در شب دهم برای زنان جایز است و نفس زن بودن عذر است، آیا با

این حال

زنان میتوانند نایب شوند؟

ج - متوانند نایب باشند.
۱۲ - س - در زمان قدیم که جمرات به صورت فعلی نبوده است و یقیناً بعداً بلند
تر

و قطورتر درست شده است، بنابراین در جمره عقبه چرا رمی کردن مخصوص به آن سنگ چین وسط دیوار سیمانی جایز نیست؟ و اگر جایز بدانید بفرمائید، زیرا که اکثر مردم در جمره عقبه اکتفاء به دیوار سیمانی دو طرف سنگ چین میکنند و خلاصه ملاک رمی در جمرات چیست؟

ج - دیوار سیمانی پشت جمره از جمره نیست، و رمی آن کافی نیست.

۱۳ - س - اگر مردی که میتواند در روز رمی نماید، برای رمی زنی نایب شود آیا میتواند رمی زن را در شب انجام دهد؟

ج - نمیتواند و باید رمی را در روز انجام دهد.

۱۴ - س - افرادی که معذورند از واجباتی که ترکش ولو عمدا مضر به حج نیست، مثل رمی جمرات در روز یازدهم و دوازدهم و مبيت به منی در شبهای یازدهم و دوازدهم، آیا

میتوانند اجیر شوند و نیابت کنند یا نمیتوانند؟

ج - ذوی الاعذار نمیتوانند نایب شوند، حتی اگر از مثل مذکورات عذر داشته باشند.

۱۵ - س - کسی که به نیابت دیگری رمی جمره میکند، آیا کافی است که اول برای

خودش هر جمره ای را رمی میکند و پس از آن به نیابت دیگران ولو ده نفر باشند يك جا رمی

کند، بعد جمره وسطی را هم همین طور و در پایان برای جمره عقبه نیز چنین کند، یا این که

باید اول هر سه جمره را برای خودش و بعد هر سه را برای دومی، و هم چنین نسبت به

دیگران رمی نماید؟

ج - هر دو صورت صحیح است.

۱۶ - س - کسی که نمیتواند در روز عید رمی کند، آیا میتواند قبل از رمی حلق نماید و روز دیگر رمی کند؟

ج - جایز نیست علی الاحوط.

۱۷ - س - آیا جمره عقبه را از هر طرف میتوان رمی نمود؟

ج - اگر به جمره بزند کافی است، ولی رمی دیوار کفایت نمیکند.

۱۸ - س - سنگریزه هائی که در مشعر موجود است و معلوم است که از خارج از مشعر

آورده اند، و معلوم نیست که آیا از حرام است یا از خارج از حرم، آیا میتوان از آنها برای



(۲۵۱)

رمی استفاده نمود؟

ج - اگر معلوم است که از خارج آورده اند، در مورد سؤال استفاده نکنند مگر آن که

طوری باشد که جزء مشعر محسوب شود.

۱۹ - س - شخصی رمی جمره عقبه را در روز عید غلط انجام داده است و در روز سیزدهم متوجه میشود، آیا بعد از قضای جمره عقبه، باید رمی روز یازدهم و دوازدهم را

نیز تکرار کند؟

ج - لازم نیست.

۲۰ - س - آیا زیاده از هفت رمی، مخل به رمی است؟

ج - اگر از اول قصد زیادتر از هفت داشته باشد صحیح نیست و باید رمی را اعاده کند، ولی اگر بعد از تمام شدن هفت سنگریزه که به قصد هفت بوده، اضافه زده ضرر ندارد.

۲۱ - س - کسی که نتوانسته ذبح کند، و حلق یا تقصیر نیز ننموده است، آیا میتواند رمی روز یازدهم را انجام دهد؟

ج - مانع ندارد.

۲۲ - س - زنی که احتمال بدهد رمی، باعث قاعدگی او میشود، آیا کافی است در رمی، نایب بگیرد؟

ج - اگر در اثر آن به مشقت مافتد، عذر محسوب میشود و می تواند نایب بگیرد.

۲۳ - س - آیا میشود که زنها را شب دهم بعد از نصف شب از مشعر به منی بیاورند و همان شب آنان را به جمره عقبه ببرند و رمی کنند و بعد به خیمه برگردانند و

نزدیک غروب روز یازدهم مجددا آنان را به جمرات ببرند، تا شب دوازدهم هم رمی روز

یازدهم را انجام دهند و هم رمی روز دوازدهم را، با توجه به ازدحام و خطرهای احتمالی؟

ج - برای زنها رمی جمره عقبه پس از وقوف به مشعر و آمدن به منی در همان شب عید قربان مانع ندارد، ولی رمی روز یازدهم و دوازدهم در صورتی برای آنان در شب صحیح است که از رمی روز معذور باشند.

۲۴ - س - اگر کسی مداند که يك روز رمی را ترك کرده است ولی نمیداند که روز دهم بوده یا یازدهم، یا دوازدهم، وظیفه اش چیست؟

ج - احوط آن است که رمی سه جمره را به ترتیب به قصد ما فی الذمه انجام دهد.

اگر چه در صورتی که شك بعد از روز دوازدهم باشد بیش از قضای رمی جمره عقبه واجب نیست.

۲۵ - س - شخصی در رمی جمرات چنین تصور مسکرده است که باید سنگریزه به خود سنگهای نصب شده جمرات بخورد، نه به ملات لای سنگها که بوسیله آن ملات

بند کشی شده است، لذا برای اطمینان که به خود سنگها بخورد، یازده سنگریزه انداخته و

هفت عدد از آنها را رمی صحیح محسوب داشته است، آیا این رمی صحیح است یا نه؟

ج - اگر مواردی را که شك داشته احتیاطا زده، مانع ندارد، و چنانچه شك نداشته و قصد زیاده هم نداشته است، صحیح است هر چند در این صورت احتیاط مطلوب است.

۲۶ - س - شخصی روز عید قربان برای رمی جمره عقبه رفته است و انجام داده ولی دو روز بعد را در اثر کسالت و کالت داده و روز سیزدهم خودش برای قضای رمی

جمرات رفته، ولی اول رمی جمره عقبه نموده بعدا برگشته از جمره اولی شروع کرده و

روز یازدهم و دوازدهم را يك مرتبه چهارده سنگ زده، هفت عدد برای روز یازدهم و هفت

عدد برای روز دوازدهم و جمره وسطی را همچنین دوازده سنگ زده و جمره عقبه را نیز

دوازده سنگ زده است، و الآن به ایران برگشته است، آیا وظیفه او چیست؟

ج - اگر کسالت داشته و معذور بوده و و کالت داده عمل او صحیح است، و نیاز به تکرار نداشته است، و در هر صورت تکرار به نحو مرقوم صحیح نیست.

مستحبات منی

بدان که برای حاجی مستحب است که روز یازدهم و دوازدهم و سیزدهم را در منی بماند، و حتی به جهت طواف مستحب از منی بیرون نرود، و تکبیر گفتن در منی بعد از

پانزده نماز و در غیر منی بعد از ده نماز که اول آنها نماز ظهر روز عید است مستحب

مباشد و بعضی آن را واجب دانسته‌اند و بهتر در کیفیت تکبیر آنست که بگوید:

" الله أكبر الله أكبر لا إله إلا الله والله أكبر الله أكبر و لله الحمد الله أكبر
على ما هدانا الله أكبر على ما رزقنا من بهيمة الانعام والحمد لله على

ما أبلانا."

(٢٥٣)

و مستحب است ما دامی که در منی اقامت دارد نمازهای واجب و مستحب را در مسجد خیف بجا آورد، و در حدیث است که صد رکعت نماز در مسجد خیف با عبادت هفتاد سال برابر است، و هر کس در آنجا صد مرتبه " سبحان الله " بگوید ثواب آن برابر ثواب بنده آزاد کردن است، و هر کس در آنجا صد مرتبه " لا إله إلا الله " بگوید ثواب آن برابر است با ثواب کسی که إحياء نفس کرده باشد و هر کس در آنجا صد مرتبه " الحمد لله " بگوید ثواب آن برابر است با ثواب خراج عراقین که در راه خدا تصدق نماید. مستحبات دیگر مکه معظمه آداب و مستحبات دیگر در مکه معظمه از این قرار است:

- ۱ - زیاد ذکر خدا نمودن و خواندن قرآن.
- ۲ - ختم نمودن قرآن.
- ۳ - خوردن از آب زمزم و بعد از خوردن این دعا را بخواند:
" اللهم اجعله علما نافعاً ورزقا واسعا و شفاء من كل داء وسقم " و نیز بگوید:
" بسم الله و بالله والشكر لله "
- ۴ - نظر نمودن به کعبه و بسیار تکرار کردن آن.
- ۵ - در هر شبانه روز ده مرتبه طواف نمودن، در اول شب سه طواف، و در آخر شب سه طواف، و پس از دخول صبح دو طواف، و بعد از ظهر دو طواف.
- ۶ - هنگام توقف در مکه به عدد آیام سال یعنی سیصد و شصت مرتبه طواف نماید و اگر این مقدار نشد پنجاه و دو مرتبه و اگر آن هم میسر نشد هر مقداری که بتواند.
- ۷ - به خانه کعبه داخل شود خصوصا کسی که سفر اول او است و مستحب است قبل از دخول غسل بنماید و در وقت داخل شدن بگوید:
" اللهم إنك قلت و من دخله كان امنا فآمني من عذاب النار "

پس دو رکعت نماز بین دو ستون بر سنگ قرمز بگذارد در رکعت اول بعد از حمد، " حم سجده " و در رکعت دوم بعد از حمد، پنجاه و پنج آیه از سایر جاهای قرآن بخواند.

۸ - دو رکعت نماز خواندن در هر يك از چهار زاویه کعبه و بعد از نماز این دعا را بخواند:

" اللهم من تهيأ أو تعبا أو أعد أو استعد لوفادة إلى مخلوق رجاء رفته و جائزته و نوافله و فواضله فاليك يا سيدي تهيتي و تعبتي و إعدادي و استعدادي رجاء رفدك و نوافلك و جائزتك، فلا تخيب اليوم رجائي يا من لا يخيب عليه سائل ولا ينقصه نائل فاني لم أتك اليوم به عمل صالح قدمته ولا شفاعة مخلوق رجوته ولكني أتيتك مقرا بالظلم و الاساءة على نفسي فانه لا حجة لي ولا عذر فأسألك يا من هو كذلك أن تصلي على محمد وآله و تعطيني مسألتي و تقلبني برغبتني و لا تردني مجبوها ممنوعا و لا خائبيا عظيم يا عظيم يا عظيم أرجوك للعظيم، أسألك يا عظيم أن تغفر لي الذنب العظيم لا إله إلا أنت "

و مستحب است هنگام خروج از کعبه سه مرتبه " الله اكبر " بگویند پس بگویند:
" اللهم لا تجهد بلاءنا ربنا و لا تشمت بنا أعداءنا فانك أنت الضار النافع "

بعدا پائین آمده و پله ها را دست چپ قرار داده کعبه را استقبال نماید و نزد پله ها دو رکعت نماز بخواند.

استحباب عمره مفرده
بدان که بعد از فراغ از اعمال حج در صورتی که میسور باشد مستحب است عمره مفرده بجا آورده شود و در اعتبار فاصله بین این عمره و عمره سابق خلاف است و احتیاط در این است که در فصل کمتر از یک ماه به قصد رجاء بجا بیآورد و کیفیت این عمره در صورت حج افراد و عمره مفرده ذکر شد.

طواف وداع
بدان که برای کسی که میخواهد از مکه بیرون رود مستحب است طواف وداع نماید، و در هر شوطی حجر الاسود و رکن یمانی را در صورت امکان استلام نماید و چون به مستجار رسد مستحباتی که قبلا برای آن مکان ذکر شد بجا آورد و آنچه خواهد دعا نماید بعدا حجر الاسود را استلام نموده و شکم خود را به خانه کعبه بچسباند
يك دست را بر حجر و دست دیگر را به طرف درب گذاشته و حمد و ثنای إلهی نماید و

صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد و این دعاء را بخواند:
" اللَّهُم صل على محمد عبدك ورسولك ونبيك وامينك
وحبيبك ونجيك وخيرتك من خلفك، اللَّهُم كما بلغ رسالاتك
وجاهد في سبيلك وصدع بأمرك وأوذني في جنبك وعبدك حتى
أتاه اليقين، اللَّهُم ألقبني مفلحا منجحا مستجابا بأفضل ما يرجع به
أحد من وفدك من المغفرة والبركة والرحمة والرضوان والعافية ".
و مستحب است وقت بیرون آمدن از باب حناطین که مقابل رکن شامی است بیرون رود و از خداوند متعال توفیق مراجعت را بطلبد و وقت بیرون رفتن يك درهم خرما خریده و آن را بر فقراء تصدق نماید.

مسائل متفرقه

مسأله ۱ - در وقتی که در " مسجد الحرام " یا " مسجد النبی " نماز جماعت منعقد شد،

مؤمنین نباید از آنجا خارج شوند و باید از جماعت تخلف نکنند و با سایر مسلمین به

جماعت نماز بخوانند.

مسأله ۲ - سجده نمودن بر تمام اقسام سنگها چه مرمر باشد یا سنگهای سیاه معدنی یا

سنگ گچ و آهک قبل از آن که پخته شود، جایز است. و سنگ هائی که در " مسجد الحرام "

از این قبیل است سجده بر آنها اشکال ندارد و همین طور در " مسجد رسول الله صلی الله

علیه وآله و سلم.

مسأله ۳ - در " مکه " و " مدینه " در مسافرخانه و هتل نباید نماز را به جماعت بخوانند و

متوانند در جماعت سایر مسلمین در مساجد شرکت کنند و نماز را به جماعت بخوانند.

مسأله ۴ - نخیر بین قصر و اتمام در مکه و مدینه اختصاص به مسجد الحرام و مسجد النبی دارد و در تمام مکه و مدینه جاری نیست بلی اختصاص به مسجد اصلی ندارد و در جاهای توسعه داده شده مسجد هم جاری است هر چند احتیاط اقتضای بر مسجد اصلی است پس در تمام مسجد فعلی مسافر میتواند نماز را تمام بخواند همان طور که میتواند شکسته بخواند.

مسأله ۵ - در تقصیر هائی که در عمره تمتع کرده است احتیاط واجب آن است که گوسفند یا غیر آن را در مکه سر ببرد، و اگر در حج تقصیر کرد در منی سر ببرد، و اگر

ترك کرد آن را و برگشت به محل خود، در محل خود بکشد و صدقه بدهد.

مسأله ۶ - کسی که در میقات یا محاذی آن یا جای دیگری که تکلیف اقتضاء مکرر

محرم شد نمیتواند احرام خود را به هم بزند و محل شود برای رفتن به مدینه منوره یا

برای مقصد دیگری، و اگر لباس احرام را هم بکند و قصد بیرون آمدن از احرام را بکند احرامش به هم نمخورد، و آنچه بواسطه احرام بر او حرام شده حلال نمیشود،

و اگر کاری که موجب کفاره است بجا آورد باید کفاره بدهد.

مسئله ۷ - اگر بواسطه عذری مثل مرض نتواند لباس دوخته خود را بکند و لباس احرام بپوشد باید در میقات یا محاذات آن نیت عمره و یا حج کند و لبیک بگوید، و کافی است، و هر وقت عذرش بر طرف شد جامه دوخته را بکند، و اگر لباس احرام نپوشیده بپوشد، و لازم نیست به میقات برگردد، ولی برای پوشیدن لباس دوخته باید یک گوسفند قربانی کند.

مسئله ۸ - کسی که از روی ندانستن مسئله یا نسیان از حکم یا موضوع یا غفلت، بعضی

از محرّمات احرام را ارتکاب نمود کفاره ندارد مگر صید که در هر صورت کفاره دارد، پس در غیر صید ارتکاب از روی عمد و علم موجب کفاره است.

مسئله ۹ - عمره تمتع و حج تمتع باید در یک سال واقع شوند، پس اگر در یک سال عمره تمتع بجا آورد و در سال دیگر حج تمتع صحیح نمیشود.

مسئله ۱۰ - کسی که وظیفه اش حج تمتع است باید در حالی که میخواهد احرام عمره

ببندد نیت آن داشته باشد که عمره تمتع کند و بعد از آن حج تمتع اگر چه به نیت ارتکازی اجمالی، پس اگر نیت عمره مفرده بکند و بعد بخواهد آن را عمره تمتع قرار

دهد حج او اشکال پیدا میکند.

مسئله ۱۱ - اگر بعد از مشغول شدن به حج تمتع شك کند که عمره تمتع را بجا آورده

یا نه یا شك کند که صحیح بجا آورده یا نه اعتناء نکند و عملش صحیح است.

مسئله ۱۲ - در هر يك از اعمال عمره و حج اگر شك کند بعد از آن که وارد عملی

شده باشد که مترتب بر او است اعتناء نکند، چه شك کند که آورده یا نه، یا شك کند

که صحیح آورده یا فاسد.

مسئله ۱۳ - باید عمره تمتع و حج تمتع هر دو در ماههای حج واقع شود، و ماههای حج، شوال و ذی القعدة و ذی الحجه است. پس اگر کسی در شوال یا ذی القعدة

عمره

تمتع بجا آورد و در موقع حج، حج تمتع بجا آورد صحیح است، و اگر قبل از شوال



(۲۵۸)

بخواهد عمره تمتع بجا آورد صحیح نیست اگر چه بعض اعمال عمره قبل از شوال واقع شود و بقیه در شوال یا سایر ماه‌های حج.
مسئله ۱۴ - کسی که به احرام عمره تمتع وارد مکه شد در صورتی که حج او فوت شده

قصد عمره مفرده کند، و به همان احرامی که بسته، عمره مفرده بجا آورد و از احرام خارج شود، و اگر حج بر او مستقر بوده یا سال دیگر شرایط استطاعت را دارا باشد باید به حج برود.

مسئله ۱۵ - شرایطی که برای هدی است که در حج تمتع باید ذبح کند هیچ یک در حیوانی که برای کفاره تقصیر باید قربانی کند معتبر نیست پس متواند گوسفند خصی و معیوب را برای کفاره قربانی کند.

مسئله ۱۶ - غیر از هدی تمتع از هدی هائی که برای کفاره یا چیز دیگر بر انسان واجب مشود نمیتواند شخص کفاره دهنده از گوشت آنها بخورد، و اما از قربانی استحبابی، جایز است بخورد.

مسئله ۱۷ - مصرف کفارات، فقراء و مساکین هستند.

مسئله ۱۸ - اگر در حرم چیزی پیدا کرد برداشتن آن کراهت شدید دارد، بلکه احتیاط

در برداشتن است.

مسئله ۱۹ - اگر (لقطه) حرم را برداشت و از یک درهم کمتر باشد میتواند قصد تملك آن را بکند و آن را مصرف کند، و ضامن صاحبش نیست، و چنانچه تملك نکرد

و تفریط نکرد ضامن نیست، ولی اگر بدون تملك نگاه داشت و در نگاهداری کوتاهی و تفریط کرد ضامن است، و اگر قصد تملك کرد و صاحبش قبل از تلف شدن پیدا شد باید آن را به صاحبش رد کند به احتیاط واجب.

مسئله ۲۰ - اگر لقطه را که در حرم برداشت یک درهم یا بیشتر ارزش داشت باید یک سال تعریف کند و از صاحبش جستجو کند، پس اگر نیافت او را بعد از یک سال، مخیر است بین دو امر: یکی آن که آن را برای صاحبش حفظ کند، در این صورت

اگر در نگاهداری کوتاهی نکرد ضامن نیست در صورت تلف. دوم آن که برای صاحبش صدقه بدهد، لکن اگر صاحبش پیدا شد و راضی به صدقه نشد باید عوضش

را به او بدهد، و جائز نیست آن را تملك کند، و اگر تملك کند مالك نمیشود و ضامن هم میشود.

مسأله ۲۱ - کسی که بعد از محرم شدن نتوانسته باشد وظیفه ای انجام دهد که محل شود

اگر مصدود یا محصور است باید بوظیفه آنها که در آخر مناسك ذکر شده عمل نماید و

اگر مصدود یا محصور نیست در بعض موارد با انجام عمره مفرده میتواند محل شود.

مسأله ۲۲ - در مسجد النبی - صلی الله علیه و آله - سجده کردن روی فرشهای مسجد مانع ندارد و مهر گذاشتن جایز نیست، و لازم نیست در جائی که سنگ است نماز

بخوانند، و لازم نیست حصیر یا نحو آن با خود ببرند، ولی اگر مراعات کنند که موجب

وهن نشود و حصیر برای جا نماز با خود داشته باشند و روی آن نماز بخوانند به طوری که

متعارف سایر مسلمین است اشکال ندارد، لکن تأیید میشود که از عملی که موجب هتك

و انگشت نما شدن باشد اجتناب نمایند.

۲۳ - س - در مسجد النبی - صلی الله علیه و آله - بعد از اتمام نماز جماعت، آیا میتوان روی فرشهای مسجد سجده نمود و یا این که باید برود در جائی که سنگ فرش

است و بر سنگ نماز بخواند؟

ج - لازم نیست بجای دیگر که سنگ مفروش است برود.

۲۴ - س - کسی که نماز را در مسجد الحرام به نحو استداره خوانده است، به طوری که رو در روی امام جماعت و یا طرفین او ایستاده بوده است، آیا این نماز احتیاج

به اعاده دارد؟

ج - با وضع فعلی نیاز به اعاده ندارد.

۲۵ - س - در صورتی که شخص نماز گزار وارد یکی از مساجد مدینه منوره و یا مکه معظمه شد و مشاهده کرد که جماعت خاتمه یافته است، ولی نماز گزاران در مسجد

هستند، آیا میتواند نماز را فرادی بر طبق شرایط موجود بجای آورد یا باید بیاید مسافرخانه و یا هتل و نمازش را با چیزی که سجده بر آن صحیح است انجام دهد؟
ج - میتواند در همانجا و بر طبق نماز آنان بجا آورد.

۲۶ - س - حصیرهائی که در حجاز مورد استفاده حجاج ایرانی و غیر ایرانی واقع
میشود سجده بر آن جایز است یا خیر، با ملاحظه این که حصیر مزبور با نخ مخلوط
است؟

(۲۶۰)

ج - اگر عرفا روی حصیر سجده مشهود مانع ندارد.
۲۷ - س - اگر انجام نماز به کیفیتی باشد که معلوم نیست موافق نظر اهل سنت باشد، مانند سجده بر پشت نمازگزاران صف جلو، و عدم رعایت اتصال و... آیا نماز در

این گونه موارد باید اعاده شود؟

ج - اعاده دارد.

۲۸ - س - آیا حائض و جنب میتوانند از مقدار توسعه یافته مسجد الحرام و مسجد النبی - صلی الله علیه و آله - عبور کنند یا خیر؟
ج - نمیتوانند.

۲۹ - س - کسانی که برای شرکت در نماز مغرب در مکه و مدینه وارد مساجد میشوند و نمازهای خود را با جماعت میخوانند، آیا جایز است بلافاصله بعد از نماز جماعت نماز عشاء را بخوانند یا نه؟
ج - مانع ندارد، و اگر وقت نشده باید صبر کنند.

۳۰ - س - کسی خیال میکرد که بر سنگهای فرش شده در مسجد الحرام - زاده الله شرفا - سجده صحیح نیست و بر پشت دست سجده مکرده است، آیا نمازهایی که به

این نحو خوانده چه حکمی دارد؟

ج - صحیح نیست، مگر جاهل قاصر باشد.

۳۱ - س - در لیالی مقمره در مکه کسانی که نماز صبح را به جماعت با سایر مسلمین میخوانند، آیا باید بعد از روشن شدن هم دوباره بخوانند، یا همان نماز که به جماعت خوانده اند، کافی است؟

ج - در فرض مرقوم، جماعت صحیح است و اعاده ندارد.

۳۲ - س - کسی که قصد کرده است که تا پایان روز ترویبه (هشتم ذی الحجه) در مکه اقامت نماید، به تصور این که از آغاز ورودش به مکه تا روز ترویبه ده روز است و بر

این اساس، چند روز نماز را تمام خواند، بعد خلاف آن ثابت گردید و معلوم شد ده روز

نبوده است، وظیفه او در نماز چیست؟ آیا تمام است یا قصر؟

ج - اگر واقع ده روز را قصد کرده و بعد خلاف آن معلوم شده است، مثل این که یقین

داشت که ماه سی روز است و روز ترویبه مثلاً سه شنبه است، بعد معلوم شد ماه ۲۹ است

(۲۶)

است و روز ترویبه دوشنبه است، باید نماز را تمام بخواند، و اگر واقع آن را قصد ندارد
و فقط خیال میکند که ده روز ممانند، مثل این که مداند ماه ۲۹ روز ترویبه دوشنبه
است
ولی در حساب اشتباه کرده و خیال میکند تا آن روز ده روز است در حالی که واقعا
نیست،
باید بعد از کشف خلاف نمازها را جمع بخواند علی الاحوط، و آنچه تمام خوانده
را نیز
قصرا قضا نماید.

۳۳ - س - شخصی مقلد هیچ يك از فقها نبوده، مثلا ده سال، حالا میخواهد تقلید
کند، در این ده سال مکه هم رفته است، آیا عبادتهای او مثل نماز و روزه و حجش
صحیح
است یا نه؟

ج - اگر اعمالش مطابق فتوای کسی که باید از او تقلید کند باشد صحیح است.
۳۴ - س - قرآن هائی که در مسجد الحرام است، بر بعضی نوشته شده که وقف
است،

ولی بر بعضی دیگر نوشته نشده است، شایع است آنها که کلمه وقف و یا عبارت
دیگری که

مفهم وقف بودن باشد ندارد جائز است بردارند و چنین کاری احیانا شده است،
بفرمائید

جایز است یا نه؟

ج - برداشتن آنها بدون این که از متصدی ذیربط بگیرند، جایز نیست و باید
برگردانده شود.

۳۵ - س - آیا مقداری از سنگ صفا و مروه، یا از مشعر را میشود با خود آورد یا
نه؟

ج - از صفا و مروه جایز نیست، و از مشعر مانع ندارد.

۳۶ - س - نیت تیمم از حدث اکبر در مسجدین چیست؟

ج - اگر در مسجد جنب شده باید فوراً خارج شود و برای خروج از مسجد تیمم
بدل

از غسل جنابت کند، و با این التفات اگر تیمم کند صحیح و با نیت است.

۳۷ - س - در تطهیر مسجد الحرام به نحوی که عین نجاست را بر طرف میکنند و
بعد با ظرف آب مریزند و میشوند و از هر طرف با آب قلیل شسته میشود، انسان به
نجاست تمام مسجد علم عادی پیدا میکند، آیا جواز سجده بر آن سنگها از باب

عسر و
حرج است یا جهت دیگر؟
ج - علم پیدا نمشود، و با فرض شك نباید اعتناء شود.

۳۸ - س - شخصی بدون این که خمس مال خود را پردازد به حج رفته است و الآن

منخواهد پردازد، آیا حج او صحیح است یا خیر؟

ج - اگر لباس احرام و قربانی با پول غیر محسوس نبوده، عمل او اشکال ندارد، و در غیر این صورت تفصیلاتی دارد که به رساله مراجعه شود.

۳۹ - س - اینجانب که تحت تکفل پدرم هستم اگر خدا بخواهد سال آینده به اتفاق مادرم به زیارت خانه خدا مشرف خواهم شد، لازم به یاد آوری است که هزینه این

سفر را از پول هائی که پدرم طی هفت یا هشت سال به عنوان هفتگی و یا پولی که برای

پس انداز به ما داده پرداخته ایم، قابل ذکر است که پدرم تا این تاریخ هیچ گونه وجهی

به عنوان خمس پرداخته است، خواهشمندم مرقوم بفرمائید که حج ما با این پول چه صورتی پیدا میکند؟

ج - اگر یقین به وجود خمس در پول مزبور ندارید حج اشکال ندارد، و اگر یقین به وجود خمس در مال دارید لازم است احرام و قربانی را از مال حلال یقینی تهیه نمائید.

۴۰ - س - فرموده اید اگر از طرف قاضی مکه حکم شد که فلان روز عید است و ما

یقین به خلاف نداشته باشیم متابعت آنان جایز است، آیا اگر در همین فرض بتوان احتیاط

کرد و وقوف عرفات و مشعر و اعمال منی را بدون محذور انجام داد تا متابعت قطعی واقع

شود، آیا این کار لازم است یا نه؟

ج - باید تبعیت کنند ولو با علم به خلاف.

۴۱ - س - آیا شخص فقیر میتواند گوشت کفاره تقصیر خود را به مصرف فقرائی که نانخور او هستند برساند؟

ج - برای کسانی که نفقه آنان بر او واجب است نمیشود صرف نمود.

۴۲ - س - کفاراتی که در احرام عمره تمتع بر گردن انسان مآید، در مکه معلوم است که فقیر مؤمن نیست، آیا باید صبر کند تا در محل، ذبح کند و به فقیر بدهد و این تأخیر

عمدی مانع ندارد؟

ج - تأخیر عمدی خلاف احتیاط است، و در هر صورت ذبح در محل و دادن به

فقرا

کفایت میکند.

۴۳ - س - اگر شخصی در مکه یا مدینه پول سعودی پیدا کند که نمودار متعلق به

ایرانی است یا غیر ایرانی، وظیفه او چیست؟

ج - با یأس از پیدا شدن صاحبش از طرف او به فقیر صدقه بدهد علی الاحوط.
۴۴ - س - زنی به همراه شوهرش در روز یازدهم جهت رمی به طرف جمرات حرکت میکند که بر اثر شدت گرمی هوا و کثرت جمعیت شوهر خود را گم میکند، حالت

اضطراب و شوکه شدن به او دست میدهد و به زمین مافتد، مأمورین او را به بیمارستان

منتقل میکنند، بعد از چهار روز تفحص و جستجوی زیاد در بیمارستان پیدا میشود که قادر

به سخن گفتن نبوده و حتی قادر به انجام بقیه اعمال حج نمیشد و در فاصله این مدت

همراهان او شوهرش را تکلیف میکنند که به نیابت از خانواده خودش بقیه اعمال او را

انجام دهد، آنچه مسلم است این بوده که شوهر در حال ناراحتی و اضطراب و حواس پرتی

بوده، ولی از او که سؤال میشود اعمال نیابتی را انجام دادید یا نه جواب میدهد بلی انجام

دادم، پس از مراجعت از حج شوهرش قسم جلاله یاد میکند که من حالم بجا نبوده، و اعمال

نیابتی را انجام ندادم و اظهار میکند که اجتماع ما با هم حرام است، آیا حج صحیح است یا

نه؟ و در صورت عدم صحت آیا با نیابت کفایت می کند یا این که لازم است خودش بقیه

اعمال حج را انجام دهد و قربانی که به واسطه عدم بیتوته در منی میباشد، آیا در محل

خودش ذبح کند کافی است و یا باید به منی فرستاده شود؟

ج - اگر اعمال روز عید را انجام داده و اعمال مکه را انجام نداده در صورتی که میتواند خودش به مکه برود یا خودش آنها را انجام دهد، و اگر معذور است نایب بگیرد،

و قربانی مورد سؤال در محل خودش هم صحیح است، و لازم نیست به منی فرستاده شود،

و رمی ایامی که انجام نشده، سال بعد باید قضا شود، و اگر خودش نمیتواند برود، نیابت

کافی است.

۴۵ - س - شخصی در سال ۱۳۶۱ به حج مشرف مشود و در مغرب روز نهم ذیحجه با وانت کارگری بدون توقف در مشعر الحرام به منی رفته، و در خارج منی به دست غیر مؤمن قربانی کرده، در خارج منی سر تراشیده است، تکلیف این شخص چیست، آیا

میتواند به نیت دیگری یا برای خودش به حج مشرف شود؟
ج - بنا بر احتیاط واجب باید قربانی و سر تراشی و اعمال مکه را اعاده کند و عمره مفردهای هم بجا آورد و دو مرتبه اصل حج را هم انجام دهد و تا سر تراشی و اعمال بعد از

آن انجام نگرفته و عمره مفرده را انجام نداده، باقی بر احرام است.
۴۶ - س - آیا در عرفات و منی و مشعر و بعد از مراجعت از اماکن مزبور در صورتی که مسافت شرعی محقق نشود وظیفه حجاجی که قبلا در مکه معظمه قصد اقامت

کرده‌اند از حیث قصر و اتمام چیست؟

ج - در فرض مذکور تمام است.

۴۷ - س - بعضی از حجاج در مکه قصد اقامه کرده‌اند، چه بطن مکه یا محلات آن

مثل شیشه و ریع الذاهر یا مسفله یا حجون، اگر یقین داشته باشند که تا عرفات چهار فرسخ

است، نماز را قصر و اگر شك داشته باشند در مسافت شرعی نماز را تمام میخوانند بفرمائید در مراجعت از عرفات و منی، تکلیف آنان از نظر قصر و اتمام چیست با توجه به

این که توقف آنان در مکه يك روز یا سه روز یا نه روز است و باید به ایران یا مدینه حرکت کنند؟

ج - در صورت عدم مسافت شرعی یا شك در آن که در نماز باقی بر تمام هستند، اگر

از عرفات که به مکه برگردند، از جهت این که محل اقامه است میروند و بعد از مکه

قصد مسافرت میکنند، در بازگشت به مکه و در خود مکه هم نمازشان تمام است.

۴۸ - س - اگر موقوف دو روز اختلاف داشته باشد، وظیفه چیست؟

ج - فرقی بین يك روز اختلاف و دو روز در حکم مسأله نیست.

۴۹ - س - در مواردی که فرموده‌اید: اگر مشقت یا حرج داشته باشد... بفرمائید منظور از مشقت و حرج شخصی است یا نوعی؟

ج - باید خصوص مسأله ملاحظه شود، و اگر حکم دائر مدار حرج و مشقت باشد، شخصی آن منظور است.

۵۰ - س - حاجی تمام اعمال عمره و حج را انجام داده و بعد فهمید وضویش باطل بوده است، آیا با تدارك طوافها و نماز، حج او صحیح است یا نه و بر فرض فساد، چگونه

از احرام خارج شود، و وظیفه او چیست؟

ج - بلی با تدارك طوافها و نماز، حج او صحیح است.

۵۱ - س - اگر شخصی مبلغی ارز به فردی بدهد که عوض آن را - به قیمت دولتی

یا
ازاد - پول ایرانی بگیرد، چه حکمی دارد؟.

(۲۶۵)

ج - در تبدیل پول باید با هم تراضی نمایند. و خلاف مقررات هم نباشد.
مسأله ۵۲ - پیشاهنگانی که میخواهند بدون احرام در عرفات و منی باشند و
نمیتوانند در

آنجا با احرام باشند، میتوانند برای ورود به مکه، عمره مفرده انجام دهند و برای حج
محرم

نشوند، ولی کسی که مستطیع است نباید این کار را قبول کند و باید عمره و حج
تمتع بجا

آورد، و در هر صورت اگر محرم شد و با لباس مخیط بود حج او صحیح است و
باید كفاره
بدهد.

۵۳ - س - شخصی بعد از احرام عمره تمتع دیوانه شده است، دوستان او بدون
اجازه برای او نایب مگیرند و یا تبرعا باقی اعمال او را انجام میدهند، آیا این اعمال
برای شخص اول مجزی است و از احرام خارج میشود یا نه و اگر پولی خرج شد،
آیا

میشود از ولی کسی که دیوانه شده گرفت یا نه؟

ج - نیابت مزبور کفایت نمیکند، و شخص اول همچنان در احرام باقی است، و
پولی که خرج شده از مال کسی است که خرج کرده است و نمی تواند به دیگری
رجوع

کند مگر آن که مغرور شده باشد.

۵۴ - س - آیا عمره و حج به واسطه جماع، یا ترك طواف، یا ترك احد الموقوفین،
فاسد میشود یا نه؟ و بر فرض فساد، چگونه باید از او احرام خارج شود؟

ج - تفصیل موارد فساد به واسطه امور ذکر شده، در مناسک موجود است، و جماع
در عمره تمتع مفسد نیست، و چنانچه در حج فساد به واسطه جماع باشد، باید عمل
حج را

تمام کند گرچه حج فاسد است، و با اتمام حج از احرام خارج میشود، ولی در
موارد دیگر،

اگر فساد به ترك وقوف باشد، باید به همان احرام حج، عمره مفرده بجا آورد و محل
شود،

و حکم ترك طواف در عمره تمتع، در مناسک مفصلا بیان شده است، و ترك طواف
در

حج صوری دارد که بعض آنها در مناسک ذکر شده است.

۵۵ - س - کسی که حج او به واسطه ترك وقوفین فاسد شده و باقی اعمال را بجا
آورده و بدون عمره مفرده به ایران آمده است، تکلیف فعلی و آینده این محرم

چیست؟

ج - به احرام باقی است، و می تواند برای خروج از احرام عمره مفرده انجام دهد.
۵۶ - س - آیا قصد ابطال عمره یا حج و یا بعض اجزاء آن، مبطل است یا نه؟
ج - قصد ابطال، مبطل نیست.

۵۷ - س - آیا مصرف کنسروهای گوشت و ماهی خارجی که در بازار مسلمین به فروش میرسد، جایز است یا نه؟
ج - اگر ندانند از کجا وارد شده یا بدانند که از بلاد مسلمین است مانع ندارد، و اگر بدانند از بلاد کفر وارد میشود، در صورتی محکوم به حلّیت است که وارد کننده مسلمان باشد و احتمال بدهند که احراز تذکّیه آن را کرده و در دسترس مسلمین قرار داده است.

در حکم محصور و مصدود است

مسئله ۱ - مصدود عبارت است از کسی که دشمن او را منع کند از عمره یا حج به تفصیلی که مآید. و محصور آنست که بواسطه مرض ممنوع شود از عمره یا حج.

مسئله ۲ - کسی که محرم شد به احرام عمره یا احرام حج، واجب است عمره و حج را

تمام کند و اگر نکند به احرام باقی خواهد ماند.

مسئله ۳ - اگر کسی احرام عمره را بست و بعد از آن دشمنی یا کسی دیگر از قبیل عمال دولت یا غیر آنها او را منع کنند و از رفتن مکه، و راه دیگری نباشد جز آن راهی

که ممنوع است یا اگر باشد مؤونه آن را نداشته باشد میتواند در همان محل که ممنوع

شده يك شتر یا يك گاو یا يك گوسفند قربانی کند و از احرام خارج شود، و احتیاط واجب آنست که به نیت تحلیل قربانی کند، و به احتیاط واجب قدری از مو یا

ناخن خود را بگیرد، و در این صورت بر او همه چیز حلال میشود حتی زن.

مسئله ۴ - اگر کسی به احرام عمره وارد مکه شد و دشمن یا کسی دیگر او را از بجا

آوردن اعمال عمره منع کرد همان حکم مسئله پیش را دارد، بلکه بعید نیست که اگر از

طواف یا سعی نیز منع کند همین حکم را داشته باشد.

مسئله ۵ - کسی را که بواسطه بدهکاری که ندارد بدهد، حبس کنند یا به ظلم حبس کنند

حکم سابق را دارد.

مسئله ۶ - اگر بعد از احرام برای رفتن به مکه یا اجازه بجا آوردن اعمال، پولی مطالبه

کنند پس اگر داشته باشد باید بدهد، مگر آن که حرجی باشد، و اگر نداشته باشد یا حرجی باشد ظاهراً حکم مصدود را داشته باشد.

مسئله ۷ - اگر از يك طریق مصدود شد و راه دیگری هست که باز است و مخارج

رفتن از آن راه را دارد به احرام باقی بماند و از آن راه برود، و اگر از آن راه رفت و حج او فوت شد باید عمره مفرده بجا آورد و از احرام خارج شود.
مسئله ۸ - اگر شخص مصدود خوف آن داشته باشد که اگر از راه دیگر برود به

حج

نمیرسد نمیتواند عمل شخص مصدود را بکند و محل شود، بلکه باید به راه ادامه دهد

و صبر کند تا فوت محقق شود و با عمره مفرده متحلل شود.

مسئله ۹ - تحقق پیدا میکند مصدود بودن در حج به این که به هیچ يك از وقوف اختیاری

و اضطراری عرفه و مشعر نرسد، بلکه تحقق پیدا میکند اگر نرسد به چیزی که به فوت

آن، حج فوت میشود هر چند از روی علم و عمد نباشد، و صور آن سابق ذکر شد، بلکه

ظاهراً تحقق پیدا کند به این که بعد از وقوفین منع کنند او را از منی و مکه و نتواند نایب بگیرد، بلکه اگر منع کنند از اعمال منی یا اعمال مکه با عدم امکان نایب، بلی در

صورتی که تمام اعمال را بجا آورد و منع نمودند از برگشتن به منی برای بیتوته و اعمال ایام تشریق، مصدود بودن تحقق پیدا نمیکند، و حج او صحیح است، و باید نایب بگیرد برای اعمال در این سال، و اگر نشد سال دیگر.

مسئله ۱۰ - کسی که مصدود شد از آمدن به مکه یا از اتمام اعمال یا از بجا آوردن اعمالی که به ترك آنها حتی به غیر عمد حج باطل میشود و به دستوری که گفته شد از

احرام خارج شد، اگر حج بر او مستقر شده بوده یا آن که در سال دیگر مستطیع است و

حج واجب را بجا نیاورده باید بعد از رفع منع دوباره به حج برود و اعمالی که نموده کافی از حجة الاسلام نیست.

مسئله ۱۱ - کسی که مصدود است اگر امید بر طرف شدن مانع را داشته باشد بلکه گمان آن را هم داشته باشد میتواند بدستوری که گفته شد از احرام خارج شود.

مسئله ۱۲ - کسی که احرام عمره بست و بواسطه مرض نتوانست برود به مکه اگر بخواهد محل شود باید هدی کند، و به احتیاط واجب هدی یا پول آن را بفرستد بوسیله

امینی به مکه و با او قرار داد کند که در چه روز و چه ساعتی آن را در مکه ذبح کند و

وقتی که روز و ساعت موعود رسید تقصیر کند، پس از آن هر چه بر او حرام شده بود حلال میشود مگر زن، و احتیاط آن است که در ذبح، قصد تحلیل منوب عنه کند.

مسأله ۱۳ - کسی که احرام حج بست و بواسطه مرض نتوانست برود برای عرفات و مشعر، باید هدی کند، و به احتیاط واجب هدی یا پول آن را باید بفرستد به منی که در آنجا ذبح کنند و مواعده کنند که روز عید ذبح شود و در آن وقت تقصیر کند، پس هر چه بر او حرام شده بود حلال میشود مگر زن.

مسأله ۱۴ - کسی که حج واجب به عهده او است و بواسطه مرض، محصور شد زن بر او حلال نمیشود مگر آن که خودش بیاید و اعمال حج را بجا بیاورد و طواف نساء بکند، ولی اگر عاجز شد از آمدن، بعید نیست کفایت عمل نایب برای تحلیل زن بر او. و اما کسی که حج او استحبابی بوده بعید نیست کفایت طواف نایب از او، و لکن احتیاط آن است که در صورت امکان خودش برود.

مسأله ۱۵ - اگر کسی که با او قرار داده بود ذبح کند نکرده بوده و شخص محرم در روز موعود محل شد و با زن هم نزدیکی کرد معصیت نکرده و کفاره هم ندارد، لکن باید باز هدی یا پول را بفرستد و مواعده کند و باید از زن اجتناب کند، و احتیاط واجب آن است که از وقتی که معلوم شد عمل نشده اجتناب کند گر چه محتمل است که وجوب اجتناب از وقتی باشد که شخص را می فرستد برای ذبح.

مسأله ۱۶ - تحقق محصور بودن مثل تحقق مصدود بودن است که گذشت.

مسأله ۱۷ - اگر مریض بعد از آن که هدی یا پولش را فرستاد حالش خوب شد بطوری که توانائی رفتن به مکه را داشت باید برود، پس اگر محرم به احرام تمتع است و به وقت رسید، اعمال عمره و حج را بجا مآورد و اگر وقت تنگ شد بطوری که اگر بخواهد عمره بجا بیاورد وقوف به عرفات فوت میشود باید برود به عرفات و حج افراد بجا بیاورد، و احتیاط آن است که قصد عدول کند و بعد از آن عمره مفرده بکند، و کافی است از حجة الاسلام.

و اگر وقتی رسید به مکه که حج فوت شده یعنی به وقت اختیاری مشعر نمرسد

عمره او مبدل میشود به عمره مفرده و باید آن را بجا آورد و از احرام خارج شود، و احتیاط آنست که قصد عدول به عمره مفرده کند، و حج واجب را با وجود شرایط در سال دیگر بجا آورد.

مسأله ۱۸ - مصدود به دشمن در حکمی که برای مریض در مسأله پیش ذکر شده مانند

او است.

مسأله ۱۹ - کسانی که مریض نیستند لکن به علت دیگر بعد از احرام نتوانستند به مکه

بروند مثل کسی که پایش یا کمرش شکسته یا بواسطه خونریزی ضعف بر او مستولی شده بعید نیست حکم مریض را داشته باشند، لکن مسأله مشکل است، بنابر این احتیاط آن است که به احرام باقی بمانند تا وقتی که خوب شوند پس اگر حج فوت شده

عمره مفرده بجا بیاورند و از احرام خارج شوند، و حج اگر واجب بوده با وجود شرایط اعاده کنند.

مسأله ۲۰ - زمانی که باید مریض مواعده کند برای ذبح در احرام حج، روز دهم است

به احتیاط واجب و باید قرار تأخیر تا ایام تشریق ندهد، و در احرام عمره تمتع احتیاط آن است قبل از خروج حاج به عرفات باشد.

والحمد لله اولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً والسلام علی محمد وآله الطیبین واللعن علی أعدائهم أجمعین.

مسائل متفرقه محصور و مصدود

۱ - س - شخصی به نیت عمره تمتع استحبابی برای یکی از معصومین "ع" یا یکی

از شهدا محرم شد و طواف و نماز طواف عمره را بجا آورد و قدرت بر اتمام عمل از او

سلب شد، آیا همان حکم محصور و مصدود را دارد؟

ج - اگر مریض شده یا دشمن او را منع کرده، و نمیتواند اعمال را تمام کند و نائب هم نمیتواند بگیرد، حکم محصور و مصدود را دارد.

۲ - س - آیا تصادف در احرام، حصر است و باید عملی که محصور انجام میدهد بجا آورد؟

ج - بلی، با شرایط معتبره در حصر، حکم مصر بر آن مترتب میشود.

۳ - س - در مناسک حکم محصور را که بیان فرموده‌اید، مربوط است به کسی که محرم شده است و قبل از محل شدن محصور شود، در اینجا این سؤال مطرح است که اگر

پس از انجام اعمال عمره تمتع و خارج شدن از احرام آن محصور شود و نتواند برای حج

محرم شود آیا حج از او ساقط است یا نه و وظیفه او چیست؟

ج - از احرام خارج شده است ولی کفایت از حج نمسکند، و چنانچه سال اول استطاعت او باشد حج بر او واجب نشده است.

۴ - س - شخصی بعد از آن که برای حج محرم شده دچار سگته قلبی میشود به گونه‌ای که هر نوع حرکت برای او ضرر دارد، وظیفه او چیست؟

ج - اگر نمیتواند وقوفین را درك کند، حکم محصور را پیدا میکند، و چنانچه وقوفین را درك کرده نسبت به بقیه اعمال، تفصیل بین امکان استنابه و عدم آن است که در

مناسك ذکر شده است.

۵ - س - شخصی در مدینه مصدوم میشود، او را به مسجد شجره مأورند و محرم منمایند آیا احرام او صحیح است و وظیفه بعدی او چیست و اگر نتواند حج انجام دهد

تکلیف او چیست؟

ج - احرام او صحیح است. و اگر میتواند که عمره و حج را انجام دهد، ولو با استنابه در طواف و سعی، حج او صحیح است، و اگر نمیتواند حج بجا آورد احوط آن است که وظیفه محصور را انجام دهد و با احرام مزبور عمره مفرده هم انجام دهد.